



جمهوری اسلامی

آینه تمام‌نمای فساد

و امپراتوری دروغ بزرگ «هیتلری»!

نویسنده: بهرام رحمانی

جمهوری اسلامی آینه تمام‌نمای فساد و امپراتوری دروغ بزرگ «هیتلری»!



نویسنده: بهرام رحمانی

تاریخ انتشار: ۳ آوریل ۲۰۲۴

ناشر: کتابخانه ی گرایش مارکسی

فهرست مطالب

مقدمه

- هنر و مهارت دروغ‌گویی

- از زمین‌خواری تا درآمد ماهانه میلیاردی از هتل؛ از فساد مالی منتسب به کاظم

صدیقی

- واکنش صدیقی به اسناد زمین‌خواری‌اش: من اطلاع نداشتم و امضایم جعل شده است

- پرونده جدید: اجاره ماهانه یک میلیاردی برای هتل جهان

- خامنه‌ای: تنها راه مقابله با ویروس فساد، قطع دست مفسد است

- کارنامه فساد اقتصادی در دست کاظم صدیقی

- کاظم صدیقی: جراحی اقتصادی امتحان الهی است

- نظرات جنجالی ستاد امر به معروف درباره نانوایی‌ها و تلفن همراه

- «نظر موافق» امام دوازدهم شیعیان نسبت به خامنه‌ای

- از قم تا اروپا برای اهل بیت

- آفازده‌های جنجالی در سال ۱۴۰۲

- روحانیان ایران و ارتباط با «ثروتمندان»

- خیریه‌ها، پوششی برای تخلف یا خدمت به مردم؟

- گوشه‌ای از «پرونده‌های مالی» مسئولان قضایی جمهوری اسلامی ایران
- اتهامات سه رئیس قوه قضاییه
- «نمونه»هایی از پرونده‌های مالی
- چهار پرونده فساد اقتصادی بزرگ در سال ۱۴۰۲
- افزایش جرائم و ناهنجاری‌های اجتماعی
- زنانه شدن فقر یا زنانه‌سازی فقر در ایران
- نرخ ترک تحصیل کودکان و نوجوانان به بیش‌ترین مقدار خود در ۵ سال اخیر رسید
- کاظم صدیقی: رهبری هر گاه رنج می‌کشند سری به جمکران می‌زنند
- امام جمعه تهران: وضع اقتصادی آلمان و انگلیس بدتر از ماست
- امام جمعه تهران: ربا جنگ مستقیم با خداست
- اظهارات جنجالی یک امام جمعه درباره حرام لقمه‌ها و حرام خوارها
- امام‌جمعه تهران: اولین کار مادرمان «حوا» پوشاندن خود بود
- امام جمعه تهران: مردم جان‌شان از فساد به لب رسیده
- امام‌جمعه موقت تهران: باید درباره سده‌ه رهبری اعجاز‌آمیز حضرت‌آقا پژوهش انجام شود
- امام جمعه تهران: با شمشیر حقی که به دست رئیسی است باید با فساد برخورد شود
- کاظم صدیقی: امام زمان غصه می‌خورند
- صدیقی: جز امام زمان نظیری مانند رهبری نمی‌توان یافت
- ماجرای «تشرف مقام معظم رهبری محضر حضرت مهدی(عج)»

- کاظم صدیقی: قیام یمنی‌ها مقدمه ظهور امام زمان است
- علت ورود آیت‌الله رئیسی به قوه مجریه
- حجت‌الاسلام کاظم صدیقی: آقا به‌طور مکرر خدمت امام زمان می‌رسند
- ادعای کاظم صدیقی در مورد آشنا بودن امام زمان با آیت‌الله خامنه‌ای
- امام زمان، رهبر بی‌مکان؛ معجزه‌سازی برای خامنه‌ای
- میوه‌های ارزان و عبای سوراخ خامنه‌ای
- وقتی خامنه‌ای از قطار پرید و به محض تولد «یا علی» گفت
- دیدار خامنه‌ای با امام زمان شیعیان
- صدیقی: ظهور رای اولی‌ها در انتخابات پیش زمینه ظهور امام زمان است
- عاملان پرونده فساد ۲۲ میلیون دلاری واردات لاستیک آستان قدس رضوی چه کسانی هستند؟
- «هلدینگ گردشگری جوانمرد»
- فاشیسم و دروغ بزرگ
- نقل قول‌های مذهبی
- روح‌الله خمینی و سیدعلی خامنه‌ای، بزرگ‌ترین دروغ‌گویان تاریخ ایران
- فتوای خمینی
- دروغ‌های بزرگ خامنه‌ای
- انفجار در حرم امام رضا در مشهد و کشتن کشیش‌ها
- هاله نور محمود احمدی‌نژاد
- «دروغ» دولت روحانی در مورد سانحه هواپیمای اوکراینی و...

- دروغ‌های اقتصادی و اشتغالی حسن روحانی
 - فضای اعتراض‌ها همانند عملیات «کربلای ۴»
 - نقش «منافقین و داعش و الاحواز»
 - نیوزویک فتوشاپی با خبر کشته‌شدن ۲۷۰ آمریکایی
 - دروغ‌های ابراهیم رئیسی و وزیرایش
 - دروغ‌های وزیر اطلاعات دولت ابراهیم رئیسی
 - هدف جنبش «زن، زندگی، آزادی»، برهنگی زنان است!
 - روایت تکان‌دهنده زنان زندانی سیاسی از اجبار به برهنه شدن
 - اقرار احمد توکلی به دروغ‌گویی در جمهوری اسلامی
 - «دو سانتی کردن آلت تناسلی مردان مسلمان ایرانی»
- موخره

مقدمه

محمدجعفر منتظری دادستان کل کشور، در ۱۸ آذر ۹۵ با انتقاد از اشارات علنی برخی نمایندگان مجلس به ابهامات مرتبط با حساب‌های قوه قضاییه گفت: «مسائل درون خانوادگی را باید در درون خودمان حل کنیم و نباید فضا سازی کرده و به دشمن اجازه دهیم از یکسری منافذ ورود کند.»

مشابه هشدار معروف آیت‌الله خامنه‌ای در ۱۱ مهر ۱۳۹۰ مبنی بر این‌که رسانه‌ها پرونده «اختلاس سه هزار میلیارد تومانی» را -که تا آن زمان بزرگ‌ترین اختلاس تاریخ ایران بود- «کش ندهند»، چون «عده‌ای می‌خواهند از این حوادث برای زدن توی سر مسئولین سوءاستفاده کنند.» او تاکید داشت: «نباید این قضیه را کش دهند، بگذارید مسئولان کارشان را دنبال کنند و با دقت کار کنند. مردم هم بدانند این چیزها دنبال می‌شود، دست‌ها قطع می‌شود، مسئولان قوه قضاییه هم خبر رسانی کنند.»

همان‌طور که از تاکیدات رهبر و دادستان کل ایران بر می‌آید، سیاست کلی حکومت در ارتباط با موضوعات قضایی، عمدتاً «حل‌کردن مسائل خانوادگی در درون خود» و «کش ندادن» پرونده‌ها به گونه‌ای بوده که از «فضا سازی دشمن» یا «زدن بر سر مسئولین» خودداری شود.

اولییتی که حتی اگر به صراحت از سوی مسئولان حکومتی بیان نشود، گویی بخش بزرگی از جامعه آن را «حس» می‌کند و در نتیجه، مثلاً وقتی

صادق لاریجانی - در ۱۸ مرداد ۹۸ - می‌گوید: «بنده سینه‌ام خزانه الاسرار اتهامات مجموعه‌ای از معاونان، قائم مقامان و آقازاده‌های مسئولان و شخصیت‌هاست»، عملاً تعجب چندانی را بر نمی‌انگیزد.

ابراهیم رئیسی، رئیس جمهور جلاد، در پیام نوروزی خود سال ۱۴۰۲ را سال پرفراز نشیب و همراه با حوادث تلخ و شیرین خواند و افزود: «اما برآیند اتفاقات سال، رشد و شکوفایی بیش‌تر ایران عزیز در همه بخش‌ها بود. رهبر معظم... سال ۱۴۰۲ را سال رشد تولید و مهار تورم نام‌گذاری کردند همه تلاش دولت برای تحقق این شعار متمرکز شد. رشد اقتصادی در مجموع در سال ۱۴۰۲ بر اساس برآورد مرکز آمار حداقل ۶ درصد خواهد بود. الان ۳ سال متوالی است که کشور رشدهای بالای ۴ درصد را تجربه می‌کند.»

وقاحت و دروغ‌گویی بی‌دنده و ترمز، هنر همه ارادل و اوباش حاکم جمهوری اسلامی است، اما در این هر دو، به‌نظر می‌رسد که رئیسی ۶ کلاسه، رکورد اسلاف خود را شکسته و می‌تواند ادعا کند مکتب اقتصادی جدیدی را بنیان گذاشته که در آن با وجود این‌که قیمت‌ها روزبه‌روز رو به‌بالا جهش می‌کند اما تورم سرپایینی می‌رود و در حالی‌که تولید در همه

زمینه‌ها یا از بین رفته یا در حال احتضار است، اما این مکتب اقتصادی رشد ۶ درصد و بیش‌تر را نشان می‌دهد.

اما فارغ از این‌که رئیسی، بی‌پروای ننگ و تمسخر همگان چه می‌گوید، این روزنامه‌ها و مهره‌های حکومتی هستند که به واقعیت‌های اقتصادی تلخ ماورای تصویری گواهی می‌دهند که طی همین یک سال گذشته اتفاق افتاده است:

روزنامه حکومتی مردم‌سالاری در ابتدای سال گذشته، ۱۷ فروردین ۱۴۰۲ نوشت: خط فقر ۱۵ میلیون تومان است. خبرگزاری حکومتی ایلنا در پایان سال، یعنی ۲۵ اسفند، به‌نقل از یکی از مهره‌های حکومت نوشت: «اگر درست محاسبه کنند و سهم واقعی اقلامی مانند مسکن و آموزش را در نظر بگیرند، نرخ واقعی سبد معیشت قطعا ۳۰ میلیون تومان و حتی بیش‌تر است.»

روزنامه شرق، اردیبهشت ۱۴۰۲، از شاخص فلاکت بیش از ۴۰ درصدی و تورم بیش از ۵۰ درصدی خبر داد. همین روزنامه ۱۲ اسفند، نوشت: «بالاترین شاخص فلاکت در سال ۲۰۲۳ برای ایران، رتبه ۱۹ از میان ۱۵۷ کشور جهان است.»

آری، در سالی که گذشت، تمام مردم ایران، به‌جز معدود ۳، ۴ درصدی وابستگان حکومت، در فقر و فلاکت فرو رفتند. به‌گزارش روزنامه‌های

رژیم، از این میان، ۶ دهک پایین جامعه (حدود ۶۰ میلیون نفر) از زیر خط فقر گذشتند و ۳۰ میلیون نفر از خط بقا هم عبور کردند. از این رو شب عید برای اکثریت شهروندان ایرانی، شب نداری و محرومیت و حسرت است. با قیمت‌های سرسام‌آور، کارگران و محرومان نه تنها نمی‌توانند رخت و لباس خود و فرزندان‌شان را نو کنند، بلکه حتی اندکی رنگ و بو دادن به سفره‌های محقر در شب عید هم برای‌شان محال می‌نماید. علت این فقر و فلاکت فراگیر را در آمار و ارقامی که در اقتصاد کلان ارائه می‌شود، می‌توان دید. روزنامه حکومتی ستاره صبح ۲۶ اسفند ۱۴۰۲، به‌نقل از همتی، رئیس‌کل پیشین بانک مرکزی رژیم نوشت: «بر اساس برآورد در مدت دو سال دولت سیزدهم، چاپ پول ۸۳ درصد، نقدینگی ۷۲ درصد، دلار ۹۷ درصد، سکه ۱۶۲ درصد و شاخص قیمت‌ها ۱۱۴ درصد افزایش یافته است.»

همین روزنامه خاطرنشان می‌کند: «این مطلب ۱۲ مرداد امسال چاپ شد. بعد از آن قیمت دلار تا مرز ۶۰ هزار تومان و قیمت سکه تا مرز ۳۷ میلیون تومان پیش رفت. وقتی قیمت دلار و سکه بالا می‌رود، بر قیمت دیگر کالاها تاثیر می‌گذارد و قدرت خرید افرادی را که درآمد ثابت یا پایین دارند کاهش می‌دهد.»

تورم در مواد غذایی از حد متوسط تورم بیش‌تر است. به‌گزارش مرکز آمار «قیمت میوه‌جات و سبزی‌ها ۱۰۰ تا ۲۰۰ درصد در بیش از ۲ سال گذشته افزایش‌یافته و قیمت گوشت سفید و قرمز هم بیش از ۴ برابر نسبت به تابستان ۱۴۰۰ شده است.» (روزنامه ستاره صبح ۲۱ اسفند ۱۴۰۲)

همتی از تورم سه رقمی برای مایحتاج روزمره مردم از گوشت و مرغ و لبنیات «خبر می‌دهد و هم او خطاب به رئیسی که شعار انتخاباتی‌اش «ایران قوی» بود، می‌نویسد: «سقوط قدرت خرید مردم با داشتن رتبه اول جمع منابع نفت و گاز جهان، رفتن بیش از ۳۰ درصد مردم به‌زیر خط فقر، فاصله گرفتن بسیار زیاد از رقبای منطقه‌یی از نظر تولید ناخالص داخلی و قدرت اقتصادی، بدتر شدن رتبه فساد و محیط کسب و کار... کدام یک نشانگر تلاش دولت برای شکل دادن ایران قوی است؟» (سایت حکومتی انتخاب، ۲۵ اسفند ۱۴۰۲)

هرچند که همین همتی هم تا وقتی مصدر کار بود، جز بر فقر و سیه‌روزی مردم نیفزود و تنها جیب‌های راهزنان حکومتی را پر کرد، اما انصافاً رئیسی در دو سال ریاست خود، روی دست همه جنایت‌کاران پیش از خود بلند شده و همه رکوردهای غارت و چپاول در این حکومت غارتگر را شکسته است.

فشار خردکننده این وضعیت اقتصادی بر ضعیف‌ترین اقشار جامعه وارد می‌شود. همان توده عظیمی که اکثریت ۸۰-۷۰ درصدی جامعه ایران را تشکیل می‌دهند. همان اکثریتی که به‌اذعان رسانه‌های حکومتی ۳۰ درصد آن‌ها در زیر خط فقر مطلق به‌سر می‌برند، آن‌ها که قدرت خرید نان خالی را ندارند و نان را هم نسیه یا قسطی می‌خرند.

البته باید تاکید کنیم حکومتی که از روز اول بر غارت و سرکوب مردم استوار شده است حکومتی که بنیان‌گذار تبه‌کار آن، سنگ‌بنای آن را با این حرف سخیف پایه گذاشت که «اقتصاد مال خر است!» از این دیدگاه ارتجاعی جز همین نتایج تلخی که امروز شاهد آن هستیم، نمی‌توان انتظار داشت. اخیراً نوه او حسن خمینی اذعان کرد: «هر درختی که میوه‌اش فقر و نداری باشد، شجره خبیثه است.» آری! این فقر و فلاکت و تباهی، همه ثمرات شجره خبیثه آیت‌الله خمینی و دستگاه روحانیت است. اما دور نیست که این شجره خبیثه با مبارزه و اراده مردم به‌پاخاسته ایران، با انقلاب آزادی‌خواهانه و برابری‌طلبانه مردم ایران برچیده شود و در این میان به دستگاه عریض و طویل روحانیت و مفت‌خوری و بازار فروش خرافه و جهالت آن، نقطه پایانی بگذارد!

از دیر زمانی دستگاه روحانیت در خطابه‌ها و رساله‌ها و سایر کتب دینی، همواره به مردم تذکر می‌دهند که دروغ‌گو دشمن خداست و به همین دلیل،

دروغ نگویند. البته خود بود و نبود خدا هم زیر سؤال است اما دستکم کسانی که به خدا باور دارند اصولاً نباید دروغ بگویند. اما واقعیت‌ها غیر از این ادعا را نشان داده است. به‌خصوص در جامعه ما، و در ۴۴ سال اخیر که دستگاه روحانیت به مقام حاکمیت هم ارتقا یافته روزی نیست که مقامات این حکومت، یک مشت دروغ تحویل مردم ندهند.

اساساً دستگاه عریض و طویل روحانیت از دوران حاکمیت صفوی‌ها تا به امروز هم از حمایت دولتی و هم مردمی برخوردار بوده‌اند و روزگار انگل‌واری سپری کرده‌اند. البته شاید تعداد انگشت‌شماری آخوند هم وجود داشته باشد که در میان راه، مسیر خود را تغییر داده و از دستگاه مفت‌خور و مخوف دستگاه روحانیت و دروغ‌گویی و شیادی جدا شده‌اند و مسیر انسانی و درستی را برای زندگی با دست‌رنج خود در پیش گرفته‌اند.

در یک کلام جمهوری اسلامی، یعنی حکومت مافیایی، غارتگر، شکنجه و اعدام، ترور و وحشت، جنگ و خونریزی، فقر و فلاکت!

این مطلب به گوشه‌هایی از انبوه دروغ‌گویی‌های رهبران و سایر مقامات جمهوری اسلامی از جمله امام جمعه‌ها و روسای جمهور، اختصاص دارد.

هنر و مهارت دروغ‌گویی

«دروغ بزرگ» نام يك «تكنيك» است كه هیتلر از همان تكنيك برای پیش‌برد اهدافش در تبلیغات سیاسی استفاده می‌کرد. از نظر هیتلر، این روش مستلزم آن است که دروغ چنان عظیم باشد که هیچ‌کس باور نکند که «کسی آن‌قدر گستاخ باشد که چنین بی‌شمانه حقیقت را تحریف کند.»

جمهوری اسلامی در تمام حاکمیت ۴۴ ساله خود از دوران خمینی تا به امروز از تكنيك «دروغ گوبلزی» یا همان دروغ بزرگ «هیتلری» استفاده کرده و با همین دروغ‌ها، البته با سانسور و سرکوب، شکنجه و اعدام، وحشت و ترور، جنگ و خونریزی و غارت اموال عمومی مردم، حاکمیت سیاه و خونین خود را سرپا نگه داشته است.

یکی دیگر از ویژگی‌های علنی و نمایش قدرت دیکتاتورها، رایج بودن چاپلوسی و تزویر و ریا، به‌ویژه صحنه‌های چندش‌آور و تهوع‌آور «دست‌بوسی» بالا دستان در حاکمیت آن‌هاست.

همه مقامات و نهادهای جمهوری اسلامی و در راس همه خامنه‌ای و پیش‌از آن خمینی، برای بقای خود، همواره یک مشت دروغ تحویل جامعه ایران و جهان داده‌اند. دروغ مقامات این حکومت به حدی بزرگ است که حقیقتاً روی هیتلر و گوبلز را سفید کرده‌اند.

جمهوری اسلامی، هفته‌ها قبل از سالروز جان‌باختن مهسا (ژینا) امینی، سراسر ایران به ویژه کردستان به شدت میلتاریزه کرده بود و هرگونه حرکتی را زیر نظر داشتند. در هفته‌های اخیر، در شهرهای مختلف ایران صدها تن را به‌بهانه مختلف دستگیر و زندانی کردند. در سقز نیز اطراف منزل خانواده مهسا، توسط ماموران ضدشورش و امنیتی در محاصره بود و گردان‌های مختلف نظامی و انتظامی، سپاه و بسیج و امنیتی جمهوری اسلامی، تمام راه‌های اصلی و فرعی منتهی به آرامستان «آیچی» را مسدود کرده بودند.

در همین زمینه خبرگزاری تسنیم وابسته به نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی، به نقل از امام‌الله گشتاسبی، فرمانده سپاه بیت‌المقدس استان کردستان، نوشته است: «پدر مهسا امینی صبح امروز برای رفتن به سر قبر دخترش از خانه بیرون آمده بود که پس از هماهنگی در مسیر، نیروهای امنیتی او را به محل رسانده بودند و هیچ بازداشتی صورت نگرفته است.»

در حالی که بنا به گزارشات، آقای امینی و خانواده‌اش به‌شدت تحت فشار قرار گرفته تا از برگزاری مراسم سالگرد باختن دخترشان صرف‌نظر کنند و اطلاعیه اخیر در خصوص برگزاری مراسم را تکذیب نمایند.

بازجویان اداره اطلاعات سقز، آقای امینی را تهدید کرده بودند که در صورت هرگونه «فعالیت، مصاحبه و سخنی» از سوی او و خانواده‌اش در خصوص سالگرد، «فرزند دیگرش اشکان بازداشت خواهد شد.» حتی در شبکه‌های اجتماعی نیز تصاویری از بازکردن آب سد چراغ در مسیر منتهی به آرامستان آیچی منتشر شده و به این ترتیب، مسیرهای فرعی به این آرامستان هم با ورود آب قابل رفت‌وآمد نبود. همچنین در شبکه‌های اجتماعی، تصاویر و فیلم‌هایی منتشر شده که نشان می‌دهند نیروهای امنیتی در اطراف خانه خانواده امینی و نیز استقرار ادوات سنگین نظامی، از جمله خودروهای زرهی در تپه مشرف به محل دفن مهسا (ژینا) امینی در گورستان آیچی سقز است.

در چنین وضعیتی، استاندار کردستان و در سالروز کشته‌شدن مهسا (ژینا) امینی، مدعی شد که «طرح ترور پدر مهسا در سقز خنثی شده و چند نفر نیز در این ارتباط دستگیر شدند.»

اگر این ادعا صحت داشته باشد، برای ایجاد هرچه سانسور و خفقان حکومت در سراسر ایران، این احتمال منتفی نیست که برخی اعضای خانواده‌های جان‌باختگان و دستگیرشدگان اعتراضات سال گذشته، ترور شوند و خبر آن را وسیعاً در رسانه‌های حکومتی به‌عنوان ترورهای «اپوزیسیون» و «عوامل خارجی» پوشش دهند.

روز یکشنبه بیست و ششم شهریور ۱۴۰۲، اسماعیل حطیب، وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی در یک برنامه تلویزیونی بار دیگر ایرانیان خارج کشور و رسانه‌های فارسی‌زبان را تهدید کرد که در امان نخواهند بود.»

واقعیت آن است که جمهوری اسلامی و نهادهای امنیتی آن در سناریوسازی سیاه علیه مخالفین خود و ترور آنها، بسیار حرفه‌ای عمل می‌کند چرا که تجربه ۴۴ سال وحشت و ترور را در کارنامه سیاه و وحشیانه خود دارد. از جمله ترورهای سال موسوم به «قتل‌های زنجیره‌ای.»

«قتل‌های زنجیره‌ای»، به ترور برخی از شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی منتقد و مخالف جمهوری اسلامی در دهه هفتاد خورشیدی، در داخل و خارج ایران، گفته می‌شود که به گفته برخی از منابع، با فتوای برخی از روحانیون بلندپایه و به‌دست پرسنل وزارت اطلاعات در زمان وزارت «علی فلاحیان» وزیر اطلاعات دوران ریاست جمهوری رفسنجانی و «قربانعلی دری نجف‌آبادی»، اولین وزیر اطلاعات در دولت محمد خاتمی، انجام شد. ترورهایی که از سال ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۷ ادامه داشتند.

ابتدا خامنه‌ای این ترورها را به دشمنان اسلام و حکومت اسلامی انداخت اما پس از مدتی، حکومت مجبور شد آن‌ها را به‌عهده بگیرد. سرانجام وزارت اطلاعات، طی اطلاعیه‌ای، عوامل قتل‌ها را شماری از پرسنل وزارت اطلاعات یعنی همکاران کج‌اندیش و خودسر-که آلت دست عوامل پنهان و مطامع بیگانگان شده‌اند-نامید. محمد خاتمی، رئیس‌جمهور وقت، تیمی خارج از وزارت اطلاعات را مسئول رسیدگی به پرونده کرد. این تیم پس از یک ماه تحقیق، دست داشتن مقامات بلند پایه وزارت اطلاعات در قتل‌ها را اعلام و عوامل را دستگیر کرد. دري نجف‌آبادی وزیر وقت اطلاعات، بدون توضیحی شفاف برکنار و علی یونسی جایگزین وی شد. البته هنرهای وزارت اطلاعات و سایر نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی به همین ماجرا ختم نمی‌شود و ۴۴ سال است که آن‌ها این هنرنمایی‌های جنایت‌کارانه خود را در داخل و خارج کشور در مقابل جوامع بشری قرار داده‌اند.

اکنون نیز بعید نیست که تیم‌های ترور در خود جمهوری اسلامی دست به این نوع اقدامات برای ترساندن خانواده‌ها و مخالفین بزنند و سپس آن را به گردن دشمنان «خارجی» بیاندازند.

در دوران عصر طلایی «امام راحل»، انقلاب آزادی‌خواهانه و عدالت‌جویانه مردم را از مسیر واقعی خود منحرف کرد به‌طوری که نه

تنها از درد و رنج مردم نکاست بلکه کاملاً برعکس، مشکلات و معضلات و دردهاها و آلام آن‌ها را نسبت به سابق چندین برابر شد. خمینی هیولایی بود که صبح تا شب خون می‌خورد و وحشی‌تر و درنده‌تر می‌شد. او حتی روی تمام دیکتاتورهای قبل از خود، یعنی هیتلر، موسولینی، پولپوت، صدام حسن و سرهنگ قذافی، رضا خان و محمدرضا شاه را سفیدتر کرد و از نظر آدم‌کشی، آزادکشی، بچه‌کشی و زن‌ستیز در مقام بالاتر از آن‌ها قرار گرفت و جانشین‌اش خامنه‌ای نیز همین راه خونین و هیولایی او را علیه مردم ایران و منطقه تا به امروز ادامه داده است.



فاشیسم و دروغ بزرگ

همان‌طور که در مقدمه نیز اشاره شد دروغ بزرگ نام یک تکنیک تبلیغاتی است که برای اولین بار توسط آدولف هیتلر در کتاب «نبرد من» آورده شد. هیتلر درباره این تکنیک می‌گوید:

«توده‌های بزرگ مردم راحت‌تر قربانی یک دروغ بزرگ می‌شوند تا یک دروغ کوچک.»

به‌نظر می‌رسد رهبر و همه مقامات ریز و درشت سیاسی، نظامی و قضایی جمهوری اسلامی، به دقت ریاضی این تکنیک هیتلری را یاد گرفته‌اند. چرا اموراتشان بدون دروغ نمی‌گذرد.

«دروغ بزرگ» نام یک تکنیک است که هیتلر سعی کرد از این تکنیک برای پیش‌برد اهدافش در تبلیغات سیاسی استفاده کند. این کار را به وزیرش وگذار کرد. گوبلز به‌خوبی از پس کار برآمد. گوبلز آن‌قدر دروغ‌های بزرگ گفت که از آن به بعد، تکنیک دروغ بزرگ به «دروغ گوبلزی» در پروپاگاندا یا همان تبلیغات سیاسی معروف شد.

هیتلر در کتاب نبرد من گفته است؛ «مردم شکست آلمان در جنگ جهانی اول را به این دلیل پذیرفتند که یهودی‌های دارای نفوذ در مطبوعات از تکنیک دروغ بزرگ استفاده کردند.»

از نظر هیتلر این روش یک پیش شرط ضروری دارد آن هم این که دروغ چنان باید بزرگ باشد تا هیچ کس باور نکند که کسی ممکن است آن قدر گستاخ باشد که چنین بی‌شرمانه حقیقت را تحریف کند.

هیتلر معتقد بود که «در دروغ بزرگ، همواره نیروی قابل باور بودن موجود است.»

در متون مختلف جمله‌ای از پاول جوزف گوبلز (مسئول تبلیغات دولت نازی) درباره دروغ بزرگ آورده شده است:

«اگر دروغی که می‌گویید به اندازه کافی بزرگ باشد و آن را تکرار کنید، مردم در نهایت باور خواهند کرد. این دروغ تا زمانی حفظ می‌شود که دولت بتواند مردم را در برابر پیامدهای سیاسی، اقتصادی یا نظامی دروغ حفظ کند. بنابراین برای دولت بسیار مهم است که از تمام قدرت خود برای سرکوب مخالفانش استفاده کند چون حقیقت، دشمن جدی دروغ است و در نتیجه می‌شود گفت: حقیقت بزرگ‌ترین دشمن دولت است.»

در سال ۱۹۴۵، بعد از به پایان رسیدن جنگ جهانی دوم، یک فیلسوف و تاریخدان فرانسوی به نام «الکساندر کویره» این‌طور گفت: «در تاریخ هیچ وقت به اندازه روزگار ما دروغ گفته نشده است. دروغ هرگز آن قدر بی‌شرمانه، سیستماتیک و بی‌وقفه نبوده است.»

ژوزف گوبلز در خانواده‌ای متوسط از اهالی «راینلند» در آلمان، در سال ۱۸۹۷، متولد شد. در نوجوانی، زانویش آسیب دید و تلاش پزشکان برای جراحی و ترمیم آن با شکست روبه‌رو شد. به همین دلیل ژوزف، تا پایان عمر می‌لنگید. گوبلز در سال ۱۹۲۴، رسماً به عضویت حزب نازی درآمد؛ حزبی که با تکیه بر دیدگاه‌های افراطی ناسیونال فاشیستی، در صدد بود با استفاده از فضای ناشی از جریحه‌دار شدن غرور ملی آلمانی‌ها در جنگ جهانی اول، به قدرت دست پیدا کند. ماشین تبلیغاتی هیتلر، زیر نظر گوبلز، با استفاده از آخرین شیوه‌های تبلیغاتی، حتی در آخرین روزهای جنگ هم، به آلمانی‌ها تلقین می‌کرد که پیروزی از آن نازی‌هاست. در سایه همین تبلیغات بود که بسیاری از اقدامات جنایت‌بار ارتش نازی‌ها، به صورت فتحی بزرگ برای مردم آلمان تصویر می‌شد و باورهای هیتلر را در ذهن آن‌ها نهادینه می‌کرد. گوبلز، معتقد بود که دروغ، هر چه بزرگ‌تر باشد، باورش برای مخاطبان راحت‌تر است! این تکنیک که با اصطلاح «دروغ بزرگ» یا «دروغ گوبلزی» شهرت یافته است، به‌طور سیستماتیک مورد استفاده نازی‌ها قرار گرفت و نازی‌ها آن را، برگرفته از روش‌های سرمایه‌داران یهودی آلمانی، پیش از آغاز جنگ جهانی اول می‌دانستند. گوبلز که از سال ۱۹۳۳، مسئولیت وزارت تبلیغات سیاسی

هیتلر را برعهده داشت، تا واپسین روز زندگی خود این مسئولیت را حفظ کرد و هیچ‌گاه مورد سوءظن وی قرار نگرفت.

گوبلز در شناخت ابزارهای تبلیغاتی نیز، توانمند بود. او از «رنی ریفنشتال»، فیلم‌ساز مشهور آلمانی خواست تا فیلمی را در راستای سیاست‌های تبلیغی آلمان نازی بسازد و «پیروزی اراده» که برخی آن را نخستین فیلم تبلیغاتی - سیاسی دنیای سینما می‌دانند، با سفارش گوبلز ساخته شد و به نمایش درآمد. گوبلز با وجود مشغله فراوان در وزارت تبلیغات، از سال ۱۹۴۰ و هم‌زمان با اوج‌گرفتن پیروزی‌های آلمان، اداره مجله «رایش» را شخصا برعهده گرفت و به نگارش مقالات متعدد در آن، مبادرت کرد. سرمقاله‌های گوبلز در این مجله، یکی از برجسته‌ترین الگوهای پروپاگاندا در تاریخ محسوب می‌شود.

حاصل ازدواج گوبلز با «ماگدا»، شش فرزند بود. دیدگاه‌های «ماگدا» نیز، مانند شوهرش، منطبق با دیدگاه‌های نژادپرستانه و راسیستی آدولف هیتلر بود و بر همین اساس، برخی از تاریخ‌نگاران، «ماگدا» را بانوی اول نازی‌ها می‌دانند. شکست‌های پی‌درپی ارتش آلمان در سال‌های ۱۹۴۴ تا ۱۹۴۵، به ویژه شکست سنگین آن‌ها در شوروی، شرایط را برای هیتلر و اطرافیانش، هر لحظه سخت‌تر می‌کرد. با نزدیک شدن نیروهای شوروی به برلین، وحشت گرفتار شدن به دست کمونیست‌ها، یک لحظه از فکر

هیتلر و گوبلز خارج نمی‌شد. شرایط به وجود آمده، در نهایت هیتلر را به این نتیجه رساند که باید به زندگی خود خاتمه دهد؛ این تصمیم، تصمیم گوبلز و همسرش نیز بود. اما گوبلز ۴۸ ساله و همسر ۴۳ ساله‌اش برای اجرای این نقشه، با مشکلی جدی روبه‌رو بودند؛ باید با شش فرزند خود چه می‌کردند؟ تصمیم وحشتناکی که این زن و شوهر گرفتند، عبارت بود از پایان دادن به حیات شش فرزندشان! آن‌ها فرزندانشان را بیهوش کردند و سپس، به آن‌ها سم سیانور خوراندند؛ آن‌گاه گوبلز، به سربازان تحت امرشان دستور داد که به طرف او و همسرش شلیک کنند و آن دو را به قتل برسانند. این اتفاق، ساعاتی پس از خودکشی هیتلر، در روز اول ماه مه سال ۱۰۴۵ روی داد. هنگامی که نیروهای شوروی به محل زندگی گوبلز هجوم آوردند، با پیکر غرق در خون و سر متلاشی شده گوبلز و همسرش روبه‌رو شدند. به هر حال، جنون جاه‌طلبی ژوزف گوبلز و همسرش، سرانجام با مرگ وحشتناک و جنایت‌بار فرزندانش به دست خود او، پایان یافت.

آن زمان که هیتلر و فاشیست‌هایش از تکنیک دروغ بزرگ برای تحقق اهداف خودشان استفاده می‌کردند نه خبری از فضای مجازی بود، نه شبکه‌های اطلاع‌رسانی که زحمت پخش دروغ‌ها را برایشان بکشد، اما حالا این روزها رسانه‌های جمهوری اسلامی، روزانه سخنان دروغ

خامنه‌ای، رییس جمهور و وزرا، مقامات قوه قضاییه و مجلس، امام جمعه‌ها و سایر مقامات سیاسی، قضایی و نظامی جمهوری اسلامی را پخش می‌کنند و کارشان برای استفاده از تکنیک «دروغ بزرگ» راحت‌تر شده است.

در این میان، مردم ممکن است در طول روز دروغ‌های کوچک بسیاری بگویند اما از گفتن دروغ‌های بزرگ خجالت می‌کشند. تازه شاید ضرری هم به کسی نمی‌رسانند.

نقل قول‌های مذهبی

مبلغین و مروجین مذهبی مدعی‌اند خداوند در قرآن، دروغ را دلیل اصلی تمام گناهان و زشتی‌ها خوانده است.

امام حسن عسکری گفته است: «تمام پلیدی‌ها در اتاقی قفل شده است و کلید آن دروغ است.»

سوره غافر آیه ۲۸:

... إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ:

«خداوند کسی را که اسرافکار و بسیار دروغ‌گو است هدایت نمی‌کند.»

از علی، امام اول شیعیان نقل شده است:

«سزاوار است که مسلمانان از دوستی و برادری با دروغگو اجتناب کنند؛ زیرا او آنقدر دروغ می‌گوید که راستش را هم باور نمی‌کنند.»

«دروغ انسان را به سوی بدی‌ها هدایت می‌کند و بدی‌ها نیز به سوی آتش جهنم.»

محمد پیامبر مسلمانان:

«آیا شما را از بزرگ‌ترین گناهان خبر ندهم؟ بزرگ‌ترین گناه شرک به خدا و بد رفتاری نسبت به پدر و مادر و دروغ گفتن است.»

اما باقر:

«دروغ ویران کننده ایمان است.»

فرض کنیم اگر این نقل و قول‌های مبلغین مذهبی، واقعیت دارد پس اصولاً باید همه سران و مقامات جمهوری اسلامی و حکومت‌ها و سازمان‌های شبیه آن‌ها مانند حکومت ترکیه، افغانستان، عراق، یمن، عربستان و سازمان‌هایی همچون القاعده، اخوان المسلمین، داعش، بوکوحرام و...، دشمن درجه خدا و قرآن و پیامبران و امامان محسوب شوند چرا که کسب و کارشان با دروغ می‌گذرد و همواره به چشمان مسلمانان و طرفداران‌شان خاک می‌پاشند.

شکی نیست که دروغ گفتن عملی است زشت و ناپسند است که باید از آن پرهیز کرد. حال چه دروغ مصلحتی باشد و چه غیرمصلحتی. در واقع مفهومی به نام دروغ مصلحتی نداریم. سخن یا راست است یا دروغ. مفهوم و معنی ضرب‌المثل دروغگو دشمن خداست نیز اشاره به کبیره بودن گناه دروغ دارد و ربطی به خدا و دین و اسلام ندارد.

دروغ گفتن یکی از بزرگ‌ترین گناهان و در اصطلاح آفت زبان است. کلامی که می‌تواند آثار جبران‌ناپذیری در زندگی شخص دروغگو و اطرافیان‌ش گذارد.

دروغ باعث از بین رفتن اعتماد و اطمینان بین طرفین می‌شود و زمانی که اعتماد و اطمینان وجود نداشته باشد، پایه روابط سست خواهد شد و این سستی در جامعه تأثیرگذار خواهد بود. دروغ می‌تواند دوستی‌ها را برهم زده و فرد دروغگو را تنها و منزوی سازد.

اما مسلم است که هیچ انسانی فطرتاً دروغگو نیست. او دروغ‌گویی را از محیط خود، یعنی خانواده، مدرسه و به‌طور کلی اجتماعی که در آن زندگی می‌کند، یاد می‌گیرد. تحقیقات نشان می‌دهد که کودکان ابتدا این عمل را از والدین و اطرافیان خود که با آن‌ها زندگی می‌کنند و سپس از دوستان و دیگر افراد اجتماع که با آن‌ها برخورد دارند، یاد می‌گیرند.



از زمین‌خواری تا درآمد ماهانه میلیاردی از هتل؛ از فساد مالی منتسب
به کاظم صدیقی

کاظم صدیقی از نزدیکان رهبر جمهوری اسلامی ایران است و بارها او
را در مقام «امام زمان» و کسی که «الهام الهی» دارد، معرفی کرده
است.

حوزه علمیه امام خمینی در بیانیه‌ای که روز دوشنبه ۲۸ اسفند، یعنی در
واپسین روز سال پیش منتشر شد، اعلام کرد که در این ماجرای تخلف هزار

میلیاردی «اشکالات شکلی» پیش آمده که رفع شده و «افراد مبحوث عنه از موسسه خارج شدند.»

اما در بیانیه، این تشکیلات حوزوی تحت مدیریت صدیقی مشخص نشده که منظور از افراد مورد بحث چه کسانی بوده‌اند.

نخستین بار روز ۲۳ اسفند یاشار سلطانی، روزنامه‌نگاری که به افشاگری برخی پرونده‌های فساد از جمله ماجراهای منتسب به قالیباف شهرت دارد، با انتشار اسنادی این ماجرای فساد مالی را رسانه‌ای کرد.

این تخلف مالی مدرسه علمیه امام خمینی در منطقه ازگل تهران که تحت تولیت کاظم صدیقی اداره می‌شود، باغی به مساحت چهارهزار و ۲۰۰ متر داشته است که قیمت روز آن، حدود هزار میلیارد تومان برآورد می‌شود. اما آبان ۱۴۰۲، شرکتی به‌نام «موسسه غیرتجاری پیروان اندیشه‌های قائم» ثبت شد و بعد از آن، اسناد مالکیت این باغ گران‌بها به نام این شرکت گردید.

مالکان این شرکت کاظم صدیقی و چند نفر از پسران و دوستان او هستند و عروزش نیز بازرس شرکت است. بنا به نوشته رسانه‌های داخلی ایران، این مجموعه در ۲۳ هزار متر زمین شامل برج‌باغ، ۲۵ واحد آپارتمانی خانه‌های مسکونی برای اساتید، مسجد، استخر، مجموعه ورزشی و ساختمان حوزه علمیه است. بر پایه تصاویر اسنادی که منتشر شده، به‌طرز عجیبی «موسسه

غیرتجاری پیروان اندیشه‌های قائم» یک ماه بعد از تاسیس صاحب چهار هزار و ۲۰۰ متر از زمین‌های مدرسه علمیه امام خمینی می‌شود. به نوشته روزنامه شرق، هرچند در اساسنامه موسسه به «غیرتجاری» بودن آن اشاره شده است، اما در شرح خدمات شرکت بیش‌تر فعالیت‌ها تجاری ثبت شده است.

به نوشته پایگاه خبری فرارو، حضور نامی چون «جواد عزیزی» هم در ترکیب مؤسسان شرکت «پیروان اندیشه‌های قائم» جالب توجه است. او یکی از مدیران شهرداری تهران در زمان قالیباف است که حالا در ترکیب شرکتی حضور دارد که به‌عنوان اولین اقدام بخشی از زمین‌های یک حوزه علمیه را به‌نام خودش ثبت کرده است. او دارای چندین پرونده قضایی در زمان مسئولیتش در شهرداری تهران بود.

به‌هر روی بر اساس اسناد، مشخص است که مالکیت بخشی از زمین‌های مورد بحث تا پیش از این با «مدرسه علمیه امام خمینی تهران» بوده و بعد از آن مالکیت این زمین‌ها به شرکت «پیروان اندیشه‌های قائم» رسیده است.

کاظم صدیقی خود در نامه‌ای به دادستان تهران به ادعای زمین‌خواری در حوزه ازگل تهران واکنش نشان داد. او با تایید اصل فساد رخ داده، از روند اجرائی این زمین‌خواری اظهار بی‌اطلاعی کرد. صدیقی، رئیس کنونی ستاد امر به معروف و نهی از منکر که ریاست پیشین دادسرا و دادگاه عالی انتظامی

قضات را نیز در رزومه خود دارد، روز گذشته در واکنش به اتهام زمین‌خواری، باره اتهام منسوب به خود اصل ماجرا را متوجه فرد دیگری کرده است.

صدیقی در نامه‌ای که خطاب به دادستان نوشته است این‌چنین توضیح داده: «حوزه علمیه امام خمینی در چارچوب اساسنامه خود، سال‌ها قبل برای تمهید ورود نوجوانان و دانش‌آموزان علاقه‌مند به آموختن دروس دینی و حوزوی تصمیم به تاسیس مجموعه آموزشی و فرهنگی پیش‌حوزوی گرفته و برای تاسیس این مرکز اقدام به اخذ مجوزهای قانونی لازم نمود. بر همین اساس لازم بود تا مؤسسه‌ای وابسته به حوزه علمیه امام خمینی تاسیس گردد و بخشی از زمین متعلق به حوزه برای ایجاد این مرکز پیش‌حوزوی به آن مؤسسه منتقل شود.»

او می‌گوید فردی که نام او در رسانه‌ها برده نشده و قبلاً مورد اعتماد مجموعه بوده، مسئول پیگیری و انجام امور ثبت اداری مؤسسه شده است و می‌افزاید: «اما متأسفانه فرد مذکور با سوءاستفاده از اعتماد اقدام به تدوین و ثبت اساسنامه، جعل امضای این‌جانب، تسهیم سهام به آن کیفیت و بدون اطلاع تولیت، مدیر حوزه و برخی اعضا نموده و مع‌الاسف حتی بدون ورود و امضای این‌جانب و برخی اعضا ثبت این قضیه صورت پذیرفته است؛ بنابراین مؤسسه ثبت‌شده به کیفیتی که در رسانه‌ها انتشار یافت، بدون اطلاع این‌جانب

و مدیریت حوزه و برخلاف اهداف مصوب آن به ثبت رسیده است؛ لذا این‌جانب کاظم صدیقی از جایگاه تولیت حوزه علمیه امام خمینی(ره) و به عنوان یک شهروند، بدون در نظر گرفته‌شدن سوابق قضایی و عناوین سیاسی اجتماعی استدعا دارم نسبت به ثبت شکایت رسمی از فرد مذکور و دیگر نقش‌آفرینان در این فقره، با عنوان جعل و خیانت در امانت اقدام فرموده تا ابعاد این مسئله برای عموم مردم عزیز ایران، خاصه مومنین روشن و شفاف شود.»

واکنش صدیقی به اسناد زمین‌خواری‌اش: من اطلاع نداشتم و امضایم جعل شده است

در پی انشار اسناد زمین‌خواری هزاران متری کاظم صدیقی، امام جمعه موقت تهران و پسرانش در شمال پایتخت از طریق تاسیس یک شرکت خانوادگی، او در نامه‌ای به دادستان تهران، نوشت که از این موضوع اطلاعی نداشته و امضایش جعل شده است.

رسانه‌های ایران روز یکشنبه ۲۷ اسفند ۱۴۰۲، متن نامه صدیقی به علی صالحی دادستان تهران را منتشر کردند که در آن آمده است: «اتفاقات رخ داده بدون اطلاع اینجانب و مدیریت حوزه بوده و امضای من توسط فردی که پیش‌تر مورد اعتمادم بوده جعل شده است.»

او از دادستان تهران خواسته که «نسبت به ثبت شکایت رسمی از فرد مذکور و دیگر نقش‌آفرینان در این فقره، با عنوان جعل و خیانت در امانت اقدام» کند «تا ابعاد این مساله برای عموم مردم» روشن شود.

طبق اسنادی که بت تازه‌گی افشا شده، صدیقی و پسرانش از طریق تاسیس یک شرکت خانوادگی، باغی به مساحت چهار هزار و ۲۰۰ متر مربع را در کنار حوزه علمیه ازگل در شمال تهران تصاحب کرده است.

امام جمعه موقت تهران ۲۰ سال پیش حوزه علمیه ازگل را در زمینی به مساحت ۲۰ هزار متر مربع در نزدیکی تجریش تهران تاسیس کرد که بیشتر زمین این مجموعه متعلق به سازمان اوقاف و شهرداری تهران بود. براساس اسنادی که یاشار سلطانی، مدیر مسئول پیشین «معماری نیوز» منتشر کرده، زمین این باغ به نام شرکت «پیروان اندیشه‌های قائم» سند زده شده و این شرکت در ۱۴ خرداد ۱۴۰۲ به نام کاظم صدیقی و دو پسرش محمد مهدی و محمد حسین به ثبت رسیده است.

یک ماه پس از تاسیس این شرکت، سند چهار هزار و ۲۰۰ متر زمین به ارزش تقریبی هزار میلیارد تومان که قبلا به نام «حوزه علمیه امام خمینی» بود، به شرکت خانوادگی «پیروان اندیشه‌های قائم» واگذار شد. صدیقی در نامه خود جدا کردن بخشی از زمین حوزه علمیه ازگل به بهانه «تاسیس مرکز پیش‌حوزوی» را تایید کرده است.

او افزوده که فردی «مورد اعتماد»، مسئول پیگیری و انجام امور ثبت اداری این مرکز شد، اما به گفته صدیقی، این فرد در تقسیم سهام به صدیقی اطلاعی نداد.

این ادعای صدیقی در حالی است که طبق اسناد منتشر شده، محمد مهدی صدیقی رییس هیات مدیره و محمد حسین عضو هیات مدیره شرکت «پیروان اندیشه‌های قائم» هستند.

رضوانه قوام، عروس کاظم صدیقی، نیز بازرس این شرکت خانوادگی است و فضل‌الله بیگوردی، سرتیم حفاظت امام جمعه موقت تهران، نیز بازرس علی‌البدل این شرکت است.

نایب رییس هیات مدیره و یکی از شرکای این شرکت نیز جواد عزیزی، رییس پیشین اداره املاک شهرداری تهران در دوره محمد باقر قالیباف است.

اما این تنها فعالیت اقتصادی خانواده صدیقی نیست و بررسی شبکه شرکت‌های پسران کاظم صدیقی، ابعاد پنهانی از فعالیت‌های تجاری این خاندان را آشکار می‌کند. علاوه بر این خدمات غیرتجاری، شرکت‌های مهمی که از قضا «تجاری» نیز هستند، از سوی این خاندان ثبت شده‌اند.

دو پسر او همچنین به همراه حسام‌الدین مهدوی ابهری، پسر نماینده پیشین مجلس و از دوستان کاظم صدیقی، اعضای هیات مدیره شرکت «آریا معدن پرگاس» هستند که در امور معدن فعال است.

از سوی دیگر، محمد حسین صدیقی به همراه حمید شکیب‌مهر، فرمانده پیشین سپاه قم و مالک هتل چهارستاره مهسان قم، از طریق دو شرکت «طلایه داران اقلیم پارسه» و «طلایه‌داران باد و اقلیم پارسه» در حوزه هتل‌داری فعال است.

کاظم صدیقی از چهره‌های تندرو حکومت جمهوری اسلامی است که بارها با اظهارنظرهای جنجال‌برانگیز پا کرده است.

او چند بار، از جمله در تیرماه ۱۳۹۱ مدعی شد خامنه‌ای با امام دوازدهم شیعیان ارتباط داشته و پس از مرگ مصباح یزدی، صدیقی در برنامه‌ای تلویزیونی گفت که مصباح در غسل‌خانه زنده شده است.

صدیقی که از شاگردان محمدتقی مصباح یزدی است، پیش از آن‌که از سوی خامنه‌ای به امامت موقت جمعه تهران منصوب شود، در قوه قضاییه مشغول به کار بود و پنج سال پیش نیز رییس ستاد امر به معروف و نهی از منکر کشور شد.

با وجود افشای فساد مالی صدیقی، او همچنان از نزدیکان خامنه‌ای است و روز جمعه اسفند در خطبه‌های نماز جمعه تهران، «انضباط مالی» دولت ابراهیم رئیسی را ستود.

پرونده جدید: اجاره ماهانه یک میلیاردی برای هتل جهان

یاشار سلطانی یک ادعای دیگر درباره واریز اجاره ماهانه یک هتل به حساب متعلق به کاظم صدیقی و پسرش مطرح کرده و روز یکشنبه ۲۷ اسفند ۱۴۰۲، در سایت شخصی‌اش نوشت: «در پی انتشار گزارش زمین‌خواری ۱۰۰۰ میلیاردی آیت‌الله صدیقی و پسران اسناد جدیدی از خانواده امام جمعه موقت تهران و رئیس ستاد امر به معروف و نهی از منکر به دستم رسیده که نشان می‌دهد فعالیت‌های مرتبط با حوزه علمیه امام خمینی در ازگل به ریاست آقای صدیقی با حساب‌های شخصی ایشان و پسرشان ارتباط مستقیمی دارد.» اسناد تازه مورد اشاره سلطانی، نشان می‌دهد که درآمدهای حاصل از یکی از دارایی‌های ارزشمند حوزه علمیه امام خمینی تهران به جای واریز به حساب این مرکز به حساب موسسه‌ای واریز می‌شود که همه کاره‌ی آن کاظم صدیقی و پسرش محمد مهدی است.

سوژه این گزارش وضعیت مالکیت درآمدهای هتل جهان مشهد است، هتلی که در ۱۳۹۳ از سوی خیرین به حوزه علمیه امام خمینی تهران در ازگل به

مدیریت کاظم صدیقی واگذار شد تا از درآمدهای آن برای حوزه علمیه و هزینه‌های آموزشی و دینی این حوزه استفاده شود. اما سلطانی مدعی است درآمد این حوزه در سال جاری به حساب مؤسسه‌ای به مدیریت کاظم صدیقی واریز می‌شده است.

او می‌نویسد: «سه ماه پیش حوزه علمیه امام خمینی تهران طی قراردادی با بانک ملت، بهره‌برداری از هتل ۶۵ واحدی جهان را به مدت ۳ سال به این بانک واگذار شده و اجاره ماهیانه یک میلیارد تومانی برای این هتل سه ستاره واقع در خیابان امام رضا ۱۰ مشهد در نظر گرفته شده است.»

به گفته او، از آنجایی که تمام صد در صد سهام این هتل به مدرسه علمیه امام خمینی تهران انتقال یافته است طبیعتاً هر گونه قرارداد هم باید با این مدرسه منعقد شده و درآمدهای حاصل از این محل هم به حساب حوزه علمیه امام خمینی تهران واریز شود.

اما نکته عجیب در این میان واریز اجاره این هتل به حسابی غیر از حساب حوزه علمیه است. یاشار سلطانی با انتشار مدارکی از روزنامه رسمی کشور در سایتش، نوشت که موسسه پژوهشی آموزشی اندیشه‌های امام خمینی نام مؤسسه‌ای شخصی و بدون وابستگی به حوزه علمیه از گل است که توسط کاظم صدیقی و چند نفر دیگر از جمله پسرش محمد مهدی تاسیس شده است. امضای کلیه قراردادها و اسناد مالی تعهدآور (چک و سفته) و ترازهای

موسسه توسط محمد مهدی رجبی صدیقی به همراه امضا رئیس موسسه یعنی کاظم صدیقی و مهر موسسه انجام می‌گیرد. حق امضای سند به کاظم صدیقی و محمد مهدی صدیقی داده شده و اجاره یک میلیاردی به این حساب واریز می‌شود و خبری از شماره حساب حوزه علمیه امام خمینی تهران در این زمینه نیست.

سلطانی می‌گوید مشخص نیست وجوه حاصل از اهدای هتل به حوزه علمیه که قرار بود صرف هزینه‌های آموزشی و دینی طلاب حوزه گردد، چگونه در حساب موسسه شخصی و حساب کاظم صدیقی و پسرش واریز می‌شود. بسیاری از کاربران فضای مجازی هم معتقدند انتقال چهار هزار و ۲۰۰ متر زمین با امضای جعلی کمی عجیب است و باورش سخت، بنابراین این سوالات مطرح است که صدیقی یا فرزندان یا عروسش یا خلاصه یکی از نزدیکانش در پیروان اندیشه‌های قائم، از خود نپرسیدند نحوه نقل و انتقال این زمین چگونه بوده است؟ ممکن است چنین غافل باشند و صاحب چنین دارایی عظیمی شوند و از خود نپرسند روند کار چگونه بوده است؟

کاظم صدیقی را به‌خاطر صحنه‌های گریه کردن در جریان سخنرانی‌هایش به «شیخ گریان» معروف است. برخی اصول‌گرایان حکومتی کمابیش به حمایت از صدیقی برآمدند. عبدالله گنجی، فعال سیاسی اصول‌گرا در حمایت از صدیقی در شبکه ایکس نوشت: «نامه حاج آقا صدیقی را حمل بر صحت

می‌گذارم. علتش این‌که پذیرفته است مدیریت خودش اشکال دارد و آماده پاسخ‌گویی قضایی است و به توجیه و انکار و جدل در موضوع رو نیاورده است؛ لذا افشاکننده با هر نیتی هم سوت زده باشد باید اول توسط خود صدیقی مورد تقدیر قرار گیرد.»

از سال‌ها پیش تاکنون، هر از چند گاهی مواردی از پرونده‌های تخلفات مالی گسترده نزد مدیران و مسئولان رده بالا و میانی در جمهوری اسلامی آشکار می‌شده است. اما شتاب و بزرگی این پرونده‌ها اکنون به مرحله نهادینه شدن در ساختار جمهوری اسلامی رسیده است. مقامات رسمی جمهوری اسلامی ایران در برابر هر کدام از این موارد رفتارهایی از نادیده گرفتن و تکذیب تا برخورد قضایی داشته‌اند و در بسیاری از آن‌ها نیز دست خودشان در کار بوده است. در مواردی که فساد مالی به شخصیت‌های رده بالای نظام مربوط می‌شود، موضوع پیچیده‌تر است.

با توجه به زمان افشاگری علیه کاظم صدیقی در واپسین روزهای سال، گرفتار بودن شهروندان و انتشار توضیح خود تشکیلات حوزوی تحت مدیریت صدیقی، به‌نظر می‌رسد حکومت قصد دارد این ماجرا را مضمول مرور زمان کرده و مانند بسیاری پرونده‌های دیگر، رفته‌رفته آن را از ادهان محو کند.

خامنه‌ای: تنها راه مقابله با ویروس فساد، قطع دست مفسد است

علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی ایران در جریان سخنرانی خود ۲۷/۰۶/۲۰۲۰ برای مسئولان قوه قضاییه، اعلام کرده بود که «تنها راه مقابله با ویروس فساد، قطع دست مفسد است.»

این سخنان در زمانی بیان شد که رسیدگی به پرونده علی‌اکبر طبری، معاون اجرایی پیشین قوه قضاییه و افشاگری‌هایی که در جریان آن درباره دست داشتن بسیاری از مقامات حکومتی در فساد گسترده دستگاه قضایی ایران شد، جنجال بزرگی را به پا کرده است.

بنا بر گزارش ایسنا، علی خامنه‌ای در نشستی که به شکل ویدئو کنفرانس برگزار شد، با طرح این موضوع که «فساد مالی و اقتصادی همچون ویروس کرونا، بسیار خطرناک و به شدت واگیردار است» گفت: «تنها تفاوت ویروس کرونا با ویروس فساد این است که ویروس کرونا با شست و شوی دست برطرف می‌شود اما تنها راه مقابله با ویروس فساد، قطع دست مفسد است.» او همچنین با اشاره به تدوین سند تحول در دستگاه قضایی ایران و برخی مقاومت‌ها در مقابل آن گفت: «برخی مقاومت‌ها نه از روی سوءنیت بلکه از سر ناتوانی یا نداشتن حال و حوصله تغییرات بنیادین است.»

خامنه‌ای افزود: «مخالفت‌های کسانی که از وضع موجود منتفع هستند و کارشکنی‌ها و فضاسازی‌های شبکه در هم تنیده مفسدان و مجریان نیز ایجاد تحول را سخت‌تر می‌کند.»

بنا بر گزارش ایسنا، او با گلایه از «اهانت و ظلم به برخی بزرگان پاکدست قبلی قوه قضاییه» در جریان قضاوت‌ها و اظهارنظرها دادگاه اخیر(احتمالاً منظور دادگاه اکبر طبری است) تاکید کرد که باید از رسانه‌ها برای نشان دادن عدالت دادگاه‌های ایران استفاده شود.

علی خامنه‌ای گفت: «متأسفانه با غفلت برخی مسئولان مربوط در عرصه نظارت بر فیلم‌ها، شاهد نمایش فیلم‌هایی هستیم که اساس و میانی قضایی جمهوری اسلامی را زیر سؤال می‌برند... غربی‌ها بر خلاف واقعیت، در فیلم‌های سینمایی، دادگاه‌های خود را عرصه عدالت محض نشان می‌دهند ولی ما حتی در ارائه واقعیات کشور از ظرفیت‌های هنری و رسانه‌ای بهره نمی‌گیریم و گاهی بر عکس نشان می‌دهیم.»

او همچنین با اشاره به دستور تازه رئیس قوه قضاییه در این‌باره که برخی بانک‌ها حق مصادره و تعطیلی واحدهای تولیدی را ندارند، گفت: «این کار بسیار درست و قابل تعمیم در مورد کسانی است که با خرید واحدهای تولیدی و اخراج کارگران و فروش تجهیزات، کاربری این واحدها را تغییر می‌دهند. این‌گونه اقدامات، ضربه به اقتصاد کشور است.»

کارنامه فساد اقتصادی در دست کاظم صدیقی

بررسی شبکه شرکت‌های پسران کاظم صدیقی، ابعاد پنهانی از فعالیت‌های تجاری این خاندان را آشکار می‌کند. علاوه بر این خدمات غیرتجاری، شرکت‌های مهمی که از قضا «تجاری» نیز هستند، از سوی این خاندان ثبت شده‌اند.

شرکت «آریا معدن پرگاس» که در حوزه استخراج معادن زیرزمینی و روباز و استخراج فرآورده‌های معدنی مشغول به کار است، یکی از شرکت‌هایی است که از سوی خاندان صدیقی ثبت شده و در حال فعالیت است.

یکی از اعضای هیات مدیره این شرکت، فردی است به نام «حسام‌الدین مهدوی ابهری» که ۱۴ آبان ۱۳۹۷ گزارشی با تیتیر «سود میلیاردی بلیت فروشی هم‌چنان در چنگ آقازاده‌ها؛ این بار ح.م.» درباره او در سایت ایران‌وایر (شنبه ۱۴۰۲/۱۲/۲۶) منتشر شده است.

در این گزارش، ضمن اشاره به سود میلیاردی آقازاده‌ها از فروش بلیت‌های لیگ فوتبال آمده است: «به ازای فروش هر بلیت بازی‌های لیگ ایران، ۱۰ درصد سهم فدراسیون فوتبال می‌شد، پنج درصد به سازمان لیگ، پنج درصد به هیات فوتبال، پنج درصد به نیروی انتظامی و ۳۵ درصد به

شرکت برهان مبین می‌رسید؛ این یعنی ۶۰ درصد سود یک مسابقه خرج برگزاری و بلیت‌فروشی می‌شد و فقط ۴۰ درصد به دو تیم مهمان و میزبان داده می‌شد.»

در همان خبر اشاره شده است که حسام‌الدین، فرزند «احمد مهدوی ابهری» است که نماینده حوزه انتخابی ابهر و خرمدره در دوره‌های پنجم، هفتم و هشتم مجلس شورای اسلامی بوده است.

نکته قابل تامل آن‌که احمد مهدوی ابهری، همان همشهری و رفیق قدیمی کاظم صدیقی است.

این در حالی است که خاندان صدیقی علاوه بر حوزه معدن در حوزه هتل‌داری نیز با پسران «حمید شکیب مهر»، فرمانده سابق سپاه قم، در شرکت‌هایی به نام «طلایه‌داران اقلیم پارسه» و «طلایه‌داران باد و خورشید پارسه»، فعالیت‌های تجاری دارند.

نکته دیگر اینکه پسران صدیقی در اسفند ماه ۱۳۸۹ نیز با تاسیس شرکتی به نام «بازرگانی و پخش ریحانه‌گستر راه ابریشم»، قرار بود فعالیت‌های تجاری خود را در حوزه بازرگانی و صادرات و واردات شکل دهند که به دلایل نامعلوم مجبور به انحلال این شرکت شده‌اند.

چهار سال پیش که بحث مالک تک‌ماکارون و تخلفات آن در توییتر سابق منتشر شد، درباره علایق ویژه و ارتباطات رضا مطلبی کاشانی، مالک

تک‌ماکارون با برخی از امامان جمعه به خصوص کاظم رجبی صدیقی، برای نخستین بار در فضای مجازی سؤال شد.

همان زمان از تشکیل مثلث رفاقتی میان احمد مروی، تولیت فعلی آستان قدس رضوی، کاظم رجبی صدیقی، امام‌جمعه تهران و رضا مطلبی کاشانی خبرهایی منتشر شد که بر اساس آن‌ها، حاصل این رفاقت در نهایت این شده که با حمایت و معرفی مروی، اسماعیل خطیب به عنوان رییس اداره اطلاعات قم منصوب شد.

خطیب اکنون وزیر اطلاعات دولت ابراهیم رئیسی است.

پس از مرگ محمدتقی مصباح یزدی، کاظم صدیقی در صدا و سیمای جمهوری اسلامی با اشاره به کرامات او، مدعی شد از غسلی که مصباح یزدی را می‌شسته، شنیده است که مصباح چشم‌هایش را در هنگام شست‌وشو باز کرده است.

پس از آن بود که برخی خبرنگاران در توئیتر به بیماری روانی صدیقی اشاره کرده و نام غسل مدنظرش یعنی رضا مطلبی کاشانی، صاحب تک‌ماکارون را افشا کردند. همان‌جا بود که از دوست پولدار علیرضا پناهیان، دیگر روحانی حکومتی که همان رضا مطلبی کاشانی است، پرده‌برداری شد.

کاظم صدیقی: جراحی اقتصادی امتحان الهی است

جمعه ۶ خرداد ۱۴۰۱ برابر با ۲۷ مه ۲۰۲۲

امام جمعه موقت تهران در نماز جمعه این هفته تلاش کرد گرانی‌ها را عادی‌سازی کند- عکس: ایرنا

در حالی که اردیبهشت ۱۴۰۱ در ایران به اعتراض‌های سراسری به گرانی کالاهای اساسی گذشت و خرداد هم با تجمع‌های صنفی و مردمی زیادی در اعتراض به گرانی‌ها آغاز شد، کاظم صدیقی، امام جمعه موقت تهران، این گرانی‌ها را امتحان الهی توصیف کرد.

کاظم صدیقی در خطبه‌های نماز جمعه، در دفاع از جراحی اقتصادی دولت رئیسی و حذف ارز ترجیحی گفت: «این یک امتحان الهی برای مردم و مسئولان و قوه قضاییه و نیروهای مسلح است که ۴۳ سال قربانی دادند و خون شهیدانشان هنوز خشک نشده است. ما برای خون‌ها با دنیا معامله نمی‌کنیم و یک تار موی این‌ها با زندگی اشرافی قابل معاوضه نیست. این امتحان بزرگی است. این قانونی بود که باید دولت قبل اجرا می‌کرد و این دولت نمی‌خواهد قانون‌شکن باشد و توزیع عادلانه جز از این طریق شدنی نیست؛ نحوه توزیع قبلی ارز ترجیحی پولدارها را پولدارتر و کالاهایی وارد کشور کرد که در زندگی آحاد مردم مزه‌مزه نمی‌شد.»

صدیقی علاوه بر حذف ارز ترجیحی، گرانی را هم امتحان الهی دانست و گفت: «امروز گرانی هست و گرانی به تعبیر امام صادق، آزرده شدن روح مردم، افسردگی، مشکلات اجتماعی و مشکلات اخلاقی را موجب می‌شود، اما امتحان است. اگر کسی راهی بلد است، ارائه کند ولی من با شناختی که از آقای رئیسی دارم، با همه وجود در خدمت مردم است. از بین بردن شکاف طبقاتی و توزیع عادلانه یارانه‌ها از برنامه‌های دولت است و همچنین با این طرح در دلار صرفه‌جویی می‌شود.»

امام جمعه موقت تهران که در نماز جمعه این هفته تلاش می‌کرد گرانی‌ها را عادی جلوه دهد، با تمجید از دولت رئیسی، گرانی‌های اخیر را در راستای حمایت از طبقات ضعیف جامعه عنوان کرد و گفت: «این شجاعت و جرأتی بود که دولت داشت و جلو آمد؛ اما برای طبقات ضعیف جامعه، هم رهبری آزرده خاطرند و هم دولت در بین مردم است و مشکلات را لمس می‌کند و خود ما در همه سخنرانی‌ها، تامین معیشت و تسهیل زندگی مردم را به مسئولان توصیه می‌کنیم.»

از سوی دیگر، محمدباقر برقراری، امام جمعه ملایر، ایجاد بحران‌های اعتقادی، اخلاقی و ناهنجاری‌های رفتاری در خانواده را نتیجه افزایش قیمت‌ها دانست و اقدام‌های بیشتر و تشدید نظارت مسئولان و مدیران اجرایی در این زمینه را خواستار شد. امام جمعه ملایر با تاکید بر اینکه

هدفمند سازی یارانه‌ها نباید بهانه‌ای برای گرانی سرسام‌آور قیمت‌ها شود، گفت: «افزایش افسارگسیخته هر روز و هر هفته قیمت‌ها، سبب می‌شود که مدیریت درآمد ناچیز از دست مدیر خانواده خارج شود و آبروی او به خطر بیفتد.»

نظرات جنجالی ستاد امر به معروف درباره ناوایی‌ها و تلفن همراه

ستاد «امر به معروف و نهی از منکر» علاوه بر تعیین تکلیف برای صنف ناوایان، درباره کم و کیف و چگونگی فعالیت ۱۹ صنف دیگر در ایران بر اساس شریعت اسلام، دستورالعمل یا توصیه‌هایی منتشر کرده است. روز دوشنبه ۱۵ فروردین ماه ۱۴۰۱، دو مقام محلی در شهر ماکو در استان آذربایجان غربی خبر دادند که ستاد امر به معروف و نهی از منکر این استان، دستور توقف فعالیت صبحگاهی ناوایی‌هایی را داده که نان بربری می‌پزند.

این ستاد نان بربری را «نماد صبحانه» در شهرهای آذری‌نشین دانسته و از قرار معلوم چنین نتیجه گرفته خریداران صبحگاهی بربری، روزه نیستند و این شکلی از ترویج روزه‌خواری است.

ستاد مرکزی امر به معروف و نهی از منکر در ایران زیر نظر امام جمعه فعالیت می‌کند و پس از کنارگیری احمد جنتی از امامت نماز جمعه تهران، این منصب به کاظم صدیقی یکی دیگر از امامان جمعه واگذار شد.

این ستاد که دست‌کم ۱۷ عضو حقوقی از جمله وزرای اطلاعات و کشور دارد، برای خود ۱۲ وظیفه تعریف کرده که تمامی این وظایف و ماموریت‌ها به این ستاد اجازه دخالت و سیاست‌گذاری در امور اجرایی را می‌دهد و مصوبات آن از سوی دستگاه‌های اجرایی باید مورد توجه قرار بگیرد.

این ستاد علاوه بر مصوبات لازم‌الاجرا، متون متعددی در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی منتشر و تلاش کرده برای تمامی این حوزه‌ها، ساز و کار و ساختاری مناسب شریعت اسلام تعریف کند.

انتشار حدود ۲۰ پژوهش فقهی درباره احکام شرعی مربوط به اصناف «نانوایان»، «طلافروشان»، «موبایل‌فروشان»، «اتوبوس‌ران‌ها»، «ناشران»، «صیادان»، «پرنده‌فروشان» و «اغذیه‌فروشان» از جمله متون منتشر شده توسط این ستاد از سال ۱۳۹۳ تاکنون است.

در متنی که سال ۱۳۹۵ پژوهش‌شده این ستاد با عنوان احکام «نان و نانوایی» منتشر کرده بر ضرورت «تفکیک صفوف زن و مرد، با نرده‌های مناسب» در تمام نانوایی‌های ایران تاکید شده است.

این ستاد از تماس بدنی مردان و زنان در صف‌های نانوایی‌هایی که فاقد «نرده مناسب» هستند، اظهار تاسف کرده و آورده «نانوایان باید با تعبیه نرده‌های مناسب در نانوایی‌ها، بر تفکیک صفوف زن و مرد از همدیگر بر این ضرورت شرعی و نکته اخلاقی اهتمام ورزند.»

این ستاد در این زمینه به فتوایی از علی خامنه‌ای نیز استناد کرده که در این فتوا آمده «نبود نرده آهنی دلیل بر تماس بدنی با نامحرم نمی‌باشد و باید رعایت محرم و نامحرم صورت بگیرد.»

در بخش دیگری از این متن پژوهشی، به نانوایان چنین توصیه شده که «فریضه نماز در محل کار و زبان به ذکر الهی گشودن در وقت کار و بین‌الطلوعین، بر زیبایی کار، بهتر شدن نان و جذب مشتری، بسیار تاثیر» دارد.

این ستاد، همچنین از آن دسته از نانوایانی که به خاطر شرایط شغلی خود در ماه رمضان، روزه نمی‌گیرند انتقاد کرده و نوشته «نانوایان می‌توانند ساعت پخت روز را در ماه رمضان به شب تبدیل کنند و در روز نانوایی را تعطیل نمایند تا شاطر‌ها و همکارانشان بخاطر دیگران از ثواب روزه رمضان محروم نشده و کفاره روزه خواری به آنها واجب نشود.»

این ستاد، اعلام کرده که «آویزان کردن نان در بیرون مغازه، به‌عنوان تبلیغ یکی از موارد اسراف به شمار می‌آید و بهتر است با زدن پلاکارد(بَنر) به تبلیغ ناوایی اقدام شود.»

احکام «صنف تلفن همراه» از دیگر متونی است که این ستاد سال ۱۳۹۳ در ۱۲۱ صفحه منتشر کرده که مهم‌ترین بخش آن بررسی و تشریح احکام شریعت در حوزه «مصرف‌کنندگان» است.

این متن به صراحت «شارژ تلفن همراه از برق اماکن عمومی، مانند مساجد» را «صحیح» ندانسته و در مورد عقد و طلاق «پیامکی» هم چنین نظر داده که «در عقد دائم و موقت باید صیغه خوانده شود و بنابراین، عقد پیامکی صحیح نیست.»

این ستاد اضافه کرده «در طلاق هم باید صیغه طلاق با لفظ عربی صحیح خوانده شود و دو مرد عادل آن را بشنوند، بنابراین طلاق پیامکی هم صحیح نیست.»

در متنی که این ستاد منتشر کرده همچنین شوخی پیامکی با موضوعات مذهبی را به نوعی «وهن دین» دانسته و آن را نفی کرده است.

ستاد مرکزی امر به معروف و نهی از منکر در بخش دیگری از متنی که تهیه و منتشر کرده، ادعاهایی درباره دستگاه تلفن همراه نیز مطرح و نوشته که این دستگاه «تهدیدی علیه سلامت» افراد است و «احساس

ارتعاش توسط کاربران معتاد به موبایل می‌تواند از اثرات سوء آزاردهنده این وسیله باشد.»

این ستاد، همچنین براساس فتوای برخی مراجع تقلید شیعه نوشته استفاده از طلا برای مردان «حرام» است و آن‌ها نمی‌توانند حتی از روکش طلا برای «زینت» تلفن همراه خود استفاده کنند.

این ستاد برای بسیاری از متونی که تهیه کرده تا برخی از آنها به مصوبه تبدیل و برای اجرا به دستگاه‌های اجرای ابلاغ شود یا ناهیان از منکر، آن را به اجرا بگذارند، طی ۱۰ سال اخیر بیش از ۳۰۰ میلیارد تومان از دولت بودجه دریافت کرده است.

این ستاد براساس قرآن، سنت، روایات و فتوای مراجع تاکنون فهرستی شامل ۸۷۶ رفتار «منکراتی» تهیه کرده و هر یک از آن‌ها را مشمول «نهی از منکر» در جامعه دانسته است.

این ستاد برای این منظور، با آموزش بیش از چهار هزار و ۶۰۰ گروه ۱۰ نفره در سراسر ایران، آن‌ها را سازماندهی کرده تا شب و روز در کوی و برزن قدم زده و به کسانی که مرتکب هر یک از این «منکرات» می‌شوند، تذکر دهند.

«نظر موافق» امام دوازدهم شیعیان نسبت به خامنه‌ای

با وجود انتشار اسناد فسادى چنین گسترده، کاظم صدیقی از میهمانان ویژه دیدار نوروزى على خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی بود که علامتى از حمایت حاکم ایران از صدیقی است.

صدیقی در سال‌های اخیر بارها با اظهارات و ادعاهایی اغراق‌آمیز و جنجالی دربارهٔ خامنه‌ای تبدیل به شیخ معتمد رهبر جمهوری اسلامی شده است. او در یک برنامه تلویزیونی از «نظر موافق» امام دوازدهم شیعیان نسبت به خامنه‌ای سخن گفت و به‌نقل از فردی که مدعى شده بود «امام زمان» را دیده، گفت: «حضرت فرمودند ایشان (خامنه‌ای) از مایند.» این تنها اظهارات صدیقی درباره رهبر جمهوری اسلامی نیست. او از هر فرصتی برای بیان ارادت خود نسبت به خامنه‌ای استفاده کرده است. یک بار دیگر گفته بود «امام زمان در عرفات با اسم رهبری را دعا می‌کرده» است.

کاظم صدیقی در تیرماه ۱۳۹۱ هم مدعى شده بود که خامنه‌ای «مکرر خدمت حضرت تشرف داشته، ولی او را نشناخته است». مهر ۱۳۹۸ هم گفته بود: «خدا در وجود رهبری تجلی کرده است.»

دیگر اظهار نظر جنجالی او پس از مرگ محمدتقی مصباح یزدی بود که مدعى شد وی هنگام غسل میت به غسل خود لبخند زده است. از مصباح

یزدی که سال ۱۳۹۹ درگذشت، به‌عنوان یکی از تئوریسین‌های جمهوری اسلامی در دوره رهبری علی خامنه‌ای یاد می‌شود که حکمران ایران به وی علاقه زیادی داشته است.

امام جمعه موقت تهران، همچنین «رکن اول هر حرکتی را رهبری» و «بقای انقلاب» را هم «ولایت فقیه» می‌داند.

این روحانی شیعه، همیشه پای ثابت مجالس رهبری جمهوری اسلامی برای سخنرانی و نوحه‌خوانی است، تا جایی که در دوران کرونا تنها کسی بود که اجازه پیدا کرد در بیت رهبری حضور پیدا کند و برای خامنه‌ای در ایام محرم روضه بخواند.

عکسی از او در این مراسم با خامنه‌ای منتشر شد که او این دو را تنها در سالن بزرگ محل سخنرانی‌های رهبر جمهوری اسلامی نشان می‌دهد. صدیقی در این تصویر بالای منبر است و خامنه‌ای در حال شنیدن سخنرانی او.

کاظم صدیقی برای نزدیکی به دفتر رهبری، راهی طولانی را طی کرد. او دانش‌آموخته مدرسه حقانی است. از نسل اول روحانیانی بود که شاکله قوه قضاییه جمهوری اسلامی را شکل دادند و سمت‌های مهمی چون ریاست محاکم عمومی تهران و ریاست دادگاه عالی انتظامی قضات را بر عهده داشته است.

پیش‌تر «روح‌الله حسینیان»، از مقامات بلندپایه امنیتی و اطلاعاتی جمهوری اسلامی، در گفت‌وگویی «احکام قاطعانه» صادرشده از سوی صدیقی را ستایش کرده بود.

به‌نظر می‌رسید که اشاره حسینیان به احکام اعدامی باشد که صدیقی در دهه ۱۳۶۰ صادر کرده است.

حسینیان گفت به صدیقی «که رئیس دادگاه بود، گفتم آقا، پرونده‌هایت را دیدم، ماشاءالله خیلی قاطعانه بود. گفت اگر چیزی برای خدا و قیامت‌مان داشته باشیم، همین‌هاست.»

پس از آغاز دوران رهبری خامنه‌ای، راه ترقی برای صدیقی هموارتر شد. در سال ۱۳۶۹، رهبر تازه‌کاره جمهوری اسلامی، طی حکمی کاظم صدیقی را به‌عنوان بازرس قوه قضاییه منصوب کرد. دعوت از صدیقی به‌عنوان سخنران مراسم عزاداری‌های مذهبی در حضور خامنه‌ای، از دهه ۱۳۸۰ آغاز شد و تا روز اول نوروز ۱۴۰۳ هم حضورش در بیت رهبری ادامه داشته است.

حوزه علمیه امام خمینی تهران در سال‌های ابتدایی دهه ۸۰ شمسی، توسط کاظم صدیقی در شمال شهر تهران افتتاح و از همان زمان انتشار گزارش‌ها درباره «زمین‌خواری» صدیقی هم آغاز شد.

چند سال پیش، «حسین کروبى» فرزند «مهدى کروبى» از معترضان سياست‌هاى جمهورى اسلامى که اکنون در حبس خانگى است در مصاحبه‌اى گفته بود که «دو قطعه زمين بزرگ در شميران» در اختيار کاظم صديقى قرار گرفت و «زمين‌هاى که باغ گيلاس بوده، خراب شد» و با بودجهٔ دولتى براى صديقى حوزهٔ علميه ساخته شد.

پيشتر وبسائت «رويداد ۲۴» از منابع خبرى داخل ايران در گزارشى حوزه علميه از گل را که به نام روح‌الله خمينى نامگذارى شده، يک حوزه علميه «لوکس» توصيف کرده بود.

بر اساس گزارش اين وبسائت، اين حوزه علميه «در چهار طبقه هشت‌واحدى در منطقه از گل قرار داد که يکى از مناطق گران‌قيمت تهران محسوب مى‌شود. هر واحد شامل چهار حجره است و تعداد حجره‌ها جمعا به ۳۲ واحد مى‌رسد. سالن اجتماعات مدرسه در زيرزمين واقع شده که قسمتى از آن به صورت موقت به عنوان سالن ورزشى مورد استفاده قرار مى‌گيرد.»

اتهام فساد اقتصادى عليه خانواده صديقى اما بسيار گسترده‌تر از حوزه علميه امام خمينى در تهران است.

بنابر اسناد رسمی دو پسر او به همراه «حسام‌الدین مهدوی ابهری»، پسر نماینده پیشین مجلس و از دوستان کاظم صدیقی، اعضای هیات مدیره شرکت «آریا معدن پرگاس» هستند که در امور معدن فعال است.

محمد حسین صدیقی به همراه «حمید شکیب‌مهر» فرمانده پیشین سپاه قم و مالک هتل مهسان این شهر، از طریق دو شرکت «طلایه داران اقلیم پارسه» و «طلایه‌داران باد و اقلیم پارسه» در حوزه هتل‌داری فعال است.

علی خامنه‌ای زمانی گفته بود که فساد جاری در جمهوری اسلامی و میان مقام‌های آن فساد ساختاری یا سیستماتیک نیست اما از افکار عمومی ایران، فساد چنان در تار و پود نظام جمهوری اسلامی تنیده است که نه امام جمعه موقت تهران از آن مصون مانده و نه کسی از ادامه حمایت خامنه‌ای از این فرد با چنین پرونده‌های بزرگی تعجب می‌کند.



از قم تا اروپا برای اهل بیت

کاظم رجبی صدیقی سال ۱۳۳۰ در شهرستان ابهر واقع در استان زنجان به دنیا آمد. وقتی که تنها ۱۲ سال داشت به قم رفت و تحصیلات حوزوی خود را در مدرسه علمیه حقانی آغاز کرد. او از شاگردان احمد جنتی، حسن زاده آملی، محمدتقی مصباح یزدی، محمد مومن و علی مشکینی بوده است.

صدیقی پیش از انقلاب جهت تبلیغ دین اسلام به برخی کشورهای اروپایی و آسیایی سفر می‌کرد.

او اگرچه خود را «یک طلبه مردمی و نه مسئول حکومتی» معرفی می‌کند، اما مناصب بلند مرتبه‌ای در جمهوری اسلامی داشته است.

سال ۱۳۵۷ بعد از پیروزی انقلاب، وقتی که تنها ۲۷ سال داشت، به واسطه علی قدوسی، دادستان کل انقلاب وارد دستگاه قضایی شد. در همین زمان بود که به ریاست دادسرا و دادگاه عالی انتظامی قضاات منصوب شد.

او از سال ۱۳۸۸ تاکنون با حکمی که آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی صادر کرد، امام جمعه موقت تهران است. کاظم صدیقی همچنین موسس و تولیت حوزه علمیه امام خمینی و نایب‌رئیس شورای مدیریت حوزه علمیه تهران است. از تیرماه ۱۳۹۷ نیز به جای احمد جنتی رئیس ستاد امر به معروف و نهی از منکر شد، نهادی که کنترل حجاب اجباری زنان از جمله وظایف آن است.



کاظم صدیقی در کنار رهبر جمهوری اسلامی ایران

«این تشریفی که خدمت حضرت (امام دوازدهم) به برکت شب قدر پیدا کردم، سئوالاتی که داشتم یکی در مورد مقام معظم رهبری بود، پرسیدم آقا [امام دوازدهم]، حضرت آقا (رهبر) در نظر شما چه طور هستند؟ حضرت فرمودند ایشان از مایند...»

این سخنان کاظم صدیقی در مصاحبه‌ای تلویزیونی به تاریخ ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۹ است که به نقل از فردی که ادعا می‌کند «موفق به دیدار امام زمان» شده، بیان کرد.

این روحانی که از نزدیکان رهبر جمهوری اسلامی ایران است، سپس در میانه ابراز احساسات مجری تلویزیون گفت: «به قدری این جریان من را شارژ کرده. ما رهبری داریم که قماش حضرت است.» بیان این ادعا از صداوسیما، البته در افکار عمومی و فضای مجازی خیرساز شد.

این تنها اظهارات صدیقی درباره رهبر جمهوری اسلامی نیست، او از هر فرصتی برای بیان ارادت خود نسبت به آیت‌الله خامنه‌ای استفاده کرده است. صدیقی پیش از این هم به نقل از یک روحانی مورد اعتماد خود مدعی شده بود «خامنه‌ای مکرر خدمت امام زمان رسیده اما او را نشناخته» یا یک بار دیگر گفت «امام زمان در عرفات با اسم رهبری را دعا می‌کرده»

است. او حتی یک بار ادعا کرد «خداوند در وجود رهبری تجلی کرده» است.

امام جمعه موقت تهران «رکن اول هر حرکتی را رهبری» و «بقای انقلاب» را هم «ولایت فقیه» می‌داند.

در ۳۱ فروردین ۹۰، مهدی احدی از اساتید حوزه فاش می‌کند که کاظم صدیقی حتی در حضور مسئولان ارشد نظام، به نقل از رضا بهاء‌الدینی از روحانیون قم که در سال ۷۶ درگذشت خبر داده است «مقام معظم رهبری به دیدار امام زمان نائل آمده» است.

کاظم صدیقی اگرچه محبوب رهبر جمهوری اسلامی است، اما در انتخابات چهارم مجلس خبرگان رهبری در حوزه تهران از سوی شورای نگهبان به دلیل عدم شرکت در امتحان اجتهاد، رد صلاحیت شد. او در دوره پنجم انتخابات خبرگان رهبری نیز ثبت نام کرد، این بار هم با وجود این‌که به امام جماعت تهران منصوب شده بود، باز هم رد صلاحیت شد.

آقازاده‌های جنجالی در سال ۱۴۰۲

ماجرای تلاش اسحاق قالیباف فرزند محمدباقر قالیباف برای گرفتن اقامت دائم کانادا احتمالاً تمام تلاش‌های پرهزینه سایر آقازاده‌ها را در سال ۱۴۰۲ زیر سایه خود فرو برد، اما این به‌معنای فقدان خبر جنجالی درباره فرزندان

مقامات و حتی مقامات پرحاشیه جمهوری اسلامی در سالی که گذشت نیست.

پرونده مهاجرت اسحاق قالیبیاف به کانادا

اسفند ماه سال ۱۴۰۲ خبر تلاش پرهزینه اسحاق قالیبیاف پسر کوچک محمدباقر قالیبیاف رئیس مجلس شورای اسلامی برای دریافت اقامت دائم کانادا رسانه‌ای شد. بر اساس گزارش مفصلی که در وبسایت دادگاه فدرال کانادا قرار گرفته، اسحاق قالیبیاف از سال ۲۰۱۸ برای دریافت «اکسپرس اینتری» کانادا تلاش کرده، اما تلاشش بی نتیجه بوده است.

اسحاق، فرزند کوچک محمدباقر قالیبیاف برعکس برادرش الیاس چندان علاقه‌ای به ظاهر شدن مقابل دوربین نداشته و به همین دلیل تصاویر کمی از او موجود است، اما نام اسحاق قالیبیاف در کنار سایر اعضای خانواده بارها با حواشی اقتصادی، رسانه‌ای شده است.

نام او اولین بار در جریان انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۶ در فهرست خوداظهاری پدرش از اموال و دارایی‌های خانواده قالیبیاف به گوش مردم ایران رسید. در آن فهرست معروف، محمدباقر قالیبیاف ادعا کرده بود که اسحاق به عنوان تنها فرزند تحت تکفلش تنها یک خودروی پاترول مدل

۷۱، یک دستگاه موتور سیکلت و مجموعاً یک میلیون تومان سپرده بانکی دارد.

اسناد منتشر شده از تلاش اسحاق برای دریافت اقامت دائم کانادا نشان می‌دهد او تنها یک سال بعد از انتخابات ریاست جمهوری هزینه هنگفتی برای پر کردن درخواست اکسپرس اینتری داده است. رسیدگی به پرونده او به دلیل «ملاحظات امنیتی و لزوم بررسی بیشتر» به مدت ۵ سال معلق مانده و در نهایت بعد از رسانه‌ای شدن این خبر، مقامات اداره مهاجرت کانادا اعلام کردند که درخواست او رد شده است.

سلمان سامانی، مقام ارشدی و داماد وزیری که به کانادا مهاجرت کرد
بر اساس قانون اداره مهاجرت کانادا، این کشور اخراج مقامات جمهوری اسلامی را در دستور کار قرار داده است. تازه‌ترین مورد، سید سلمان سامانی قائم مقام سابق وزیر کشور دولت روحانی است.

روز گذشته رسانه «گلوبال نیوز» کانادا گزارشی از جزئیات یک جلسه استماع در اداره مهاجرت و پناهندگان کانادا منتشر کرد که طی آن «یک مقام ارشد سابق ایران» که با خطر اخراج از کانادا مواجه بوده در جلسه حاضر شده و از خودش دفاع کرده است.

بر اساس این گزارش سلمان سامانی در دفاع از خود در برابر هیات مهاجرت و پناهندگان کانادا شهادت داده که «از دستور استفاده از نیروی قهریه مرگبار صادر شده توسط مافوق خود» در جریان اعتراضات نوامبر ۲۰۱۹ اطلاعی نداشته است.

گلوبال نیوز مدعی شده سامانی با اشاره به اعتراضات آبان ۱۳۹۸ در این جلسه استماع گفته «از وقایع آن زمان مضطرب بوده» و به همین دلیل «تصمیم به ترک دولت گرفته است.»

بر اساس این گزارش سامانی در پاسخ به این سوال که چرا با وجود اینکه تصمیم داشته دولت را ترک کند، تا آگوست سال ۲۰۲۱ در سمت خود در وزارت کشور باقی مانده گفته «تصمیم گرفته در وزارت کشور بماند تا به مبارزه با کرونا کمک کند.»

ظاهراً سامانی در جلسه استماع مدعی شده «هرگز در نقض حقوق بشر دست نداشته و نمی‌دانسته که دولت درگیر دستگیری‌های خودسرانه و اقدامات خشونت‌آمیز است.»

در گزارشی که از جلسه خارج شده آمده است که سامانی گفته «من تمام تلاش خود را برای حفظ حقوق بشر در کشورم انجام دادم.»

او تصدیق کرده که معاون وزیر و سخن‌گوی وزارت کشور بوده، اما گفته در این سمت‌ها «تن‌ها مسئول توزیع اطلاعات بوده است». گفته می‌شود سامانی از نزدیکان رحمانی فضل‌ی، وزیر کشور دولت روحانی است.

آقازاده شمخانی

جنجال پسران علی شمخانی دبیر سابق شورای عالی امنیت مالی در سال ۱۴۰۲ با انتشار تصویر حضور یکی از آن‌ها در سفری به امارات در کنار پدرش آغاز شد.

واکنش چهره‌های اصول‌گرای مخالف شمخانی به این تصویر، منجر به کشیده شدن پای پرونده‌های اقتصادی خانواده علی شمخانی به رسانه‌ها شد. حمید رسایی، نماینده سابق و منتخب مجلس دوازدهم در کانال تلگرامی خود نوشت: این‌که فرزندان شمخانی فعالیت‌های اقتصادی گسترده‌ای در حمل و نقل دریایی دارند، شاید به ما ربط نداشته باشد، اما این‌که پدر با عنوان پیگیری مسائل کشور به امارات سفر کند و با امیر و ولیعهد آن دیدار داشته باشد و فرزند در جلسه رسمی حاضر باشد، به ما ربط دارد! رسایی گفته بود «حق داریم از آقای شمخانی بپرسیم که دلیل حضور فرزند تاجر شما در یک جلسه رسمی چیست؟ آیا این فرصت و رانت برای بقیه

تجّار هم فراهم است؟ چرا این شاهین اقبال که قطعا در لابی‌های تجاری بعدی کارگشا و راهگشاست، فقط روی شانه آقازاده محترم می‌نشیند؟» احمد امیرآبادی فراهانی نماینده قم در مجلس هم گفت «آقای شمخانی بفرمایند آیا خبر حضور پسر ایشان که گفته می‌شود تاجر در امور حمل و نقل دریایی است در معیت پدر در دیدار با مقامات امارات صحت دارد؟» محمدحسین شمخانی پسر علی شمخانی و مدیرعامل شرکت کشتیرانی آدمیرال است. محمدحسین شمخانی همان جوان ۲۴ ساله‌ای است که ۱۴ سال پیش در برنامه مثلث شیشه‌ای کنار پدرش ایستاد و اعلام کرد شغل آزاد دارد. علی شمخانی در این برنامه گفت به پسرم توصیه کرده‌ام از هر شغلی که به دولت مربوط باشد دوری کند.

یک دهه بعد خبر توقیف یکی از کشتی‌های شرکت کشتیرانی متعلق به او و برادرش رسانه‌ای شد. اسفند ماه ۱۴۰۰ خبرگزاری ایلنا در گزارشی به نقل از رسانه‌های هندی از توقیف یک کشتی به نام «کابل» متعلق به شرکت «ادمیرال» خبر داد و اعلام کرد که مالکیت این کشتی برای پسران علی شمخانی دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران بوده است.

موضوع شرکت پسران شمخانی پیش از این هم مطرح شده بود. شرکت کشتیرانی آدمیرال (Admiral) در سال ۱۳۹۰ تاسیس شد؛ کار این شرکت «ارائه سرویس‌های حمل و نقل کانتینری» عنوان شده است. حسن شمخانی

دیگر پسر علی شمخانی شریک برادرش در شرکت کشتیرانی ادمیرال است. او احتمالا فرد حاضر در جلسه با محمد بن زاید بود.

پسر رئیس کمیته داوران فدراسیون فوتبال

خداداد افشاریان، رئیس کمیته داوران فدراسیون فوتبال به دلیل حضور تعداد زیادی از بستگانش در سطح اول داوری فوتبال ایران جنجال برانگیز شد. بررسی‌ها نشان می‌داد که پسر او پوریا افشاریان، داماد او روح الله شریفی و برادر زن برادر او حمیدرضا افشون در بخش داوری فدراسیون فوتبال فعالیت دارند. حتی دختر او راحیل افشاریان نیز در کلاس‌های داوری فوتبال بانوان شرکت کرده بود؛ کلاس‌هایی که برای حضور داوران در لیگ برتر بانوان در تهران برگزار شده بودند.

آبان ماه ۱۴۰۲ در برنامه‌ی «فوتبال برتر» حضور پیدا کرد و صحبت‌های عجیبی درباره‌ی پسرش پوریا افشاریان که به عنوان داور فوتبال فعالیت دارد، مطرح کرد.

محمدحسین میثاقی، مجری برنامه «فوتبال برتر» از خداداد افشاریان پرسید که فرزندش پوریا افشاریان متولد چه سالی است، رئیس کمیته داوران اعلام کرد که او در سال ۱۳۷۱ به دنیا آمده. در ادامه میثاقی عنوان کرد که شناسنامه دیگری هم وجود دارد که نشان می‌دهد فرزندش

متولد سال ۱۳۶۹ است که افشاریان در پاسخ گفت: «پسرم زمانی که برای تیم نوجوانان نوب آهن بازی می‌کرد، طبق رای دادگاه صالحه سال تولدش را به ۷۱ تغییر داد.»

پرونده فساد فرزندان معاون اول قوه قضاییه

مهرماه ۱۴۰۲ محمدرضا یزدی، رییس دبیرخانه ستاد هماهنگی مبارزه با مفاسد اقتصادی از وجود پرونده فساد قضایی برای «دو فرزند یک مقام ارشد قوه قضاییه» خبر داد. منظور یزدی از مقام ارشد قوه قضاییه، محمد مصدق، معاون اول قوه قضاییه بود. اسفندماه اولین جلسه دادگاه پرونده فرزندان معاون اول قوه قضاییه به اتهام تشکیل شبکه اعمال نفوذ و پولشویی در پرونده‌های کلان اقتصادی تشکیل شد.

بررسی اطلاعات آن‌ها نشان می‌دهد دو شرکت «بازرگانی صنعتی کیمیا اکسیر ملل» و «بازرگانی و پخش سپهر پارس مایا» به نام محمد صادق و امیر حسین در اسناد رسمی ثبت شرکت‌های کشور به ثبت رسیده است. از این شرکت‌ها هیچ اطلاعاتی در اینترنت موجود نیست.

گزارشت نشان می‌دهند که این شرکت‌ها، هیچ وب‌سایت یا شبکه اجتماعی ندارند و این یعنی فعالیت آن‌ها یا صوری بوده یا نیازی به تبلیغ و ارائه

اطلاعات مربوط به خدمات نداشته است. این در حالی است اهداف تعریف شده برای این شرکت‌ها، دست‌کم برای بیزینس‌ها نیاز به معرفی دارد. شرکت بازرگانی سپهر پارس مایا با هدف فعالیت‌ها در زمینه «تهیه، تولید، ساخت، مونتاژ، تجهیز و راه‌اندازی خطوط تولید کارخانجات صنعتی، صنایع تبدیلی، واردات تکنولوژی و صنایع مادر و ماشین‌آلات و تجهیزات تولیدی و صنعتی، همچنین انجام کلیه فعالیت‌های تجاری و بازرگانی اعم از تهیه تولید و واردات و صادرات و خرید و فروش و تهیه و توزیع و پخش و بسته‌بندی کلیه کالاهای مجاز بازرگانی، گشایش اعتبارات و ال سی برای شرکت نزد بانک‌ها و ترخیص کالا از گمرکات داخلی، اخذ و اعطاء نمایندگی شرکت‌های معتبر خارجی و داخلی» در سال ۱۳۹۹ احداث شده است.

شرکت بازرگانی اکسیر ملل هم اهدافی در حوزه معادن تعریف کرده است. در بین اهداف تعریف شده برای این شرکت عناوینی همچون «فعالیت‌های معدنی و صنعتی در زمینه اکتشاف و استخراج»، «فرآوری و تولید انواع فلزات معدنی»، «ساخت و بهره‌برداری از کارخانجات فرآوری» و «استحصال مواد معدنی و بازرگانی مواد معدنی و محصولات پایین‌دستی» دیده می‌شود.

روحانیان ایران و ارتباط با «ثروتمندان»

احمد توکلی، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام و حسین رجایی، معاون سازمان «دیدهبان شفافیت و عدالت» می‌گویند یکی از «ابریدهکاران بانکی»، جنازه محمدتقی مصباح یزدی را پیش از کفن و دفن شست‌وشو داده است، موضوعی که خبرساز شده و علی مصباح یزدی، پسر محمدتقی مصباح یزدی آن را رد کرده است.

غسال محمدتقی مصباح یزدی زمانی مورد توجه افکار عمومی قرار گرفت که کاظم صدیقی، امام جمعه موقت تهران به نقل از وی گفت که «موقع غسل، میت (مصباح یزدی) چشمانش را گشوده» است.

این اظهار نظر آقای صدیقی حاشیه‌های فراوانی برای وی و خانواده مصباح یزدی به همراه آورد و در نهایت امام جمعه موقت تهران از آنچه که به نقل از این غسال بیان کرده بود عذرخواهی کرد.

با گذشت حدود دو هفته از این عذرخواهی، نام این غسال از سوی توکلی و رجایی، رضا مطلبی کاشانی اعلام شده است، فردی که به گفته این دو نفر یکی از «ابریدهکاران بانکی» است.

آن‌ها در یادداشت خود، رابطه «ثروتمندان ناشناس» با «زمامداران و روحانیون سرشناس» را «خطری» برای این افراد دانسته و نسبت به گسترش این رابطه هشدار داده‌اند.

در یادداشت این دو نفر آمده که «به علما و امرآ هشدار می‌دهیم به جای معاشرت با ثروت اندوزان، با حفظ حقوق و احترام کلی به همه ملت از جمله ثروتمندان، با مستضعفان متدین و وطن‌خواه بجوشند.»

رضا مطلبی کاشانی کیست؟

نام مالک شرکت «تک ماکارون» شهریور ماه امسال پس از آن‌که اسنادی از شراکت وی با علیرضا پناهیان، یکی از خطبای بیت آیت‌الله خامنه‌ای در ساخت و ساز ملکی در منطقه ۲ تهران منتشر شد، بر سر زبان‌ها افتاد. علیرضا پناهیان در واکنش به انتشار این اسناد گفت که این ملک «هدیه دوستان» بوده است، اما نامی از شریک خود یعنی رضا مطلبی کاشانی نبرد.

نام رضا مطلبی کاشانی به‌عنوان یک تاجر ثروتمند، سال ۱۳۹۱ کنار کاظم صدیقی در فهرست شش نفره موسسان موسسه پژوهشی آموزشی اندیشه‌های «امام خمینی» دیده می‌شود. موسسه‌ای که همه‌کاره آن محمدتقی مصباح یزدی بود که چندی پیش در تهران درگذشت.

محمد حجازی جانشین فرمانده نیروی «قدس» سپاه و غلامرضا فیاضی نماینده خراسان شمالی در مجلس خبرگان رهبری از دیگر موسسان این موسسه آموزشی هستند.

مجمع خیرین «امید کشور» شرکت دیگری است که رضا مطلبی کاشانی در هیات مدیره آن حضور دارد. حبیب‌الله بوربور و مجتبی رحماندوست هم در هیات مدیره این شرکت حضور دارند.

موسسه علمی فرهنگی «علامه عسگری»، بنیاد خیریه «غدیر» و شرکت خیریه و نیکوکاری «ریحانه» از دیگر نهادهایی هستند که نام مطلبی کاشانی در هیات مدیره آنها دیده می‌شود.

سایت «انتخاب» هم در گزارشی درباره مطلبی کاشانی نوشته اکثر خانواده وی ساکن کانادا هستند و یکی از فرزندانش هم داماد محمدحسن ابوترابی‌فرد، امام جمعه موقت تهران است.

این سایت نوشته آقای مطلبی به واسطه حضور خانواده‌اش در کانادا، مبلغی معادل دو میلیون دلار به بیمارستانی در کانادا کمک کرده است.

مهدی صدرالساداتی از روحانیون فعال در اینستاگرام هم نوشته آقای مطلبی کاشانی ۲۴ هزار متر موقوفات در لواسان را به مدت ۱۰ سال با پرداخت ماهیانه دو میلیون تومان، اجاره کرده است.

هیچیک از این ادعاها به صورت مستقل از سوی بی‌بی‌سی قابل تایید نیست.

احمد توکلی علاوه بر این که مطلبی کاشانی را یک «ابر بدهکار بانکی» معرفی کرده از علما این سؤال را مطرح کرده که آیا پرسیده‌اید که منبع «کسب فردی که ۴۰ میلیارد تومان خمس داده چیست؟»

رضا مطلبی کاشانی از جمله تاجران و ثروتمندانی است که نام او به تازگی در ارتباط با گروهی از روحانیون، هیات‌های مذهبی و خیریه‌ها به میان آمده است، یعنی حدود ۱۸ سال پس از نام شهرام جزایری.

شهرام جزایری و رابطه با روحانیون

شهرام جزایری زمانی تحت تعقیب قرار گرفت که چکی را به‌عنوان «وجوه شرعیه» به بیت آیت‌الله علی خامنه‌ای فرستاد.

رابطه ثروتمندان با گروهی از روحانیون، مداحان و نهادهای مذهبی و سیاسی در جمهوری اسلامی به اوایل دهه ۱۳۸۰ و تاجری به نام شهرام جزایری باز می‌گردد. از جزایری که آن زمان تنها ۲۹ سال داشت به‌عنوان یکی از «مفسدان اقتصادی» نام برده می‌شد که با گروهی از روحانیون و سیاستمداران رابطه برقرار و به آن‌ها کمک مالی می‌کرده است.

شهرام جزایری زمانی بازداشت شد که چکی را به‌عنوان «وجوه شرعیه» به بیت آیت‌الله علی خامنه‌ای، می‌فرستد که همین مسئله منجر به پیگیری پرونده او و در نهایت محاکمه‌اش می‌شود، موضوعی که وکیل جزایری هم آن را تایید کرده است.

سال‌ها بعد محمود احمدی‌نژاد در جریان یک مناظره انتخاباتی با مهدی کروی، گفت که شهرام جزایری ۳۰۰ میلیون تومان به آیت‌الله کروی پرداخت کرده است که جزایری سال ۱۳۹۳ گفت بیش از ۱۳ میلیارد

تومان به‌عنوان «وجوهات به دفتر کروی و افراد معرفی شده از طرف وی» پرداخت کرده بود، ادعایی که آقای کروی که در حال حاضر در حصر است، به آن واکنشی نشان نداده است.

محمود علیزاده طباطبایی، وکیل شهرام جزایری مهر ماه همان سال گفت که موکلش به مهدی کروی و هادی خامنه‌ای، برادر آیت‌الله خامنه‌ای هم پول داده بود تا روزنامه راه‌اندازی کنند.

حسن رعیت، رفیق مداحان

عده‌ای از حسن میرکاظمی (حسن رعیت) به‌عنوان یکی از حامیان اصلی و دستیار بابک زنجانی در فعالیت‌های اقتصادی نام برده‌اند که در حال حاضر هر دو آن‌ها به گفته مقام‌های قضایی در زندان هستند.

نام حسن میرکاظمی معروف به حسن رعیت زمانی بر سر زبان‌ها افتاد که تصویری از او در جریان سرکوب اعتراض‌ها به نتایج انتخابات سال ۱۳۸۸ در تهران منتشر شد. او ترک موتوری نشسته بود و اسلحه در دست داشت.

سایت بازتاب سال ۱۳۹۱ در گزارشی «حسن رعیت» را «تاجر بسیجی» معرفی کرد که از حامیان مالی «هیات ثارالله مسجد امام الهادی» محله شمس‌آباد است.

محمود کریمی و محمدرضا طاهری از مداحان این هیات بودند که رابطه نزدیکی با حسن رعیت داشتند و به باشگاه ورزشی او نیز رفت و آمد می‌کردند.

حسن میرکاظمی، هم‌چنین رئیس هیات مدیره شرکت «لوح مهراندیش خام» بود که طاهری یکی از اعضای هیات مدیره آن محسوب می‌شد. سال ۱۳۹۲ هم فیلمی ۳۰ دقیقه‌ای از جلسه سعید مرتضوی، حمید باقری درمنی، بابک زنجانی و حسن میرکاظمی منتشر شد که در آن «رشوه خواهی ۳۰ میلیارد تومانی» فاضل لاریجانی، برادر صادق لاریجانی، رئیس سابق قوه قضاییه سخن به میان آمد.

انتشار این فیلم که در آن زمان منجر به بازداشت موقت سعید مرتضوی شد و سال ۱۳۹۷ حمید باقری درمنی به اتهام «فساد اقتصادی» محاکمه و اعدام شد.

عده‌ای از حسن میرکاظمی به‌عنوان یکی از حامیان اصلی و دستیار بابک زنجانی در فعالیت‌های اقتصادی نام برده‌اند که در حال حاضر هر دو آن‌ها به گفته مقام‌های قضایی در زندان هستند.

محمدهادی رضوی مدیرعامل گروه اقتصادی به‌نام «فاطمی» و از متهمان اصلی پرونده «اختلاس» در بانک سرمایه است که با دختر محمد شریعتمداری، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی ازدواج کرده است.

نام رضوی در جریان رسیدگی به پرونده «اختلاس» بانک سرمایه بر سر زبان‌ها افتاد و در دادگاه جزئیات زیادی از اتهامات وی به طور علنی اعلام و منتشر شد که در نهایت منجر به صدور «۲۰ سال حبس، رد مال، ۷۴ ضربه شلاق و محرومیت از خدمات دولتی» برای او شد.

در جریان رسیدگی به اتهامات رضوی، برخی رسانه‌ها گزارش کردند رضوی رئیس شورای سیاست‌گذاری و از حامیان مالی جشنواره فیلم «مدافعان حرم» بوده است.

هادی رضوی مدیرعامل گروه اقتصادی به‌نام «فاطمی» و از متهمان اصلی پرونده «اختلاس» در بانک سرمایه است.

محمدعلی هادی، معاون سابق وزیر خارجه و عضو هیئت مذاکره‌کننده با رابرت مک فارلین، مشاور امنیت ملی رونالد ریگان رئیس‌جمهوری آمریکا در سال‌های ۱۹۸۳ تا ۱۹۸۵ از دیگر متهمان این پرونده بود.

هادی در این دادگاه به عنوان عضو سابق هیئت مدیره وقت بانک سرمایه به «مشارکت در اخلال عمده در نظام اقتصادی کشور از طریق مشارکت در خیانت در امانت» متهم شد.

وی زمانی که دادگاهی می‌شد، عضو هیئت مدیره «موسسه خیریه بوتراب» بود. رضا نیری، رئیس سابق کمیته امداد، دیگر عضو این

موسسه بود. علی شاهچراغی، امام جمعه ری، نیز یکی دیگر از اعضای هیئت مدیره این خیریه است.

خیریه‌ها، پوششی برای تخلف یا خدمت به مردم؟

در حال حاضر بیش از ۱۵ هزار موسسه خیریه در ایران فعال است که به گفته «الهام امین‌زاده» دستیار ویژه سابق رئیس‌جمهور در امور شهروندی، گردش مالی آن‌ها ۳۰ تا ۴۰ هزار میلیارد تومان است.

تعداد قابل‌توجهی از متهمان اقتصادی که در سال‌های اخیر در ایران محاکمه شده‌اند هم از اعضای هیئت مدیره چندین خیریه در ایران بوده‌اند. حضور این افراد در خیریه‌ها و رابطه نزدیک با بیت و دفاتر روحانیون، مداحان، هیئت‌های مذهبی و صاحبان قدرت این بحث را به میان کشیده که برخی از آن‌ها در این پوشش‌ها برای «پول‌شویی» استفاده می‌کنند، موضوعی که تاکنون گزارشی رسمی درباره‌اش منتشر نشده است.

گوشه‌ای از «پرونده‌های مالی» مسئولان قضایی جمهوری اسلامی ایران
دادستان کل جمهوری اسلامی ایران، در تیر ۱۳۹۹ - ژوئن ۲۰۲۰، زمانی با اشاره به انتقادات برخی از نمایندگان از قوه قضاییه گفت: «مسائل درون خانوادگی را باید در درون خودمان حل کنیم و نباید فضا سازی کنیم.»

در همین ارتباط، روز دوشنبه ۲ تیر ۹۹، ابراهیم رئیسی، رئیس دستگاه قضایی وقت و رئیس جمهور فعلی گفته بود: «اگر فردی در گوشه‌ای از این دستگاه عظیم و عریض و طویل مرتکب تخلف شد، قاطعانه با او برخورد می‌شود و در واقع فساد و تخلف رویه نیست، بلکه استثناست.» رئیسی بر مبنای همین توصیف تاکید کرد: «اجازه نمی‌دهیم افکار عمومی نسبت به جمهوری اسلامی و نظام قضایی آن مخدوش شود و تصور کنند فساد همه جا را گرفته است.»

در حالی که فساد سیستماتیک، نه تنها در دستگاه قضایی بلکه تاریخچه‌ای به اندازه عمر جمهوری اسلامی در همه دستگاه‌ها و مقاماتش دیده شده است. در بسیاری موارد فساد پرده‌پوشی می‌شود و گاهی و آن‌هم در رقابت‌های جناحی به رسانه‌ها درز پیدا می‌کند.

حکایت اقدامات چهره‌های ذی‌نفوذی که به کسانی چون اکبر طبری و غلامرضا منصوری و بیژن قاسمزاده - که ظاهراً مورد محاکمه هم قرار گرفته‌اند محدود نمی‌شوند و دامنه آن‌ها، از امثال سعید مرتضوی و علی‌اکبر حیدری‌فر و الیاس محمودی و «آقازاده‌های» مسئولان ارشد قضایی گرفته، تا حتی روسای دوره‌های گوناگون قوه قضاییه را در بر می‌گیرد.

در اینجا، تنها به «نمونه»هایی از عملکرد مالی چهره های قوه قضاییه اشاره می‌شود که به‌طور علنی در نهادهای رسمی ایران مورد بررسی قرار گرفته‌اند. بازخوانی پرونده‌های «غیرمالی» چهره‌هایی از این دست، یا آن گروه از اقدامات مالی‌شان که علنا در نهادهای حکومتی مطرح نشده، به کنکاش بیش‌تری نیاز دارد.

فرزند قربانعلی دری نجف‌آبادی رئیس وقت دیوان عدالت اداری در دادگاه جزایری گفت: «هرگز فکر نمی‌کردم به جرم آقازادگی، مورد بی‌مهری قرار گیرم و نتیجه ۴۰ سال زحمات پدر بزرگوارم مورد جفا قرار گیرد.» بالاترین مقامی که در جریان محاکمات اخیر نامش مطرح شده اکبر طبری، معاون صادق لاریجانی در زمان ریاست بر قوه قضاییه است که به گفته نماینده دادستان طی «حدود ۲۰ سال» حضور در دستگاه قضایی «راه اجرای عدالت را در مورد برخی از متهمان دانه درشت اقتصادی سد کرده و با تشکیل گروه مجرمانه در معاونت اجرایی سابق حوزه ریاست قوه قضاییه موجب شده تا دفتر وی به کانونی جهت مراجعه برخی از متهمان برای حل پرونده خود تبدیل شود.»

در ۲۷ خرداد ۹۹، غلامحسین محسنی اژه‌ای، معاون اول قوه قضاییه در توضیح عدم برخورد با تخلفات آقای طبری در گذشته گفت: «برای بسیاری از معاونین عالی قوه، رئیس پیشین و حتی من احراز نشد که ایشان متخلف

است. «تاکیدی که البته گذشته از صادق لاریجانی، «بسیاری از معاونان عالی» قوه قضاییه را هم در «احراز نشدن» تخلفات آقای طبری سهیم می‌کرد. البته توضیح بیش‌تری هم نمی‌داد که ابراهیم رئیسی معاون اول قوه از سال ۸۳ تا سال ۹۳، یعنی در ۱۰ سال از ۲۰ سالی که طبری سرنوشت پرونده‌های اقتصادی را تغییر می‌داده، در آن مقطع مشخصاً چه می‌کرده است.

در کیفرخواست اکبر طبری -علاوه بر ده‌ها میلیارد تومان رشوه مستقیم- از جمله به مواردی هم‌چون دریافت غیرقانونی «زمینی به مساحت ۳۰۰ متر مربع در خیابان کریم خان»، «زمینی مشجر به مساحت هزار و ۶۵۷ متر مربع واقع در لواسان»، «آپارتمان اداری به مساحت ۱۰۸ متر مربع در قیطریه تهران»، «۵ قطعه زمین و یک ویلا در بابلسر»، «۳ واحد خانه در برج فلورای فرمانیه»، «۳ دستگاه آپارتمان مسکونی در کامرانیه شمالی» اشاره شده است.

معاون اجرایی صادق لاریجانی در جریان دفاعیات خود، در خصوص مبالغ و املاکی که در لواسان از دو سرمایه‌دار دریافت کرده جمله‌ای را بر زبان راند که -به لحاظ توضیح «جنس» بده بستان‌های مدیرانی چون او با متخلفان اقتصادی- در حافظه رسانه‌ها ماندگار شد. او اعلام کرد: «اگر من ۸۰۰ میلیارد هم بخواهم این برادرانم می‌دهند و اگر کل لواسان

و کارخانه‌اش را بخواهم به نام من می‌کنند. این رفاقت است... اگر شما از این دوستان ندارید به من ارتباطی ندارد. اگر آن‌ها نیز از من بخواهند من نیز برای آن‌ها انجام می‌دهم.»

معروف‌ترین هم پرونده ای اکبر طبری، غلامرضا منصوری سرپرست سابق شعبه ۹ دادرسی فرهنگ و رسانه -و بعدا قاضی اجرائیات لواسانات- بود که در طول مدت مسئولیت خود، زندگی ده‌ها روزنامه‌نگار یا فعال سیاسی-اجتماعی را با صدور احکام سنگین زیر و رو کرد. او که به تازگی به طرزی مشکوک در رومانی از دنیا رفته، متهم به دریافت ۵۰۰ هزار یورو رشوه پیش از فرار از کشور به سمت اروپاست. منصوری چند روز پیش از مرگ تاکید کرده بود که به رهبر و حکومت ایران «اعتقاد راسخ» دارد و هرگز به آن‌ها «پشت نکرده.»

برای درک بهتر ویژگی‌های قضاتی مانند غلامرضا منصوری، بازگویی بخشی از مطالب مطرح شده در جریان دادگاه مفید خواهد بود که حکایت دارد او طی «مراجعات مکرر» به یکی از متهمان مالی «درخواست‌های مالی اعم از آپارتمان و پول داشته» و «بالحنی تهدیدآمیز توقعات خود را بیان می‌کرده»، تا این‌که ۵ بسته صد هزار یورویی دریافت کرده است.

دیگر قاضی حکومتی‌ای که نامش در محاکمات اخیر مطرح شده بیژن قاسمزاده بازپرس سابق شعبه دوم دادرسی فرهنگ و رسانه است که

علاوه بر صدور احکام متعدد بازداشت برای خبرنگاران، هنرمندان و ورزشکاران، در اردیبهشت ۹۷ حکم توقیف تلگرام را نیز صادر کرده بود.

این قاضی جوان، که به تحقیر متهمان پرونده‌های خود شهرت داشت، در مرداد ۹۶ اعلام کرده بود «هرگز تحت تاثیر رجزخوانی‌های متهمان قرار نگرفته و مصمم‌تر به رسیدگی پرونده‌های فساد ادامه خواهد داد.» هرچند در دادگاه اخیر به اخذ ۲۸ میلیارد ریال رشوه برای اعمال نفوذ در پرونده های مالی متهم است.

غلامحسین اسماعیلی سخن‌گوی قوه قضاییه ۹ مهرماه ۹۹، با تایید خبر بازداشت قاسم زاده گفته بود پرونده این قاضی، احکامی که قبلا صادر کرده را زیر سوال نمی برد چون ممکن است «هزاران اقدام خوب» داشته باشد اما «خطایی» مرتکب شود.

«آقای محمد یزدی در زمان تصدی خودش (بر قوه قضاییه)، می‌نویسد که جناب آقای فروزش، حمیدمان بیکار است. ترتیبی اتخاذ فرمایید تا از جنگل‌های شمال، جهت صادرات چوب، بهره‌مند گردد... و جنگل‌های شمال را به تاراج بردند.» (عباس پالیزدار)

«آیا هتک حرمت مسئولان نظام جایز است؟»

هرچند در تبلیغات حکومتی، محاکمات اخیر سه مسئول قضایی اتفاقی بی سابقه در این قوه معرفی می‌شود، محاکمه مسئولان قوه قضاییه حتماً بی سابقه نبوده و البته تأثیری هم بر فساد ساختاری در این دستگاه نداشته است.

معروف‌ترین این مسئولان، سعید مرتضوی رئیس سابق دادگاه مطبوعات و دادستان سابق تهران بود که طی سالیان متمادی، بیش از صد نشریه را توقیف کرد و صدها روزنامه‌نگار یا فعال سیاسی-اجتماعی را به زندان انداخت. نام او در گزارش کمیته تحقیق مجلس ششم به‌عنوان عامل قتل زهرا کاظمی عکاس ایرانی-کانادایی، و در گزارش کمیته تحقیق مجلس هشتم به‌عنوان مقصر اصلی پرونده شکنجه و قتل زندانیان بازداشتگاه کهریزک ذکر شد.

ولی گذشته از پرونده‌های سیاسی-امنیتی، مرتضوی در دو گزارش جداگانه تحقیق و تفحص نیز به تخلفات مالی متهم شد: یکی در گزارش هیات تحقیق و تفحص مجلس هفتم از قوه قضاییه در سال ۸۷ که او در آن به دست داشتن در «فروش سئوالات کنکور» متهم بود، و دیگری در گزارش تحقیق و تفحص مجلس نهم از سازمان تامین اجتماعی که سعید مرتضوی را به میلیاردها تومان تخلف مالی متهم می‌کرد. از جمله، به واگذاری

غیرقانونی ۱۳۸ شرکت متعلق به سازمان تامین اجتماعی به شرکت بابک زنجانی بدون انتقال هیچوجهی به حساب این سازمان. مرتضوی به خاطر پرونده خود در تامین اجتماعی به دادگاه رفت و به اتهام تصرف غیرقانونی در اموال دولتی به ۷۰ ضربه شلاق محکوم شد. اما اجرای این حکم در اسفند ۹۷ مشمول «عفو رهبری» قرار گرفت. (که البته شامل دیگر محکومان به شلاق تعزیری هم می‌شد) او به‌علاوه در دادگاه کهریزک، پس از محکومیت اولیه به انفصال از خدمت و ۲۰۰ هزار تومان جریمه، با حکم ۵ سال حبس مواجه شد که به خاطر «ابراز پشیمانی» به ۲ سال تقلیل یافت. سرانجام آن هم به‌طور کامل سپری نشد و مرتضوی در شهریور ۹۸، پس از گذراندن دوسوم از محکومیتش از زندان بیرون آمد.

هم پرونده‌ای سعید مرتضوی در پرونده کهریزک، علی‌اکبر حیدری‌فر دادیار وقت دادگاه انقلاب بود که او نیز در فرستادن بازداشت‌شدگان به کهریزک مسئولیت مستقیم داشت. او همانند مرتضوی در دوران قضاوت، با احکام خود بر زندگی صدها نفر از منتقدان حکومت تاثیر گذاشت و حتی هرگز از کشته شدن زندانیان کهریزک ابراز پشیمانی نکرد. حیدری‌فر دو سال بعد از قضایای کهریزک، با نوشتن نامه‌ای به

مطبوعات، زندانیان این بازداشتگاه را «اراذل و اوباش» و برخورد با آنها را شایسته تقدیر دانست.

ولی چند سال پس از ماجراهای ۸۸، مشخص شد که این قاضی در کنار اقداماتش در برخورد با معترضان، دارای فسادهای مالی گسترده بوده است. در خرداد ۹۶ غلامحسین محسنی اژه‌ای معاون اول قوه قضاییه اذعان کرد که حیدری‌فر «دو پرونده دارد که یکی هنوز قطعی نشده و دیگری چون چند اتهام داشته مجازات آن سنگین است.» او با تایید زندانی بودن حیدری‌فر گفت در مورد پرونده دوم «برای او اشد مجازات یعنی ۱۵ سال حبس اعمال شده.»

در تیر ۹۶ غلامحسین اسماعیلی رئیس وقت دادگستری استان تهران جرایم حیدری‌فر را «تصرفات غیرقانونی، استفاده غیرقانونی از اموال دولت، ارتشاء، استفاده از سلاح و درگیری در حوزه‌های مختلف» دانست و در اسفند ۹۶ عباس جعفری دولت‌آبادی دادستان وقت تهران بدون توضیح بیش‌تر، از صدور کیفرخواست دیگری علیه علی‌اکبر حیدری‌فر با شش عنوان اتهامی خبر داد، که هنوز تکلیف نهایی آنها روشن نیست.

اما فارغ از چهره‌های «علنی» مانند مرتضوی و حیدری‌فر، در سال‌های گذشته هر از گاه برخی چهره‌های پشت‌صحنه دستگاه قضایی نیز خبرساز شده‌اند. یک نمونه برجسته از این چهره‌ها، الیاس محمودی بود که در

زمان ریاست محمود هاشمی شاهرودی بر قوه قضاییه، ریاست حفاظت اطلاعات قوه و هم‌زمان ریاست مجتمع قضایی ویژه امور اقتصادی را بر عهده داشت.

نام این مدیر قضایی، به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در چند پرونده مالی مطرح شد. ولی با وجود این ابهامات، در زمان تحقیق و تفحص مجلس هفتم در مورد قوه قضاییه، نه تنها محمود هاشمی شاهرودی رئیس وقت قوه سازمان حفاظت اطلاعات را از تحقیق و تفحص مستثنی اعلام کرد، که تشکیلات الیاس محمودی هم به‌طور جداگانه اعضای هیات را تحت فشار قرار داد و برخی از آن‌ها را دستگیر کرد. البته گزارش نهایی هیات، که در خرداد ۸۷ یعنی ۳ سال و نیم پس از شروع تحقیق و تفحص منتشر شد، کماکان با لحنی محتاطانه به «دخالت سازمان (حفاظت اطلاعات قوه) در مسائل خارج از حیطه اختیارات خود، فامیل گرایی در سازمان و برخی تخلفات و تبانی‌ها» و نیز «ابهاماتی در سوابق رئیس سابق حفاظت اطلاعات قوه قضاییه» اشاره داشت.

این گزارش در زمانی انتشار یافت که الیاس محمودی با افزایش ابهام‌ها در مورد اقداماتش، از ریاست حفاظت اطلاعات و نیز ریاست مجتمع قضایی امور اقتصادی برکنار شده بود. برکناری از این سمت اخیر، به‌دنبال اثبات مقصر بودن او در فرار مشکوک شهرام جزایری از اوین

در اسفند ۸۵ صورت گرفت، که معروف ترین زندانی مالی ایران در آن زمان به شمار می‌آمد.

هرچند پس از برکناری محمودی از سمت خود، یک بار دیگر نام او در پرونده ای مالی رسانه ای شد: در فروردین ۸۹، الیاس نادران نماینده وقت تهران محمدرضا رحیمی معاون وقت رئیس جمهور، الیاس محمودی و فردی دیگر به نام جابر ابدالی را اعضای باندی به نام «حلقه فاطمی» معرفی که به ادعای او در کار «توزیع منابع فاسد» بودند. بعدها قوه قضاییه اعلام کرد که «حلقه فاطمی»، در کار «اختلاس در شرکت بیمه ایران» بوده و دادگاهی طولانی هم برای رسیدگی به این پرونده تشکیل شد. این دادگاه بعد از پایان دوره ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد که برخورد با همکاران او کلید خورده بود، به زندانی شدن محمدرضا رحیمی انجامید، ولی حکمی علیه الیاس محمودی صادر نکرد.

فارغ از سرنوشت پرونده‌های افرادی از نوع الیاس محمودی، علی‌اکبر حیدری‌فر و سعید مرتضوی، نیاز به یادآوری نیست که بخشی از اتهامات مالی شخصیت های ذی نفوذ در قوه قضاییه، مستقیماً متوجه مدیران نبوده و به اعضای خانواده‌های آن‌ها ارتباط داشته.

بازخوانی حتی مختصر تمام این اتهامات، البته در حوصله یک گزارش محدود نیست. ولی شاید برای یادآوری حال و هوای آن‌ها، اشاره به دادگاه

شهرام جزایری آموزنده باشد که در جریان آن، اسامی تعدادی زیادی از «آقازاده‌ها» و از جمله فرزندان مقام های قضایی به میان کشیده شد. محمد دری نجف‌آبادی، فرزند قربانعلی دری‌نجف‌آبادی رئیس وقت دیوان عدالت اداری و مهدی مقتدایی، فرزند مرتضی مقتدایی دادستان سابق کل از جمله این افراد محسوب می‌شدند که با استفاده مالی از جایگاه پدران خود، در نهادهای مختلف حکومتی اعمال نفوذ کرده بودند. بنا بر توضیحات قاضی دادگاه، پیگیری اتهامات آن‌ها به‌دنبال دریافت گزارش‌هایی مبنی «دلالی و کارچاق‌کنی در صدر قوه قضاییه علی‌الخصوص (از سوی) فرزندان مسئولین این قوه» شروع شده بود.

بخشی از اتهامات این دو نفر در جریان محاکمه ثابت شد و در حکم آبان ۸۱ دادگاه، مهدی مقتدایی و محمد دری‌نجف‌آبادی به دلیل اعمال نفوذ غیرقانونی، به ترتیب به به ۱ سال و نیم و ۱ سال زندان و بازگرداندن اموالی که از این راه کسب کرده بود محکوم شدند. (که میزان آن مشخص نبود) مهدی مقتدایی، که جرایم خود را در هنگام تصدی سمت دادستانی کل از سوی پدرش مرتکب شده بود، همچنین به‌خاطر «شرکت در تحصیل مال نامشروع» ۱ سال دیگر هم حبس گرفت.

ولی شاید مهم تر از احکام صادره برای این دو نفر، که در خصوص نحوه اجرای آن‌ها اطلاع دقیقی نداریم، مضمون دفاعیات آن‌ها در دادگاه بود. مثلا اظهارات مهدی مقتدایی در ۶ مرداد ۸۱ که «آزاده بودن» را یکی از «اتهامات و بدبختی‌های» خود می‌دانست، یا اظهارات هم‌زمان محمد درینجف‌آباد که می‌گفت: «چه کسی باید این حیثیت و کرامت و شرافت خانواده‌های محترم را ایفا کند؟... آیا هتک حرمت مسئولان نظام جایز است؟... هرگز فکر نمی‌کردم به جرم آقازادگی، مورد بی‌مهری قرار گیرم و نتیجه ۴۰ سال زحمات پدر بزرگوارم مورد جفا قرار گیرد.»

او در توجیه فعالیت های مالی خود تاکید داشت: «حق‌العمل کاری بنده، بیش‌تر در جهت امور عام‌المنفعه و کارهای نزدیک به ثواب بوده است. به همین دلیل با ستاد فرمان حضرت امام، بنیاد و اکثر شرکت‌های تولیدی و صادراتی مرتبط بوده‌ام.»

محسنی اژه‌ای گفت: «برای بسیاری از معاونین عالی قوه، رئیس پیشین و حتی من احراز نشد که طبری متخلف است.» بدون توضیح این‌که آیا تخلفات طبری برای ابراهیم رئیسی معاون اول سابق «احراز شده بود» یا نه؟

اتهامات سه رئیس قوه قضاییه

قابل انکار نیست که علاوه بر پرونده‌های مالی مسئولان قضایی یا فرزندان آن‌ها در سال‌های گذشته، در مورد سهم روسای گوناگون قوه قضاییه در تخلفات مالی گوناگون نیز، ابهامات گسترده‌ای وجود داشته است.

در مورد مشخص صادق لاریجانی، سهم مسئولیت او پس از محاکمه اکبر طبری مورد توجه رسانه‌هایی قرار گرفته که سابقا حامیش بوده‌اند و بعد حامی رئیس جدید قوه قضاییه شده‌اند. این رسانه‌ها یادآوری می‌کنند که آقای طبری، در جایگاه معاون اجرایی ریاست وقت قوه، از پشتیبانی کامل او برخوردار بوده است. حتی در تیرماه ۹۸، دفتر آقای لاریجانی اعلام کرد که او در زمان ریاست بر قوه قضاییه، «مستقلا» اتهامات اکبر طبری را بررسی کرده و «خلاف بودن آن‌ها برای وی محرز شده است.»

صادق لاریجانی در موارد دیگر نیز، به صراحت نشان داد که نسبت به اتهامات مالی اطرافیان خود بی تفاوت است. یکی از این موارد، پس از آن خبرساز شد که محمود احمدی‌نژاد رئیس جمهور سابق، در جلسه علنی ۱۵ بهمن ۱۳۹۱ مجلس، تصویر و صدای ضبط شده فاضل لاریجانی را پخش کرد که ظاهرا با توقع دریافت رشوه، از سعید مرتضوی می‌خواست او را به بابک زنجانی وصل کند تا مشکلات قضایی احتمالی در آینده را از طریق «اخوی» حل کند. فاضل لاریجانی در بخشی از صحبت‌هایش، با یادآوری خدمات قبلی خود به یک سرمایه‌دار -دیگر- می‌افزود:

«مشکلاتی با قوه قضاییه داشت، چند حکم اجرایی برایش آمده بود و مفسد اقتصادی که چرا پول بانک را پرداخت نمی‌کنی، برایش مهلت گرفتم. دیگر کاری بهش نداشتند. رفتم پیش اخوی و دستورش را گرفتم.»

مرتضوی در آن زمان رئیس سازمان تامین اجتماعی و در حال مذاکره با بابک زنجانی بود که بعدها، به‌عنوان محکوم اصلی یک پرونده اقتصادی عظیم، مشهور شد. مذاکره نیز، بر سر انجام معامله‌ای ۳ و نیم میلیون یورویی برای واگذاری شرکت‌های مرتبط با سازمان تامین اجتماعی به زنجانی بود. دو هفته بعد از خبرساز شدن نوار در مجلس، غلامحسین محسنی اژه‌ای سخن‌گوی وقت دستگاه قضایی گفت که فاضل لاریجانی برای تحقیقات احضار شده و چهار سال بعد -در آذرماه ۱۳۹۵- وعده داد که «پرونده فاضل لاریجانی همچنان مفتوح است.» اما نهایتاً اژه‌ای، در ۲۰ آذر ۹۶ خیال خبرنگاران را راحت کرد که: «جرمی برای فاضل در آن پرونده احراز نشد و شما می‌خواهید قبول بکنید یا نکنید.»

درست مانند پرونده محمدجواد لاریجانی که در تمام دوره ریاست برادرش بر قوه قضاییه، معاون بین‌الملل قوه بود. پرونده او، در اواخر خرداد ۹۱ یعنی در میانه دعوای علی و صادق لاریجانی با دولت احمدی‌نژاد، با افشای نامه‌ای با مهر وزارت کشاورزی درباره «تصرفات اراضی ملی و تخریب منابع طبیعی توسط محمدجواد لاریجانی» خبرساز شد. در بخشی

از نامه آمده بود: «نامبرده (لاریجانی) در چند نوبت و بدون اخذ مجوز قانونی به تصرفات عدوانی در بیش از ۳۴۲ هزار هکتار از اراضی ملی ورامین، نگهداری دام‌های غیرمجاز - ۹۰۰ راس گوسفند و ۲۰۰ نفر شترو ... اقدام نموده است.»

در ۹ مرداد ۹۱، علیرضا آوایی، رییس کل وقت دادگستری استان تهران، اعلام کرد که «بنا به درخواست رئیس قوه قضاییه» پرونده‌ای برای رسیدگی به موضوع «زمین‌خواری» محمدجواد لاریجانی، تشکیل شده و افزود: «در حال حاضر پرونده محمدجواد لاریجانی مراحل قانونی را طی کرده و قرار است همراه با رئیس دادگاه جوادآباد (بخش جوادآباد شهرستان ورامین) نزد رئیس قوه قضاییه برویم.» این بار هم اما هم خبری از تعیین تکلیف پرونده نشد تا این‌که در ۲۷ آبان ۹۷، غلامحسین محسنی اژه‌ای سخن‌گوی وقت قوه قضاییه در جلسه‌ای با نمایندگان مجلس خبر از مختومه‌شدن پرونده داد.

از سوی دیگر محمود هاشمی شاهرودی رئیس‌قبلی قوه قضاییه نیز، که در زمان ریاستش اکبر طبری مدیرکلی امور مالی را بر عهده داشت، در طول دوران مسئولیت خود متهم به فسادهای اقتصادی گوناگون بود که برخی از آن‌ها، در تحقیق و تفحص‌های مجالس مختلف مورد اشاره قرار گرفتند.

مثلا، طبق گزارش کمیسیون تحقیق و تفحص مجلس نهم از سازمان تامین اجتماعی، سعید مرتضوی که از سوی آقای شاهرودی به دادستانی عمومی و انقلاب تهران منصوب و بعدها به ریاست سازمان تامین اجتماعی رسیده بود، هنگام تصدی این مسئولیت ۷ قطعه زمین بسیار گران قیمت را بدون انجام مزایده به دانشگاه «عدالت» داده بود که زیر نظر شخص هاشمی شاهرودی قرار داشت. در حالی که طبق قانون، املاک سازمان تامین اجتماعی باید با برگزاری مزایده به فروش می‌رسید.

یک تحقیق و تفحص خبرساز دیگر، از سوی مجلس هفتم صورت گرفت که این بار، موضوع آن مشخصا عملکرد قوه قضاییه در دوران ریاست هاشمی شاهرودی بود. گزارش، با مروری بر تخلفات مالی متعدد این قوه نتیجه می‌گرفت: «متاسفانه در قوه قضاییه اراده لازم برای مجازات مجرمان اقتصادی کمتر مشاهده شده است بلکه با توجه به پرونده هایی که به هیأت تحقیق و تفحص رسیده است بخوبی می‌توان مسامحه در برخورد با مفسد اقتصادی و بعضا تبانی با مفسدان را دریافت.» گزارش ادامه می‌داد: «در این خصوص با این‌که با ارسال سوالات زیادی برای قوه قضاییه هیات تلاش نمود که قوه مذکور را به پاسخ‌گویی وادارد. متاسفانه به سئوالات هیات پاسخی داده نشد.»

بخشی از گزارش تحقیق و تفحص مجلس، به موضوع حساب‌های در اختیار رئیس قوه اشاره داشت که در آن‌ها، وجوه واریز شده از سوی اشخاص به دادگستری به‌عنوان جریمه، وثیقه یا موارد دیگر نگهداری می‌شد. (این حساب‌ها، بعدها در زمان صادق لاریجانی نیز خبرساز شدند) در گزارش آمده بود: «هیأت طی نامه‌ای به عنوان ریاست محترم قوه قضاییه، میزان سپرده ثابت از وجوه مردم نزد قوه قضاییه، سود سپرده از گردش مالی حساب‌های مذکور و مجوز و نحوه هزینه کردن آن‌ها را... جویا می‌شود. مع‌الاسف قوه قضاییه علی‌رغم پیگیری‌های متعدد پاسخی در این موضوعات ارائه ننموده است.» به گفته هیأت تحقیق و تفحص، نهایتاً «مشاور معاون اداری و مالی قوه قضاییه» جوابی به پرسش مجلس در مورد این حساب‌ها داده بود که با نتایج استعلام از بانک مرکزی و بانک ملی در مورد میزان سپرده‌ها و سودشان همخوانی نداشت.

طبق گزارش مجلس، مدیریت قوه قضاییه به شیوه‌های مختلف و حتی با اقدام قضایی علیه اعضای کمیته تحقیق و تفحص، در مقابل بررسی‌های آن‌ها ایجاد مانع کرده و جلوی بررسی پرونده‌های قضایی را گرفته بود: «قوه قضاییه دایره استثنائات و محدودیت‌های تعامل و همکاری با هیأت را گسترش داد تا جایی که محدوده تحقیق و تفحص از قوه قضاییه را صرفاً در چارچوب و محدوده‌ی اداری و مالی جایز دانسته و در این حوزه

نیز بعد از سپری شدن ماه‌ها، معاونت اداری و مالی قوه قضاییه پاسخ قانع کننده‌ای ارائه نداده است.»

و سرانجام، همه این‌ها در حالی بود که پیش از محمود هاشمی شاهرودی، محمد یزدی نیز، به‌عنوان اولین «رئیس قوه قضاییه ایران» (قبل از او، چنین سمتی در قانون اساسی پیش بینی نشده بود) در معرض اتهامات مختلف فساد مالی قرار داشت.

یکی از جنجالی‌ترین افشاگری‌ها در مورد یزدی، در جریان سخنرانی عباس پالیزدار عضو هیات تحقیق و تفحص مجلس هفتم از قوه قضاییه در ۱۴ اردیبهشت ۱۳۸۷ صورت گرفت. پالیزدار در بخشی از سخنان خود به تخلفات مالی محمد یزدی در جریان ساختن یک «دانشگاه قضایی» در قم اشاره کرد و این در حالی است که یزدی، در نامه اخیر خود به صادق لاریجانی او را به‌خاطر «ساختن کاخ به اسم مدرسه علمیه» در قم مورد انتقاد قرار داده و پرسیده: «آیا ارث پدرت بود؟ از کجا آوردی ساختی؟» به گفته عباس پالیزدار: "آیت‌الله (یزدی) آمدند نزد مقام رهبری گفتند که می‌خواهیم یک دانشگاه قضایی بسازیم برای خواهران در قم. مجوز داده شد. بلافاصله بعد از مجوز رفتند سراغ ساپورت مالی که بله کارخانه لاستیک دنا را مجوزش را بدهید. آقای نعمت‌زاده (وزیر وقت صنایع) هم گفت کارخانه را در ازای ۱۲۶ میلیارد به شما واگذار می‌کنیم. در حالی که

قیمت واقعی آن ۶۰۰ میلیارد بود. بعد این آقایان نامه نوشتند به نعمت‌زاده که تخفیف منظور فرمایید. بعد از بارها نامه‌نگاری برای گرفتن تخفیف، قیمت را از ۶۰۰ میلیارد واقعی به ۱۰ میلیارد رساندند. باز آقایان گفتند که ما پول نداریم. ۸۰ درصدش را به اقساط می‌پردازیم. نعمت‌زاده قبول کرد. دوباره گفتند بیست درصد بقیه را هم الان نداریم بعد از فروش مستغلات کارخانه می‌پردازیم. خوب به همین راحتی آقای آیت‌الله کارخانه را صاحب شد و بعد از مدتی هم این کارخانه را در بورس فروخت.»

پالیزدار در جای دیگر روایت کرد: «آقای محمد یزدی رئیس قانونی قضاییه در زمان تصدی خودش می‌نویسد که جناب آقای فروزش، حمیدمان بیکار است. ترتیبی اتخاذ فرمایید تا از جنگل‌های شمال، جهت صادرات چوب، بهره‌مند گردد. آقا حمید آقای یزدی، پسر آیت‌الله یزدی، مدیرکل حوزه ریاست قوه قضاییه بود در آن مقطع، و جنگل‌های شمال را به تاراج بردند و رفتند.»

گذشته از تخلفات فردی، وضعیت عمومی قوه قضاییه در زمان محمد یزدی هم به گونه‌ای بود که با پایان مسئولیت وی و روی کار آمدن محمود هاشمی شاهرودی، رئیس جدید قوه در ۶ آبان ۱۳۷۸، در سخنرانی معروفی در گردهمایی قضات و مدیران کل دادگستری استان تهران گفت: «اینک ما

وارث یک خرابه و ویرانه در بخش مالی، اداری، قضایی و قوانین در این قوه هستیم.»

روی کار آمدن رئیس جدید قوه، توام با تغییراتی پر سروصدا در قوه قضاییه بود که هیجان زدگی رسانه‌ها را در مورد بهبود احتمالی وضعیت دستگاه قضایی به دنبال داشت، هرچند در عمل به کاهش فساد در این قوه منجر نشد. مشابه این هیجانات، یک بار دیگر پس از روی کار آمدن صادق لاریجانی به جای شاهرودی ایجاد شد (و مجدداً به بهبودی در وضعیت دستگاه قضایی نینجامید)، و به تازگی با جایگزینی لاریجانی با ابراهیم رئیسی هم تکرار شده. (که طبیعتاً یادآور مقاطع تغییر روسای قبلی قوه قضاییه بوده است)

مجازات ۷۰ ضربه شلاق مرتضوی مشمول «عفو رهبری» قرار گرفت؛ مجازات ۵ سال زندانش هم به خاطر «ابراز پشیمانی» به ۲ سال تقلیل یافت که بعد از طی دو-سومش آزاد شد.

«نمونه»هایی از پرونده‌های مالی

در اینجا، تنها به نمونه‌هایی از عملکرد مالی چهره‌های ذی‌نفوذ قوه قضاییه اشاره شده که به‌طور علنی در نهادهای رسمی ایران مورد بررسی قرار گرفته‌اند. بازخوانی پرونده‌های غیرمالی چهره‌های صاحب نفوذ، یا آن

گروه از اقدامات مالی‌شان که علنا در نهادهای حکومتی مطرح نشده، به فرصت به مراتب بیش‌تری نیاز دارد.

به‌عنوان نمونه غیر از مدیرانی از قبیل اکبر طبری، غلامرضا منصوری، بیژن قاسمزاده، الیاس محمودی، سعید مرتضوی و علی‌اکبر حیدری‌فر، که سوابق آن‌ها در این گزارش مرور شده، مقامات دیگری چون حسن زارع دهنوی (معاونت سابق امنیت دادستان تهران) و ابوالقاسم صلواتی (رئیس شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب) نیز در سال‌های گذشته در معرض اتهامات مالی بوده‌اند. ولی چون مطلب حاضر تنها به مواردی پرداخته که در نهادهای حکومتی مورد بررسی قرار گرفته‌اند، از پرداختن به موارد اخیر خودداری شده است.

به همین ترتیب، مثلا اگرچه در ماه‌های اخیر اتهامات متنوعی در مورد فعالیت‌های مالی محمدحسین منتظری پسر محمدجعفر منتظری دادستان کل کشور مطرح شده، این اتهامات نیز به‌علت مطرح نشدن آن‌ها در سطح نهادهای رسمی بازخوانی نشده است.

حتی در میان چهره‌هایی که نام آن‌ها در دادگاه‌های ایران مطرح شده، افراد زیادی به دلیل «زمان» اقدامات خود از شمول بررسی مطلب حاضر خارج شده‌اند. مثلا در سال ۹۸ و در جریان رسیدگی به در پرونده فساد بانک سرمایه، نام احمد هاشمی شاهرودی برادزاده رئیس اسبق دستگاه

قضایی به میان آمد و متهم شد که با استفاده از نفوذ خود در دستگاه های حکومتی به سوءاستفاده مالی پرداخته است. ولی چون پرونده احمد هاشمی شاهرودی مربوط به اقداماتش پس از دوران ریاست عموی او بر قوه قضاییه بوده، در این مطلب به آن پرداخته نشده است.

به گونه ای مشابه، پرونده فساد مالی محمدشریف ملکزاده که در زمان ریاست هاشمی شاهرودی بر قوه قضاییه از مشاوران نزدیک او محسوب می شد، و در دولت های نهم و دهم به سمت های دولتی بالا دست یافت، در گزارش حاضر مورد بررسی قرار نگرفته. به این علت که محاکمه ملکزاده، که باعث شد تا او برای مدتی به زندان بیفتند (و نهایتاً هم پرونده اش با «عفو رهبری» بسته شد)، مربوط به اقداماتش در زمان مسئولیت در دولت احمدی نژاد بود، نه زمان همکاری با هاشمی شاهرودی در قوه قضاییه.

در نهایت، گذشته از پرونده های مالی متنوعی که تاکنون در ارتباط با قوه قضاییه تشکیل شده، به نظر می رسد برداشت رایج در میان مخالفان و بسیاری از موافقان حکومت آن است که این پرونده ها رقم بسیار کوچکی از مجموعه فسادهای کلان جاری در دستگاه قضایی را تشکیل می دهند. وضعیت اقتصادی، فقر، بیکاری، گرانی و اجاره خانه، نگرانی مشترک شمار زیادی از ایرانیان است. بخش بزرگی از پیام های شهروندان که به

مناسبت سال نو در شبکه‌های اجتماعی منتشر کرده‌اند درباره وضعیت اقتصادی است اما شماری از مردم در پیام‌های خود درباره افزایش فشار نهادهای امنیتی، قضایی و سرکوب‌ها در سال جدید و نقش بیش‌تر حقوق شهروندی اظهار نگرانی کردند.

تعدادی از شهروندان هم دغدغه اصلی خود را مبارزه با استمرار جمهوری اسلامی خوانده و بر ضرورت اتحاد مردم و تداوم اعتراض‌های خیابانی تاکید کردند.

پیش از آن و در اواخر مهر سال گذشته، داده‌های یک نظرسنجی از تهرانی‌ها نشان داد مهم‌ترین مسئله شهروندان پایتخت، تامین مسکن است و مشکلاتی چون سطح پایین درآمد و تورم عمومی در رده‌های بعدی مسایل و مشکلات شهروندان تهرانی قرار دارند.

بر اساس یافته‌های این نظرسنجی، میانگین سهم اجاره‌بها در سبد هزینه خانوارهای تهرانی به بیش از ۵۰ درصد رسیده است و ساکنان پایتخت به‌طور متوسط ماهانه حدود ۱۵ میلیون تومان برای اجاره خانه می‌پردازند.

بیش از ۵۰ درصد شرکت‌کنندگان در این نظرسنجی، حقوق و دستمزد ماهانه خود را کمتر از ۱۶ میلیون تومان اعلام کرده بودند.

شهروندی، تورم و بالا رفتن قیمت اجناس را با حقوق‌های بسیار کم دغدغه‌ای اساسی خواند و گفت این موضوع به خصوص برای طبقه کارگر، وحشتناک است.

در آخرین روز اسفند سال گذشته، شورای عالی کار حداقل حقوق کارگران را در سال ۱۴۰۳ به میزان ۳۵/۳ درصد افزایش داد. با این افزایش، حداقل میزان دریافتی کارگران در سال جاری به ۱۱ میلیون و ۱۰۷ هزار تومان رسید. البته اگر این دستمزد ناچیز به موقع پرداخت شود.

محمدرضا تاجیک، عضو کمیته دستمزد شورای عالی کار روز ۱۸ اسفند اعلام کرده بود دستمزد فعلی کارگران حتی پاسخگوی غذای آنان نیست. حتی کارشناسان اقتصادی حکومتی نیز خط فقر را ۳۵ میلیون تومان در ماه اعلام کرده‌اند.

چهار پرونده فساد اقتصادی بزرگ در سال ۱۴۰۲

سال‌ها پیش زمانی که دادگاه‌های شهرام جزایری و سال‌ها بعد دادگاه‌های مه آفرید امیرخسروی برگزار می‌شد، مردم مشتاقانه نتایج را دنبال می‌کردند، اما در سال‌های اخیر موضوع فساد به یک خبر پرتکرار تبدیل شده و حتی ارزش خبری خود را در سطوح پایین با رقم‌های کم از دست

داده است. در حال حاضر هر ساله شاهد بروز چندین فقره پرونده فساد در ابعاد فساد پرونده مه آفرید امیرخسروی هستیم. سال ۱۴۰۲ از این منظر سال نسبتاً پر فساد بود. پرونده فساد چای دیش به تنهایی بار چندین پرونده فساد کوچک را به دوش کشید و یک تنه مرزهای عددی فساد در کشور را جابه جا کرد. رویداد ۲۴ در این گزارش چهار پرونده فساد را که سال ۱۴۰۲ رسانه‌ای شده، بازگو می‌کند.

فساد واردات نهاده‌های دامی - اردیبهشت ۱۴۰۲

اردیبهشت ماه ۱۴۰۲ رئیس قوه قضائیه با اشاره به بررسی پرونده‌های فساد اقتصادی اعلام کرد: برای نمونه در یک فقره در نتیجه یک ارتباطات ناصحیح با یک شرکت، برای واردات میلیون‌ها تن نهاده دامی، بیش از هزار میلیارد تومان از مردم دریافت شده بود، اما کالایی وارد کشور نشده بود.

بعدا مشخص شد در این پرونده، پای وزیر جهاد کشاورزی سابق هم در میان بوده است. سید جواد ساداتی‌نژاد در پرونده فساد نهاده‌های دامی به چندین عنوان از جمله اخلال در نظام اقتصادی، توزیعی و تولیدی و صادر کردن کوتاژ جعلی برای شرکتی به نام آریو تجارت سهیل متهم شده است.

در این پرونده، مجوز انحصاری و رانتهی واردات نهاده‌های دامی به شرکت آریو تجارت سهیل داده شده، اما نهاده‌ای وارد کشور نشده. این در حالی است که وزیر وقت جهاد کشاورزی نه تنها این شرکت را توییح نکرده بلکه زمینه را برای دریافت بیش از هزار میلیارد تومان از بیت‌المال را با صادر کردن داده‌های جعلی فراهم کرده است.

فساد چای دبش - آذر ۱۴۰۲

آذر ماه ۱۴۰۲ سازمان بازرسی کل کشور از یکی از بزرگترین فسادهای تاریخ ایران پرده برداشته که همه رکوردهای سابق را جابجا کرده است. میزان فساد چای دبش برابر $\frac{3}{4}$ میلیارد دلار یا معادل ریالی آن یعنی ۱۴۰ هزار میلیارد تومان اعلام شده است.

ماجرا از جایی آغاز می‌شد که شرکت کشت و صنعت چای دبش برای واردات چای درجه یک هندی ثبت سفارش کرده و ارز نیمایی دریافت کرده بود؛ در حالیکه چای درجه دو کنیایی را وارد کشور کرده بود. این همان چایی بوده است که تحت عنوان کشت فراسرزمینی انجام می‌داد. طبق قانون کشت فراسرزمینی باید به دیگر کشورها صادر می‌شد، اما این کشت به کشور وارد می‌شد. این‌جا همان سناریو تکراری ارز رانتهی را

مشاده می‌کنیم که چندین میلیارد به اقتصاد کشور تا همین‌جا ضرر زده است.

از سوی دیگر شرکت چای دبش، مقادیر زیادی چای سنواتی غیر قابل شرب را به دبی صادر کرده و بعد از مخلوط کردن با چای خارجی درجه سه، تحت عنوان چای خارجی درجه یک وارد کشور کرده است. بخش دیگر این فساد مربوط به مجوزها و ارزهای دولتی است که بابت واردات ماشین آلات دریافت کرده، اما هیچ ماشین‌آلاتی به کشور وارد نشده است. مجموع ارزهای دولتی دریافت شده توسط شرکت چای دبش وارد بازار آزاد شده و به قیمت دلار آزاد به فروش رسیده است.

فساد لاستیک- دی ۱۴۰۲

سال ۹۸، در دوره مدیریت «علیرضا پیمان‌پاک» مدیرعامل وقت شرکت «مدیریت زنجیره تامین رضوی» وابسته به آستان قدس، ۸۰ میلیون دلار ارز دولتی را در قالب قراردادی در اختیار «محمد ذوالفقاری» گذاشت تا ۲۰۰ هزار حلقه لاستیک وارد کند. پس از آن‌که «ذوالفقاری» به ۲۲ میلیون دلار از تعهدات خود عمل نکرد و لاستیک را به شرکت زنجیره رضوی تحویل نداده، این شرکت از او شکایت کرد و پرونده قضایی مربوطه تشکیل شده است.

کوروش کمپانی- بهمن ۱۴۰۲

شرکتی به نام کوروش کمپانی با ادعای پیش فروش ۲۰ میلیون تومانی آیفون ۱۳، مقادیر زیادی پول از شهروندان گرفت و مدیران این شرکت بعد از جمع آوری پول ها، متواری شدند. سندی در فضای مجازی از سوی مال باختگان منتشر شده که نشان می‌دهد این شرکت مبلغی حدود دو هزار و ۲۰۰ میلیارد تومان بدهی به مردم دارد.

برخی رسانه‌ها رقم بدهی شرکت کوروش کمپانی را بین ۵۰۰ تا سه هزار میلیارد تومان گمانه‌زنی کرده‌اند.

افزایش جرائم و ناهنجاری‌های اجتماعی

در هفته‌های گذشته خبرهایی درباره افزایش جرائم و ناهنجاری‌های اجتماعی از جمله کیف‌قاپی و غذاقاپی در خیابان‌های ایران منتشر شد؛ پدیده‌هایی که زاینده فقر و فلاکت گسترده در کشور هستند.

خبرگزاری «رکنا»، در آخرین روزهای سال گذشته خورشیدی در گزارشی به مجموعه‌ای از جرائم افزایش یافته در سطح شهر تهران پرداخته و نوشته بود گرانی که افزون شود، جرائم خرد را افزایش می‌دهد. از جمله جرائم خرد کیف‌قاپی است.»

در این گزارش آمده بود که «شهروندان از کالاقاپی در شهرهای بزرگ اطلاع‌رسانی می‌کنند اما غالباً می‌گویند وقتی یک نفر گوشت و آجیل و میوه را از دست شهروندان می‌رباید برای شکایت به مراجع پلیسی و قضایی مراجعه نمی‌کنند و تصور دارند که نیازمند بود.»

این گزارش تاکید کرده که افزایش شمار این سرقت‌ها زنگ خطر است. در اسفندماه گذشته همچنین تصاویری از فروشگاه‌هایی در سطح تهران منتشر شد که بر روی کالاهای غذایی از جمله تُن ماهی دزدگیر نصب کرده بودند. بارها ویدئوهایی از تصاویر دوربین مدار بسته فروشگاه‌های مواد غذایی منتشر شده که شهروندی بسته‌ای برنج و چند ماکارونی و رب گوجه و روغن و... را زیر لباس یا در کیف پنهان می‌کند و می‌برد.

همزمان سردار محمد قنبری رئیس پلیس آگاهی فراجا نیز از طرح ویژه پلیس آگاهی برای مقابله با کیف‌قاپی و کالاقاپی خبر داده و گفته بود «کارآگاهان پلیس آگاهی به‌منظور تامین امنیت و آرامش شهروندان و همچنین جلوگیری از جیب‌بری و کیف‌قاپی در مراکز خرید و بازارهای نروزی به صورت محسوس و غیرمحسوس حضوری فعال دارند.»

رئیس پلیس آگاهی فراجا افزوده بود که در نیمه پایانی اسفندماه با اجرای طرح‌های عملیاتی مبارزه با سارقان و تقویت گشت‌های هدفمند به‌منظور مهار جرائم اقداماتی انجام شده و همچنان ادامه دارد.

با این همه کارشناسان معتقدند افزایش جرمی چون کیف‌قاپی یا سرقت‌های خُرد از فروشگاه‌ها به‌دلیل فقر و کاهش قدرت خرید مردمی است که نمی‌توانند ضروری‌ترین نیازهای خود را تامین کنند.

ابوالفضل نیکوکار سرپرست معاونت اجتماعی و پیش‌گیری از وقوع جرم دادگستری استان آذربایجان شرقی از افزایش تعداد سارقان به نسبت زندانیان مواد مخدر برای نخستین‌بار در زندان‌های ایران خبر داده بود: «برای اولین‌بار در تهران، بیشترین محکومین و متهمان در زندان‌های سه‌گانه تهران، سارقین‌اند و قبلاً مواد مخدر بود ولی الان بالاترین جرم، سرقت است زیرا دادگستری تهران برخورد و مقابله را در برنامه دارد و نسبت به نگهداری آن‌ها و عدم اعطای نهادهای ارفاقی مثل مرخصی و آزادی مشروط و رأی باز نسبت به این متهمان اقدام کرده و افرادی که سابقه دارند نمی‌توانند از این ظرفیت استفاده کنند.»

حسن موسوی چلک رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران هم پاییز گذشته گفته بود: «سرقت، به ویژه سرقت‌های خرد بیش‌تر به واسطه تامین معیشت روزانه است. یعنی اگر تحلیلی بر اقلام سرقت شده داشته باشیم گویای همین موضوع است. وقتی فقر گسترش پیدا می‌کند و مردم برای بقا دچار مشکل می‌شوند اگر از راه‌های مشروع نشد، از راه‌های نامشروع

برای تامین معاش خود اقدام می‌کنند. پیامبر اشاره می‌کند که فقر و کفر همسایه هستند.»

حسن موسوی چلک، افزوده بود که «جامعه‌ای که فقر را تجربه کند، عوارض، پیامدهایی به دنبال دارد و زمینه‌ساز بروز و ظهور پدیده‌ها و جرائم اجتماعی است. طبیعتاً در شرایط کنونی وضعیت اقتصاد مردم خوب نیست و کسی نمی‌تواند منکر آن شود. یعنی اگر تحلیل محتوایی از صحبت‌های مسئولان و مردم و کارشناسان داشته باشیم مقوله مشخص افزایش فقر و قدرت کم مردم برای تامین هزینه‌های زندگی خود را نمایان می‌کند. متأسفانه هر روز این افزایش را در حوزه‌های مختلف اعم از مسکن، مواد غذایی، بهداشت، درمان و دارو که بر دوش مردم دارد بار می‌شود را می‌بینیم. در کنار آن افزایش مالیات که از تمام روزنه‌ها بر مردم وارد می‌شود هم بار دیگری بر دوش آن‌هاست.»

رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران، گفته بود «بیش‌تر افرادی که دست به سرقت می‌زنند، افرادی هستند که به شدت نیاز مالی دارند؛ حال بعضی سرقت می‌کنند، برخی قاچاق و برخی تن‌فروشی.»

مجید گودرزی کارشناس اقتصادی نیز درباره پدیده «کالاقاپی» گفته که «نرخ رشد کالاهای مصرفی در سال گذشته معیشت مردم را به خطر انداخته است. هزینه خرید کالاهای اساسی در قشر فرو دست آن‌ها را

واردار به حذف بسیاری از اقلام کرده است. قشر کارگر برای تامین مواد مغذی در سفره خود، مصرف تخم مرغ و سیب زمینی را افزایش داده و جایگزین گوشت و مرغ کرده است.

این کارشناس اقتصادی افزوده که «حداقل درآمد مردم متوسط و رو به پائین جامعه به گونه ای است که از پس هزینه های مسکن هم به سختی بر نمی آیند و قادر به خرید کالاهای معیشتی نیستند. طبق آمارها خرید نان در کشور افزایش یافته و مردم توان خرید برنج هم ندارند و تلاش می کنند تا با مصرف نان خود را سیر کنند.»

گودرزی با اشاره به وضعیت رکودی بازار در آستانه نوروز امسال گفته «با یک نگاه اجمالی و پرس و جو از کسبه می توان فهمید که چه قدر قدرت خرید مردم نسبت به سال های گذشته کاهش داده و اجرای طرح هایی مانند کالابرگ فجرانه برای مناطق کم برخوردار هم نتوانسته میزان قدرت خرید مردم را بالا ببرد.»

به عقیده این اقتصاددان، دولت می تواند با کنترل نرخ رشد تورم به نرخ امید در زندگی مردم بیفزاید. نه این که با دادن یارانه آن هم به صورت مقطعی برخی اقشار نیازمند را تامین کند. اجرای چنین طرح هایی پاک کردن صورت مسئله موقتی است و نمی تواند گرهی از مشکلات معیشتی باز کند. این طرح های مقطعی که درمان نیست، منجر می شود که به جایی

برسیم که این کالاقایی‌های محدود به افزایش آماری برسند و این زنگ خطر جدی است.

احمد بخارایی جامعه‌شناس نیز روز پنج‌شنبه ۲ فروردین در یادداشتی به رابطه میان شرایط نابسامان اقتصادی و آسیب‌های اجتماعی پرداخته و نوشته است میان فقر و جرم یک حلقه واسط وجود دارد و آن حلقه «احساس فقر» است.

این جامعه‌شناس معتقد است که میان فقر، جرائم و به‌طور کلی آسیب‌های اجتماعی ارتباط وجود دارد. هرچه فقر بیش‌تر می‌شود، احساس فقر تشدید شده و به‌دنبال آن نرخ جرائم افزایش پیدا می‌کند.

به‌عقیده احمد بخارایی، زندگی در فقر به‌معنای انجام جرم نیست بلکه «احساس فقر» است که زمینه‌ساز بروز جرائم و ناهنجاری‌های اجتماعی می‌شود.

او برای توضیح بیش‌تر به مقایسه فقر در جوامع روستایی و شهری پرداخته و نوشته ضریب جینی در ایران سیر صعودی دارد و در حال حاضر نزدیک به ۵۰ درصد است. این یک نقطه بحرانی است. این ضریب جینی در روستا و شهر تقریباً یکسان است. در روستا شکاف طبقاتی و نابرابری در درآمد منجر به جرم نمی‌شود، اما همین اختلاف در شهر با افزایش نرخ جرائم ارتباط پیدا می‌کند. چراکه یک واسطه میان فقر و جرائم

وجود دارد. حلقه رابط هم احساس فقر است. در روستا این احساس فقر کم‌رنگ است، چراکه آن شرایط پذیرفته شده است. یعنی سطح توقع و انتظار مردم در روستا با توقع شهرنشینان متفاوت است.

احمد بخارایی در ادامه توضیح داده در شهرها تبعیض دیده می‌شود. به همین دلیل سطح توقع افزایش پیدا کرده و تشدید می‌شود؛ زیرا آنچه از اختلاف طبقاتی ملاحظه می‌شود به احساس فقر دامن می‌زند. یعنی احساس فقر ناشی از وجود تبعیض و بی‌عدالتی است که در شهرها پررنگ است، زیرا افراد مائشین‌ها و خانه‌های لوکس، یک‌شبه ره صدساله رفتن و... را می‌بینند. این تبعیض را با همه وجود خود احساس می‌کنند. در این شرایط احساس فقر دارند که حلقه رابط میان فقر و جرم است. آنچه از اختلاف طبقاتی ملاحظه می‌شود به احساس فقر دامن می‌زند. یعنی احساس فقر ناشی از وجود تبعیض و بی‌عدالتی است که در شهرها پررنگ است.

در بخش دیگری از این یادداشت با اشاره به اینکه «اگر در عرصه سیاسی عدالت نباشد، به عرصه‌های دیگر هم سرایت می‌کند» آمده که بی‌عدالتی اقتصادی در شهرها تبدیل به کینه، انتقام‌جویی، تشدید احساس فقر می‌شود. افرادی که در این شرایط قرار می‌گیرند هم می‌خواهند به هر طریقی به هدف خود برسند. این «هر طریق» راه‌ها و کارهای غیرقانونی است، زیرا می‌بینند کسانی که رشد کرده‌اند از راه قانونی نبوده، بلکه از راه

رانت بوده است. در جامعه هم می‌بینید که فساد جنبه ریشه‌ای و ساختاری پیدا کرده است. هر دولتی هم می‌خواهد با این فساد مقابله کند، توان آن را ندارد.»

این جامعه‌شناس تاکید کرده «کسانی که سارق می‌شوند، قربانی هستند و رفتار عکس‌العملی دارند.» وی همچنین افزوده «مشخص است زمانی که فرد بی‌عدالتی را می‌بیند و صدای خود را نمی‌تواند به جایی برساند و اگر اعتراض کند مجرم هم می‌شود، خشونت در او تشدید می‌شود و در انواع مختلف بروز پیدا می‌کند. نزاع میان شهروندان در کف خیابان میان دو راننده تا نزاع در خانواده‌ها و قومی و قبیله‌ای، قتل و همه مواردی که ریشه خشونت دارد در این قالب معنا می‌شود. پس میان فقر، جرائم و به‌طور کلی آسیب‌های اجتماعی ارتباط وجود دارد. هرچه فقر بیشتر می‌شود، احساس فقر تشدید شده و به دنبال آن نرخ جرائم افزایش پیدا می‌کند.»

زنانه شدن فقر یا زنانه‌سازی فقر در ایران

زنان به مثابه نیمه تحت ستم و آسیب‌پذیر جامعه نه تنها به بهای عوامل و زمینه‌هایی که فقر زنانه را در جهان امروز شکل داده است، بلکه به علت قوانین تبعیض‌آمیز و هنجارهای اجتماعی کشور در کنار مناسبات

پدرمردسالارانه و انگاره‌های ذهنی واپس‌گرا - که از نظر فرهنگی به جامعه تحمیل می‌شود-، فقیرترین بخش جامعه ایران هستند.

آمارهای فقر در سطح جهان و در ایران بر اساس تعداد خانواده‌هایی است که در چنگال فقر فشرده می‌شوند. این آمارها تصویری محدود از مناسبات قدرت جنسیتی در خانواده، محدودیت‌های سنگین‌تر زنان، عدم دستیابی به منابع و تبعیضات اقتصادی خانواده، موانع بازدارنده‌ی عدیده برای زنان در زمینه‌ی بار جنسیتی فقر است.

ایران، کشوری که بر روی نخایر سرشار نفت قرار دارد و دومین کشور در جهان از لحاظ نخایر گاز است، یکی از پیچیده‌ترین و سریع‌ترین روندهای رشدیابنده را در زمینه‌ی فقر زنان دارد. متجاوز از ۵۰ درصد از جمعیت ۸۸ میلیون نفری ایران بر اساس داده‌های سال ۱۴۰۲ زیر خط فقر و متجاوز از ۱۶ درصد زیر خط فقر مطلق قرار دارند. ناکارآمدی، فساد مالی، سیاست‌های نئولیبرالیستی و استراتژی‌های تنش‌زا در منطقه به بیکاری گسترده و تورم حدود ۶۰ درصدی و آسیب‌های اجتماعی و فقر اقتصادی منجر شده است.

خط فقر ۳۰ میلیون تومانی در تهران و این واقعیت تلخ که خانواده‌هایی با دو عضو شاغل همچنان زیر خط فقر قرار دارند از بحران‌هایی است که از نظر اقتصادی هر روز کلان‌تر می‌شود. شکاف طبقاتی و اقتصادی و

اکثریت محروم چهره فقر شکننده را عریان تر می‌کند. در سال جاری، بر اساس مصوبه شورای کار، حداقل حقوق کارگران مجرد و بدون سابقه ۷/۳ میلیون تومان و برای کارگران با دو فرزند ۸/۵ میلیون تومان در نظر گرفته شده که فقط ۲۱ درصد بیش‌تر از سال گذشته است و تنها کفاف یک-سوم هزینه‌ی خانواده‌ها را می‌دهد. این در حالی است که در سال جاری نرخ تورم رسمی ۶۳ درصد اعلام شده است.

علاوه بر روندهایی که زنانه شدن فقر را در سطح جهان شکل می‌دهد، فقر زنان در ایران از پیچیدگی‌ها و پارادوکس‌های خاص برخوردار است. این پیچیدگی‌ها فرایند قوانین تبعیض‌آمیز، بازار کار جنسیت‌زده و فرهنگ تحمیلی که شرایط تشویق‌کننده برای راندن زنان به فضای خانواده و این باور که «اشتغال حقی مردانه است» را شامل می‌شود. زنانه شدن فقر تنها فرایند کمبود درآمد و کاهش اشتغال نیست، بلکه محرومیت از فرصت‌ها، قوانین تبعیض‌آمیز و زن‌ستیز و سوگیری‌های جنسیتی است.

بازار کار جنسیت‌زده از یک سو و حضور زنان در آموزش عالی از سوی دیگر یکی از بزرگ‌ترین شکاف‌های جنسیتی تحصیلات عالی و مشارکت اقتصادی زنان نه تنها در منطقه بلکه به عبارتی در جهان است. در بهار ۱۴۰۲ نرخ مشارکت اقتصادی جمعیت زنان ۱۵ سال و بیش‌تر، ۱۴/۱ در برابر ۶۸/۳ درصد برای مردان اعلام شده است. این در حالی است که

زنان و دختران حضور سنگینی در آموزش عالی داشته و بیش از ۶۰ درصد جمعیت آموزش عالی را در بر می‌گیرند. در کنکور سال ۱۴۰۲، حدود ۶۱ درصد از پذیرفته‌شدگان زن و ۳۹ درصد مرد بوده‌اند. این آمار نشان‌دهنده شکاف ۵۰ درصدی برای به‌کارگیری پتانسیل زنان تحصیل‌کرده و مشارکت اقتصادی آنان -یکی از عوامل کلیدی در فقر زنان- است.

زنان در سراسر جهان در بخش غیررسمی اقتصاد یا اقتصاد خاکستری حضور دارند ولی میزان آسیب‌پذیری زنان در ایران که حضور عظیمی در بخش غیررسمی اقتصاد دارند به مراتب بیشتر از سایر کشورها است. همه‌گیری کووید نیز اشتغال در کل و اشتغال زنان را با ریزشی چشم‌گیر مواجه کرد اما در ایران ریزش تعداد زنان شاغل ۱۴ برابر مردان بود. گزارش مرکز آمار ایران در سال ۱۴۰۱ از افت ۸۳۰ هزار نفره‌ی زنان شاغل و افزایش ۵۰۰ هزار نفری مردان شاغل، تبلوری از آسیب‌پذیری و عدم امنیت اقتصادی است که زنان در بخش خصوصی و غیررسمی اقتصاد ایران تجربه می‌کنند.

اگر آمارهای فوق در زمینه مشارکت اقتصادی زنان را در مقابل آمارهای مشابه کشورهای منطقه و حتی جهان قرار دهیم، چهره تکان‌دهنده زنانه سازی فقر زنان در ایران بیش‌تر نمایان می‌شود. بر اساس پژوهش‌های

موسسه مک‌کنزی، نرخ مشارکت اقتصادی زنان در کشورهای اکثریت مسلمان آسیای غربی و آفریقای شمالی به مراتب کمتر از سایر مناطق است و در سال ۲۰۲۳، ۲۴/۶ درصد اعلام شده است. این در حالی است که مشارکت اقتصادی زنان در سال ۲۰۲۳ به بالاترین میزان خود از سال ۱۹۴۸ رسیده و زنان بین ۲۵ تا ۴۵ ساله مشارکت اقتصادی ۷۷/۶ درصدی داشته‌اند. علاوه بر امارات متحده عربی و بحرین که بالاترین میزان مشارکت اقتصادی زنان را در منطقه دارند، عربستان سعودی نیز که اعلام کرده بود تا سال ۲۰۳۰ (سال تحقق اهداف توسعه پایدار که برابری جنسیتی هدف شماره پنجم آن است) نرخ مشارکت اقتصادی زنان را به ۳۰ درصد می‌رساند، در سال ۲۰۲۳ نرخ مشارکت اقتصادی ۳۶ درصدی زنان را داشت. این در حالی است که ایران با خیل عظیم زنان تحصیل کرده و مشتاق به مشارکت اقتصادی حدود نیمی از این مشارکت را دارد.

بدون شک فشارهای بین‌المللی و تحریم‌های اقتصادی نیز در این رابطه بی‌تاثیر نبوده‌اند اما نگرش‌های واپس‌گرایانه و زن‌ستیز و سیاست‌های نئولیبرالیستی و ناکارآمدانه تأثیراتی به مراتب سنگین‌تر در فرایند زنانه‌سازی فقر در ایران دارد. زنانی که «خودسرپرست» (مجرد)، «سرپرست خانواده» و «بدسرپرست» خوانده می‌شوند، محروم‌ترین بخش‌های جمعیت زنان کشور در بازار کار جنسیت‌زده ایران هستند. علت

هم این است که سیاست‌های حاکم بر بازار کار «مردان متاهل با فرزندان»، «مردان متاهل»، «مردان مجرد» و سپس «زنان سرپرست خانواده» را در اولویت قرار می‌دهند. زنان متاهل نیز برای حضور در بازار کار باید اجازه همسر داشته باشند که فقر فرهنگی و انگاره‌های ذهنی سنتی خود عاملی بازدارنده در زمینه‌ی حضور زنان در بازار کار محسوب می‌شود. بر اساس آمار رسمی وزارت کار و رفاه اجتماعی از سال ۱۳۸۵ تا ۱۴۰۰، تعداد زنان سرپرست خانواده از ۱ میلیون و ۶۰۰ هزار نفر به ۳ میلیون و ۴۰۰ هزار نفر افزایش یافته که قریب به ۴۰ درصد این جمعیت (۱ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر) تحت پوشش نهادهای حمایتی قرار دارند. فقر شکننده‌ی زنان سرپرست خانواده، آسیب‌های دیگری از جمله عدم دسترسی به آموزش، بهداشت و سلامت، کودک-همسری و ازدواج‌های اجباری، رشد فحشا و قاچاق زنان و دختران را نیز سبب می‌شود. چرخه‌ی فقر شکننده‌ی زنان سرپرست خانواده، زمینه‌ساز فقر دائمی در ایران است؛ چرخه‌ای که در آن افراد و خانواده‌ها نسل اندر نسل در دام فقر می‌مانند و قادر به غلبه بر مشکلات مالی خود حتی در خلال نسل‌ها نیستند.

از عوامل دیگر در پیچیدگی و پارادوکس‌های فقر در ایران، خشونت و ستمی است که زنان در حوزه خصوصی خانواده و حوزه اجتماعی تجربه

می‌کنند. خشونت در خانواده -آن هم در جامعه‌ای که نهادهای حمایتی برای امنیت و سلامت روح و جسم زنان خشونت‌دیده بسیار محدود است و تقریباً وجود ندارد-، یکی دیگر از موانع جدی مشارکت اقتصادی زنان و فقر زنان است.

بحران اقتصادی که در ایران هر روز در ابعاد گسترده‌تری خود را نمایان می‌کند، رشد تعداد خانواده‌هایی که با فقر و تورم لجام‌گسیخته دست و پنجه نرم می‌کنند، چهره فقر زنان را دهشناکتر و زنانه‌سازی فقر در ایران و بازار کار جنسیت‌زده ایران را با ساختارهای کنونی حاکم بر ایران به نقطه‌ای بدون بازگشت رسانده است. زنان بی‌خانمان، زباله‌گرد، کارتن‌خواب، دارای اعتیاد، خشونت‌دیده، زنانی که سرپرست خانواده بوده و از حمایت‌های اقتصادی، اجتماعی، روحی و روانی برخوردار نیستند، چهره شکننده زنانه‌سازی فقر را در ایران شکل می‌دهند و سیاست‌های نئولیبرالیستی تحت عنوان «مردمی کردن» در کنار ناکارآمدی صاحبان قدرت تنها زنانه‌سازی فقر را در ایران تشدید خواهد کرد.

نرخ ترک تحصیل کودکان و نوجوانان به بیش‌ترین مقدار خود در ۵ سال اخیر رسید

بر اساس آمار ارائه شده توسط مرکز آمار ایران در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱، نرخ ترک تحصیل به بیشترین مقدار خود در نیم دهه اخیر رسیده است. کارشناسان افزایش فقر در خانواده‌های ایران را مهم‌ترین عامل ترک تحصیل کودکان و نوجوانان عنوان کردند. بر اساس آمار منتشر شده، در سال تحصیلی مذکور نرخ ترک تحصیل در مقطع ابتدایی به ۱/۲ درصد، در مقطع متوسطه دوره اول به ۵/۴۷ درصد و در مقطع متوسطه دوره دوم به ۴/۰۴ درصد رسیده است.

به گزارش خبرگزاری هرانا به نقل از مرکز آمار ایران، در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱، نرخ ترک تحصیل به بیشترین مقدار خود در نیم دهه اخیر رسیده است.

براساس این گزارش، در سال مذکور نرخ ترک تحصیل در مقطع ابتدایی با افزایش ۰/۲۵ واحد درصدی نسبت به سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱، به ۱/۲ درصد رسیده است. در این سال تحصیلی در دوره ابتدایی نرخ ترک تحصیل پسران ۱/۲۱ درصد و نرخ ترک تحصیل دختران معادل ۱/۱۹ درصد بوده است.

در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱، نرخ ترک تحصیل در مقطع متوسطه دوره اول با افزایش ۱/۱ واحد درصدی به ۵/۴۷ درصد رسیده است. در

این مقطع تحصیلی نرخ ترک‌تحصیل پسرها معادل $6/5$ و نرخ ترک‌تحصیل دخترها معادل $4/3$ درصد بوده است.

بیشترین میزان افزایش نرخ ترک‌تحصیل مربوط به متوسطه دوره دوم بوده است. در سال تحصیلی گذشته نرخ ترک‌تحصیل در مقطع متوسطه دوره دوم با افزایش $1/72$ درصدی، به $40/04$ درصد رسیده است. در این سال نرخ ترک‌تحصیل دختران معادل $3/5$ درصد و نرخ ترک‌تحصیل پسران معادل $4/5$ درصد بوده است.

همچنین براساس آمار منتشر شده، نرخ فقر در سال 1401 به 30 درصد رسیده است و بسیاری از مردم ایران توانایی تامین نیازهای ابتدایی خود را نیز ندارند و این مسپله بر تحصیل فرزندانشان موثر است.

کارشناسان معتقدند که مهم‌ترین عامل افزایش میزان ترک تحصیل در سال‌های گذشته افزایش فقر در یک دهه اخیر بوده است. بنابراین به نظر می‌رسد که برخی از دانش‌آموزان به جای تحصیل، برای تامین نیازهای خود وارد بازار کار می‌شوند. علاوه بر این، ارزش تحصیل برای کسب درآمد نسبت به سال‌های گذشته کاهش یافته و موجب شده است تا انگیزه دانش‌آموزان برای ادامه تحصیل کاهش یابد.

لازم به ذکر است چندی پیش مرکز آمار ایران تعداد کل دانش‌آموزان بازمانده از تحصیل را در سه دوره آموزشی، 929 هزار و 798 نفر

اعلام کرد. بر اساس آمار ارائه شده این سازمان، این تعداد شامل ۱۷۵/۱۱۴ نفر در دوره ابتدایی (۹۶/۲۰۲ پسر و ۷۸/۹۱۲ دختر)، ۱۹۷/۶۹۰ نفر در دوره متوسطه اول (۹۸/۲۷۱ پسر و ۹۹/۷۲۳ دختر) و ۵۵۶/۹۹۴ نفر در دوره متوسطه دوم (۲۹۵/۱۰۱ پسر و ۲۶۱/۸۹۳ دختر) هستند.

کاظم صدیقی: رهبری هر گاه رنج می‌کشند سری به جمکران می‌زنند

اقتصادنیوز: رئیس ستاد امر به معروف و نهی از منکر با بیان این‌که بقای انقلاب تا به امروز با ولایت‌وفقیه و و معنویت بوده است، گفت: ولایت فقیه ظهور صغری برای رسیدن به ظهور کبری است.

به گزارش اقتصادنیوز، ۱۴۰۱/۰۳/۱۸، به نقل از خبرآنلاین، کاظم صدیقی در سومین اجلاس بین‌المللی فعالان مهدویت اظهار کرد: مردم ما در زمان پهلوی هیچ رفاهی نداشتند. نه قدرتی، نه تولیدی، و نه پیشرفتی. امام خمینی که آمد، دین آمد. عزت، انسجام، محبت، ایثار، شهادت‌طلبی و قدرت آمد. مردم در صحنه برای استقبال از امام زمان (عج) خون دادند و می‌دهند. روزی در داخل کشور از مرزهای خودمان دفاع می‌کردیم. امروز در مرز رژیم صهیونیستی و در سوریه از حریم امن الهی دفاع می‌کنیم.

امام جمعه موقت تهران گفت: روزگاری انتظار امام زمان فقط در لفظ و ذهن و کتاب دعا بود. امام خمینی(ره) یک منتظر واقعی بود و گفت بریم امام را بیاوریم. ما از ادیان دیگر بسیار جلوتر هستیم. نفس مقام معظم رهبری از نفس امام زمان(عج) گرم است. رهبری هر گاه برای جوانان مسلمان رنج می‌کشند، سری به جمکران می‌زنند.

رئیس ستاد امر به معروف و نهی از منکر با اشاره به سه رکن رهبری، برنامه، و مردم گفت: در هر حرکتی، سه چیز بسیار مهم است. رکن اول رهبری است. رکن دوم برنامه و طراحی است. سوم مردم، ملت، و مستضعفین هستند. امام زمان(عج) حاضر است و منتظر ماست. منتظر آمدگی ماست. ایشان غصه می‌خورند که ما دیر بیدار شدیم. در زمان غیبت ما صرفاً با معیار فقاقت و تقوا کسی ولی فقیه نمی‌دانیم. معتقدیم رهبری از بالا تعیین شده است. خلیفه خداوند با انتصاب خداوند روی زمین محور همه موجودات شد.

صدیقی با بیان این‌که امام زمان حجت خداوند است. ولایت فقیه هم حجت حجت خداوند است؛ گفت: ولایت فقیه یک امر اعتباری مثل ریاست جمهوری و ریاست مجلس نیست. تا زمانی که خلوصی برای ایجاد سنخیت بین امام زمان(عج) و نایب ایجاد نشود، پرچم رهبری شیعه به دست کسی نمی‌افتد. در انقلاب اسلام ایران امام جلو افتاد. امام شرایط رهبری را

داشت. زمانی که شاه اعلام حکومت نظامی کرد. امام فرمودند که به خیابان‌ها بریزد. کسی که نایب امام زمان است؛ خداوند و امام زمان با ولایت تکوینی هوای نایبش را دارد. ما تا به امروز در کشتی نجات اهل بیت هستیم.

رئیس ستاد امر به معروف و نهی از منکر افزود: ولایت فقیه استمرار عطرته اهل بیت است. قداست رهبری، متفاوت از رهبری‌های دنیاست. مقام معظم رهبری فرمودند که دشمنان می‌خواهند رخنه کنند اما مردم ما را نمی‌شناسند و این کار شدنی نیست. مردم در مواقع خاص ناراحت و رنجیده‌اند؛ اما در ۲۲ بهمن همه به میان می‌آیند.

او در پایان تاکید کرد: بقای انقلاب تا به امروز با ولایت و فقیه و و معنویت بوده است. ما در حال سیر به سوی قله هستیم. ولایت فقیه ظهور صغری برای رسیدن به ظهور کبری است.

امام جمعه تهران: وضع اقتصادی آلمان و انگلیس بدتر از ماست

امام جمعه تهران، در یکی از نمازهای سال ۱۴۰۱، گفت: ارز ترجیحی به جیب پولدارها می‌رفت ولی الان آن را برداشتند که مصادف با جنگ اوکراین و روسیه شده است. الان تمام دنیا گرفتار گرانی شده است. انگلیس

و آلمان وضع‌شان بسیار بدتر ماست و طبقات ضعیف آمریکا هم در حال له شدن هستند.

به گزارش اقتصاد نیوز، به نقل از اینلنا، حجت‌الاسلام والمسلمین کاظم صدیقی در سال‌روز آزادسازی خرمشهر و پاس‌داشت روز ذرفول، روز مقاومت و ایستادگی در مراسمی که در مسجد صادقیه در منطقه ۱۰ تهران برگزار شد، با اشاره به فرارسیدن سالروز شهادت امام جعفر صادق(ع) گفت: «امام جعفر صادق(ع) پرچمدار انقلاب فرهنگی، علمی، اخلاقی و سیاسی است. بعد از نهضت سیدالشهدا(ع) جامعه در یک خفقانی به سر می‌برد.»

او بازپس‌گیری خرمشهر را یگ پیروزی تاریخی، فراموش‌نشده و معجزه‌آسا دانست که محالی را ممکن کرد و گفت: «اگر صدام چنین پیروزی‌ای را به دست می‌آورد، کشورهای اسلامی پایکوبی می‌کردند ولی وقتی به امام این خبر را دادند، اینجا هم امام مغرور نشد و گفتند خرمشهر را خدا آزاد کرد. امام یکجا من نگفت.»

امام جمعه موقت تهران، با بیان این‌که جنگ اقتصادی امروز یکی از امتحانات بزرگ تاریخ برای ماست، اظهار داشت: «ما امروز یک دولت امین، پایه‌کار و شهادت‌طلب داریم. با آیت‌الله رئیسی برای زیارت قبور

شهادای بهشت زهرا و ۷۲ تن رفته بودیم. ایشان به مسئول بهشت زهرا گفت که جای ما را این‌جا نگه دار. این آمادگی را ایشان را نشان می‌دهد. صدیقی، رئیس‌جمهور را فردی دانست که جان بر کف است و آبروی خود را در میان گذاشته است، تصریح کرد: «ایشان وقتی نامزد ریاست جمهوری شد، به من گفت فلانی من امروز در قوه قضاییه مسلط شدم و می‌توانم یقه بگیرم ولی الان جایی می‌روم که بقیه می‌توانند یقه مرا بگیرند. نه آن‌که بی‌خبر باشم ولی می‌بینم کسی نیست، مملکت را بدهکار کردند و زیربناها را خراب کردند. می‌روم تا آبروی خود را فدا کنم.»

او با بیان این‌که چنین دولتی می‌خواهد برای شما کار کند، خاطر نشان کرد: «ارز ترجیحی به جیب پولدارها می‌رفت ولی الان آن را برداشتند که مصادف با جنگ اوکراین و روسیه شده است. الان تمام دنیا گرفتار گرانی شده است. انگلیس و آلمان وضع‌شان بسیار بدتر ماست و طبقات ضعیف آمریکا هم در حال له شدن هستند.»

رئیس ستاد امر به معروف و نهی از منکر، با بیان این‌که تکانه‌های جهانی نیز بر ما اثر دارد ولی بدانید عین جنگ هشت ساله است، ابراز داشت: «اگر مقاومت کردیم و تنه به دولت نزدیم، پیروزیم. ما در جنگ کوپنی زندگی می‌کردیم، از دولت توقعی نداشتیم، قلق بچه‌ها را فروختیم و زیورآلات عروس‌های خود را به جبهه می‌فرستادیم. امروز هم جنگ

اقتصادی و تبلیغاتی است. نذر کنیم و دولت در جهاد تبیین را همراهی کنیم.»

امام جمعه تهران: ربا جنگ مستقیم با خداست

رئیس ستاد امر به معروف و نهی از منکر کشور بیان داشت: بی‌تفاوتی نسبت به گناه در جامعه باعث ترویج فساد و ایجاد منکرات گسترده در نهاد مقدس خانواده می‌شود.

به گزارش اقتصاد نیوز، ۱۲/۱۰/۱۴۰۰، به نقل از فارس، نشست رئیس، دبیر و معاونین ستاد امر به معروف و نهی از منکر کشور با ریاست و معاونین سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران در محل سالن جلسات شهدای امر به معروف ستاد کشور برگزار شد.

در ابتدای این نشست حجت‌الاسلام کاظم صدیقی، رئیس ستاد امر به معروف و نهی از منکر کشور با عرض تسلیت نسبت به فرارسیدن حجت خدا و فرمانده مقابله با جنگ نرم تاریخ حضرت فاطمه زهرا(س) و همچنین دومین سال‌گرد شهادت سیدالشهدا مدافع حریم ولایت حاج قاسم سلیمانی و گرامی داشت ایام دهه بصیرت، اظهار داشت: حضرت زهرا(س) قربانی مسلخ امر به معروف و نهی از منکر است.

او افزود: مهم‌ترین معروف در عالم امکان مسئله ولایت است که حاکمیت خداوند متعال بر بندگان از مجرای ولایت صورت می‌پذیرد.

رئیس ستاد امر به معروف و نهی از منکر کشور گفت: حضرت زهرا(س) برای دفاع از بزرگ‌ترین معروف و مقابله با منکر به میدان جنگ سخت و نرم آمد.

صدیقی گفت: حضرت زهرا(س) در جنگ سخت جلوی مهاجمین ایستاد و مانند یک لشگر از خاکریز ولایت سرسختانه دفاع کرد و تازمانی که زنده بودند دست از محافظت از امیرالمومنین(ع) برنداشتند.

او افزود: درس بزرگ حضرت زهرا(س) به ما داشتن ایمان است؛ همچنان که ایمان باعث ایجاد قدرت می‌شود همچنان که محبت به ولی الله به انسان اراده می‌دهد.

رئیس ستاد امر به معروف و نهی از منکر کشور، در ادامه گفت: داشتن قدرت ایمان و اراده محبت باعث می‌شود که شخصی حتی بدون نداشتن سلاح و نفرات جلوی همه عالم بایستد که نمود بارز معاصر آن حضرت امام خمینی(ره) است که وی بدون همراهی ولی با داشتن این دو صلاح در مقابل تمام عالم کفر ایستاد.

حجت‌الاسلام صدیقی بیان داشت: حضرت زهرا(س) با این‌که بعد از آن حمله به خانه‌شان بعد از به هوش آمدنشان به استراحت نپرداختند؛ با حالی

که داشتند رفتند به سمت مسجد و از امام زمان خودشان تا لحظه آخر دفاع کردند.

او افزود: تا زمانی که حضرت زهرا(س) زنده بودند هیچکس نتوانست از امیرالمومنین(ع) بیعت بگیرد که این درس بزرگی برای ما به حساب می‌آید.

امام جمعه موقت شهر تهران اظهار داشت: در کنار جنگ سخت، جنگ نرم حضرت زهرا(س) نیز مثال زدنی است و این برای پژوهش‌گران می‌تواند سرمشقی باشد و آن‌ها را به تحقیق در مورد نقش و تاکتیک حضرت زهرا(س) در مقابل هر جنگ نرمی وا دارد.

صدیقی گفت: جنگ نرم حضرت زهرا(س) گریه‌های ایشان در موارد مختلف بود که این گریه‌ها افشاگری و مرزبانی از علم و بیرق ولایت بود که این گریه‌های حضرت صدیقه(س) مظلومیت امیرالمومنین(ع) به همه جهانیان نشان داد.

او اضافه کرد: گریه‌های حضرت زهرا(س) تاثیر گذاریش کمتر از شمشیر ذوالفقار امیرالمومنین حضرت علی(ع) نبود.

رئیس ستاد امر به معروف و نهی از منکر کشور افزود: جبهه امر به معروف و نهی از منکر هیچ موقع تعطیل نمی‌شود و سبک زندگی حضرت زهرا(س) به ما تاکتیک چگونگی امر به معروف و نهی از منکر کردن

در شرایط مختلف را می‌آموزد و از دیگر درس‌های بزرگ حضرت زهرا(س) به ما این است که در هر شرایطی می‌توان امر به معروف و ناهی از منکر بود؛ حتی اگر نفرات، سلاح و تجهیزات نداشتید.

صدیقی با اشاره به اشک‌های حضرت زهرا(س) افزود: اشک‌های حضرت زهرا(س) باعث فروپاشی هیمنه مستکبران در کل تاریخ شد و این اشک‌ها ثابت کرد که ایشان بزرگترین فرمانده مقابله با جنگ نرم در طول تاریخ است که ما افتخار می‌کنیم که با لبیک خود به این فرمانده در تحت لوا و پرچم حضرت قدم بر می‌داریم و حرکت می‌کنیم.

او به دیگر ابعاد سبک امر به معروف ونهی از منکر حضرت زهرا(س) اشاره کرد و گفت: زمانی که حضرت صدیقه طاهره(س) در حالت احتضار بودند زنان مهاجر و انصار به عیادت ایشان آمدند و حضرت نسبت به بی‌تفاوتی مردان آن‌ها گلایه کرد که این گلایه حضرت می‌تواند برای من و شما تذکر خیلی جدی باشد که نباید نسبت به منکرات به تفاوت باشیم و با یک نهیب از سمت دشمنان عقب‌نشینی کنیم.

رئیس ستاد امر به معروف و نهی از منکر کشور، اضافه کرد: بی‌تفاوتی نسبت به گناه در جامعه باعث ترویج فساد و ایجاد منکرات گسترده در نهاد مقدس خانواده می‌شود.

اظهارات جنجالی یک امام جمعه درباره حرام لقمه‌ها و حرام خوارها امام جمعه موقت تهران، در یکی از نمازه جمعه‌ای سال ۱۴۰۰ خود گفت: برخی دوست ندارند محبت و عدالت حاکم باشد و مدام دنبال بهانه هستند تا سر و صدا کنند. این به طینت و به لقمه‌هایی که خورده اند بازمی‌گردد. حرام خوارها از دین خدا، عمامه و پاکی خوششان نمی‌آید. حجت‌الاسلام و المسلمین محمد کاظم صدیقی، جمعه شب در مراسم عزاداری سال‌گرد شهادت حضرت فاطمه زهرا(س) در حرم مطهر حضرت امام رضا(ع) افزود: حضرت زهرا(س) با خطبه خود در مسجد پیامبر(ص) یک تنه دنیایی از دشمن را مغلوب کرد.

وی ادامه داد: پیامبر اکرم(ص) به حضرت فاطمه(س) می‌فرمود، پدر فدای تو. رسول خدا(ص) اهل تعارف نبود و همه ائمه(ع) نیز نسبت به حضرت فاطمه(س) تکریم و تعظیم داشتند.

امام جمعه موقت تهران گفت: برخی دوست ندارند محبت و عدالت حاکم باشد و مدام دنبال بهانه هستند تا سر و صدا کنند. این به طینت و به لقمه‌هایی که خورده اند بازمی‌گردد. حرام خوارها از دین خدا، عمامه و پاکی خوششان نمی‌آید.

وی با بیان این‌که رهبر بزرگوار ما، حکیم، قدرتمند، دنیا شناس و مدیر است افزود: ایشان در زمان رهبری خود با وجود برخی دولت‌های چموش

و غربگرا و این همه نفوذی و جاسوس، کشور را به آرامی به پیش بردند و چرخ پیشرفت متوقف نشد.

صدیقی ادامه داد: ما سر سفره شهدا، زیر پرچم ائمه (ع) و ولی فقیه هستیم و اگر دلمان را به خدا بدهیم هیچ حادثه‌ای ما را غصه دار و پریشان نمی‌کند. صبر و نماز تکیه گاه است و ما را از غصه و پریشانی نجات داده و آرامش می‌دهد.

او گفت: اگر اعتقاد خود را به خدا تقویت کنیم خدا هم جان، کشور، انقلاب و نظام ما را حفظ می‌کند.

امام‌جمعه تهران: اگر تمام دنیا هم علیه ما باشند در سایه ولایت‌فقیه آسیبی نخواهیم دید

اقتصادنیوز، سال ۱۳۹۸: حجت‌الاسلام کاظم صدیقی، امام‌جمعه موقت تهران با بیان این‌که اگر تمام دنیا هم علیه ما باشند در سایه ولایت‌فقیه آسیبی نخواهیم دید، گفت: پس از حضور آیت‌الله رئیسی در راس قوه قضاییه، دستگاه قضایی دارای آهنگی نوین شده است.

به گزارش اقتصادنیوز به نقل از ایسنا، همایش اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری در برابر تهدیدات فرهنگی و امنیتی با حضور حجت‌الاسلام کاظم صدیقی امام‌جمعه موقت تهران و مشاور رئیس قوه قضاییه، علی صالحی

رئیس‌کل دادگستری استان هرمزگان، مسئولان قضایی و اجرایی و اقشار مختلف مردم در بندرعباس برگزار شد.

حجت‌الاسلام صدیقی به‌عنوان سخنران ویژه این همایش با اعلام این‌که پیروی از اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری موجب رفع ابهام و افزایش معرفت جامعه اسلامی خواهد شد، خاطر نشان کرد: استمداد از خداوند متعال و تکیه بر توانمندی داخلی، استقامت در مقابل سختی‌ها، پرهیز از اشرافی‌گری و ریاست‌طلبی، ساده‌زیستی، تعبد و عدالت، دوری از خودباختگی و انفعال مهم‌ترین مؤلفه‌های اندیشه سیاسی رهبر معظم انقلاب در برابر تهدیدات را تشکیل می‌دهند.

به گزارش ایسنا، امام‌جمعه موقت تهران با اعلام این‌که اگر تمام دنیا هم علیه ما باشند در سایه ولایت‌فقیه آسیبی نخواهیم دید، اظهار کرد: در موضوع برجام اگر نظارت و تذکرات رهبری نبود خیلی باخته بودیم.

حجت‌الاسلام صدیقی افزود: در حوادث اخیر، رهبر انقلاب، فرمان خدا را اجرا کرد و با موضع حکیمانه خود، امنیت مردم را تضمین کرد و ضمن صیانت از وحدت کشور، تهدید و توطئه مذبوحانه دشمن را دفع کرد.

امام‌جمعه موقت تهران در ادامه با اشاره به «زهد و ساده‌زیستی رهبر معظم انقلاب اسلامی» تصریح کرد: حضرت آیت‌الله خامنه‌ای دوری از

اشرافی‌گری را از خانواده و وابستگان خود آغاز کرده‌اند به‌نحوی که هیچ‌یک از فرزندان ایشان از خود منزل مسکونی ندارند و در جایی نیز استخدام نیستند و اگر تمام اسباب زندگی رهبر انقلاب را جمع بکنید حتی به‌اندازه بار یک وانت هم نخواهد شد.

او در بخش دیگری از سخنان خود، با اشاره به «نقش دستگاه قضایی در تحقق اندیشه‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی»، تصریح کرد: دستگاه قضایی باید بداند که می‌تواند تمام مشکلات مملکت را حل و فصل کند. حجت‌الاسلام صدیقی عنوان کرد: دستگاه قضایی با ویژگی جهادی می‌تواند کشور را نجات دهد، چراکه این دستگاه مرزبان عدالت است و همه مسئولین باید خود را با این موضوع مطابقت بدهند.

امام‌جمعه موقت تهران اظهار کرد: خوشبختانه پس از حضور آیت‌الله رئیسی در راس قوه قضاییه، دستگاه قضایی دارای آهنگی نوین شده است، چراکه با تبعیت از سیره رهبر معظم انقلاب اسلامی، تشریفات زائد کاسته شده و همه برای خدا کار می‌کنند.

امام‌جمعه تهران: اولین کار مادرمان «حوا» پوشاندن خود بود

اقتصادنیوز سال ۱۳۹۸؛ کاظم صدیقی، امام جمعه موقت تهران گفت: با این‌که برجام از ابتدا نافرجام و خسارت‌بار بود و متوازن نبود، اما با این

حال آن‌ها برجام را نقض کردند، در زمان اوباما هم برجام را نقض و تحریم‌ها را تشدید کردند تا نوبت به این رئیس‌جمهور رسید.

کاظم صدیقی در «خطبه‌های این هفته نماز جمعه تهران که در مصلاهی امام خمینی(ره) برگزار شد، با اشاره به نقض عهد آمریکا و رسوایی آن کشور در میان همه کسانی که قانون رایج بشریت را قبول کردند و می‌دانند که این قوانین امنیت بین‌المللی را تثبیت می‌کند»، اظهار داشت: آمریکا با اینکه برجام از ابتدا نافرجام بود، متوازن نبود و خسارت بار بود اما با این حال آن‌ها برجام را نقض کردند، در زمان اوباما هم برجام را نقض و تحریم‌ها را تشدید کردند تا نوبت به این رئیس‌جمهور رسید.

او گفت: رهبری این علمدار شرف و عزت بین‌المللی فرمودند اگر آن‌ها برجام را پاره کنند ما آن را آتش می‌زنیم، امروز هم با این صلابتی که کانون مقاومت بین‌المللی یعنی رهبری این جریان دارد، با گذشت یک سال اروپایی‌ها نه تنها به تعهدات برجامی خود عمل نکردند بلکه عملاً تابع آمریکا شدند و در پیشبرد تحریم‌های ظالمانه علیه ما، آن‌ها را همراهی کردند.

امام جمعه موقت تهران با بیان این‌که جا نداشت فرصت دو ماهه به اروپایی‌ها بدهیم، افزود: بی‌معنی است که قراردادی چندجانبه باشد، همه کنار بکشند و یکی بگوید ما هنوز هم باقی می‌مانیم. این چی هست؟ اقتدار

است؟ عزت است؟ حکمت است؟ دو ماهی که فرصت دادیم هم پایان یافت و امروز مسئولین متفق القول هستند که تعهدات برجامی را کاهش دهیم و این کاهش هم معالاسف در چارچوب برجام است. طبق مواد ۲۶ و ۳۶ برجام اجازه داده شده به هر یک از طرف‌ها که بخواهند در واکنش به بدعهدی طرف مقابل در تعهدات خودش تجدید نظر کند.

صدیقی گفت: لذا اولین گامی که متفق القول برداشتیم مسئله غنی‌سازی است که با عنایت و نصرت حق و پشتیبانی مردم همیشه در صحنه تصمیم گرفتیم که، هر مقدار لازم داریم، تا ۲۰ درصد غنی‌سازی را بالا ببریم و در این خصوص هم ما ملاحظه هیچ‌کس را نخواهیم کرد.

او ادامه داد: نکته مهمی که باید همه توجه داشته باشند این است که همه مصیبت‌هایی که برای بشر پیش می‌آید و مواجه می‌شود با تلخی‌ها و دشواری‌ها این است که انسان‌های استوار هر تهدیدی را به فرصت تبدیل می‌کنند. خداوند در قرآن به سختی‌ها قسم می‌خورد، به این دلیل که تمام برکاتی که عاید جامعه بشری شده در اثر تحمل مشقت‌ها و فشارها بوده است.

خطیب جمعه تهران گفت: اگر جنگ نبود شما امروز صاحب قدرت برتر موشکی نبودید و این پهپاد رادار گریز و مدرن آمریکایی را نمی‌توانستید سرنگون کنید. در این جنگ اقتصادی هم باید مسئولین همان‌طور که در

جنگ نظامی به جوانان میدان دادند و به کسانی که دل به ولایت دادند و همین‌هایی که با این اعتقاد موشک، هواپیما و پهپاد ساختند، داعش را از بین بردند و امنیت کشورهای دیگر را علاوه بر کشور خود تامین کردند، مجال و فرصتی بدهند.

صدیقی تاکید کرد: اگر این‌طور شود این جوانان عرصه اقتصادی را در موقعیتی قرار می‌دهند که برای همیشه ملت ما پیروز و دشمنان ما سرافکنده خواهند شد.

امام جمعه موقت تهران با بیان این‌که رهبری انقلاب در بیانیه گام دوم انقلاب بر جوان‌گرایی و اعتماد به سرمایه‌های داخلی تاکید دارند، گفت: ما امروز خبرهایی دریافت کردیم که در برخی مناصب مهم اقتصادی، بعضی جوانان مجرب، کارآزموده و انقلابی استقرار پیدا کردند که امیدواریم موردی نباشد. البته تنها انتصاب اکتفا نمی‌کند. اگر جوانی مؤمن و انقلابی بود و خواست مطالب آن‌جا را شفاف در اختیار مردم قرار دهد، باید از آن جوان حمایت شود.

او در خصوص توقیف کشتی نفتکش ایرانی توسط دولت انگلیس، افزود: خدا دشمنان ما را بی عقل قرار داده است، آدم عاقل که با حق در نمی‌افتد. آن‌ها دیدند که بعد از فاصله نه چندان دوری از حادثه اهواز، موشک‌های ما کنار اردوگاه آمریکا چه اقتداری را نشان داد. شما مردم عزیز به حق

توقع دارید و من این اطمینان را می‌توانم بدهم که انگلیسی‌ها بزودی بابت این جسارت، بی‌توجهی و غفلت از بازوان پر توان قدرتمندان نظام ما سیلی بخوردند تا برای همیشه پشیمان باشند.

امام جمعه موقت تهران با اشاره به موضوع حجاب در کشور، بیان کرد: موضوع کشف حجاب رضا خانی با دستور انگلیسی‌ها صورت گرفت. آن‌ها خواستند با سنگرهایی که برای مسلمانان هویت و اقتدار می‌آورد برخورد کنند که یکی از آنها مساله زنده نگهداشتن داستان کربلا و امام حسین(ع) است، دوم راهنمایی علما با آرم خاص پیغمبری بود. این عمامه و این لباس آرم مجاهدت و از جان گذشتگی است، آرم نوکری امام زمان است آرم صیانت از بدی‌ها است، لباس متانت است لذا رضا خان عمامه‌ها را هم به دستور انگلیس برداشت. سومین سنگر، موضوع خانواده است که در تحکیم خانواده نقش حجاب بسیار پر رنگ است، از این جهت حجاب را خواست با سر نیزه بردارد.

صدیقی تصریح کرد: من مردم خود را مومن می‌دانم، بانوان مملکت را علاقه مند به حضرت زهرا(س) می‌دانم، معتقد به قرآن می‌دانم و بر اساس دیده‌های خودم در مجامع عمومی عرض می‌کنم که حتی بانوان و دخترانی که ظاهر خود را حفظ نکرده بودند التماس دعاهایی داشتند، راهنمایی‌هایی که می‌خواهند، نذرهایی که در مجالس امام حسین(ع) و جاهای دیگر دارند،

بیانگر این است که خدا می‌داند اکثریت آن‌ها اسلام و احکام اسلام را قبول دارند ولی برخی از آن‌ها در اثر عدم توجه در یک فضایی قرار می‌گیرند و لجاجت می‌کنند.

او ادامه داد: همه بانوان ایران، حتی شما بانوانی که مسلمان نیستید، حجاب را با دیگر پوشش‌ها مقایسه کنید. حجاب مظهر هویت مستقل زن است، زن یک هویتی دارد که با مرد فرق دارد، زن باید به زن بودنش ببالد. هیچ لباسی مثل لباسی که اسلام تجویز کرده و پوششی که حضرت زهرا(س) داشتند برای زن هویت استقلالی معین نمی‌کند. تشبیهی که دارم این است که همان‌گونه که عمامه برای عالم دینی یک نشانه است و مردم با دیدن آن یاد مهربانی، اخلاق، دین و اسلام می‌افتادند، حجاب هم آرم و تابلوی معنویت و دین شماسست و تبلیغی است برای کسانی که در این وادی نیستند.

امام جمعه موقت تهران تصریح کرد: ما در انگلیس خانمی را دیدیم که به تازگی به اسلام گرویده بود، از او پرسیدند که چه‌طور شد که اسلام آوردی؟ گفت من روزی از خانمی که چادر به سر داشت پرسیدم که این چه لباسی است و وقتی آن خانم چادری فلسفه دینی حجاب را برایم تعریف کرد، نکته‌هایی شنیدم که به خودم گفتم این‌ها همان گمشده‌های زندگی من در آن دینی است که آن حجاب را تعیین کرده است.

وی ادامه داد: برهنگی را نه عقل می‌پسندد نه فطرت. شما دیدید اولین کاری که مادرمان «حوا» پس از آن‌که از بهشت بیرون آمدند انجام دادند این بود که با برهنه دیدن خود، بلافاصله خود را پوشاندند. لذا پوشش و حجاب شرف، اقتدار، عزت و هویت است. به علاوه آن‌که انسجام خانوادگی را به دنبال می‌آورد. زنی که در نگاه هر هرزه‌ای قرار می‌گیرد نمی‌تواند در کانون خانواده خود گرم باشد.

صدیقی پیرامون مسائل و مشکلات اقتصادی کشور، گفت: یکی از مواردی که مردم را اذیت می‌کند تبعیض و اختلاف طبقاتی در کشور است. مشکلات ارزی که به وجود آمد اختلافات طبقاتی را تشدید کرد. امروز بیکاری، جوانان را نگران و اذیت می‌کند، این موارد نتیجه تحریم بیگانه نیست بلکه ناشی از سوءمدیریت و بی‌تدبیری‌ها است.

وی ادامه داد: مسئولین باید حاشیه شهرها را ببینند، بیکاری جوانان و فاصله طبقاتی را ببینند. یک بدنی را تصور کنید که سر آن گنده شده ولی پایین تنه آن رنجور و ضعیف باشد، همه از این تصویر زشت، نفرت پیدا می‌کنند. اقتصاد، خون است و باید در همه رگ‌ها جریان داشته باشد، پایین شهری و بالا شهری نباید داشته باشیم.

امام جمعه موقت تهران با بیان این‌که امروز ببینید سوءتدبیر در مسئله ارزی جامعه را به کجا برده است، تصریح کرد: حضرت آقا سال ۹۵ به

وزیر اقتصاد و رئیس بانک مرکزی توصیه کردند که نقدینگی‌ها را به سمت تولید هدایت کنید، امروز سهم تولید غذا در مقایسه با کارهای خدماتی و دلالی چقدر است؟ سهم کارهای خدماتی در حد بودجه کشور است و سهم بودجه تولید غذا پایین‌تر از ۱۰ درصد است.

وی بیان کرد: این‌ها مطالبه مردم است، مسئولین باید به میدان بیایند، مدیریت جهادی داشته باشند، به جوان‌ها اعتماد کنند، از مردم کمک بگیرند و مساله بیکاری، گرانی و فساد را برای همیشه حل کنند.

صدیقی در پایان به موضوع فرا رسیدن موسم حج خاطرنشان کرد: امیدوارم حجاج ما در اجرای توصیه‌های رهبر انقلاب با نهایت دقت، آن‌جا برای کشور ما زینت باشند، دل‌های دیگر حاجیان کشورهای مختلف را شکار کنند و انقلاب را در عمل خود زیبا جلوه دهند و حکومت ولایی را متفاوت با دیگر حکومت‌ها در عمل خود متجلی کنند.

امام جمعه تهران: مردم جان‌شان از فساد به لب رسیده

رئیس ستاد امر به معروف و نهی از منکر گفت: نجات بیماران سیاسی و اخلاقی این است که منشا مدیریت بد را پیدا کنیم. وقتی مسئولان فاسد باشند جامعه هم فاسد می‌شود.

به گزارش اینا، حجت‌الاسلام کاظم صدیقی در همایش فعالان حوزه امر به معروف و نهی از منکر با بیان این‌که مردم از گسترش فساد ناراحت هستند، گفت: «فساد در حال توسعه است. هر جا بروید مردم جانشان از فساد به لب رسیده و فریاد بر می‌آورند.»

او ادامه داد: خیلی‌ها تا پول و پارتی نداشته باشند هیچ جا آغوشی برایشان باز نیست.

رئیس ستاد امر به معروف و نهی از منکر ادامه داد: رئیس قوه قضاییه دستور دهد در شهرها و مراکزی که پایگاه قضایی دایر است، قضات آموزش دیده حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر مبارزه با فساد را شروع کنند و آن را از وظایف شرعی خود بدانند.

او ادامه داد: مردم باید در برابر گناه غیرت داشته باشند، در برابر امر به معروف و نهی از منکر تذکر لسانی دهند و گزارش‌ها ارائه کنند نه این‌که شکایت کنند تا به آن‌ها گفته شود، شما زحمتی ندارید مدعی‌العموم خودش در این باره کار انجام خواهد داد ما باید کاری کنیم که گناه و فساد و بی‌عفتی از جامعه رخت بر بندد و شهر برای فاسدان ناامن شود شما سربازان امام زمان هستید و باید هرچه زودتر دست به کار شوید زیرا فردا دیر است.

صدیقی ادامه داد: با حضور آیت‌الله رئیسی و برخورد ایشان در مبارزه با فساد، امواج امید در دل اقشار مردم خصوصا متدینان که دلشان برای کشور اسلامی می‌سوزد، جاری شده است. مردم نباید شاهد نابسامانی، تبعیض، نابرابری، کم‌کاری در نهادها و بی‌کاری و بی‌توجهی باشد، باید گفت این امید نشانه عنایت خداوند است.

او خطاب به ناهیان از منکر و آمران به معروف گفت: شما مبارزان و مجاهدان در برابر شرک، فساد و هرزگی هستید. شما جایگزینان خداوند در عرصه مبارزه‌اید. رئیسی راهی را در پیش گرفته و می‌خواهد حماسه جدیدی را به وجود بیاورد. رهبری انقلاب اسلامی ما حماسه جدیدی در عالم سامان خواهد داد. فریاد حق‌خواهی برای خیزش و بیداری خفتگان صورت گرفته است.

رئیس ستاد امر به معروف و نهی از منکر گفت: امر به معروف و نهی از منکر کار خدا و رسولش است و کسانی که این کار را انجام می‌دهند باید این دو محور مدنظرشان باشد.

او ادامه داد: ایمان و عمل صالح و ایستادگی بر حق و صبر لازمه متدینان است. آنان باید تابع خدا و پیغمبرش باشند. ما باید امر به معروف و نهی از منکر را فرهنگ‌سازی کنیم و با اعتقاد و ایمان به میدان بیاییم.

صدیقی گفت: اگر معصیت مرز و ظالم غده سرطانی باشد، بی‌تعهدی، بیماری میکروبی و ویروسی است که نیاز به درمان دارد اما قبل از آن باید ارزیابی‌های لازم صورت گیرد. اینگونه نباید بدون شناخت به میدان ورود کنیم و به‌جای این‌که ابرویش را درست کنیم، چشمش را کور کنیم. نجات بیماران سیاسی و اخلاقی این است که منشا مدیریت بد را پیدا کنیم. وقتی مسئولان فاسد باشند جامعه هم فاسد می‌شود.

وی ادامه داد: باید حکمت در کار داشته باشیم و حرف را به موقع بزنیم. این‌طور نباشد که وقتی کار از کار گذشته، مچ‌گیری‌ها آغاز شده، برخوردها شروع شده، موج در رسانه راه افتاده که چه کسی کجا فساد انجام داده و چه کسی برده و خورده، آن‌وقت وارد عمل شویم.

صدیقی گفت: نکته بعدی اخلاق عملی است که خودش منکر است کما اینکه گرفتار ناهنجاری باشد اما می‌تواند با برخورد درست، آن را اصلاح کرد.

وی گفت: باید با پنبه سر برید. مسیر حرکت امر به معروف باید مشخص شود. امام حسین (ع) فرمودند شعائر دین کمرنگ شده است. تابلوها را برداشته‌اند. امروز ما باید تابلو بزنیم و چراغ قرمزها را مشخص کنیم تا جامعه سامان پیدا کند. امروز فقه تعالی ما از یاد رفته است. در مدارس و دانشگاه‌ها آمران به معروف و ناهیان از منکر باید تابلو بزنند.

امام‌جمعه موقت تهران: باید درباره سده‌ده رهبری اعجاز‌آمیز حضرت‌آقا پژوهش انجام شود

کاظم صدیقی، امام‌جمعه موقت تهران در خطبه‌های نماز جمعه با بیان اینکه «بزرگ‌ترین قدرت‌ها در اتاق‌های شیطننت نقشه می‌کشند تا به ملت ایران ضربه بزنند اما مقام معظم رهبری با یک سخنرانی این همه این توطئه‌ها را خنثی می‌کند» گفت: در آستانه رحلت امام خمینی باید پژوهش‌های در مورد سه دهه رهبری اعجاز‌آمیز حضرت‌آقا و مقابله ایشان با فتنه‌ها و توطئه‌های جهانی پژوهش انجام دهند. صدیقی همچنین با طرح این پرسش که «وقت آن نشده است که به اقتصاد مقاومتی فکر کنیم و تغییر رویه و روش دهیم؟» افزود: امام زمان ما افسانه نیست خلیفه خدا است، نظرش کیمیا است و اثر دارد.

به گزارش خبرگزاری‌های مهر و ایسنا در سال ۱۳۹۸؛ کاظم صدیقی در خطبه‌های نماز جمعه تهران، با اشاره به اهمیت روز قدس، اظهار کرد: سال‌های گذشته آیت‌الله خاتمی که برای چنین روزهایی آماده بودند سخنرانی می‌کردند و امسال قرعه فال به نام من زدند. روز قدس برای ما روز اسلام است. این عنوان را امام راحل برای روز قدس معین کردند. روز قدس، طی چهل سال گذشته روز اعلام برائت امت اسلامی از رژیم

صهیونیستی اعلام شده است. روز قدس یک روز نیست، یک جریان و جبهه است.

او ادامه داد: روز قدس را روز بازخوانی پرونده سیاه صهیونیست قرار داده‌اند. مقاومت فلسطین باعث نگرانی صهیونیست، عربستان و آمریکا شده است. امروز عمق آگاهی درباره فلسطین فراتر از منطقه رفته و به یک ظرفیت جامع تبدیل شده است. طرح معامله قرن و هر اقدام دیگری که تامین کننده بازگشت آوارگان فلسطین و انتخابات آزاد نباشد هرگز قادر نخواهد بود این موضوع بزرگ جهانی را حل کند.

امام جمعه موقت تهران افزود: اما خمینی(ره) این قرن را قرن پیروزی مستضعفان بر مستکبران اعلام کردند و این پیش‌بینی محقق خواهد شد. بزرگترین قدرت‌ها در اتاق‌های شیطنت نقشه می‌کشند تا به ملت ایران ضربه بزنند اما مقام معظم رهبری با یک سخنرانی این همه این توطئه‌ها را خنثی می‌کند.

امام جمعه موقت تهران گفت: در آستانه رحلت امام خمینی باید پژوهشکده‌هایی در مورد سه دهه رهبری اعجاز آمیز حضرت آقا و مقابله ایشان با فتنه‌ها و توطئه‌های جهانی پژوهش انجام دهند.

صدیقی در مورد مذاکره با آمریکا گفت: در سال ۹۲ زمزمه مذاکره شروع شد و عده‌ای رفت و آمد و مذاکره کردند، علیرغم هشدارهای صریح و

شفاف مقام معظم رهبری که به دشمن اعتماد نکنید و از دشمن و تضمین بگیریید و فریب لبخندهای آن‌ها را نخورید، برجام بدون هیچ تضمینی تصویب شد.

وی با تاکید بر این‌که فلسفه مذاکره لغو همه تحریم‌ها بود گفت: امروز نه تنها شاهد لغو تحریم‌ها نیستیم بلکه تحریم‌های جدیدی علیه ملت ایران وضع شده است، اروپا هم همان راه قبلی را می‌رود و خسارت‌ها را جبران نکرد و فقط به یک تاسف می‌خوریم بسنده کرد.

امام جمعه موقت تهران گفت: شعارها و میتینگ‌ها، می‌گفت لغو همه تحریم‌ها؛ خوب کو؟ لغو تحریم شد؟ تحریم‌های بعدی هم اضافه شد. این اروپا است که نه تنها با عهدشکنی مقابله نکردند که با فرمان آمریکا معامله نفتی هم با ما نکردند، وقت آن نشده است که به اقتصاد مقاومتی فکر کنیم و تغیر رویه و روش دهیم؟ ما ملت خدا باور هستیم. اما زمان ما افسانه نیست خلیفه خدا است، نظرش کیمیا است و اثر دارد. من مباحثات می‌کنم به این مردم چه شب‌های احیایی با شکوهی ایجاد کردیم.

او تصریح کرد: امسال را حضرت آقا سال رونق تولید اقتصادی معرفی کردند؛ آیا عملی شده و قدمی برداشته شده است؟ قیمت ارز باید در همین راستا تعیین شود. باید در نرخی تایید شود که تولید به حرکت در آید؛ اما متأسفانه در راستای منافع صاحبان ارز و دلار و سیستم بانکی تعیین

می‌شود. تولید در حال جان دادن است کسانی که الان تولید می‌کنند، در حال مجاهدت هستند. دو تن از کارشناسان کاخ سفید آمریکا تصریح کردند قیمت دلار را به جایی رسانیدیم که مشکل مدیریت شود.

صدیقی خاطر نشان کرد: در سال‌های ۷۲ الی ۷۳ با اتخاذ سیاست‌های لیبرالی بحران اقتصادی در کشور واقع گردید و در سال تورم ۷۴ به بیش از ۵۰ درصد و بدهی کشور به ۴۰ میلیارد دلار رسید. دولت وقت با تغییر سیاست‌ها با کاهش بیش از ۱۰۰ درصدی قیمت دلار باعث شد در سال ۷۵ تورم از ۵۰ به ۲۵ درصد کاهش پیدا کند و رونق و رشد ایجاد شود.

وی ابراز عقیده کرد: بی ارزش شدن ارزش پول ملی مایه سرافکنندگی است. وزرای مربوطه ریشه‌های گرانی را پیدا کنند.

امام جمعه تهران: با شمشیر حقی که به دست رئیسی است باید با فساد برخورد شود

امام جمعه موقت تهران با اشاره به ساقط شدن پهپاد آمریکایی تصریح کرد: این را می‌شد با اس ۳۰۰ روسی هم زد اما این موشک که این پهپاد را زد موشک بومی بود. تحلیل‌گری می‌گوید این که موشک ایران پهپاد

آمریکایی را زد نقطه عطفی است که تمدنی، تمدن دیگر را تحت الشعاع قرار داد و این نشانه افول تمدن استکباری است.

به گزارش ایلنا در یک از نمازهای سال ۱۳۹۸، حجت‌الاسلام کاظم صدیقی در خطبه اول نماز جمعه این هفته تهران ضمن تبریک عید سعید غدیر اظهار کرد: امامت عهدالله است و با انتخابات و شورا درست نمی‌شود. ولایت استطاعت فیض است که مسئله رهبری و حکومت و الگو بودن در آن است. نفوسی‌ها را ولایت کنار می‌زند و پاکان را ولایت به‌صورت یک مجموعه در می‌آورد.

خطیب این هفته نماز جمعه تهران گفت: هیچ رهبری را در عالم سراغ ندارید که قدرت او را نگیرد و وقتی به قدرت رسیدند قانون را برای ضعفا حاکم می‌کند، اما مساله ولایت عبودیت است و هرگز نمی‌تواند ضد خودش باشد. روز عید غدیر بزرگترین روز عالم امکان است لذا تمام شادی‌ها باید در آن روز بروز کند و این شادی شکرانه است. بنیاد بین‌المللی غدیر که فقیه مخلص آیت‌الله خزعلی این بنیاد را تاسیس کردند و کاروان‌های شادی را برای این عید در شهرستان‌های مختلف کلید زدند و با مساجد قرارهایی دارند و بسته‌های فرهنگی را ارائه می‌دهند.

امام جمعه موقت تهران در خطبه دوم نماز جمعه این هفته تهران تاکید کرد: ما خدا را لازم و به او احتیاج داریم. جای خدا را هیچ کس نمی‌گیرد

اما خدا جای همه چیز را می‌گیرد. اگر خدای ناخواسته کاری کردیم که خدا ما را قبول نکرد و از چشم خدا افتادیم چه کسی به ما آبرو و عزت و ایمان و رزق می‌دهد؟ وقتی حرف می‌زنیم بدانیم که خدا با ماست. نگاه، درآمد و هزینه ما برای جلب رضای خدا باشد.

رئیس ستاد امر به معروف و نهی از منکر کشور خاطرنشان کرد: سی و یک مرداد سالروز صنعت دفاعی است که از معجزات انقلاب و ولی فقیه است که شاهد آن هستید و دنیا تحت تاثیر آن است. ما در بخش‌های مختلف دفاعی حرکت جهشی به سوی قله داریم و مسیرهای طولانی را یک شبه طی کرده‌ایم.

نایب رئیس شورای مدیریت حوزه علمیه تهران با اشاره به ساقط شدن پهپاد آمریکایی تصریح کرد: این را می‌شد با اس ۳۰۰ روسی هم زد اما این موشک که این پهپاد را زد موشک بومی بود. تحلیل‌گری می‌گوید این که موشک ایران پهپاد آمریکایی را زد نقطه عطفی است که تمدنی، تمدن دیگر را تحت الشعاع قرار داد و این نشانه افول تمدن استکباری است.

امام جمعه موقت تهران یادآور شد: در بعد هواپیماسازی هواپیماهای فوق تصور ساخته شده است که طراحی و سازنده آن و خلبان آن ریسک کرد و اولین پرواز را انجام داد و رضایت رهبری را دریافت کردند و در

مسائل دریایی لازم است یکی از مسئولان مربوطه را ستاد نماز جمعه دعوت کنند تا ملت ایران و مستضعفان جهان را با توضیحاتی شاد کند. صدیقی گفت: مسئله دیگر دیدار نمایندگان مقاومت یمن بود که چه مقاومت و صبری داشتند. خداوند دارد زمینه ظهور را و یاران امام زمان (عج) را پرورش می‌دهد. پنج سال است بدون کمک هیچ کشوری در محاصره کامل با دست خالی با این همه مصیبتی که آمریکا و سعودی و اماراتی‌ها انجام داده‌اند و بیش از ۸۰ هزار کودک را به خاک و خون کشیدند و همه جا را ویران کردند، مقاومت می‌کنند.

او تصریح کرد: این که می‌بینید امارات با سعودی‌ها در می‌افتند و همدیگر را مورد حمله قرار می‌دهند و حتی توطئه تجزیه یمن نشانه عجز و درماندگی و بدختی و نشانه پیروزی مقاومت دینی و اسلامی است. در این مسیر شهدای عظیمی تقدیم این راه شده است که یکی از این شهدا حسین بدرالدین است و ما به ملت یمن و رهبر مقاومت یمن این تابع خوب ولایت تسلیم عرض می‌کنیم. سعودی‌ها ان‌شاءالله با سرافکنندگی شکست خواهند خورد.

او ادامه داد: مسئله کشمیر جزو مصیبت‌های جاری است و هر حکومتی سعی می‌کند زیر مجموعه و ملتش با هم پیوند داده و زندگی مسالمت آمیز داشته باشد. این حرکت بر خلاف وجدان بشری و هم بر خلاف قوانین

بین‌المللی و بر خلاف خود قانون اساسی‌شان است. توصیه می‌کنیم تجدید نظر کنند و ظلم عاقبت و ریشه ندارد و مومنانی که مورد ظلم قرار می‌گیرند خداوند با آن‌هاست.

خطیب این هفته نماز جمعه تهران با اشاره به حضور علامه شیخ ابراهیم زکزاکی در هند گفت: این مبدا یک خیزش جدید در آفریقا است که ادامه دارد. او را با آن حالت سنگین بستری کرده اند اما مثل این‌که اجازه نمی‌دهند معالجه شود. این است حقوق بشر غربی و استکبار عالمی و وقت بیداری همه ملت‌ها است که ببینند چه کسانی باج‌خواهی می‌کنند.

رئیس ستاد امر به معروف و نهی از منکر کشور عنوان کرد: در مسئله اقتصاد امسال سال رونق تولید از جانب رهبری حکیم توصیه شده است اما زیرساخت‌های آن به دست مدیران باید تامین شود یکی از آن‌ها مربوط به ارزش پول ملی است. باید قیمت دلار را به گونه‌ای تامین کنند که از ۱۸ هزار تومان به ده تومان رسیده اما روزی به سه هزار تومان رسید و فریادها بلند بود، یا این قیمت هم صادرات می‌شود اما صادراتی که ارزش افزوده نیاورد مفید نیست.

امام جمعه موقت تهران ابراز داشت: برخی پول این صادرات به ایران بر نمی‌گردد و برخی کارمایه قاچاق می‌شود. مبارزه با فساد مسئله دیگر است که با شمشیر حقی که به دست رئیس قوه قضاییه آیت‌الله رئیسی است؛ شما

هم کمک و دعا می‌کنید. باید مساله فساد و قاچاق و مالیات و ارز و رفع بروکراسی‌های اداری را جهادگرانه سامان داد.

نایب رئیس شورای مدیریت حوزه علمیه تهران در پایان خطبه‌های این هفته نماز جمعه تهران بخشی از پیام رهبر انقلاب خطاب به حجاج را قرائت کرد.

کاظم صدیقی: امام زمان غصه می‌خورند

رئیس ستاد امر به معروف و نهی از منکر با بیان این‌که بقای انقلاب تا به امروز با ولایت‌وفقیه و و معنویت بوده است، گفت: ولایت فقیه ظهور صغری برای رسیدن به ظهور کبری است.

به گزارش خبرآنلاین در سال ۱۴۰۱، کاظم صدیقی در سومین اجلاس بین‌المللی فعالان مهدویت اظهار کرد: مردم ما در زمان پهلوی هیچ رفاهی نداشتند. نه قدرتی، نه تولیدی، و نه پیشرفتی. امام خمینی که آمد، دین آمد. عزت، انسجام، محبت، ایثار، شهادت‌طلبی و قدرت آمد. مردم در صحنه برای استقبال از امام زمان (عج) خون دادند و می‌دهند. روزی در داخل کشور از مرزهای خودمان دفاع می‌کردیم. امروز در مرز رژیم صهیونیستی و در سوریه از حریم امن الهی دفاع می‌کنیم.

امام جمعه موقت تهران گفت: روزگاری انتظار امام زمان فقط در لفظ و ذهن و کتاب دعا بود. امام خمینی(ره) یک منتظر واقعی بود و گفت بریم امام را بیاوریم. ما از ادیان دیگر بسیار جلوتر هستیم. نفس مقام معظم رهبری از نفس امام زمان(عج) گرم است. رهبری هر گاه برای جوانان مسلمان رنج می‌کشند، سری به جمکران می‌زنند.

رئیس ستاد امر به معروف و نهی از منکر با اشاره به سه رکن رهبری، برنامه، و مردم گفت: در هر حرکتی، سه چیز بسیار مهم است. رکن اول رهبری است. رکن دوم برنامه و طراحی است. سوم مردم، ملت، و مستضعفین هستند. امام زمان(عج) حاضر است و منتظر ماست. منتظر آمدگی ماست. ایشان غصه می‌خورند که ما دیر بیدار شدیم. در زمان غیبت ما صرفاً با معیار فقاہت و تقوا کسی ولی فقیه نمی‌دانیم. معتقدیم رهبری از بالا تعیین شده است. خلیفه خداوند با انتصاب خداوند روی زمین محور همه موجودات شد.

صدیقی با گفتن این‌که امام زمان حجت خداوند است. ولایت فقیه هم حجت خداوند است؛ گفت: ولایت فقیه یک امر اعتباری مثل ریاست جمهوری و ریاست مجلس نیست. تا زمانی که خلوصی برای ایجاد سنخیت بین امام زمان(عج) و نایب ایجاد نشود، پرچم رهبری شیعه به دست کسی نمی‌افتد. در انقلاب اسلام ایران امام جلو افتاد. امام شرایط رهبری را

داشت. زمانی که شاه اعلام حکومت نظامی کرد. امام فرمودند که به خیابان‌ها بریزد. کسی که نایب امام زمان است؛ خداوند و امام زمان با ولایت تکوینی هوای نایبش را دارد. ما تا به امروز در کشتی نجات اهل بیت هستیم.

رئیس ستاد امر به معروف و نهی از منکر افزود: ولایت فقیه استمرار عطرت اهل بیت است. قداست رهبری، متفاوت از رهبری‌های دنیاست. مقام معظم رهبری فرمودند که دشمنان می‌خواهند رخنه کنند اما مردم ما را نمی‌شناسند و این کار شدنی نیست. مردم در مواقع خاص ناراحت و رنجیده‌اند؛ اما در ۲۲ بهمن همه به میان می‌آیند.

او در پایان تاکید کرد: بقای انقلاب تا به امروز با ولایت و فقیه و و معنویت بوده است. ما در حال سیر به سوی قله هستیم. ولایت فقیه ظهور صغری برای رسیدن به ظهور کبری است.

صدیقی: جز امام زمان نظیری مانند رهبری نمی‌توان یافت

کاظم صدیقی، امام جمعه موقت تهران، ۱۷ اسفند ۱۳۹۷ گفته بود: خدا می‌داند عاری از هر چیزی ما دل به مقام رهبری دادیم. جز امام زمان نظیری مانند ایشان نمی‌توان یافت. باید دید در سایر انقلاب‌ها نظیر انقلاب

فرانسه و شوروی و الجزایر کسانی که انقلاب کردند که بودند و چه شعارهایی دادند و چقدر انقلاب آن‌ها حفظ شد.

به گزارش ایسنا، حجت‌الاسلام کاظم صدیقی، در خطبه اول نماز جمعه این هفته تهران ضمن تبریک میلاد مسعود امام محمد باقر(ع) بیان کرد: شما بندگان نورانی خدا را به رعایت تقوا الهی و پرهیز از معصیت و پیشگیری از وقوع وسوسه‌های نفس عماره دعوت می‌کنم. پاکی سنخیت با صفات الهی است. از صفات حضرت حق ظاهر است. بنده خداوند جلوه و آینه خدا است و باید در وجودش صفات پروردگار متعال دیده شود. پروردگار متعال به معانی مختلف مومن است. او شاهد بر وحدانیت خداوندی خود است. باید از نور خدا بهره گرفت و خدا را در وجود خود و همه آثارش ببینیم.

وی در ادامه اظهار کرد: باید اعتقادی شفاف و اثرگذار در وجود ما باشد. خدا مؤمن است یعنی هرکسی امنیت و آرامشی دارد. خداوند خالق و موجب امنیت است. مؤمن باید مرآت این صفات جمالیه خدا باشد. زبان ما باید ایجاد امنیت و آرامش کند. زبانی که دل آزار است و آبرو می‌برد و هنجار شکنی می‌کند و نظم خانواده و جامعه را برهم می‌ریزد؛ زبان امن نیست بلکه زبان شر است.

صدیقی در ادامه تصریح کرد: حیف نیست زبان مجرای یاد خدا نباشد. خداوند زبان را داده تا از او یاد کنیم. باید زبان را به ذکر خدا و دعوت بندگان خدا به خیر عادت دهیم. اعتکاف در پیش است و اعتکاف واقعا بهشت است. چراکه نمونه قشنگ و مدینه فاضله‌ای برای جامعه دینی است و نشان می‌دهد که می‌شود در کنار یکدیگر بود و با امکانات کم زندگی کرد.

او در ادامه تاکید کرد: امروز پشتوانه جبهه‌های جنگ نرم حوزه‌های علمیه است. رزمنده ای که تربیت شده مکتب نیست به درجه عالی شهادت نمی‌رسد. عزت و شرف دنیا و آخرت در علم به خدا و اولیا و رسالت و امامت و معاد و خودشناسی و دنیا شناسی و آخرت شناسی است که همه کار حوزه‌های علمیه است.

صدیقی افزود: دشمنان امروز برای از بین بردن معنویت و اخلاق و امانت و همه ارزش‌ها نقشه دارند. شبکه‌ها اجتماعی و ماهواره‌ها و نفوذی‌ها در تمام عرصه‌های ما نظیر سینما و تئاتر و دانشگاه و حتی مدارس بر کرسی حقوق و احکام اسلام می‌تازند و با رفتارشان سعی دارند اسلام را بد جلوه دهند. در جنگ فرهنگی و جنگ معنویت علیه ظلمات و سوسه‌ها باید حضور یافت. فرزندان انقلاب باید در دامن امام زمان (عج) باشند.

حجت‌الاسلام و المسلمین صدیقی در خطبه دوم نماز جمعه این هفته تهران هم تصریح کرد: مسئله تقوا این است که انسان در هر مکان و زمان پایبند به رضای خداوند باشد. این امر باید از باطن شروع شود. در جاهایی که مردم توجه ندارند، خدا را دوست بداریم. خدا ما را دوست دارد بیایید ما هم خدا را دوست داشته باشیم. در ماه رجب ما اسباب و وسیله زیادی داریم. روزه‌های ماه رجب بی بدیل است اما اگر کسی نتوانست روزه بگیرد یک نفر را طعام دهد.

خطیب موقت نماز جمعه تهران در ادامه گفت: کشور ما ظرفیت و امکانات دارد اما سو مدیریت‌ها و خیانت بعضی‌ها باعث شده زندگی بعضی خانواده‌ها با مشکل روبه‌رو شود. امروز بعضی‌ها نمی‌توانند برای خانواده خود گوشت بخرند. حواسمان به همسایگانمان باشد. سعادت دنیا و آخرت در این است که با خدا معامله کنیم. بهترین معامله انفاق و ایثار است. این سه ماه فرصت را غنیمت بشماریم.

او در ادامه با اشاره به بیانیه مقام معظم رهبری در گام دوم انقلاب بیان کرد: پاسخ‌گویی به همه شبهات در این بیانیه است و یک تصویر کلی از نظام دینی است که چهل سال آن گذشته است. شناخت نقطه ضعف‌ها و ارتباط آینده به گذشته و تکیه به جوانان و اظهار عاطفه و عشق به جوانان در این بیانیه بی‌نظیر است.

خدا می‌داند عاری از هر چیزی ما دل به مقام رهبری دادیم. جز امام زمان نظیری مانند ایشان نمی‌توان یافت. باید دید در سایر انقلاب‌ها نظیر انقلاب فرانسه و شوروی و الجزایر کسانی که انقلاب کردند که بودند و چه شعارهایی دادند و چه قدر انقلاب آن‌ها حفظ شد.

صدیقی در ادامه تاکید کرد: انقلاب ما یک انقلاب خدایی است. دل‌های پاک اقتضا کرده این انقلاب حفظ شود. شعارها و پرچم انقلاب از اول یکسان بوده و مسیر انقلاب ما از روز اول تغییری نکرده است چراکه حقیقت امام و رهبری حقیقت خود قرآن است. یکی از مسائلی که باعث شده انقلاب ما در این چهل سال پیشرو باشد این است که مبتنی بر دین خدا است. بنده گواهم در شهرهای مختلف که جوانان عاشق امام و مقام رهبری هستند. این عشق بین رهبری و جوانان دو جانبه است. جوانانی که کانون دین را در جامعه تقویت کرده‌اند، عاشق هستند.

او در ادامه تاکید کرد: مسئولان به راهیان نور کمک کنند و جوانان ما از این ظرفیت نور غفلت نکنند. لمس و استشمام خاک پاک مناطق جنگی پیام مقاومت و توحید و صبر و شجاعت را تقویت می‌کند. اصولی که باعث شده بعد از چهل سال عزت و اقتدار و استقلال انقلاب و نظام حفظ شود باید بازخوانی شده و روی آن‌ها با روشی جدید و عشق و شور و شعور جدید کار کنیم.

صدیقی در ادامه تصریح کرد: ما تاکنون دفاع می‌کردیم اما این بیانیه می‌گوید هجوم ببرید و در خانه ننشینید. در بیرون از مرزها در انتظار فرهنگ زندگی و آرامش و عزت و امانت و صداقت ما هستید. ما انقلاب خود را صادر کردیم و حضور فیزیکی ما در بیرون از مرزها و در جبهه‌های مقاومت شاهد توسعه این انقلاب و شکستن مرزها است. حضرت آقا در بیانیه خود مسئله اول را علم و پژوهش دانستند. جوانان ما نباید نمره‌ای و مدرکی درس بخوانند بلکه باید عالم و با مهارت باشند. برجام هسته‌ای ما را محدود کرد و سانتریفیوژها محدود شد اما علمش هنوز وجود دارد. ما در این راه شهید داده‌ایم و این خون این صنعت را بیمه کرده. این علمی که در راهش خون ریخته شده ادامه خواهد یافت.

او در ادامه تاکید کرد: علم است که دنیای غرب را برای استعمار مجهز کرد. بیایید این درنده‌ها را خلع سلاح کنیم. سلاح علم را باید جوانان ما در دست بگیرند و این غارتگران را از مسند کنار بگذارند. باید با قدرت علم امانت و صداقت را گسترش داد. مسئله بعدی معنویت و اخلاق است. مبنای هر رشد دنیوی و اخروی خدا است. این درد است هر جا معنویت رفت، دزدی و رشوه و رکود در کار و وقت کشی و بی‌تعهدی آمد. هر جا معنویت است نشاط و پیشرفت هست. والله هر جا ما مشکل داریم برای

ضعف ایمان است هر جا ایمان بوده پیشرفت و پیروزی بوده است. اگر علم از دین فاصله نگیرد مانند بال ما را بالا ببرد. وی در پایان گفت: همه ما باید از خود شروع کنیم. قرآن کریم می‌گوید خودتان را بسازید. حضرت آقا در بیانیه خود، سه عبارت خودسازی و جامعه سازی و تمدن سازی را در کنار هم قرار دادند. از خودسازی همه چیز شروع می‌شود. اول خودسازی است و بعد جامعه سازی و بعد تمدن سازی است. امیدوارم این بیانیه منشا تحول و یک جهش جدید و بازسازی انقلاب و نفسی جدید در همه آحاد و قشرها و خصوصاً جوان‌های عزیز شود.

ماجرای «تشریف مقام معظم رهبری محضر حضرت مهدی (عج)»

آیت‌الله احدی طی اظهاراتی ماجرای تشریف مقام معظم رهبری محضر مبارک حضرت مهدی (عج) از زبان حجة الاسلام و المسلمین صدیقی را بیان کرد.

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب: آیت‌الله احدی طی اظهاراتی ماجرای تشریف مقام معظم رهبری محضر مبارک حضرت مهدی (عج) از زبان حجة الاسلام و المسلمین صدیقی را بیان کرد.

متن دقیق سخنان آیت‌الله احدی، بدون هرگونه تغییری بدین شرح است: مطلبی را به شما عرض می‌کنم شاید نشنیده باشید. جناب آقای صدیقی شب فاطمیه روی منبر در بیت ایشان (بیت رهبری) که آقای رییس جمهور نشسته بود، آقای هاشمی بود، سران مملکتی بودند، قوه قضاییه، همه بودند. آقای صدیقی روی منبر این مطلب را گفت و آن را نتوانست تمام کند. همین که خواست تمام کند فریاد گریه جمعیت و حضار بلند شد.

دیدند این جمعیت به‌سوی آقا دارند حمله می‌کنند که به‌عنوان تبرک به ایشان دست بزنند. آقا را بردند و دیگر نتوانستند جمعیت را اداره کنند و آن مطلب این بود: من همه ساله مکه که می‌رفتم قبل از رفتن به مکه به محضر آیت‌الله بهاء‌الدینی می‌رسیدم و توصیه می‌خواستم از ایشان. ایشان به من توصیه‌هایی می‌کرد و من این توصیه‌ها را در سفر مکه عمل می‌کردم. بعد هم که داشتم می‌آمدم، یک عمامه‌ای یا چیزی را برای ایشان هدیه می‌خریدم.

این دفعه که رفتم محضر ایشان (حضرت آیت‌الله بهاء‌الدینی) این مطلب را فرمودند: شما وقتی که می‌روید مسجدالنبی از قسمت جنوب شرقی مسجد، از آن قسمت هفت قدم می‌آید به جلو و قسمت بعدی را هم گفت که من نمی‌توانم دقیق به شما بگویم. به‌خاطر این‌که ایشان این را به ودیعت پیش من گذاشت. آن وقت از دو طرف به من دستور داد.

وقتی که قدم زدی آمدی جلو رسیدی به آنجا، آنجا بنشین و این ذکر سبعة را بگو. این ذکر را که گفتی انشاءالله به حوائج خواهی رسید.

ذکر سبعة عجیب است، علامه حسن زاده آملی بعد از نماز صبح تا طلوع آفتاب اذکار سبعة را دارد که اینها را از آسید علی آقا قاضی گرفتند. ذکر سبعة واقعا یک ذکر است که معجزه می‌کند در نفس انسان عجیب معجزه می‌کند.

صدیقی می‌گوید، عرض کردم: آقای بهاء الدینی چه وجهی دارد که من باید آنجا بنشینم و این اذکار سبعة را بگویم. چه وجهی دارد هفت قدم از آنجا قدم بزنم.

حالا همه دارند مثل شما گوش می‌دهند همه دارند دقت می‌کنند صدیقی چه می‌خواهد بگوید.

گفت: وجهش این است که دارم به شما می‌گویم فقط پیش شما بماند.

وقتی که حضرت زهرا سلام الله علیها آمد برای دفاع از علی ابن ابیطالب علیه السلام بدنش خون آلود بود وقتی که آمد که داخل مسجد وارد نشد وقتی که برگشت دیگر توان از او رفت دیگر به گونه‌ای شد که می‌خواست ادامه راه را بدهد نتوانست، آنجا نشست و فکر می‌کنم که آن مکان به خون فاطمه سلام الله علیها رسیده است. آنجا حاجت‌تان را بخواهید.

فریاد گریه جمعیت بلند شد...

بعد آقای بهاء‌الدینی می‌گوید: این کار را انجام بده.

ایشان می‌گوید: من رفتم اینکار را انجام دادم حالا تو نگو آقای بهاء‌الدینی خودش هم نظر دارد، نیت دارد، یا حاجتی دارد. چون خودش مشرف نمی‌شود.

حالا جالب این است که حضار دارند به آقای صدیقی توجه می‌کنند از اعیان شخصیتی مملکت، و هم آقایانی که شرکت‌کننده بودند، ایشان هم با ضرس قاطع دارد مطلب را می‌گوید.

گفت: من رفتم مدینه همین کار را انجام دادم، بعد از این رفتم مکه دیدم از بلند گو صدا می‌زنند: آقای صدیقی دوباره بروند مدینه. من دوباره رفتم مدینه، چند روزی مدینه ماندم، وقتی برگشتم به ایران یک عمامه‌ای خریده بودم رفتم محضر حاج آقا، رسیدم، تا سلام علیک کردم بدون این‌که حرفی بزنم.

حاج آقا بهاء‌الدینی فرمودند: میدانی ثمره ذکر امسال چه بود؟

گفتم: نه

گفت: نمی‌دانی ثمره ذکر امسال چه بود، نگرفتی؟

گفتم: نه

فرمود: امسال ثمره ذکر شما یکی این بود که شما دو بار آمدید مدینه

گفتم شما مطلعید من دو بار امسال آمدم مدینه.

گفت: بله آن جایی که نشسته بودید ذکر می‌گفتید در آن جا با تو بودم. این نوارش در بیت آقا هست، دم در که می‌فروشنند، نوار سه سال قبل فاطمیه.

بعد برگشت و گفت:

ثمره دوم این جا بود:

که تا گفت مجلس به هم پاشید این قدر مردم به خودشان زدند و گریه کردند که آقا تشریف بردند؛ دیدند که دیگر نمی‌شود جمعیت را اداره کرد. فرمودند: ثمره دوم این بود که آن نیتی که من می‌خواستم، به آن نیت رسیدم، و آن این بود که امسال مقام معظم رهبری به دیدار امام زمان نائل آمد. (تبدیل از فایل صوتی به متن توسط آقای کامرانی.)

کاظم صدیقی: قیام یمنی‌ها مقدمه ظهور امام زمان است

امام جمعه تهران گفت: قیام یمنی‌ها برحسب روایات مقدمات ظهور حضرت مهدی (عج‌الله تعالی فرجه شریف) است.

امام جمعه موقت تهران گفت: امروز جریان مقاومت پیروز است، چون جبهه‌ای است که معادله‌سازی می‌کند. قیام یمنی‌ها برحسب روایات مقدمات ظهور حضرت مهدی (عج‌الله تعالی فرجه شریف) است و یمنی‌ها جبهه جدیدی برای بیچاره کردن جنایت‌کاران باز کردند.

به گزارش فارس، ۰۱ دی ۱۴۰۲، آیت‌الله کاظم صدیقی امام جمعه موقت تهران خطبه‌های نماز جمعه امروز (اول دی‌ماه) تهران که در مصلی امام خمینی (ره) برگزار شد، گفت: شما بندگان صالح خدا و همه امت اسلامی و برادران و خواهران عزیز ایرانی و خودم را به تقوای الهی دعوت می‌کنم.

امام جمعه موقت تهران بیان کرد: بشر همواره در متن خطر است، در وجود انسان طبیعت حیوانی، قدرت‌طلبی، خودنمایی، زیاده‌خواهی و انواع غرایضی وجود دارد که انسان را از یاد خداوند باز می‌دارد و برای انسان سرگرمی ایجاد می‌کند، انسان را از یاد مرگ غافل می‌سازد و موجب می‌شود که انسان فراموش می‌کند که مسافر است و چیزی باقی نمانده به قبر برسد و باید به فکر توشه باشد.

او افزود: انسان از یاد می‌برد که هرچه دارد از سوی خداوند به او اعطاء شده است و خداوند، ناظر و حاضر بر ماست. تقوا نیرو، بیداری و تنبهای است که هم در برابر آتش همیشه مشتعل نفس اماره و هم در برابر تیرهای شیاطین و سوسه‌گر اعم از مشرکین، ملحدین، کفار، منافقین، ظالمین، فریبکاران که دائماً در مسیر زندگی ما را رصد کرده و از غفلت ما استفاده می‌کنند و ما را از خدا باز می‌دارند، است.

آیت‌الله صدیقی تاکید کرد: تقوا یک حالت ارتباط دائم با خداوند است؛ انسان متقی نه اینکه در قیامت به بهشت می‌روند بلکه اکنون هم در بهشت و با نعمت‌های بهشتی زندگی می‌کنند. چرا که نماز خوراک بهشت است و برای افرادی که ملکوت نماز را درک می‌کنند، لذیذترین، بهترین و آرامش‌بخش‌ترین خوراک، نماز است.

وی ادامه داد: مرحوم آیت‌الله بهجت که رضوان خدا بر او باد فرمود اگر سلاطین لذت نماز را می‌دانستند بخاطر این لذت بی‌نهایت از سلطنت خود دست می‌کشیدند.

خطیب موقت جمعه تهران تصریح کرد: آنچه باعث می‌شود انسان سفره پر نعمت، لذت‌بخش و متنوع، ولی نعمت خود یعنی خداوند را درک کند و جاذبه معنویت صداقت امانت خوش رفتاری ایثار عفو سازگاری با مومنین نادیده گرفتن نقطه ضعف‌های دیگران و پرداختن به نقص‌های خود به قدری مهم می‌شود که هرگز به گناه، فحشا، فساد و دنیا آلوده نمی‌شود. وی گفت: تقوا هم دنیا و هم آخرت ما را آباد می‌کند.

آیت‌الله صدیقی در ادامه سخنان خود که در خطبه دوم نماز جمعه تهران ایراد شد، تصریح کرد: امروز مسئله اول جهان اسلام مسئله فلسطین است که از ابتدای انقلاب اسلامی نیز حضرت امام این موضوع را اعلام کردند. روزهای بسیاری گذشت و کار روشن‌تر شد، امروز این موضوع به

مراحل حساسی رسیده است و امت اسلامی همواره با یک اعتصام به حبل‌الله بتواند فلسطین را از دست غاصبین که تاکنون به چنین وضعی شناخته نشده بودند، خارج کنند.

او افزود: انسان فکر می‌کرد تعدادی از یهودیان به سرزمینی آمده و خانه‌های مردم را غصب کردند صاحبان خانه و کاشانه را از خانه‌های خود آواره بیرون کردند. اما اکنون معلوم شده است که آن‌ها یک گروه قلد و نژادپرست نیستند بلکه یک جریان هستند.

امام جمعه موقت تهران بیان کرد: عامل اول برای این نوع جنایت‌های رقت بار وحشتناک آمریکا، انگلیس و فرانسه هستند. این جریان غرب طی ۲۰۰ سال اخیر همواره دست به کشتار زده‌اند؛ هم بومیان کشور خود را با وضع فجیع کشتند و قتل‌عام کردند و هم نیمی از جمعیت استرالیا را از بین بردند. از طرفی در هیروشیما و ناکازاکی ژاپن نسل‌کشی کردند و با کودتا و جنگ افروزی‌ها موجب تلفات عجیب در میانه کشورهای مختلف شده‌اند.

او ادامه داد: همان گروه امروز بر مسئله غصب فلسطین و ادامه اشغالگری تمرکز کردند و، چون در برابر حماسه نظامی توام با ایمان و مجاهدانی یک گروه عاجز شده‌اند، شاهد هستید که دستور آمریکا و حضور انگلیس و فرانسه در متن جانینان و جانوران خونخوار نشان می‌دهد که نتانیاهو

سگ جایی نیست بلکه در راس این جنایت‌ها حکام کشورهای غربی هستند که اینجا را برای خود یک فرصت تلقی کردند.

آیت‌الله صدیقی، عنوان کرد: جریان استکبار در مسئله غصب فلسطین تمرکز کرده است چراکه در برابر حماسه طوفان الاقصی عاجز شدند، سه ماه در حال جنگیدن و تلفات دادن هستند و راه جهنم این‌ها را به سرعت نابود می‌کند؛ صهیونیست‌ها خسارات‌های مالی و ضررهای زیادی دادند و هیچ دستارودی در این سه ماه برایشان پیش نیامده است و، چون شکست نظامی همچنان ادامه دارد، جنون‌آمیز مردم بی گناه و زنان و کودکان را به خاک و خون کشیدند و این جزو کیفرهای الهی است.

او با بیان این‌که با رفتارهای وحشیانه‌ای که از خودشان نشان دادند، خداوند چهره لیبرال دموکراسی غربی و بهشتی که نشان می‌دادند را برملا کرد، گفت: دموکراسی غربی که آن‌ها می‌گفتند یعنی کودک‌کشی، ویرانگری، خون‌آشامی و زندگی‌جنگلی؛ هیچ‌گاه جریان غرب تا این حد منزوی و منفور نبود. در کشورهای غربی و دانشگاه‌های آمریکا هم تجمعات اعتراضی برقرار شده است و حتی به دانشمندان خودشان اجازه اعتراض نمی‌دهند و برخی اساتید و دانشجویان را توبیخ و اخراج کرده‌اند.

خطیب موقت نماز جمعه تهران، با بیان این‌که امروز جریان مقاومت پیروز است، چون جبهه‌ای است که معادله‌سازی و تحول ایجاد می‌کند،

خاطر نشان کرد: سیدحسین نصرالله سید مقاومت ابرمرد اسلام و جهان عرب با هوشیاری، متانت، حوصله و دقت در حال جدال با پایگاه‌های نظامی - اطلاعاتی اسرائیل است. قیام یمنی‌ها برحسب روایات مقدمات ظهور حضرت مهدی(عج‌الله تعالی فرجه شریف) است و یمنی‌ها جبهه جدیدی برای بیچاره کردن جنایت‌کاران باز کردند.

او با محکوم کردن و تسلیت اقدام تروریست‌ها در حمله به پاسگاه مرزی راسک، تاکید کرد: از مسئولین توقع می‌رود نیروی انتظامی را در نقاط مرزی از جهت تجهیزات ساماندهی کنند چراکه بعد از گذشت چهل سال کسی نباید جرات کند این گونه وارد پاسگاه مرزی ما شود.

آیت‌الله صدیقی، با اشاره به خدمات دولت سیزدهم به مردم عنوان کرد: مردم عزیز امروز شما کشور قدرتمند، تاثیرگذار، پیام‌رسان به ملت‌ها و محور مقاومت هستید و امروز دولت خدمتگذاری را داریم که عاشق خدمت است نه تشنه قدرت، این فضا شرایطی را ایجاد کرده که برای شکرگزاری آن در انتخابات شرکت کنیم.

امام جمعه موقت تهران، در پایان افزود: حضور پرشور در پای صندوق رای کودکان جهان را مایوس و حضور کم‌رنگ در انتخابات آن‌ها را در پیگیری اهداف شوم آن‌ها جری‌تر خواهد کرد.

علت ورود آیت الله رئیسی به قوه مجریه

صدیقی عنوان کرد: لذا برنامه ۷۰ صفحه‌ای که آیت‌الله رئیسی تقدیم رهبر انقلاب شد، ایشان هم تحسین فرمودند و هم دستور دادند اجرایی شود. آنگونه که رئیس جمهور آیت‌الله رئیسی برای من توضیح دادند گفتند، من در قوه قضاییه مسلط و مطالبه‌گر بودم و اگر رئیس جمهور بشوم بدهکارم و دیگران از من مطالبه می‌کنند. اما اگر بخواهیم ریشه فساد را بزیم باید ببینیم فساد از کجا ناشی می‌شود. نگذاریم فساد به وجود بیاید تا قوه قضاییه با قوه قهریه با آن برخورد کند. بنابراین با این انگیزه ایشان منتقل شدند و پرچم دستگاه اجرایی را در اختیار گرفتند.

امام جمعه موقت تهران، عنوان کرد: خدا را گواه می‌گیرم طی این یک دهه‌ای و اندی که ما در جمع شما مومنین که همه بهتر از خودم می‌دانم و همه شما به خدا نزدیکتر از من هستید و من توقع این است که خداوند ما را از شما جدا نکند ندیدید که در دوره‌های گذشته از کسی تعریفی کرده باشیم اما من رئیس نورانی قوه قضاییه فعلی را از ۵۰ سال قبل و از دوره نوجوانی می‌شناسم و هم نسبت به خانواده و هم به خودشان شناخت دارم. صدیقی بیان کرد: شخصیتی متین، معتقد به معنی واقعی کلمه، جهادی، مسلط بر قانون و مسلط بر جریان دستگاه قضایی از نظر اشراف اطلاعاتی، مصمم، با عزم، بی‌حاشیه و به تمام معنا ولایتمدار آن هم از

روی عقیده و نه به لحاظ سیاسی مانند همه شما که نایب امام زمان را نه به عنوان رهبر سیاسی بلکه به عنوان نایب امام زمان تقدیس می‌کنید و دستورات ایشان را واجب اجرای الهی می‌دانید. در صورتی که نایب امام زمان فرمانی بدهد و کسی بی‌اعتنا باشد روز قیامت ماخذ خواهد بود و تمرد از احکام الهی کرده است.

او ادامه داد: لذا این بزرگوار مانند همه شما از بن دندان به ولایت معتقد است و در این شرایط جسمی و سنی بیش از یک جوان تازه کار شتاب و تکاپو دارد. مسئولین نظام شما امروز از جان مایه می‌گذارند و زیر پرچم ولایت عاشقانه خدمت می‌کنند و با همه وجودشان در عرصه خدمت فداکاری می‌کنند.

حجت‌الاسلام کاظم صدیقی: آقا به‌طور مکرر خدمت امام زمان می‌رسند حجت‌الاسلام کاظم صدیقی امام جمعه موقت تهران در مصاحبه با نشریه پاسدار اسلام، ۱۳۹۱/۰۴/۱۱ به نقل از فردی گفته است که مقام معظم رهبری به‌صورت مکرر خدمت امام زمان تشریف داشته اما ایشان را نشناخته است. متن کامل سخنان صدیقی در پی می‌آید:

بنده علاقه دارم که هر ماه خودم را به امام رضا «ع» عرضه کنم. مدتی است که توفیق دست داده است و می‌روم. گاهی هم که کار دارم، می‌روم

حرم و برمی‌گردم فرودگاه. فقط در همین حد. یک بار رفتم، از آستانه پایین پا که می‌خواستم وارد صحن شوم، صورتم را گذاشتم روی سنگ آستانه و به امام رضا «ع» عرض کردم: «آقا! من مهمان شما هستم. می‌خواهم بدانم که آیا شما مرا به‌عنوان مهمان پذیرفته‌اید؟ می‌خواهم به حساب شما اینجا باشم. خودم نمی‌خواهم هزینه کنم. تقاضای دیگرم این است که یا حضرت مهدی «عج» را ببینم یا کسی را ببینم که او حضرت را دیده باشد.»

این را عرض کردم و رفتم تو. رفتم مفاتیح را باز کردم، می‌خواستم زیارت جامعه بخوانم. هنوز شروع نکرده بودم. یک آقای سلیمی در مشهد بود که منبر می‌رفت و خیلی هم حدیث حفظ بود. مرحوم طباطبایی که تابستان‌ها به مشهد می‌آمدند، ما آن وقت‌ها که مشهد بودیم جلسات آقای طباطبایی، در روزهای پنج‌شنبه را می‌رفتیم. نوعاً هم ایشان احادیث نابی را آنجا مطرح می‌کرد و آقای طباطبایی توضیح می‌داد. با آقای سلیمی در حد سلام و علیکی که در جلسات آقای طباطبایی همدیگر را می‌دیدیم، ارتباط داشتیم. غیر از آن هم هیچ ارتباطی با هم نداشتیم. هنوز شروع نکرده بودم که ایشان آمد کنار من و گفت: «فلانی! ناهار بیا بید خانه ما». من چون از حضرت خواسته بودم، فوری به ذهنم آمد شاید حضرت پذیرفته‌اند. استخاره کردم، ببینم اگر این اجابت حضرت است که ناهار را بمانیم و بعد از ناهار

برگردیم. استخاره خوب آمد. فهمیدم که مطلب اول برآورده شد. به ایشان گفتم: «من منزل شما را بلد نیستم». گفت: «ظهر بیا مسجد ملاحیدر، نماز آقای مروارید، من می‌آیم و از آنجا با هم می‌رویم.»

رفتم مسجد آقای مروارید، نماز ظهر را خوانده بودند. جوانی آمد و مقابل من نشست، خم شد دستم را بوسید و اشک ریخت. گفت: «من با منبرهای شما خیلی صفا کردم، ولی یک اتفاقی برآیم افتاده، می‌خواهم این را برای شما بگویم.» گفت: «مرحوم آقای مولوی قندهاری که از دنیا رفت، من مطمئن بودم که در تشییع جنازه ایشان حضرت حضور پیدا می‌کند، لذا به شوق و اشتیاق حضرت رفتم و سایه به سایه از اولین آناتی که مطلع شدم، کنار جنازه بودم، تا این‌که آمدیم توی صحن. به صحن که آمدیم، دائما حواسم به اطرافم بود که ببینم شخصیت فوق‌العاده‌ای یا کسی را می‌بینم...

به نزدیک‌های حرم که رسیدیم، یک حالت سرزنشی نسبت به خودم شروع کردم: مگر تو کی هستی؟ با چه رویی می‌خواهی حضرت را ببینی؟ اصلا چه توقعی داری؟ شروع کردم به بدی‌های خودم بد و بیراه گفتن. ما کجا؟ آقا کجا؟ در حال سرزنش خودم بودم که صدایی خیلی ملایم و آرام آمد: می‌خواهی آقا را ببینی؟ برگشتم جهت صدا را ببینم، دیدم ماشاءالله حضرت در این جمعیت از همه به قول معروف یک سر و گردن بلندتر بود... و توصیفاتی از حضرت کرد از جمله این‌که گفت «موهای مبارکشان از

زیر عمامه تا بناگوششان بود، محاسن پرپشت. دقت کردم و در موهای سر و صورت حضرت یک موی سفید ندیدم.» این جوان این را با یک حالت انقلابی به من گفت و رفت. من این جوان را نه قبلش یادم می‌آید دیده باشم، نه بعد از آن. خیلی هم آرزو دارم یک بار دیگر او را ببینم.

بعد آقای سلیمی آمد و ما را برد خانه‌اش و از جریاناتی که با مرحوم آقای علامه طباطبایی داشت، سخن گفت. خدا رحمتش کند، وفات کرد. آقای طباطبایی هم به ایشان یک انکاری داده بود. معلوم شد که اهل بعضی حرف‌ها بود. آقای سلیمی گفت: «من سی سال همسایه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بودم و اَشْهَدُ بِاللَّهِ، من آقای خامنه‌ای را از دوره‌های جوانی‌اش تا الان نسبت به نسوان معصوم می‌دانم.»

در سفری هم ما به مکه می‌رفتیم. در هواپیما یکی از آقایان روحانیون کنار من نشسته بود، گفت: «در قم یک آقای است که حالاتی برایش پیش می‌آید که در آن حالات، گذشته و آینده را می‌بیند. ایشان گفته است که در مدینه، کنار حجره حضرت صدیقه طاهره «س»، در محراب تهجد در آن قسمت آخر، نقطه‌ای است که اگر کسی آنجا بنشیند و حداقل صد بار لعن را بگوید، آثاری دارد.» لعن هم این بود: «لَعَنَ اللهُ غَاصِيكَ وَ ظَالِمِيكَ وَ ضَارِيكَ وَ قَاتِلِيكَ يَا فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ (سلام الله علیها).»

من این را که آنجا شنیدم، در باطن خودم گفتم در این سفر ما مهمان خانم فاطمه‌ایم و ایشان از این‌جا سفره را پهن کرده‌اند. رفتیم مدینه و هر شب که می‌رفتم آن‌جا این ذکر را بگویم، با این‌که آن‌جا معمولا شلوغ است و گاهی آدم می‌ایستد و ناامید می‌شود، ولی هر وقت که رفتیم گویا برایم جا نگه داشته‌اند. در همان نقطه نشستیم و این ذکر را گفتیم.

بعد رفتیم مکه. در مکه جمعی از دوستان بودند، یک آقای هم آن‌جا بود. این دوستان که گاهی حرف‌های بی‌ربط می‌زدند، ایشان گفت: «شما می‌دانید کجا هستید؟ شما که اهل علمید. چرا این‌جا وقتان را به این چیزها صرف می‌کنید؟» به من الهام شد آن کسی که گذشته و آینده را می‌بیند، باید این باشد.. رفتم جلو و گفتم: «شما این ذکر را توصیه کردید؟» پرسید: «شما گفتی؟» جواب دادم: «بله». گفت: «شما امسال دوباره به مدینه برمی‌گردی و مهمان خانم زهرایی». همانی که در ذهنم آمده بود که مهمان خانم زهرا «س» هستم، گفت این سفر برمی‌گردی به مدینه و مهمان خانم زهرایی! خدا گواه است نه خودم برنامه داشتم برای برگشتن به مدینه، نه از بعثه چنین قراری بود. اتفاقا آقای ری‌شهری بعد از موسم حج برگشت، بنا شد آقای جنتی بیاید به‌جای ایشان در مدینه، به من گفت: فلانی! من دارم می‌روم مدینه، شما هم بیا با هم برویم و من به اسهل وجه، منتظر هم بودم ببینم چگونه می‌روم که این‌جوری جور شد.

از ایشان پرسیدم: «آن نقطه که آدم بنشیند و آن ذکر را بگوید، چه خصوصیتی دارد؟» گفت: «حضرت زهرا«س» وقتی به هوش آمد و سراغ امیرالمؤمنین«ع» را گرفت، فضّه عرض کرد: علی را بردند. حضرت زهرا«س» آمد که با همان حالش امیرالمؤمنین«ع» را نجات بدهد. به آن نقطه که رسید از شدت درد، دیگر از حرکت بازماند و آنجا نشست. نفسی گرفت و بعد رفت. من با تعجب گفتم: «ما روضه خوانیم و برای حضرت زهرا«س» زیاد مطالعه کرده‌ایم. این را من در هیچ جا ندیده‌ام. شما این را از کجا نقل می‌کنید؟» آرام گفتم: «خودم دیدم. خودم دیدم». دیگر در آن سفر با ایشان مأنوس بودیم.

ایشان گفتند که در مدرسه حجتیه که آقا هم در آنجا حجره داشتند، در همان ایام به آقا گفته بودند که شما در آینده رئیس این مملکتید! نکنه دیگر که ایشان گفت این‌که: «آقای خامنه‌ای گوهر پاکی است... به همین دلیل مکرر خدمت حضرت تشریف داشته است، ولی نشناخته». سال بعد ایشان گفت: «طوبی للخامنه‌ای! طوبی له. وجود مبارک امام زمان ارواحنا فداه. در عرفات با اسم ایشان را دعا می‌کرد.»

با توجه به قرائن صدقی که ایشان برای بازگشت ما به مدینه پیش‌گویی قطعی کرد و همین‌جور شد، من یقین دارم آن‌که گفت حضرت زهرا«س» را خودم دیدم، گذشته را هم همین‌جور می‌بیند و در مورد آقا هم یقیناً

درست می‌گفت، هم دعای امام زمان «عج» را و هم تشرفات ایشان را خدمت حضرت.

*جملاتی که آقا در پایان آن خطبه نماز جمعه‌شان خطاب به حضرت حجت «عج» بیان کردند، یک سِرّ عجیبی دارد که هر بار که انسان می‌شنود، آتش می‌زند آدم را.

ادعای کاظم صدیقی در مورد آشنا بودن امام زمان با آیت‌الله خامنه‌ای

یکشنبه ۱۵ فروردین ۱۴۰۰ - ۰۴ آوریل ۲۰۲۱

ادعای کاظم صدیقی امام جمعه تهران در شبکه یک سیما در مورد فردی که موفق به دیدار رو در رو با امام زمان شده و نظر او را در مورد آقای خامنه‌ای پرسیده: «پرسیدم آقا، حضرت آقا در نظر شما چه طور هستند؟ حضرت فرمودند ایشان از مایند.» امام جمعه منصوب آیت‌الله خامنه‌ای، سپس در میانه ابراز احساسات مکرر مجری تلویزیون می‌گوید: «به قدری این جریان من را شارژ کرده. ما رهبری داریم که قماش (از جنس) حضرت است.»

کاظم صدیقی در تیرماه ۹۱ هم از قول یک روحانی مورد اعتماد خود مدعی شد که «آقای خامنه‌ای... مکرر خدمت حضرت تشریف داشته است، ولی نشناخته»، و افزود: «وجود مبارک امام زمان ارواحنا فدا» در

عرفات با اسم ایشان (رهبر) را دعا می‌کرد.» او در ۶ مهر ۹۸، از این هم فراتر رفته و اعلام کرد که اساساً «خدا در وجود رهبری تجلی کرده است.»

امام زمان، رهبر بی‌مکان؛ معجزه‌سازی برای خامنه‌ای

«محمد سعیدی» امام جمعه شهر «قم» در سال ۱۳۹۰ گفت که این آقا- یعنی مقام معظم رهبری- وقتی می‌خواست از بدن مادر خارج شود، گفت «یا علی» گفت تا این کلام را شنیدم، قابله گفت علی نگهدارت باشد.»
ادعای معجزه‌گری خامنه‌ای اما سابقه‌ای بیش از یک اظهار نظر دارد و بارها از رسانه‌های حکومتی تا تریبون‌های نماز جمعه مقام او را تا معجزه‌گر ارتقا داده‌اند.

ادعای معجزه‌گری خامنه‌ای اما سابقه‌ای بیش از یک اظهار نظر دارد و بارها از رسانه‌های حکومتی تا تریبون‌های نماز جمعه مقام او را تا معجزه‌گر ارتقا داده‌اند.

به تازگی «رحیم صفوی» فرمانده سپاه گفته است «علی خامنه‌ای» رهبر جمهوری اسلامی با قند، نوه‌اش را که مبتلا به بیماری یرقان بود، شفا داد. ۲۶ خرداد ۱۴۰۱ بود که ویدیویی از رحیم صفوی منتشر شد؛ او در دانشگاه «دافوس» ارتش جمهوری اسلامی می‌گفت، نوه‌اش مبتلا به

بیماری یرقان شده بود و تا شکم زرد بود و پزشکان گفته بودند که خونش باید عوض شود. او که خامنه‌ای را پیش‌تر در حال دعاخوانی و فوت کردن به قند دیده بود، از رهبر جمهوری اسلامی خواست که دعایی بخواند، به قند فوت کند تا به دهان نوزاد بگذارند. به گفته فرمانده سپاه، این کار انجام شد و به ناگهان بیماری یرقان نوه‌اش از بین رفت.

دو روز پیش از این ویدیو، شبکه افق نزدیک به سپاه پاسداران در میزگردی، روایت دیگری را مطرح کرد. به گفته کارشناس این شبکه، خامنه‌ای پس از کسب منصب رهبری مکانی برای زندگی نداشت و برای مدت سه‌چهار سال در کانتینری ۱۰۰ متری زندگی می‌کرد. کارشناس می‌گوید که محافظان خامنه‌ای نقل کرده‌اند، پس از رهبر شدن خامنه‌ای، آن‌ها کتاب‌های او را از خانه دولتی ریاست‌جمهوری به کانتینر منتقل کرده بودند. حاضران در میزگرد هم «عجب‌گویان» سری به نشانه احترام تکان می‌دادند. ۲۶ خرداد این ادعا توسط «محمد هاشمی»، رییس اسبق صدا و سیما تکذیب شد: «بنده اصلاً به یاد ندارم که رهبری در کانکس زندگی کرده باشد؛ اصلاً نمی‌توانم چنین چیزی را تایید کنم!»

میوه‌های ارزان و عبای سوراخ خامنه‌ای

سخنوران و مجیزگویان خامنه‌ای سال‌ها است که در تبلیغ خامنه‌ای روایت‌هایی مبنی بر فقر او نقل می‌کنند.

به‌عنوان نمونه، «علیرضا مرندی»، رییس فرهنگستان علوم پزشکی در سال ۱۳۹۳ گفته بود، خامنه‌ای تلاش می‌کند مثل پایین‌ترین طبقات جامعه زندگی کند و وقتی به او توصیه می‌شود میوه بخورد، مخالفتی نمی‌کند اما به دنبال ارزان‌ترین میوه می‌گردد. به گفته او، اگرچه لباس‌های خامنه‌ای را همیشه تمیز می‌بینیم؛ اما دیده شده که سوراخ‌هایش دوخته شده است و این مورد در تلویزیون دیده نمی‌شود.

در همان سال، خبرگزاری تسنیم، گزارشی منتشر کرد که حکایت از روی زیلو خوابیدن خامنه‌ای، نبود برنج در خانه رهبری، خوراک ساده و اندک و نمونه‌های این‌چنینی داشت.

این روایت‌ها از فقیر بودن خامنه‌ای به اسم «ساده‌زیستی» در حالی بیشتر شده بود که یک سال قبل، یعنی در سال ۱۳۹۲ رویترز در گزارشی خامنه‌ای را امپراطوری خوانده بود که ثروتی بالغ بر ۹۵ میلیارد دلار دارد؛ یعنی رقمی حدود ۴۰ درصد بیشتر از صادرات نفتی ایران در سال ۱۳۹۱ و حتی بیشتر از ثروت اندوخته شاه سابق ایران. منظور از این امپراطوری عظیم اقتصادی «ستاد اجرایی فرمان حضرت امام» است.

وقتی خامنه‌ای از قطار پرید و به محض تولد «یا علی» گفت

خامنه‌ای در سخنرانی در سال ۱۳۸۷، خاطره‌ای در اهمیت نماز خواندن نقل کرده بود که با آن ویدیوها و طنزهای بسیاری ساخته شد. به گفته او وقتی به عراق رفته بودند، قطار برای نماز صبح توقف نکرد و او مجبور شد از اواخر قطار خودش را از پنجره بیرون بیندازد تا بتواند نماز بخواند. خامنه‌ای کمی مکث می‌کند، انگار خودش هم باورناپذیر بودن ادعایش را مزه‌مزه می‌کند و ادامه می‌دهد: «چون در داخل قطار کثیف بود و نمی‌شد نماز خواند.» اما باز هم به نظر غیرعقلانی می‌آید، برای همین می‌گوید نزدیک ایستگاه یا اوایل ایستگاه بود.

اما یکی از ماندگارترین روایت‌های از زبان «محمد سعیدی» امام جمعه شهر «قم» در سال ۱۳۹۰ در کرامات و معجزات رهبر جمهوری اسلامی بیان شده، «یا علی» گفتن خامنه‌ای هنگام تولد به نقل از خواهر ناتنی او است: «زمان ولادت رهبر انقلاب که رسید، ما را از اتاق بیرون کردند. قابله در اتاق داشت زمینه تولد این فرزند جدید را فراهم می‌کرد. یک مرتبه دیدم صدای قابله بلند شد که علی نگهدارت باشد. ما در را باز کردیم و رفتیم تو. گفتیم چه شد؟ گفت که این آقا- یعنی مقام معظم رهبری- وقتی می‌خواست از بدن مادر خارج شود، گفت، یا علی. گفت تا این کلام را شنیدم، قابله گفت علی نگهدارت باشد.»

کمی بعد از این اظهارات، «علی اکبر ناطق نوری»، رییس دفتر بازرسی دفتر رهبری گفت: «این که کسی بیاید و بگوید وقتی مقام معظم رهبری به دنیا آمده گفته است، یا علی، مزخرفات و توهین به مقام معظم رهبری است.»

دیدار خامنه‌ای با امام زمان شیعیان

قصه‌سازی برای خامنه‌ای به پریدن از قطار، شفای بیمار، نطق هنگام تولد و تبلیغ ساده‌زیستی ختم نمی‌شود. روحانیون مجیزگو پا فراتر از این‌ها گذاشته‌اند و نه فقط صحبت از دیدار خامنه‌ای با امام زمان شیعیان کرده‌اند؛ بلکه می‌گویند امام زمان مقابل پاهای خامنه‌ای برخاسته بود؛ چه مقامی بالاتر از این برای معتقدان به شیعه؟

در همان سال ۱۳۹۰ که گفتند خامنه‌ای «یا علی» گویان به دنیا آمد، روایت دیگری را «آیت‌الله احدی»، روحانی مازندرانی به نقل از «کاظم صدیقی» امام جمعه تهران می‌گوید که حتی صدیقی نتوانسته بود، روایت خود را به اتمام برساند، به هق‌هق افتاده بود و مردم به سمت خامنه‌ای هجوم آورده بودند تا تبریک بگویند. البته روایت صدیقی هم به نقل از «آیت‌الله بهاء‌الدینی» ذکر شده که دیگر در قید حیات نیست. طبق این

روایت «مقام معظم رهبری به دیدار امام زمان نائل آمد» و البته مثل این که امام زمان شیعیان به عیادت خامنه‌ای در بیمارستان هم رفته بود. به اعتقاد شیعیان امام دوازدهم که «مهدی» نام دارد و با القابی چون امام زمان و امام عصر خوانده می‌شود، زنده و غایب است و زمانی ظهور می‌کند و قرار است دنیا را پر از عدل کند. آن‌ها معتقدند امام زمان با افراد مومن و اهل دل ملاقات‌هایی برگزار می‌کند.

کاظم صدیقی اما به این‌ها راضی نیست. این‌بار در سال ۱۳۹۳ برای روایتی دیگر، به سراغ «آیت‌الله بهجت» می‌رود که او نیز در قید حیات نیست. امام جمعه تهران نقل قول بهجت را هم به منبعی موثق ارجاع می‌دهد که «منبع موثقی از آیت‌الله بهجت نقل کردند که ایشان در خواب دیدند که حضرت امام زمان در مجلسی حضور داشتند، علمای بزرگ اسلام هم در خدمت آقا امام زمان بودند، آیت‌الله خامنه‌ای وارد شدند و امام زمان جلوی پای ایشان تمام‌قد بلند شدند و برای ایشان جایی برای نشستن باز کردند.»

صدیقی نه فقط بر تریبون نماز جمعه بلکه در گفت‌وگو با رسانه‌ها هم مدام ارتباط ویژه خامنه‌ای با امام زمان شیعیان را تکرار کرده است. مثل نمونه دیگری که گفته بود: «عالمی شب قدر خدمت امام عصر تشریف پیدا کرد،

درباره مقام معظم رهبری پرسید، حضرت فرمودند: ایشان از مایند. «
 مجری تلویزیون هم «به‌به» گویان یا «ای جان» گویان لذت می‌برد.
 در آخرین نمونه، کاظم صدیقی در خرداد سال جاری در اجلاس بین‌المللی
 «فعالان مهدویت» گفته است: «رهبری هرگاه برای جوانان مسلمان رنج
 می‌کشند، سری به جمکران می‌زنند.» و «ما معتقدیم رهبری از بالا تعیین
 شده است.» جمکران مسجدی است که به اعتقاد شیعیان امام دوازدهم که
 امام زمان یا امام عصر خوانده می‌شود، در آن محل با اهل معنا دیدار
 می‌کند. در این مسجد چاهی وجود دارد که شیعیان نامه‌هایی را خطاب به
 امام زمان در آن می‌اندازند و اعتقاد دارند او نامه‌ها را می‌خواند و
 خواسته‌های آنان را اجابت می‌کند.
 خامنه‌ای صدیقی را ابتدا به عنوان سخنران بیت رهبری منصوب کرده بود
 و بعد به مقام امام جمعه تهران رسید.
 البته دیگر روحانیون مجیزگو هم برای خامنه‌ای کم نگذاشته‌اند. به عنوان
 نمونه «آیت‌الله حسین نوری همدانی» که گفته شده وقتی از او پرسیدند،
 چرا در راهپیمایی‌ها و تظاهرات در دوران رهبری خامنه‌ای در صف اول
 می‌ایستد، پاسخ داده بود: «شبی در خواب حضرت فاطمه‌الزهرا را ملاقات
 کردم که بی‌بی فرمودند، شوهرم علی تنها ماند، نگذارید فرزندم علی تنها
 بماند.»

اما چه کسی خریدار این اوهام و خرافه‌ها است؟

احتمالا تا وقتی جمهوری اسلامی برپا باشد، چه در زمان حیات خامنه‌ای و چه پس از مرگ او، خواب‌ها و روایت‌های دروغین بسیاری در عجایب رهبر جمهوری اسلامی منتشر خواهد شد؛ بسیار بیش‌تر از دیدار با امام زمان و آخوندی که یک‌شبه آیت‌الله شد.

صدیقی: ظهور رای اولی‌ها در انتخابات پیش زمینه ظهور امام زمان است

صدیقی، امام جمعه تهران: دیدن این رای اولی‌ها و خروش این یاران امام زمان (عج) به انسان نشاط می‌دهد. امروز همه در مقابله با استکبار، آمریکا، انگلیس و رژیم صهیونیستی ایستاده‌اند و این پیش‌زمینه ظهور حضرت، ولی عصر (عج) است، اما پیش‌قراول و خط شکن شما مردم ایران هستید که پرچم فتح را زیر سایه پرچم ولایت به دست امام زمان می‌رسانید.

حجت‌الاسلام کاظم صدیقی ظهر امروز -جمعه ۲۷ بهمن ۱۴۰۲- در خطبه‌های نماز جمعه تهران با اشاره به سخنرانی پیش از خطبه‌ها درباره انتخابات ۱۴۰۲ اظهار کرد: انتخابات حق و عزت شما مردم است.

انتخابات دوام در برابر فشارها، تحول‌خواهی همیشگی مردم، تامین امنیت روانی، فرهنگی و سیاسی در منطقه و خار چشم دشمن و نور چشم برای دوستان است.

به گزارش دیده بان ایران؛ صدیقی افزود: تا انتخابات ادامه دارد نشان می‌دهد که ملت در حیات سیاسی و اجتماعی خود زنده است و مرگ‌پذیر نیست. اجتماعات عظیم شما جوشش حیات شما و علامت زنده بودن شماست. انتخابات نشان می‌دهد که ملت با آگاهی، یافته‌اند که خودشان باید سرنوشت خود را رقم بزنند. خدای متعال راه کج و درست را جلوی پای شما قرار داده و شما راه دین و ولایت را در راه استقلال و عزت دیده‌اید. صدیقی در ادامه یادآور شد: نظامی که با رای قاطبه مردم، جمهوری اسلامی نامگذاری شد دو پایه جمهوریت و اسلامیت دارد. جمهوریت، اسلامیت را بیمه می‌کند و اگر جمهوریت نباشد احکام اسلام قابلیت اجرا شدن نخواهد داشت و ولایت و نفوذ در جامعه داخلی و بین‌المللی نخواهد بود.

او با تاکید بر این‌که دشمن از این ملت بغض دارد، بیان کرد: دشمن دید که نتوانست به مرزهای شما دست یابد پس داعش را ساخت که شما را از بین ببرد. امروز هم اگر ببینند که ملت متلای است می‌آیند و حتی رفتگان ما را از گور بیرون می‌آورند.

امام جمعه تهران، همچنین عنوان کرد: انگیزه حضور در انتخابات انگیزه عقلانی، شرعی، سیاسی، بصیرتی و ولایت‌مدارانه است. بعضی‌ها به خود ما می‌گویند که چه انتخاباتی و با وجود این همه مشکلات چرا در انتخابات شرکت کنیم؟ این چه منطقی است که، چون مشکلات داریم در انتخابات شرکت نکنیم؟ اتفاقاً، چون مشکلات داریم باید در انتخابات شرکت کنیم. مشارکت گسترده در انتخابات، نفس تازه، تحول جدید و ارتقای توانایی‌های کشور و گره‌گشاست. حضور مردم پشتوانه خدمت‌گزاران و باعث دلگرمی مسئولان است و مسئولیت مسئولان را سنگین‌تر می‌کند.

وی با اشاره به لزوم حضور اقشار مختلف در انتخابات تاکید کرد: حتی برای آن‌ها که انگیزه مذهبی ندارند، اما امنیت، آسایش اجتماعی و روانی و رفع مشکلات اقتصادی را می‌خواهند، این موضوعات از مسیر حضور در انتخابات می‌گذرد. از طرفی کدام کشور در دنیاست که مشکلات نداشته باشد؟

صدیقی با ابراز اطمینان از حضور مردم بصیر، مومن، آگاه و رشید ایران در انتخابات، گفت: به خصوص دیدن این رای‌اولی‌ها و خروش این یاران امام زمان (عج) به انسان نشاط می‌دهد. امروز همه در مقابله با استکبار، آمریکا، انگلیس و رژیم صهیونیستی ایستاده‌اند و این پیش‌زمینه ظهور حضرت، ولی عصر (عج) است، اما پیش‌قراول و خط‌شکن شما مردم

ایران هستید که پرچم فتح را زیر سایه پرچم ولایت به دست امام زمان می‌رسانید.

او همچنین اظهار امیدواری کرد: ان‌شاءالله همان‌طور که در راهپیمایی ۲۲ بهمن حاضر بودید، در انتخابات هم حضورتان ارواح شهدا را خشنود، روح امام راحل را شاد، نایب امام زمان را سرافراز، کشور را در برابر دشمنان، مقتدر، متحد و حماسی می‌کند و مایه رشد بیشتر کشور و یاس دشمنان خواهد شد.

امام جمعه موقت تهران با اشاره به حضور مردم در راهپیمایی ۲۲ بهمن، خاطرنشان کرد: در این حماسه حضور، الحق مردم عزیز، ملت بصیر، توده‌های صابر و زنان و مردان بالیمان، زمان‌شناس، دشمن‌شناس و ولایت‌مدار کم‌نگذاشتند و انتخابات یعنی این حضور حماسی مردم بر اساس آمار کارشناسان از همه استان‌ها، امسال سطح مشارکت و درصد شرکت‌کنندگان در راهپیمایی در اغلب استان‌ها بیش‌تر از سنوات قبل بوده که این موضوع خیلی پیام دارد.

وی ادامه داد: این حضور مردم در راهپیمایی ۲۲ بهمن دشمن را عصبانی و ناراحت می‌کند و تودهنی به کفر و استکبار و نفاق داخلی است. این حضور مقابله صریح با جبهه تبلیغاتی و شیطنت دشمن بود. از طرفی تنوع حاضران در راهپیمایی نکته دیگری بود. هم زنان در سطح وسیع مثل

همه عرصه‌ها حاضر بودند و هم مردان و جوانان و نوجوانان و حضور دهه هشتادی‌ها و نودی‌ها خود را نشان می‌داد.

صدیقی با بیان این‌که مشکلات مردم قابل انکار نیست، تاکید کرد: مردم مشکل گرانی و مسکن دارند. مشکلات زیادی بر مردم تحمیل شده و دنیای کفر به قول خودشان فشارهای فلج‌کننده‌ای بر ما وارد کرده است، اما از مشکلات عبور می‌کنیم و مردم با این به میدان آمدن، گفتند که با وجود مشکلات، ما صاحب و پاسدار انقلابیم و با امام و ولیمان عهد بستیم و از انقلاب، حمایت و از ولایت، اطاعت خواهیم کرد.

او همچنین به حوادث اخیر در منطقه اشاره کرد و گفت: امروز مردم یمن قهرمان، غزه، لبنان و عراق زنجیر مستحکمی هستند که قدرت‌های استکباری را به چالش کشیده‌اند. دیدید با وجود نبود سلاح‌های پیشرفته، چه‌طور به شریان‌های رژیم صهیونیستی ضربه وارد کردند تا جایی که آمریکا و انگلیس مجبور شدند مستقیم وارد جنگ شوند.

امام جمعه موقت تهران در پایان اظهار کرد: در لبنان می‌بینید این سید بزگوار حامی ولایت، چگونه با درایت و حکمت، پایگاه‌های رژیم صهیونیستی را در نهایت دوراندیشی و آرامش فلج می‌کند. از طرفی این عراق ماست که به میدان آمده. مرجعیت، حشدالشعبی، دولت و گروه‌های انقلابی عراق همه یک‌صدا در کنار مردم غزه در هجوم به قلب دنیای کفر

مشترکند و پایگاه‌های آمریکا را در نقاط مختلف منطقه هدف قرار می‌دهند. می‌بینید که مستکبرین در حال آب شدن هستند و به زودی ثابت می‌شود که حق همیشه پیروز و باطل از بین رفتنی است.

عاملان پرونده فساد ۲۲ میلیون دلاری واردات لاستیک آستان قدس رضوی چه کسانی هستند؟

اسناد افشا شده نشان می‌دهد آستان قدس رضوی، نهاد اقتصادی وابسته به خامنه‌ای، با ارز دولتی، ۲۰۰ هزار حلقه لاستیک وارد کرده که در این فرایند، ۲۲ میلیون دلار مفقود شده است. در همین حال، عاملان این قرارداد در دولت ابراهیم رئیسی به سمت‌های مختلف منصوب شده‌اند.

بر اساس یک سند افشا شده، در خرداد ماه ۱۳۹۸ شرکت «مدیریت زنجیره تامین رضوی» به مدیریت «علیرضا پیمان پاک» در قراردادی با شرکت «توسعه تجارت دلفین» به مدیریت «محمد ذوالفقاری» توافق کردند با ارز دولتی چهار هزار و ۲۰۰ تومانی، ۲۰۰ هزار حلقه لاستیک از امارات و چین وارد کنند.

در این قرارداد نام‌های «شرکت تضامنی ارز ایران» با یک چک ۳۷۸ میلیارد تومانی و «آرمان علمایی» به‌عنوان تضمین‌کنندگان آمده است.

این در حالی است که شرکت تضامنی ارز ایران اعلام کرده که به هیچ وجه از این قرارداد خبر ندارد و هیچ چکی در این زمینه صادر نکرده است.

علیرضا پیمان پاک، مدیرعامل وقت شرکت زیرمجموعه آستان قدس رضوی، که مهم‌ترین فرد مرتبط با این پرونده است، دو سال بعد در دولت ابراهیم رئیسی به سمت ریاست سازمان توسعه تجارت و معاونت وزارت صمت رسید و اکنون در سمت قائم مقام وزیر کشاورزی فعالیت می‌کند. محمد ذوالفقاری، طرف دوم این قرارداد، در یک پرونده فساد هشت هزار میلیارد تومانی در خالی فروشی ارز نیمایی نیز متهم است.

ذوالفقاری از نزدیکان گروه اقتصادی-سیاسی موسوم به «حلقه کرمان» است که شامل گروهی از سیاستمداران اصول‌گرا و اصلاح‌طلب است. این حلقه سال‌ها است که بخش بزرگی از اقتصاد استان کرمان و چند بنگاه بزرگ اقتصادی کشور را در اختیار دارند.

محمد ذوالفقاری در حال حاضر به دلیل پرونده‌ای غیر از پرونده فساد واردات لاستیک در زندان است.

«شرکت تضامنی ارز ایران» در واقع نام تجاری شرکت تضامنی احسان تحیری و شرکا است. تحیری گفته است که هرگز هیچ چکی به آستان قدس

رضوی نداده است. تحیری که یکی از متهمان اصلی در پرونده فساد چند هزار میلیارد تومانی ارز نیمایی است، بازداشت نشده و آزاد است. احسان تحیری فرزند شمسعلی تحیری است که قبل از انقلاب ۵۷ یکی از نیروهای چتربازی گارد شاه بود که بعدها به «گروه توحیدی صف» پیوست. این گروه از سوی برخی اعضای مذهبی جدا شده از سازمان مجاهدین خلق و افرادی از محافل و هیات‌های مذهبی در سال ۱۳۵۴ بنیان‌گذاری شد. شمسعلی تحیری بعد از انقلاب ۵۷ با اسم مستعار مصطفی به تجارت نفت و پتروشیمی روی آورد.

احسان تحیری در اسفند ماه سال گذشته، فاش کرد که شریک قبلی او محمد ذوالفقاری با وجود کلاهبرداری هشت‌هزار میلیارد تومانی، با موافقت وزارت اطلاعات در شهریور ۱۳۹۹ امتیاز صادرات ۱۱ میلیون بشکه بنزین به ارزش نیم میلیارد دلار را دریافت کرده تا بدهی‌اش را پرداخت کند، اما او همچنان ۲۲۰ میلیون دلار از پول بنزین فروخته شده را پس نداده است.

یکی دیگر از افراد دخیل در این پرونده «آرمان علمایی» از مرتب‌ترین آستان قدس رضوی است. طبق گزارش روزنامه اعتماد در ۱۹ دی‌ماه ۱۴۰۲، مشخص شد نام آرمان علمایی با امضای پشت یک برگه چک

ذی‌نفع قرارداد، به‌عنوان ضامن اصلی ذوالفقاری برای تخصیص ۸۰ میلیون دلار ارز دولتی ثبت شده است.

علمایی پیش‌تر در دادگاه بانک سرمایه، ابتدا به عنوان متهم و بعد به عنوان مطلع حضور داشت و برخی از متهمان او را به دریافت یک و نیم میلیارد تومان حق دلالی متهم کردند. علمایی نیز بازداشت نشده و هم‌اکنون رییس مرکز تجاری ایرانیان در ارمنستان شده است.

آستان قدس رضوی صاحب ۴۳ درصد مساحت شهر مشهد است و ارزش زمین‌های این نهاد بیش از ۱۲۰ میلیارد دلار تخمین زده شده است. این نهاد وابسته به علی خامنه‌ای در زمینه‌های مختلف اقتصادی، از جمله انرژی و پتروشیمی، معادن، کشاورزی و ساختمان‌سازی فعال است. در زمان وقوع فساد واردات لاستیک، اسماعیل خطیب، وزیر اطلاعات دولت رئیسی، رییس حراست آستان قدس رضوی بود.

«هددینگ گردشگری جوانمرد»

برخی گزارشات در روزهای نخست سال ۱۴۰۳، نشان می‌دهد سهامدار عمده «هددینگ گردشگری جوانمرد» که به‌تازگی در همکاری غیرمجاز با مدیران اداره منابع طبیعی استان مازندران، چهار هزار اصله درخت از

جنگل‌های تاریخی و ۵۰ میلیون ساله هیرکانی را قطع کرده، ماجد علم‌الهدی، کوچک‌ترین فرزند امام جمعه مشهد، است.

هلدینگ گردشگری جوانمرد که مجتمع تفریحی «سد الیمالات نور» در مازندران یکی از زیرمجموعه‌های آن محسوب می‌شود و مالک برخی اماکن تفریحی دیگر مانند فاز دوم چالیدره طرقله، تله‌سیژ دربند تهران، پویا پارک کوهسنگی و برج برفی مشهد است، در ظاهر و طبق اسناد رسمی، به نام مهدی جوانمرد، یکی از دوستان نزدیک ماجد علم‌الهدی ثبت شده، اما مالک واقعی و سرمایه‌گذار حقیقی این شرکت فرزند آخر احمد علم‌الهدی است و مهدی جوانمرد با هدف پنهان ماندن فعالیت‌های گسترده اقتصادی ماجد علم‌الهدی به‌عنوان مدیر اجرایی گمارده شده است.

یکی از کارمندان اداره کل حفاظت محیط زیست استان مازندران به ایندیندنت فارسی گفت: «بسیاری از کارکنان مجتمع تفریحی سد الیمالات شهرستان نور از نیروهای وابسته به بسیج و سپاه محسوب می‌شوند و این اقدام دردناک در قطع بیش از چهار هزار اصله درخت هیرکانی برای ساخت پارکینگ این مجتمع نیز بدون مجوز قانونی و تنها با سوءاستفاده از قدرت فراقانونی امام جمعه مشهد و فرزندش انجام شده است. رئیسی هم که داماد این خانواده است و مملکت دستشان است. با وجود مخالفت صریح اداره محیط زیست استان و شهر نور، این درختان را شبانه و با

حمایت غیرقانونی مدیرکل منابع طبیعی مازندران قطع کردند و با لودر به جان طبیعت افتادند. این‌ها آن‌قدر قدرت دارند که هیچ‌کس نمی‌تواند مقابلشان ایستادگی کند و ما فقط می‌توانیم دست به دامن خبرنگاران شویم.»

از دیگر شرکت‌های متعلق به ماجد علم‌الهدی در مجموعه هلدینگ جوانمرد می‌توان به الماس طلایی چالیدره، توسعه گردشگری کوهستان دربند، ورزش‌های کوهستانی تهران، تولید و صادرات تله‌کابین تله‌سیژ، آژانس مسافرتی سفر ایرانیان شرق، نیکا توسعه کابل راه کیش، زرین چتر توس و مرکز تجاری پرند گلبهار اشاره کرد. اطلاعاتی نشان می‌دهد کوچک‌ترین فرزند نماینده رهبر جمهوری اسلامی در استان خراسان رضوی احتمالاً صاحب ثروتی افسانه‌ای است، زیرا پیش از این نیز نام او به‌عنوان سهامدار مجموعه‌های مختلف صنعتی، وارادتی، غذایی و دامپروری هم عنوان شده بود.

همچنین بنا بر اسناد دیگری منتشر شده در شبکه‌های اجتماعی، مدیران هلدینگ گردشگری جوانمرد با تاسیس یک شرکت زیرمجموعه به نام «نوین پویاگستر سبز نور» در استان مازندران، موفق شدند با استفاده از نفوذ سیاسی خانواده علم‌الهدی، پیمان‌کاری منطقه نمونه گردشگری الیمالات نور با مساحت ۱۲ هزار و ۲۴۰ مترمربع را در اختیار بگیرند

و بخش زیادی از محوطه جنگلی و زراعی نزدیک به سد ایملات را نابود و آسفالت کرده‌اند.

پس از انتشار خبر قطع این چهار هزار اصله درخت جنگل‌های هیرکانی در رسانه‌های ایران، مقام‌های استان مازندران از توقف پروژه مذکور با دستور قضایی خبر دادند، اما کارمند اداره محیط زیست این استان به ایندیندنت فارسی گفت: «حالا چه فایده دارد؟ آیا می‌توانند فوراً چهار هزار درخت چند ده ساله و قدمت‌دار را جایگزین کنند؟ شک نکنید که این پروژه هم پس از گذشت چند روز یا نهایتاً یک ماه، دوباره بازگشایی می‌شود.» دفتر مرکزی هلدینگ گردشگری جوانمرد با مالکیت پنهانی ماجد علم‌الهدی در مشهد، بلوار جانباز، بین کوچه جانباز اول و سوم قرار دارد. ماجد علم‌الهدی فعال‌ترین فرزند احمد علم‌الهدی در حوزه اقتصادی محسوب می‌شود و به‌طور رسمی و غیررسمی، سهامدار و مالک بیش از ۳۰ شرکت بزرگ و کوچک تجاری است.

او که متولد سال ۱۳۶۲ است، اولین بار نامش در ماجرای دستگیری وحید مظلومین، فعال حوزه سکه و ارز ملقب به «سلطان سکه»، رسانه‌ای شد. بنا بر برخی گزارش‌ها در رسانه‌های ایران، مظلومین پیش از اعدام در اعترافاتش اقرار کرده بود که ماجد علم‌الهدی شریک و همکار رسمی او

در بازار طلا و ارز خارجی بود و سپس اخباری مبنی بر بازداشت ماجد در کشور امارات منتشر شد.

فرزند علم‌الهدی دی‌ماه ۱۳۹۹ در اینستاگرام، در واکنش به گزارشی که خبرنگار ایندپندنت فارسی در رسانه اجتماعی ایکس درباره فعالیت‌های اقتصادی گسترده او منتشر کرد، نوشت: «...ماشین هم ندارم، اما این احتمال وجود دارد در آینده مال و ثروت داشته باشم، زیرا مثل هر انسانی به دنبال بهبود و توسعه زندگی خود هستم. این چه تفکری است که بین مردم ما و حتی اقشار جوان و متدین رسوخ کرده که فعالیت اقتصادی و کسب مال و ثروت مذموم است؟ چرا خانه زیبا و مجلل و اتومبیل مدل بالا بد است، ولی همه با این هدف کسب درآمد می‌کنیم! مگر نه این است که درآمد یک سال امیرالمومنین علیه‌السلام کپه‌ای از طلا و زر بود که حاصل تجارت و زمین‌داری و فعالیت اقتصادی‌اش بود؟ مگر نه اینکه امام صادق علیه‌السلام بهترین خانه مدینه را داشت و تجارت و بازرگانی می‌کرد؟»

ماجد علم‌الهدی سال ۱۳۹۷ به نمایندگی از شرکت سرمایه‌گذاری ایران و فرانسه، عضو هیئت‌مدیره شرکت گلوکوزال شد که از مهم‌ترین شرکت‌های صنایع غذایی ایران محسوب می‌شود و اصلی‌ترین سهامدار آن نیز شرکت معروف «زر ماکارون» است. مرتضی سلطانی، مالک زر ماکارون، همراه با رضا مطلبی کاشانی، مالک «تک ماکارون»، به‌عنوان مافیای

بازار ماکارونی ایران شناخته می‌شوند. مطلبی کاشانی با حکم مستقیم احمد علم‌الهدی به عضویت هیئت‌امنای آستان قدس رضوی درآمده و هم‌زمان موسس مجمع خیریه ایران و مدیرعامل خیریه ریحانه است که بخشی از شبکه او در حوزه خیریه‌ها و نهادهای مذهبی فعال‌اند.

از سوی دیگر، ماجد علم‌الهدی در سال ۱۳۹۶، به‌همراه ژوبین علاقه‌بند، عضو هیئت‌مدیره شرکت «نماداندیش آرین» شد. علاقه‌بند از چهره‌های مهم استارآپی در ایران محسوب می‌شود که مدت‌ها مدیرعامل اسنپ، بزرگترین شرکت تاکسی اینترنتی در ایران، بود. ماجد در همان سال ۱۳۹۶ یک شرکت وارداتی به‌نام «برایا پارس طلوع فردا» و شرکتی در حوزه دامپروری به نام «کشاورزی دامپروری دامون نوین مصفا» نیز تاسیس کرد.

بر اساس گزارشات، ماجد علم‌الهدی به‌عنوان مدیر وب‌سایت شخصی داماد خانواده (ابراهیم رئیسی)، پیش از این با اسحاق قالیباف، فرزند رئیس مجلس، در شرکت ساختمانی «بتن صخره البرز»، پیمان‌کار ساخت‌وسازهای حرم امام هشتم شیعیان در مشهد، شریک بود.

مهدی صدرالساداتی، روحانی شیعه و اهل قم که پیش از این به دلیل انتقادهای ادامه‌دار از مقام‌های جمهوری اسلامی، با حکم دادگاه ویژه روحانیت «خلع لباس» شد، دی‌ماه ۱۳۹۹ در اینستاگرام، ماجد علم‌الهدی

را «ابوالمشاغل» نامید و نوشت: «سید ماجد مدتی مدیر عامل و نایب رئیس شرکت نماداندیش آراین بود که در کار عرضه و خدمات زیراکس، چاپ و پرینتر بود و واجد نمایندگی سامسونگ در این محصولات است. ظاهراً این شرکت‌ها به‌روزشده همان ایران‌زیراکس است که سابقه طولانی در زیراکس دارد و ۲۲۰ شهر را در ایران پوشش می‌دهند. اما اسم شرکت دیگر که نام سیدماجد در آن به چشم می‌خورد، شرکت گلوکزات است که از روغن ذرت، نشاسته و مواد اولیه ماکارونی گرفته تا خوراک دام و طیور، در حیطه فعالیت این شرکت است و از سال ۱۳۴۹ در زمینی چهار هکتاری شروع به فعالیت کرده است. این شرکت ۱۲ زیر مجموعه دارد و ۶۴ محصول مختلف ارائه می‌کند. نکته جالب این است که بنیاد مستضعفان مالک سهام گلوکزان بود که دو سال پیش ۵۱ درصد سهام را به زرماکارون فروخت و زرماکارون صاحب شرکتی شد که مواد اولیه ماکارونی وارد و تولید می‌کند... در مورد موسسه فرهنگی منایا هم بگویم که یک موسسه چندمنظوره است که گرفتن مجوز آن خیلی راحت نیست، اما آقای سیدماجد و اقوام‌شان آن را گرفتند.»

روح‌الله خمینی و سیدعلی خامنه‌ای، بزرگ‌ترین دروغ گویان تاریخ

ایران

در ایران، وقتی خمینی در راس حکومت ولایت فقیه در سال ۱۳۵۷ و پس از انقلاب ضدسلطنتی به قدرت رسید، حکومت خود را بر پایه حذف مخالفان سیاسی بنا نهاد. دروغ یکی از اهرم‌هایی بود که برای این تسویه‌حساب و حذف توسط خمینی به کار گرفته شد. بعدها دروغ برای حفظ نظام بارها و بارها به کار گرفته شد.

خمینی در ۲۷ مرداد سال ۶۰ در سخنرانی خود در جمع فرماندهان سپاه و ... در حسینیه جماران به صراحت اعلام کرد: «برای حفظ اسلام و برای حفظ نفوس مسلمین واجب است، دروغ گفتن هم واجب است، شراب خمر هم واجب است ... وقتی که اسلام در خطر است، ... واجب است بر شما، دروغ بگویید، واجب است بر شما.»

یکی از دروغ‌های بزرگ خمینی و جمهوری اسلامی مربوط به رابطه‌اش با آمریکا و اسرائیل است. جمهوری اسلامی، همواره فریاد آمریکاستیزی و دشمنی با آمریکا سر داده است. اسرائیل هم در فریادکشان نیروهای بدنه نظام در کنار آمریکا همواره شعار «مرگ» دریافت کرده است.

در حالی که مجله عربی الشراع در شماره دوم نوامبر ۱۹۸۶ برابر با ۱۱ آبان ۱۳۶۵ مذاکره‌ای را افشاء کرد. ماجرای مک فارلین؛ مشاور امنیت

ملی آمریکا و سفرش به تهران و فروش سلاح به نظام، توسط آمریکا و اسرائیل.

به‌گفته سفیر آمریکا در تل‌آویو در گزارشی به وزارت امور خارجه آمریکا، در مدت جنگ ایران و عراق، اسرائیل بارها از ایران درخواست‌هایی برای خرید اسلحه دریافت کرد.

برخی منابع میزان فروش تسلیحاتی اسرائیل به نظام را تا ۲/۵ میلیارد دلار اعلام کرده‌اند.

روح‌الله خمینی، بینان‌گذار و اولین رهبر حکومت جهل و جنایت و ترور اسلامی، بارها مدعی شده بود که وجود اصل ولایت فقیه در قانون اساسی، جلوی استبداد را می‌گیرد. «اگر یک فقیهی بخواهد زورگویی کند، این فقیه دیگر ولایت ندارد.»

واقعیت‌های جامعه ایران و بررسی‌های مختلف، نشان می‌دهند که بر خلاف نظر آیت‌الله خمینی، تجربه ۴۴ سال حکومت «ولی‌فقیه» در ایران، ولایت فقیه برای بقای جایگاه خود در حاکمیت، به‌جز سرکوب و کشتار و دیکتاتوری حاصل دیگری برای جامعه نداشته است. در این بیش از چهار دهه حاکمیت جمهوری اسلامی، هیچ نقطه مثبتی که به نفع زنان، کارگران، روشنفکران، بازنشستگان، کودکان و عموم شهروندان باشد وجود ندارد و

هر چی هم هست تلاشی برای ساختن و نهادینه کردن «بهشتی» در ایران برای سران و مقامات حکومتی و اطرافیان آنهاست!

روح‌الله خمینی، روز هفتم دی ۱۳۵۸ در دیدار با «حامد الگار» که متفکر مسلمان آمریکایی معرفی شده بود، ادعا کرده است: «اصل ولایت فقیه جلوی استبداد را در این کشور می‌گیرد.» او گفت: «استبداد را ما می‌خواهیم جلویش را بگیریم. با همین ماده‌ای که در قانون اساسی است که ولایت فقیه را درست کرده، این استبداد را جلویش را می‌گیرند. آن‌هایی که مخالف با اساس بودند، می‌گفتند که این استبداد می‌آورد. استبداد چی می‌آورد. استبداد با آن چیزی که قانون تعیین کرده، نمی‌آورد. بلی ممکن است که بعدها یک مستبدی بیاید. شما هر کاری‌اش بکنید، مستبدی که سرکش است بیاید، هر کاری می‌کند. اما فقیه مستبد نمی‌شود. فقیهی که این اوصاف را دارد، عادل است؛ ... بهترین اصل در اصول قانون اساسی، این اصل ولایت فقیه است.»

آیت‌الله خمینی روز ۳۰ مهر ۱۳۵۸ نیز در جمع عشایر، گفته بود: «شما از ولایت فقیه نترسید، فقیه نمی‌خواهد به مردم زورگویی کند. اگر یک فقیهی بخواهد زورگویی کند، این فقیه دیگر ولایت ندارد.»

آیت‌الله خامنه‌ای جانشین خمینی نیز در این بیش از دهه قدرت‌نمایی، نشان داده است که دیکتاتور دروغ‌گویی بیش نیست.

در حالی که یکی از ویژگی‌های رهبران دیکتاتور، مادام‌العمر و غیرانتخابی بودن است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی، هیچ قیدی مبنی بر محدودیت زمانی دوره رهبری نیامده است. مجلس خبرگان به‌عنوان نهادی که حق نصب و عزل رهبری را دارد، هر زمان ولایت رهبری را ساقط شده بداند، طبق قانون می‌تواند رهبر را عزل کند ولی هیچ محدودیت زمانی در قانون پیش‌بینی نشده است.

یکی دیگر از ویژگی‌های مهم رهبری جمهوری اسلامی، غیرپاسخ‌گو بودن اوست. یعنی ولایت فقیه در ایران به‌عنوان مقامی که بالاترین مسئولیت و اختیار مطلق را دارد، تاکنون در برابر هیچ یک از رویدادها و جنایات رخ داده پاسخ‌گو بوده است. با این وجود، هیچ مقامی و نهادی حق پرسش‌گری از رهبری را ندارد.

در طول دهه‌ها رهبری خامنه‌ای، حتی یک مصاحبه چالشی و یا تبلیغاتی از او با حضور خبرنگاران ثبت و منتشر نشده است.

چرا که رهبران جمهوری اسلامی یک «تقدس» مذهبی دارند. آیت‌الله خمینی در وصف ولی فقیه، گفته است: «قضیه ولایت فقیه یک چیزی نیست که مجلس خبرگان ایجاد کرده باشد. ولایت فقیه یک چیزی است که خدای تبارک و تعالی درست کرده است. همان ولایت رسول‌الله هست.»

در مقدمه قانون اساسی نیز ولی فقیه همان ولایت امر و در استمرار امامت تعریف شده است. وقتی مقام ولایت فقیه، مقدس و هم‌شان پیامبر و امام و برگزیده خداوند می‌شود، یعنی حق مردم تنها اطاعت است و مخالفت و انتقاد از رهبر به مخالفت و انتقاد از پیامبر و امام تعبیر می‌شود و به هیچ عنوان روا پنداشته نمی‌شود.

خمینی در کنار وعده‌های دروغین در سخنرانی‌هایش به مردم، نخستین فتوای خود، از زنان خواست که حجاب اسلامی را رعایت کنند و دومین فتوایش حمله همه‌جانبه به مردم حق‌طلب کرد در کردستان بود.

وعده‌های خمینی: از آب و برق مجانی تا خانه‌سازی برای مستضعفان، از حقوق اقلیت‌های مذهبی و قومی تا کاهش بودجه‌های نظامی؛ اکنون ۴۴ سال از انقلاب ۱۳۵۷ گذشته است اما نه تنها هیچ‌کدام از وعده‌هایی که «روح‌الله خمینی»، بنیان‌گذار و رهبر انقلاب در سخنرانی‌هایش مطرح کرده بود عملی نشده‌اند بلکه در بسیاری موارد جمهوری اسلامی، کاملاً بر عکس آن‌ها عمل کرده است.

خمینی چند روز پس از ورودش به ایران، در شانزدهم بهمن ۱۳۵۷، حکومت «پهلوی» را «رژیم سرنیزه» و «دیکتاتور» معرفی کرد و آن را «غیر قانونی» خواند: «رژیم سلطنتی پهلوی یک رژیم متکی بر سرنیزه بوده است و قانونی نبوده است. وقتی رژیم قانونی نشد، مجالسی

که بعدها هم تهیه کردند، ملی نبوده است. قانونی نبوده است. تمام این مسایل به ما می‌فهماند که الان نه دولت قانونی است، نه مجلس قانونی است؛ نه این مجلس و نه آن مجلس.»

این در حالی است که اعتراضات مردمی در ۴۴ سال گذشته توسط جمهوری اسلامی همواره سرکوب شده‌اند. بنا به گزارش رسانه‌های فارسی‌زبان و نهادهای بین‌المللی، تنها در اعتراضات مردمی ۱۳۹۶ و ۱۳۹۸ و ۱۴۰۱، هزاران نفر در این اعتراضات کشته شده و یا زخمی و معلول و یا این که اعدام شده‌اند. همچنین ده‌ها هزار نفر دستگیری و زندانی شده‌اند.

دهم اسفند ۱۳۵۷، روح‌الله خمینی در یک سخنران خود، پیروزی انقلاب را نتیجه مبارزات مردم دانست و وعده ساخت خانه برای مستضعفان را داد: «در سرتاسر ایران برای ضعفا مسکن می‌سازیم. همین دارایی شاه سابق و خواهر و برادرش برای یک مملکت، برای آباد کردن یک مملکت کافی است. ما عمل می‌کنیم، حرف نمی‌زنیم. تمام کمیته‌هایی که در تمام اطراف ایران هست، موظفند که آنچه به دست آمد از مخازن ایران، هر چه که این‌ها بردند و مخفی کردند و اتباع آن‌ها بردند و مخفی کردند، آن‌ها را که به دست آمده است، به بانکی که شماره‌اش را بعد تعیین می‌کنند، تحویل

بدهند که برای کارگراها، برای مستضعفین، برای بینوایان هم خانه بسازند، هم زندگی آن‌ها را مرفه کنند.»

او در همین سخنرانی وعده آب و برق و اتوبوس مجانی داد: «دل‌خوش نباشید که مسکن فقط می‌سازیم، آب و برق را مجانی می‌کنیم برای طبقه مستمند. اتوبوس را مجانی می‌کنیم برای طبقه مستمند. دل‌خوش به این مقدار نباشید. معنویات شما را، روحیات شما را عظمت می‌دهیم. شما را به مقام انسانیت می‌رسانیم.»

او در بخش دیگری از این سخنرانی‌اش، از اسلامی‌کردن بانک‌ها و کم کردن «ربا» در بانکداری حرف زد: «ما پس از این، راجع به بانک‌ها هم طرح‌هایی داریم که از این وضع رقت‌بار برگردد. از این وضع استعماری برگردد. باید تمام این کاخ‌های وزارت‌خانه را، وزارت‌خانه‌ها را که میلیون‌ها، میلیارد‌ها مال ملت در آن صرف شده است، باید این‌ها تبدیل بشود به یک چیز معتدل اسلامی. بانک‌ها به تدریج باید تعدیل بشود و ربا به کلی قطع بشود.»

برابری و مبارزه با تبعیض اقلیت‌های مذهبی و ملی یکی دیگر از وعده‌های خمینی بود که در سخنرانی‌های مختلف تکرار می‌کرد. او روز نهم فروردین ۱۳۵۸ در سخنرانی دیگری، به حقوق اقلیت‌های مذهبی اشاره کرده بود: «همه اقشار ملت با ملت شریک هستند در حقوق. و حقوق

همه به آن‌ها داده خواهد شد. اقلیت‌های مذهبی در اسلام احترام دارند، حقوق دارند. حقوق آن‌ها داده خواهد شد. در عمل به مذهب- به مذهب خودشان، در رای دادن برای وکلای خودشان آزادند. همه اقشار آزاد هستند. و این معنا که بین شماها پخش می‌کنند که روحانیون می‌خواهند حق شما را نگذارند به شما برسد، بدانید که این خیانتی است که این‌ها می‌کنند به ملت ما. روحانیون در راس آن‌ها هستند که حقوق را، حقوق شماها را محترم می‌شمارند.»

او در همان سخنرانی درباره حقوق زنان نیز حرف زده بود: «اسلام به زن‌ها بیشتر عنایت کرده است تا به مردها. اسلام زن‌ها را بیشتر حقوق‌شان را ملاحظه کرده است تا مردها. این هم آن معنا که بعد از این چه خواهد شد: زن‌ها حق رای دارند- از غرب بالاتر است این مسایلی که برای زن‌ها ما قائل هستیم- حق رای دادن دارند، حق انتخاب دارند، حق انتخاب شدن دارند. همه این‌ها هست. تمام معاملات‌شان به اختیار خودشان است و آزاد هستند. اختیار شغل را آزاد هستند.»

خمینی دهم فروردین ۱۳۵۸ در یک سخنرانی، وعده داد که جمهوری اسلامی سرنوشت آزاد و استقلال را برای مردم به ارمغان می‌آورد: «جمهوری اسلامی برای ما سرنوشت آزاد و خوش‌بختی و استقلال هدیه

می‌آورد؛ و دشمنان اسلام می‌خواهند اخلاص در امر کنند و ملت ما باید پافشاری کند و رای خودشان را به جمهوری اسلامی بدهند.»

او روز یازدهم اردیبهشت همان سال در دفاع از حقوق کارگران گفت: «اسلام برای شما حقوق قائل هست؛ حق همه را خواهد داد. برای همه زن‌ها و مردهای کارگر، برای همه زن‌ها و مردان دهقان حق قایل است اسلام و آن‌ها را عزیز می‌شمارد و حق آن‌ها را به آن‌ها رد خواهد کرد. شما بگذارید که اسلام تحقق پیدا بکند، جمهوری اسلام با احکام نورانی اسلام تحقق پیدا بکند.»

بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران سه روز بعد از این، در سیک سخنرانی دیگری، اسلام را دین با منطقی معرفی کرد که ترور را قبول ندارد: «اگر منطق داشتید که صحبت می‌کردید؛ مباحثه می‌کردید. لکن منطق ندارید. منطق شما ترور است! منطق اسلام ترور را باطل می‌داند. اسلام منطق دارد.»

او در ۲۴ اردیبهشت ۱۳۵۸ گفت: «اسلام آن‌قدر به رفاه مردم، آسایش مردم و این‌طور توجه دارد و هیچ در این جهت فرقی ما بین قشر با قشر دیگر نمی‌گذارد و نگذاشته است.»

او ۱۲ روز بعد به سازمان‌های منتقد جمهوری اسلامی هشدار داد و اعلام کرد جمهوری اسلامی فقط یک حزب دارد؛ حزب مستضعفان: «اگر ما

از اول که رژیم فاسد را شکستیم و این سد بسیار فاسد را خراب کردیم، به طور انقلابی عمل کرده بودیم، قلم تمام مطبوعات را شکسته بودیم و تمام مجلات فاسد و مطبوعات فاسد را تعطیل کرده بودیم، و روسای آن‌ها را به محاکمه کشیده بودیم و حزب‌های فاسد را ممنوع اعلام کرده بودیم، و روسای آن‌ها را به سزای خودشان رسانده بودیم، و چوبه‌های دار را در میدان‌های بزرگ برپا کرده بودیم و مفسدین و فاسدین را درو کرده بودیم، این زحمت‌ها پیش نمی‌آمد. اگر ما انقلابی بودیم، اجازه نمی‌دادیم این‌ها اظهار وجود کنند. تمام احزاب را ممنوع اعلام می‌کردیم. تمام جبهه‌ها را ممنوع اعلام می‌کردیم. یک حزب و آن «حزب‌الله»؛ حزب مستضعفین.»

۲۷ مرداد ۱۳۵۸، در یک سخنرانی، روشن‌فکران را تهدید کرد: «البته حتی‌الامکان حالا هم ما دل‌مان می‌خواهد که کسانی که قلم دارند، کسانی که عرض می‌کنم که به خیال خودشان روشن‌فکر هستند، کسانی که جبهه‌ها تشکیل دادند، آن‌ها باز ما میل داریم که با ملایمت با آن‌ها رفتار کنیم. لکن باید دست از کار خودشان بردارند.»

او در روز سوم دی ماه ۱۳۵۹ سیاست را حق روحانیون دانست و گفت: «باید عرض کنم که سیاست برای روحانیون و برای انبیا و برای اولیای خدا حقی است، لکن سیاستی که آن‌ها دارند، دامنه‌اش با سیاستی که این‌ها

دارند، فرق دارد... دیگران این سیاست را نمی‌توانند اداره کنند. این مختص به انبیا و اولیا است و به تبع آن‌ها، به علمای بیدار اسلام.»

ماجرای دیده شدن تصویر خمینی بر روی ماه نیز یکی از مهم‌ترین دروغ‌هاست که در حافظه تاریخی ایرانیان ثبت شده‌است. درباره شایعه تصویر خمینی بر ماه، مسئولان حکومتی هیچ‌گاه پیرامون منش آن اظهار نظر نکرده‌اند، و در سال‌های بعد، معجزه‌هایی مانند رویت امام امام زمان در جبهه تحت عنوان «امدادهای غیبی» به‌طور رسمی نیز تایید می‌شد.



فتوای خمینی

آیت‌الله خمینی، به هیچ‌کدام از وعده‌ها و شعارهای پاریس خود عمل نکرد و به یک دروغ‌گوی بزرگ تاریخ معروف شد. شادی برخی طرفداران و جانشینان آیت‌الله خمینی، دروغ‌گویی را واجب شرعی می‌دانند. چرا دوران پاریس را نباید یکی از آن مواقع ضروری به شمار آورد؟

او حتی به قانون اساسی مورد تایید خود هم تعهدی احساس نمی‌کرد و به صراحت نشان که حکومت می‌تواند یک‌جانبه و هر موقع به نفعش نبود آن را نادیده بگیرد و زیرپا بگذارد. خمینی، شیخ خلخالی را که جنون آدم‌کشی

داشت به جان مردم انداخت. او به هر جایی از کشور، شهر و ورستا پایش رسید گروه‌گروه دستور اعدام صادر کرد. گروهی که به رهبری خلخالی، مسئول اجرای اعدام بودند قربانیان خود را حتی با چند سؤال و جواب سرپایی اعدام می‌کردند و به‌همین دلیل، دادگاه‌های خلخالی بسیار سریع‌تر از دادگاه‌های صحرایی حکم اعدام صادر می‌کرد و بلافاصله نیز به اجرا گذاشته می‌شد.

خمینی نخستین فتوای جنایت‌کارانه خود را با اسم رمز «حجاب اسلامی» علیه زنان صادر کرد تا به‌طور سیستماتیک سرکوب گردند و کار اصلی پخت و پز و خانه‌داری و تولید سرباز برای اسلام و جمهوری اسلامی باشد. او دومین فتوای خود را علیه مردم حق طلب کرد صادر کرد. او بر ادامه ججنگ هشت ساله و خانمانسوز ایران و عراق تاکید کرد تا این که در حال شکست قطع نام هسازمان ملل را بمنی بر آتش بس پذیرفت اما بلافاصله با فتوای چند سطری کشتار دسته‌جمعی زندانیان سیاسی ر اصادر کرد و در مدت کوتاهی هزاران زندانی سیاسی را مخفیانه اعدام کردند و به خاک سپردند. هنوز هم بازماندگان این قربانیان نمی‌دانند که عزیزان‌شان را کجاها دفن کرده‌اند. آرامگاه معروف خاوران تهران، تنها یکی از این مکان‌هایی است که زندانیان سیاسی به‌طور مخفیانه و گروهی دفن کرده‌اند.

در واقع دهه نخست حاکمیت جمهوری اسلامی به رهبری خمینی، دهه وحشت و تهدید و ترور و شکنجه و اعدام و جنگ است. در عین حال، همه جناح‌هایی که در این دهه با جمهوری اسلاکی همراه بودند این دهه را دهه «طلایی» «امام راحل» می‌نامند و همه جناح‌های حکومتی در سرکوب انقلاب ۵۷ و کشتار مخالفین در این دهه و ادامه جنگ نقش مستقیم داشتند و به‌همین دلیل، حتی آن‌هایی که به‌کلی از حکومت دور شده و به خارج کشور نیز آمده‌اند حاضر نیستند درباره وقایع این دهه، سخن بگویند چرا که پای خودشان نیز در این جنایات گیر است!

آیت‌الله منتظری، رهبر آینده جمهوری اسلامی با مجلس خبرگان رهبری بود و آن‌ها منتظری را انتخاب کرده بودند. اما عزل آیت‌الله منتظری از رهبری آینده نظام، توسط خمینی صورت گرفت و او عملاً با نقض قانون اساسی، تعهد خود به رعایت آن را زیر پا نهاد.

خود او در نامه ۶۸/۱/۸ به همین موضوع اشاره کرده و نوشته است: «... طلاب عزیز، ائمه محترم جمعه و جماعات، روزنامه‌ها، و رادیو-تلویزیون، باید برای مردم این قضیه ساده را روشن کنند که در اسلام، مصلحت نظام از مسائلی است که مقدم بر هر چیز است، و همه باید تابع آن باشیم.»

اما حتی وزرا و نمایندگان مجلس شورای اسلامی مسئله دار شده بودند. او در ۶۸/۱/۲۶ طی نامه‌ای به آن‌ها در این خصوص نوشت: «وظیفه شرعی اقتضا می‌کرد تا تصمیم لازم را برای حفظ نظام و اسلام بگیرد. لذا با دلی پرخون حاصل عمرم را برای مصلحت نظام و اسلام کنار گذاشتم.» هر انسان آگاهی به‌خوبی می‌داند که آیت‌الله خمینی در این‌جا «مصلحت نظام و اسلام» را یکی قلمداد می‌کند.

بنابراین، دروغ‌گویی و مصلحت‌حاکمیت مهم‌تر است یا جان چند هزار زندانی سیاسی؟ وقتی «مصلحت نظام» ایجاب کرد، فرمان داد تا چند هزار زندانی سیاسی را در تابستان ۱۳۶۷، «بی‌رحمانه»، «با خشم و کینه انقلابی» قتل‌عام کنند. باز هم تاکید کرد که بی‌رحمی نسبت به زندانیان سیاسی محکوم به حبس، «از اصول تردید ناپذیر نظام» است: «رحم بر محاربین ساده‌اندیشی است، قاطعیت اسلام در برابر دشمنان خدا از اصول تردید ناپذیر نظام اسلامی است.»

مصلحت نظام را ساخته بود تا با توسل به آن، همه کارهایش را موجه سازد. خمینی امروز می‌گفت «مصلحت نظام» این است که تا پیروزی بر صدام به جنگ ادامه دهیم. فردا می‌گفت، «مصلحت نظام» این است که به جنگ پایان بخشیم: «من تا چند روز قبل معتقد به همان شیوه دفاع و مواضع اعلام شده در جنگ بودم و مصلحت نظام و کشور و انقلاب را

در اجرای آن می‌دیدم ... در مقطع کنونی آن (قطع‌نامه ۵۹۸) را به مصلحت انقلاب و نظام می‌دانم... همه ما و عزت و اعتبار ما باید در مسیر مصلحت اسلام و مسلمین قربانی شود... تصمیم امروز فقط برای تشخیص مصلحت بود.» (صحیفه امام، جلد ۲۱، پیام‌پذیری قطع‌نامه ۱۳۶۷/۴/۲۹)

در ۱۳۶۷/۱۰/۸ به شورای نگهبان نوشت: «تذکری پدرا نه به اعضای عزیز شورای نگهبان می‌دهم که خودشان قبل از این گیرها، مصلحت نظام را در نظر بگیرند.» (صحیفه امام، جلد ۲۱، نامه ۶۷/۱۰/۸ به مجمع تشخیص مصلحت نظام)

خمینی حتی ادعا می‌کرد: «آن مسلمی که در آفریقا است، حفظ جمهوری اسلامی برایش واجب است.» (صحیفه امام، جلد ۱۹، ص ۴۸۷)

دروغ‌های بزرگ خامنه‌ای

در سال ۱۳۹۰، فیلم سخنرانی محمدسعیدی، امام جمعه شهر قم منتشر شده است که سعی می‌کند برای مردمی که پای منبر او نشسته‌اند، تولد خامنه‌ای را در هنگام به دنیا آمدن و تولد، متفاوت با تولد دیگر انسان‌های عادی نشان دهد.

محمد سعیدی در این سخنرانی به نقل از خواهر ناتنی خامنه‌ای، نقل می‌کند که: «زمان ولادت رهبر انقلاب که رسید، ما را از اتاق بیرون کردند.

قابله در اتاق داشت زمینه تولد این فرزند جدید را فراهم می‌کرد. یک مرتبه دیدم صدای قابله بلند شد. که «علی نگهدارت باشد.» ما در را باز کردیم و رفتیم تو. گفتیم چه شد؟ گفت که این آقا- یعنی مقام معظم رهبری- وقتی می‌خواست از بدن مادر خارج شود، گفت «یا علی.» گفت تا این کلام را شنیدم، قابله گفت: «علی نگهدارت باشد.»

در آن زمان این روایت از سوی بیت رهبری تایید یا تکذیب نشد. تنها واکنش به این روایت، سخنان رییس وقت دفتر بازرسی دفتر رهبری، یعنی ناطق نوری بود که گفته بود: «این مزخرفات است. توهین به مقام معظم رهبری است. این جور حرف‌ها ضد ولایت فقیه است.»

حال پس از ۸ سال، «سحام نیوز» به روایتی از دیدار خصوصی اکبر هاشمی رفسنجانی و خامنه‌ای دست یافته که نشان می‌دهد، رهبر جمهوری اسلامی تایید کرده که هنگام تولد، یا علی گفته است!

در آن ایام، هاشمی رفسنجانی در دیدارهای هفتگی و ماهانه خود پس از انتشار فیلم سخنان امام جمعه قم، به خامنه‌ای گفته که «این خرافات چیست که درباره شما نقل کرده‌اند؟ چرا شما با این‌گونه سخنان که به باورهای مردم لطمه می‌زند، برخورد نمی‌کنید؟»

خامنه‌ای در پاسخ به هاشمی گفته که «اتفاقا پس از این صحبت‌های آقای سعیدی، خواهرم را خواستم و از ایشان جویا شدم که ماجرا چه بوده است.

ایشان گفتند که شما موقع تولد یا علی گفته‌اید، و این نقل قول را تایید کردند. این که شما فکر می‌کنید این‌ها داستان‌سرایی و خرافات است، نیست و واقعیت داشته است!»

البته رهبری ذکر نکردند که چرا این خاطره بعد از ۷۰ سال به یاد خواهر ایشان افتاده است

تایید این سخنان نشان‌دهنده عمق نفوذ دروغ و خرافات در ارکان قدرت در ایران است. دروغی بزرگ که توسط خود ایشان با هدف مقدس‌سازی چهره خود در بین جامعه، و ترویج شدن توسط گروهی از نزدیکان وی صورت می‌گیرد. بنا کردن قدمگاه و بوسیدن جای پای وی، گرفتن چفیه و انگشتر، نام بردن از وی به عنوان سیدخراسانی (هنگام ظهور امام زمان) و ... تنها گوشه‌هایی از تلاش جریان حکومت برای ساختن چهره‌ای قدسی و کاملاً آسمانی از خامنه‌ای است.

خرافات و تعصب دینی از یک سو و تکنیک دروغ بزرگ از سوی دیگر، البته ثروت‌اندوزی و نظامی‌گری به شیوه سپاه، بسیج، نیروی انتظامی، گشت ارشاد، وزارت اطلاعات، سربازان گمنام امام زمان، نیروهای آتش به اختیار و... از سوی دیگر، باعث در تنگنا قرار گرفتن مردم در کشور شده است.

همه‌گیری کووید-۱۹ رخدادی تاریخی مهمی است که فراموش شدنی نیست. در حالی که در دوران این بحران جهانی و در بحبوحه بیماری‌های همه‌گیر، خامنه‌ای و سایر مقامات سیاسی و نظامی و مذهبی، به نظریه‌های «توطئه» و «تکنیک دروغ‌های بزرگ» روی آوردند تا بتوانند این توهم را در مردم ایجاد می‌کنند که می‌توانند شرایط را کنترل کنند.

جمعه نوزدهم دی ۱۳۹۹، رهبر جمهوری اسلامی ایران آب پاکی را برای برنامه تهیه واکسن کووید-۱۹، روی دست مردم ایران ریخت. علی خامنه‌ای که در آن دوارن روزبه‌روز کمتر در تجمعات بیت خود ظاهر می‌شد، در قم با صراحت گفت که واردات واکسن‌های آمریکایی و بریتانیایی به ایران «ممنوع» است.

تا امروز، واکسن‌های «فایزر- بیون‌تک»، «مدرنا» و آکسفورد-آسترانکا تنها واکسن‌های مهم تایید شده هستند. این واکسن‌ها در آمریکا و بریتانیا، با همکاری پژوهش‌گران و متخصصان کشورهای دیگر تولید شده‌اند و ربط مستقیمی به سیاست‌ها و عمکردهای دولت‌ها ندارند. آیت‌الله خامنه‌ای در سخنان تلویزیونی روز جمعه خود گفته است: «ورود واکسن امریکایی و انگلیسی کرونا به کشور ممنوع است.» او ادعا کرد: «آن‌ها می‌خواهند واکسن را بر روی ملت‌های دیگر آزمایش کنند ... آن‌ها قابل اعتماد نیستند.»

اظهارات خامنه‌ای در حساب رسمی توئیتر وی منتشر شد. این سخنان علاوه بر این که می‌توانند عواقب ویران‌گری بر وضعیت سلامت مردم ایران داشته باشند، دروغ نیز هستند.

این اولین اظهار نظر نادرست و جعلی خامنه‌ای نبود؛ او پیش‌تر کوشیده بود کووید-۱۹ را «سلاح بیولوژیک» و ساخته آمریکا معرفی کند. رسانه دولتی و سیاستمداران حکومتی ایران، به‌ویژه جریان‌های نزدیک به نیروهای امنیتی نیز ادعاهای جعلی از این دست را گسترش داده و مدعی شدند که واکسن کووید-۱۹ می‌تواند مثل سلاحی علیه مردم ایران به کار گرفته شود.

کشف و تولید واکسن، پیروزی بزرگ علم مدرن است. نخستین واکسن ساخته شده در غرب را «ادوارد جینر» بریتانیایی برای مبارزه با بیماری «آبله» تولید کرد. او نشان داد که تزریق حجم کم و بی‌اثر بیماری آبله می‌تواند واکنش دفاعی بدن را فعال کند و عملاً بدن را از آن مصون نگاه دارد.

واکسن آبله و در پی آن، واکسن‌های «فلج اطفال»، «سرخک»، «اوریون»، «سرخجه»، «ابولا» و «تب زرد» جان میلیون‌ها انسان را در جهان و از جمله در ایران نجات داده و می‌دهند. تولید چند واکسن مطمئن و موثر علیه بیماری کووید-۱۹، رخدادی تاریخی است؛ نخست به

این دلیل که در مدت زمان بسیار کوتاهی ساخته شده‌اند، دوم این‌که ده‌ها هزار تن داوطلبانه حاضر شده‌اند در روند انجام آزمایش‌های نخستین آن‌ها شرکت کنند و سوم این‌که در اقدامی بی‌سابقه، پژوهش‌گران و دانشمندان سراسر جهان در مراحل تحقیق و ساخت آن‌ها با یکدیگر همکاری کرده‌اند. پس، تولید، توزیع و استفاده سریع از این واکسن‌ها باید موجب خشنودی شود.

باوجود این، خامنه‌ای مثل دیگر نظریه‌پردازان تئوری‌های توطئه در دنیا، از این موقعیت استفاده کرد تا داستان‌های تخیلی خود را به دلایل ایدئولوژیک و مالی گسترش و تحویل جامعه دهد. این احتمال وجود دارد که خامنه‌ای به این دلیل اعتبار واکسن‌های ساخت آمریکا و بریتانیا را زیر سؤال می‌برد که می‌خواهد واکسن «کوایران-برکت» را تبلیغ کند. این واکسن تحت نظر «بنیاد برکت» در حال آزمایش و تولید است. بنیاد برکت از جمله نهادهای وابسته به «ستاد اجرایی فرمان امام» است. این ستاد تحت فرمان مستقیم علی خامنه‌ای اداره می‌شود و در نتیجه، موفقیت آن به سود شخص رهبر ایران است.

اظهاراتی شبیه گفته‌های علی خامنه‌ای درباره واکسن‌های کووید-۱۹ نه تنها غلط و دروغ بودند بلکه بسیار خطرناک هستند و احتمالاً برخی‌ها را مجاب کرد که واکسن نزدند.

پس دروغ‌گویی درباره واکسن با هدف سودجویی شخصی و یا خرافه‌پرستی می‌تواند کل جامعه را به‌خطر بیندازد. از این دست داستان تخیلی و دروغین که کووید-۱۹ و واکسن‌های آن بخشی از یک پروژه جهانی برای کاهش و یا کنترل جمعیت است نیز بارها، از جمله در رسانه‌های ایران مطرح و تکرار شده است. تعجبی هم ندارد که این رسانه‌ها، غرب به خصوص آمریکا و اسرائیل و بعضا بهاییان را در این ماجرا مقصر معرفی کردند.

انفجار در حرم امام رضا در مشهد و کشتن کشیش‌ها

روز دوشنبه ۳۰ خرداد سال ۷۳، مصادف با عاشورا، نظام در یک اقدام جنایت‌کارانه، دست به انفجار ضریح امام رضا در مشهد زد و بلافاصله بعد از آن، حکومت این اقدام را به مجاهدین خلق ایران منتسب کرد. اما در سال‌های بعد بارها عناصر حکومت در جنگ قدرت افشا کرد که این انفجار کار خود نظام بوده است.

کشتن و مثله‌کردن ۳ کشیش مسیحی یکی دیگر از دروغ‌هایی بود که حکومت آن را به دشمن اصلی خودش یعنی مجاهدین خلق نسبت داد. امری که بعد از درون حاکمیت افشا شد کار خودشان بوده است.

هاله نور محمود احمدی نژاد

«هاله نور»، به ماجرای ادعای محمود احمدی نژاد رییس جمهوری وقت جمهوری اسلامی ایران در حضور آیت الله جوادی آملی در مورد مشاهده هاله نور در اطراف خودش توسط برخی نزدیکان در هنگام سخنرانی در مقر سازمان ملل گفته می شود.

مهرماه سال ۱۳۸۴ است. چند روزی است که محمود احمدی نژاد از اولین سفرش به سازمان ملل متحد در آمریکا برگشته است. او سفری به شهر مذهبی قم می کند تا با روحانیون و مراجع این شهر دیداری داشته باشد و گزارشی از سفر خود به آنان ارائه کند.

رئیس جمهور به دفتر آیت الله عبدالله جوادی آملی می رود. اما سخنان او نزد این روحانی بلندپایه قم نه تنها برای ماه ها جنجال ساز می شود، بلکه مستندی به دست منتقدان او می دهد تا رئیس جمهور را به خاطر این گفته ها مورد سرزنش قرار دهند.

احمدی نژاد به آیت الله جوادی آملی می گوید: «گفت وقتی تو شروع کردی «بسم الله» و «اللهم» را گفتم، من دیدم یک نوری آمد، تو را احاطه کرد و تو تا آخر در یک حصن و حصاری رفتی»؛ این را من خودم هم احساس کردم که فضا یک دفعه عوض شد و همه حدود بیست و هفت، هشت دقیقه تمام، این سران مژه نزدند. این که می گویم مژه نزدند، غلو نمی کنم. اغراق

نیست، چون نگاه می‌کردم، همه سران مبهوت مانده بودند. انگار یک دستی همه آنان را گرفته بود، آنجا نشانده بود. چشم‌ها و گوش‌هایشان را باز کرده بود که ببینید از جمهوری اسلامی پیام چیست؟»

روزهای بعد، دفتر رئیس‌جمهور ضمن تکذیب چنین سخنانی اصالت این فیلم را زیر سؤال می‌برد. محمود احمدی‌نژاد هم در گفت‌وگو با خبرنگار تلویزیون دولتی ایران این مسئله را تکذیب می‌کند. او می‌گوید:

«می‌گویند بله. احمدی‌نژاد گفته است. من کی همچنین حرفی زده‌ام؟ ما هاله نورمان کجا بود؟...»

با پخش این فیلم منتقدان و حتی برخی از اصول‌گرایان حامی رئیس‌جمهور، زبان به انتقاد و حتی در مواردی تمسخر او می‌گشایند. سراج میردامادی، روزنامه‌نگار سیاسی ساکن پاریس، در این باره می‌گوید:

«ایشان تلاش می‌کرد سخنرانی‌اش در سازمان ملل که جزو اولین سخنرانی‌ها و حضور بین‌المللی‌شان بود را (مهم جلوه بدهد) و بدین طریق چنین داستانی را تراشید که توی چشم افکار عمومی جهانی از نظر منطق و جایگاه حرف‌هایی که مطرح کرده، جا افتاده است.

نکته دوم که مهم‌ترین نکته است این است که در معتقدات شیعه کسی که چنین ادعایی را مطرح کند که خودش در میان هاله‌ای از نور دیده شده است، در واقع پا روی معتقدات شیعه گذاشته است و این مسئله‌ای بود که

از نظر دینی و اعتقادی و کلامی اصلاً قابل قبول نبود و انتقادات گسترده‌ای را برانگیخت.»

با وجود این‌که از این جلسه فیلم‌برداری شد و فیلم آن در دسترس عموم قرار گرفت، اما احمدی‌نژاد و دفتر رئیس جمهور آن را تکذیب کرد و غلامحسین الهام، رئیس دفتر وی که خود نیز در جلسه حضور داشت، اعلام کرد که چنین چیزی نشنیده و هاله نور و مسائلی شبیه به این ساختگی و تروکاژ سینمایی است.

به دنبال انکار این موضوع توسط محمود احمدی‌نژاد در مناظره با مهدی کروبی، ادعای احمدی‌نژاد مبنی بر هاله نور را تایید کرد. همچنین محمدتقی سبحانی، نیز که از حاضران جلسه بود، این ماجرا را تایید نمود. این درحالی بود که برخی دیگر از مدافعان، مانند سایت رجانیوز، فیلم را ساختگی ندانسته و مدعی شدند که «چنین تجربیات معنوی و عرفانی‌ای در طول زندگی هر شخصی ممکن است روی دهد.»

ماجرای هاله نور، در طول تبلیغات انتخابات ۲۲ خرداد ۱۳۸۸ و وقایع پس از آن، به یکی از ابزارهای تحقیر محمود احمدی‌نژاد بدل شد.



«دروغ» دولت روحانی در مورد سانحه هواپیمای اوکراینی و...

بوئینگ اوکراینی، در بامداد چهارشنبه ۱۸ دی ۹۸ دقایقی پس از برخاستن از فرودگاه خمینی در مسیر کیف، در صباشهر از توابع شهرستان شهریار سقوط کرد.

تمامی سرنشینان شامل ۱۴۴ ایرانی و ۳۲ نفر از اتباع پنج کشور خارجی توسط پافند هوایی سپاه خامنه‌ای مورد هدف قرار گرفته و جان خود را از دست دادند.

نظام با تمام قوا کوشید تا سقوط هواپیمای اوکراینی را یک سانحه هوایی جلوه دهد. اما زمانی که دیگر راه چاره‌ای برای حکومت نماند و تمامی شواهد علیه نظام بود و در حالی که تا عصر روز جمعه خبرگزاری رسمی

دولت روحانی شلیک را با ذکر دلایل واهی منتفی می‌دانست در روز شنبه و بعد از ۳ روز در روز ۲۱ دی مجبور شد به حمله و حماقت خود اعتراف کند.

حسن روحانی، رییس‌جمهور هم بعد از آن بارها با کنایه یا صراحت از بی‌اطلاعی خود از علت حادثه تا زمان تشکیل جلسه شورای عالی امنیت ملی، سه روز بعد از متلاشی شدن هواپیما حرف زد.

یک روز پس از سقوط هواپیمای اوکراینی، «علی عابدزاده»، رییس سازمان هواپیمایی کشوری احتمال شلیک موشک به هواپیما را رد کرد.

حسن روحانی، رییس‌جمهور هم بعد از آن، بارها با کنایه یا صراحت از بی‌اطلاعی خود از علت حادثه تا زمان تشکیل جلسه شورای عالی امنیت ملی، سه روز بعد از متلاشی شدن هواپیما حرف زد.

آیا مسئولیت حقوقی دولت «حسن روحانی» در حادثه شلیک موشک به هواپیمای بوئینگ اوکراینی بعد از افشای اطلاع مسئولان آن از علت حادثه از لحظات ابتدایی وقوع تغییر کرد؟

یک روز پس از انتشار فایل صوتی گفت‌وگوی برج مراقبت «فرودگاه امام خمینی» تهران با خلبان هواپیمای «شرکت آسمان» که شاهد شلیک موشک به هواپیمای اوکراینی بود، سازمان هواپیمایی کشوری، با انتشار

بیانیه‌ای اعلام کرد آنچه این خلبان «مشاهده» کرده، نه شلیک موشک که آتش انفجار ناشی از آن بود.

در این فایل صوتی، خلبان پرواز هواپیمایی آسمان به زبان فارسی به برج مراقبت می‌گوید که شاهد نور شلیک موشک و همچنین انفجار پس از آن است ولی برج مراقبت از وجود چنین موضوعی اظهار بی‌اطلاعی و سپس ۹ بار تلاش می‌کند تا با خلبان هواپیمای اوکراینی ارتباط بگیرد ولی پاسخی دریافت نمی‌کند.

یکشنبه سیزدهم بهمن‌ماه ۱۳۹۸، بعد از انتشار فایل صوتی گفت‌وگوی برج مراقبت فرودگاه بین‌المللی امام خمینی تهران با خلبان پرواز شرکت آسمان، موج جدید انتقادات از مسوولان سازمان هواپیمایی و بقیه مسوولان دولتی بعد از انفجار هواپیمای بوئینگ اوکراینی راه افتاد. این موج انتقادات در فضای مجازی به «دروغ» مسوولان دولتی در مورد اطلاع نداشتن از حادثه تا سه روز بعد از وقوع آن اشاره داشت؛ دروغی که البته تا زمان انتشار فایل صوتی برج مراقبت فرودگاه امام خمینی با خلبان هواپیمای شرکت آسمان هم ادامه داشت.

بعد از آن هم علاوه بر دیگر مسوولان سازمان هواپیمایی کشوری، «علی ربیعی»، سخنگوی دولت روحانی، بارها در جلسات مصاحبه با خبرنگاران تاکید کرد که حسن روحانی، رییس‌جمهور و دیگر مقامات

دولتی هم تا سه روز بعد از شلیک موشک به هواپیمای اوکراینی از علت این حادثه بی‌خبر بودند.

بسیاری بر این باورند که شلیک دو موشک به هواپیمای اوکراینی از سوی پدافند هوایی ارتش جمهوری اسلامی، عمدی بوده است.

فایل صوتی منتشر شده از گفت‌وگوی خلبان پرواز شرکت هواپیمایی آسمان با برج مراقبت فرودگاه امام خمینی سندی مبنی بر عمد بودن قتل ۱۷۶ سرنشین هواپیمای اوکراینی به دست می‌دهد. چرا که بحث خطا در مورد شلیک دو موشک به هواپیمای اوکراینی کاملاً مردود است.

دروغ‌های اقتصادی و اشتغالی حسن روحانی

روحانی همان ابتدا و در شعارهای انتخاباتی گفته بود: «آن‌چنان رونق اقتصادی ایجاد کنیم که نیازی به یارانه ۴۵ تومانی نداشته باشید.» اما هیچ‌وقت وعده‌های روحانی درباره بهبود اقتصادی و ایجاد شغل محقق نشد. در هشت سال فعالیت دولت دوازدهم، اقتصاد هرگز از رکود خارج نشد.

کلیدواژه بنزین برای بسیاری از مردم یادآور روزهایی است که انگار مردم مطلع‌تر از دولت بودند. سال ۹۸ که صحبت از احتمال گرانی بنزین

شد، دولت دوازدهم به صراحت آن را تکذیب کرد. کمی بعد اما در مسیری متفاوت حرکت کرد و گرانی بنزین را به ثبت رساند.

در مورد بنزین، به گونه‌ای که افزایش قیمت حامل‌های سوخت در طول چند سال و تکذیب و انکار دولت یازدهم و دوازدهم درباره اصلاح قیمت بنزین، مشکلات سال ۹۸ را رقم زد.

دروغ دولت روحانی این‌جا بود که پیش از این به قاطعیت افزایش قیمت بنزین را تکذیب و رد کرده بود. حتی در دولت قبل، با قاطعیت گفته بود که قصد ندارد دست به قیمت حامل‌های انرژی بزند. اما سیاست‌های دوگانه دولت در حذف و ابقای سهمیه‌بندی بنزین در فاصله چند سال، سبب شد تا بسیاری از این دوگانگی دولت در سیاست‌ها سوءاستفاده کنند.

دولت روحانی بارها گفته بود که این افزایش قیمت را برای مردم و توزیع عادلانه یارانه سوخت انجام داده و قصد دارد پول افزایش قیمت بنزین را بین ۶۰ میلیون نفر توزیع کند. اما آنچه که بین مردم توزیع شد، گله‌های مردم بود که نشان می‌داد برنامه درستی برای نظارت‌های بعد از گرانی بنزین وجود نداشته است.

در این میان، نبود یک سیاست شفاف، پنهان کردن واقعیت، حبس قیمتی برای سال‌های متوالی و در نهایت انداختن شعله افزایش قیمت‌ها به دامن مردم، چیزی است که از یک دروغ آغاز شد و در نهایت هم به بی‌اعتمادی

مردم منجر شد. دروغی که یک جمله بود: «قیمت بنزین را گران نمی‌کنیم.»

یکی از کارهایی که دولت روحانی در بدو ورود انجام داد، نشانه گرفتن مساله بیکاری بود. به همین خاطر هم در ابتدای دولت اول خود گفته بود که قصد دارد سالی ۷۰۰ هزار شغل ایجاد کند.

اما این وعده چه قدر روی حقیقت به خود گرفت و آمارها چه می‌گویند؟ برای روشن شدن میزان واقعی بودن این وعده کافی است به آمارهای مربوط به دولت اول روحانی نگاهی بیاندازیم. طبق اعلام مرکز آمار در سال ۹۶، دولت سالانه حدود ۳۵۰ هزار شغل ایجاد کرده بود یعنی به نصف وعده خود جامه عمل پوشاند.

گزارش مرکز آمار از وضعیت بیکاری طی سال‌های ۹۱ تا ۹۵ نشان می‌داد که طی ۴ سال رقمی در حدود یک میلیون و ۴۲۷ هزار شغل ایجاد شده است. یعنی به صورت متوسط در هر سال حدود ۳۵۶ هزار شغل.

از طرفی طبق همان اطلاعاتی که مرکز آمار منتشر کرده، جمعیت فعال کشور در سال ۹۱ حدود ۲۴ میلیون و ۱۰۵ هزار نفر و بیکاران ۲ میلیون و ۹۴۴ هزار نفر بوده است. یعنی با یک حساب سرانگشتی می‌توان گفت که جمعیت شاغل در پایان سال ۹۱ حدود ۲۱ میلیون و ۱۶۱ هزار نفر بوده است. از طرفی آمارهای سال ۹۵ نشان می‌دهد که جمعیت فعال کشور

۲۵/۷ میلیون نفر بودئه که ۳/۲ میلیون بیکار و ۲/۵ میلیون شاغل بودند. در نتیجه طی ۴ سال، ۱/۴ میلیون اشتغال ایجاد شده که سالانه رقمی در حدود ۳۵۰ هزار نفر است. البته برخی در این میان تاکید می‌کنند که میزان اشتغال خالص در این ۴ سال، به میزان ۱۰۰ هزار نفر در سال بوده است. به‌طوری که معاون توسعه کارآفرینی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در سال ۹۸، رسماً اقرار کرده بود که با توجه به شرایط کشور در سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ اشتغال پیش‌بینی شده محقق نشد.

خاطره مردم از سال‌های ۹۸ و ۹۹، خاطره تلخ و اعتماد به دولت بود که از مردم برای ورود به بورس دعوت کرده بودند. حاصل آن اما چیزی جز ضرر برای سهام‌داران نبود.

۱۶ مرداد ۹۹ بود که حسن روحانی رئیس‌جمهور وقت به صراحت ادعا کرده بود: «با شرایطی که بورس نشان می‌دهد اوضاع بهتر خواهد شد؛ مردم باید همه چیز را به بورس بسپارند.»

بسیاری از صاحب‌نظرات مسئله کسری بودجه دولت و تلاش روحانی برای جبران آن از طریق جذب نقدینگی مردم در بازار بورس را عامل اصلی تشویق دولت برای سرمایه‌گذاری در تالار شیشه‌ای می‌دانستند.

یکی دیگر از وعده‌هایی که روحانی در زمان رقابت‌های انتخاباتی مطرح کرده بود، ارائه راه‌حل‌های کوتاه‌مدت یک ماهه و ۱۰۰ روزه بود. چیزی

که بعد از قرار گرفتن او در مقام رئیس‌جمهور به سمت و سوی دیگری کشیده شد و به مرور تکذیب شد.

یکی دیگر از مسائلی که عنوان شده اما شکل حقیقت به خود نگرفت، مساله احتیاج نداشتن به یارانه بود. او در جمله‌ای گفته بود: «کاری می‌کنیم که به یارانه نیاز نداشته باشید.» اما تورمی که اقتصاد در پایان فعالیت‌های دولت یازدهم و دوازدهم به خود دید، عملاً یارانه را بی‌اعتبار کرد. یعنی نه تنها وضعیت مردم بهتر نشد، که حضور آن در زندگی مردم اصلاً احساس نمی‌شد.

حسن روحانی، در ادامه دروغ‌های خود درباره کرونا هم گفته است: «گزارش برخی استان‌ها نشان می‌دهد علاوه بر برگزاری مراسم عزاداری در محرم شاهد کاهش روند ابتلا به کرونا هستیم و این «افتخارآمیز» است.»

فضای اعتراض‌ها همانند عملیات «کربلای ۴»

«علی فدوی» جانشین فرمانده کل سپاه، در سافند ماه ۱۳۹۸، بدون توضیح بیش‌تر فضای اعتراض‌ها را به عملیات «کربلای ۴» تشبیه کرد که بزرگ‌ترین شکست نظامی ایران در دوران جنگ با عراق بود، با ذکر

این‌که نیروهای حکومتی برای مقابله با اعتراضات «۴۸ ساعت جنگ کرده‌اند.»

بلافاصله پس از اعتراضات آبان‌ماه ۱۳۹۸، مقام‌های رسمی ایران طیف گسترده‌ای از اقدامات «تروریستی» را به معترضان نسبت دادند.

رسانه‌ها و مقام‌های حکومتی ایران، یک‌صدا از ابتدای اعتراض‌ها، شرکت‌کنندگان در اعتراضات را به نیروهای خارجی متصل دانستند.

بلافاصله پس از اعتراضات آبان‌ماه، مقام‌های رسمی ایران طیف گسترده‌ای از اقدامات «تروریستی» را به معترضان نسبت دادند، هرچند اغلب اتهامات به میزانی عجیب بودند که حتی بعدها، در نشریات حکومتی ایران نیز تکرار نشدند.

«علی ربیعی» سخن‌گوی دولت، در ۲۹ آبان ۱۳۹۸ گفت: «به ما گفتند برخی اجازه تغییر شیفت در (پالایشگاه) عسلویه را نمی‌دهند و به برخی لوله‌ها دینامیت بسته بودند.» او همچنین از «محمدجواد آذری جهرمی»، وزیر ارتباطات نقل کرد که معترضان «می‌خواستند خط تلفن اصفهان را قطع کنند.»

در ۳۰ آبان، «سالار آبنوش»، فرمانده عملیات سازمان بسیج، اعتراضات را «جنگ جهانی تمام‌عیاری علیه نظام و انقلاب» توصیف کرد و مدعی شد: «فتنه‌گران کشتار نصف ایران را در نظر گرفته بودند.» این فرمانده

تا به آنجا پیش رفت که گفت: «برای اولین بار با هماهنگی و سازمان‌دهی خاصی مواجهه شده بودیم به طوری که کیف‌هایی داشتند که وسایل آن‌ها را تابه‌حال ندیده بودیم. مثلاً هوابرش‌ها و قیچی‌هایی که سخت‌ترین قفل‌ها را می‌بریدند و هر جا که وارد می‌شدند بلافاصله آتش زده و غارت می‌کردند.» در همان روز، «حسام‌الدین آشنا»، مشاور رییس‌جمهور اعتراضات را با عملیات نظامی مجاهدین خلق در پایان جنگ مقایسه کرد: «خیال کردند عملیات فروغ جاودان ۲ را کلید زده‌اند ولی حالا به‌خوبی فهمیدند که در واقع عملیات مرصاد ۲ کلید خورده است.» فروغ جاویدان نام نبردی است که توسط سازمان مجاهدین خلق طرح‌ریزی شد و در اواخر جنگ ایران و عراق بین مجاهدین خلق و جمهوری اسلامی ایران شکل گرفت. عملیات مرصاد پاتک نیروهای جمهوری اسلامی در پاسخ به عملیات فروغ جاویدان است.

«عبدالرضا رحمانی‌فضلی»، وزیر کشور در ۵ آذر گفت نیروهای انتظامی در جریان اعتراضات با «لشکر قمه‌کشان و مسلحان» روبه‌رو بوده و تعریف کرد: «ما با هسته‌های چهار و پنج نفره مواجه شدیم که در آن گروه‌ها یک خاتم حضور داشت و با کوکتل مولوتف، قمه و سلاح سرد حملاتی انجام دادند ... همه زیرساخت‌های اصلی کشور از جمله بزرگراه‌ها و جاده‌های اصلی را نشانه رفتند.»

چنین ادعاهایی، مشابه نگاه آیت‌الله «علی خامنه‌ای» به اعتراضات آبان بود. او از جمله در ۶ آذر، این اعتراضات را «حرکت تخریب، شرارت و آدمکشی» و «یک توطئه عمیق وسیع بسیار خطرناک» توصیف کرد که «آن همه پول خرج آن شده بود.»

در ۲۷ آبان، سپاه پاسداران با صدور بیانیه‌ای معترضان را به آمریکا وابسته دانست و مقام‌های آمریکایی را «سرسبکه شرارت و کینه‌توزی ضد ایران» معرفی کرد. روزنامه کیهان در ۲۸ آبان نوشت برخی از بازداشت‌شدگان در «اعترافات» خود گفته‌اند: «قرار بود اگر شناسایی شدیم با سرپل‌ها تماس بگیریم تا از کشور خارج بشویم و چنانچه شناسایی نشدیم، مبالغی دریافت کنیم و برای آشوب‌های بعدی آماده باشیم.»

سالار آبنوش در ۳۰ آبان از تشکیل «ائتلاف شیاطین به‌معنای واقعی» خبر داد که شامل «صهیونیست‌ها و آمریکا و عربستان» می‌شد. او همچنین اعلام کرد که «در بازجویی‌ها اطلاعات زیادی به‌دست آمده» و وعده داد که «اطلاعات تکمیلی پس از اعترافات اعلام خواهد شد.»

علی فدوی جانشین فرمانده سپاه، در اول آذر گفت: «همه خبیث‌های عالم» از اعتراضات پشتیبانی کرده‌اند. او تاکید کرد که «هیچ کشوری به‌مانند فرانسه محرک این اغتشاشات نبود». البته در مورد نقش ویژه‌ای که برای فرانسه قائل شده توضیح بیش‌تری نداد.

«محمدجعفر منتظری» دادستان کل کشور، در ۲۸ آذر از نقش «آمریکا، اسرائیل، عربستان و اسرائیل» در اعتراضات خبر داد و ابراز امیدواری کرد که مسئولان امنیتی اطلاعات به‌دست‌آمده را در «رسانه ملی» پخش کنند.

هم‌زمان با اظهاراتی از این قبیل، سخن‌گویان حکومت مدعی شدند «اتباع» کشورهای دیگر در وقایع آبان نقش تعیین‌کننده داشته‌اند.

روزنامه کیهان در ۲۸ آبان از قول مدیر حوزه علمیه استان فارس که موردحمله عده‌ای از معترضان قرار گرفته بود، نوشت عده‌ای از مهاجمان «با صورت‌های نقاب‌زده اسلحه کلت به‌همراه داشتند»، تازه بعضی از آن‌ها هم «ایرانی نبودند و به زبان‌هایی غیر از فارسی صحبت می‌کردند.» خبرگزاری فارس در ۲۸ آبان، از دستگیری یک تیم «هفت‌نفره» حمله به بانک‌ها خبر داد که همه آن‌ها «اتباع یکی از کشورهای همسایه شرقی بوده‌اند.» همین خبرگزاری در ۲۹ آبان، از دستگیری تعدادی از «لیدرهای» اعتراضات در کرج خبر داد و نوشت بعضی از آن‌ها «آلمانی، ترک و افغان» بوده‌اند که «تجهیزات ویژه خرابکاری از آن‌ها کشف و ضبط شده است.»

در ۳۰ آبان، «غلامحسین اسماعیلی» سخنگوی قوه قضاییه از بازداشت یک «بازنشسته سفارت ایران در کشور دانمارک» سخن گفت و اعلام

کرد: «از بازرسی در منزل وی تجهیزات مربوط به جاسوسی و دیگر تجهیزات الکترونیکی کشف شده است.»

باوجود تمام این ادعاها، با گذشت یک ماه و نیم از اعتراضات، محمدجعفر منتظری دادستان کل کشور به بیان سخنانی پرداخت که درواقع، اذعان صریح به میزان اعتبار ادعاهای مکرر دستگیری اتباع خارجی بود. او در ۱۱ دی گفت: «در حوادث آبان‌ماه از اتباع خارجی کسی بازداشت نشده است.»

نقش «منافقین و داعش و الاحواز»

به روال معمول، موضوع پررنگ بخشی از تبلیغات رسانه‌ها و مسئولان حکومتی، وابسته دانستن معترضان به گروه‌های «برانداز» بود.

به دنبال جلسه غیر علنی ۲۶ آبان مجلس با «علی شمخانی»، دبیر شورای عالی امنیت ملی، برخی نمایندگان به نقل از آقای شمخانی از «اسنادی» سخن گفتند که از حمله «گروه‌های سازمان‌دهی شده از طرف منافقین و ضدانقلاب» به ماموران انتظامی حکایت داشتند.

سپاه پاسداران نیز در بیانیه ۲۷ آبان خود، مدعی دست داشتن منافقین و خاندان پهلوی در اعتراضات شد و از آن‌ها با عنوان «گروهک شیطانی

و جنایت‌کار منافقین» و ... نام برد. در همان روز، سپاه سیدالشهدای استان تهران اعلام کرد دو تن از نیروهای بسیج و یک نیروی سپاه پاسداران کشته شده‌اند و «نحوه شهادت هر سه» همانند «ترورهای دهه ۶۰ به دست منافقین است.»

در ۲۶ آذر «محمدجواد لاریجانی»، دبیر ستاد حقوق بشر قوه قضاییه از نقش داشتن «یک گروه داعشی جدید» در اعتراضات خبر داد، با این توضیح مبهم که «داعش قبلی از اسلام می‌گفت اما این‌ها صحبت‌های دیگری دارند.»

در کنار این قبیل اظهارات، رسانه‌های رسمی، همچنین به انتشار ادعاهای مشخص علیه برخی از دستگیرشدگان پرداختند.

تلویزیون ایران در ۲۶ آبان، «مستند واقعیت ماجرا» را روی آنتن فرستاد که در آن، «اعترافات» عده‌ای از دستگیرشدگان پخش می‌شد؛ مثلاً شخصی می‌گفت مستقیم از شبکه الاحواز دستور می‌گرفتیم، فردی خبر می‌داد در اینستاگرام عضو گروه «ارتش فیروزه‌ای» شده، شخص دیگر اعتراف می‌کرد از طرف «مریم رجوی» با او تماس گرفته‌اند و دیگری خبر می‌داد با گروهک‌های ضدانقلاب و تجزیه‌طلب در تماس بوده است. برنامه بیست‌وسه سیما، در ۲۹ آبان اعترافات یکی از دستگیرشدگان را پخش کرد که می‌گفت به «فاطمه کاراته» شهرت دارد، «سابقه همکاری

با گروه‌های ضدانقلاب را دارد» و «با گروه‌های ضدانقلاب در شمال عراق دیدار داشته است.» در همان روز، فرمانده سپاه عاشورای آذربایجان شرقی هم اظهار داشت که «در بین دستگیرشدگان (افرادی) از مذاهب دیگر وجود دارد.»

این نمایش‌های تلویزیونی، توأم با انتشار اخبار مشابه سپاه‌های استانی در مورد دستگیرشدگان بود.

برای مثال در ۲۷ آبان، سازمان اطلاعات سپاه استان فارس اعلام کرد توانسته دو نفر از «لیدرهای وابسته به گروه‌های معاند» را دستگیر کند که با وعده‌های «اقامت و پرداخت پول» مردم را تحریک کرده بودند. در همان روز، سپاه استان البرز مدعی شد ۱۵۰ نفر از «لیدرهای مخل امنیت» را بازداشت کرده که اعتراف کرده‌اند «در داخل و خارج از کشور» آموزش دیده‌اند.

در ادامه همین اتهامات، در ۲۹ بهمن، غلامحسین اسماعیلی سخن‌گوی قوه قضاییه با ذکر این‌که «در بین بازداشت‌شدگان افرادی بودند که با جریان نفاق (مجاهدین خلق) همکاری می‌کرده‌اند»، به‌عنوان نمونه به «باند امیر آلمانی» اشاره کرد که به گفته او «در آبان‌ماه بانک آتش زد و بعد از اقدامات خود به ترکیه رفت اما با پیگیری‌ها از ترکیه بازگشت.»

در ۲ اسفند ۱۳۹۸، نخستین احکام اعدام مرتبط با معترضان آبان، برای «امیرحسین مرادی»، «سعید تمجیدی» و «محمد رجبی» صادر شد؛ به اتهام «مشارکت در تخریب و تحریق (آتش‌سوزی) به‌قصد مقابله با نظام جمهوری اسلامی.»

به گزارش کانون مدافعان حقوق بشر، هر سه آن‌ها در ملاقات با خانواده‌های خود تاکید کرده بودند زیر شکنجه وادار به اعتراف به «ارتباط با سازمان مجاهدین خلق» و «همراه داشتن قمه و چاقو» شده‌اند.

از سوی دیگر، در ۱۲ دی «مصطفی کواکبیان»، نماینده تهران به نقل از گزارش «مقام‌های مسئول» در جلسه کمیسیون امنیت ملی مجلس گفت که «در جریان اعتراضات آبان‌ماه ۱۷۰ نفر کشته شده‌اند.» این در حالی است که در دوم اسفند، «الیاس حضرتی» دیگر نماینده تهران تعداد کشته‌های آبان را به نقل از «یک مقام آگاه» امنیتی، «کمتر از ۲۵۰ نفر» عنوان کرد.

با وجود انتشار این قبیل آمار غیررسمی، دستگاه‌های مسئول جمهوری اسلامی تاکنون از انتشار روایت رسمی خود از تعداد کشته‌شدگان آبان خودداری و در عوض، مکرراً به بیان ادعاهای متناقض در این زمینه پرداخته‌اند.

در ۲۷ بهمن، «حسن روحانی» آمار رسانه‌های خارجی در مورد تعداد جان‌باختگان را «اغراق و عجیب و غریب» توصیف کرد و افزود: «این آمار در اختیار پزشکی قانونی کشور است و آن‌ها می‌توانند این را اعلام کنند، ولی آمار واقعی آنچه تاکنون به ما اعلام شده با آمار رسانه‌ها فاصله زیادی دارد.»

در ۲۸ بهمن، «عباس مسجدی آرانی»، رییس سازمان پزشکی قانونی، زیر نظر قوه قضاییه، در واکنش به سخنان رییس‌جمهور گفت: «بر اساس مصوبه شورای امنیت کشور وظیفه دولت است که این آمار را اعلام کند.» او ادامه داد پزشکی قانونی آمار جان‌باختگان را «به مراجع ذی‌صلاح اعلام کرده و هیچ وظیفه‌ای مبنی بر اعلام عمومی آن ندارد.» در اظهاراتی مشابه، «غلامحسین اسماعیلی» سخن‌گوی قوه قضاییه در ۲۹ بهمن وظیفه انتشار آمار کشته‌شدگان را با «شورای امنیت کشور» دانست. در واکنش به صحبت‌های مسجدی آرانی، «محمود واعظی» رییس دفتر رییس‌جمهور، در ۳۰ بهمن به این استدلال متوسل شد که: «رییس پزشکی قانونی اعلام کرده که مصوب شده شورای امنیت آمار را اعلام کند؛ در نامه‌اش ننوشته کدام شورا؛ برای همین ما نامه مذکور را هم به شورای امنیت کشور و هم شورای عالی امنیت فرستادیم.»

در همان روز، علی ربیعی سخن‌گوی دولت اظهار داشت: «آنچه رییس‌جمهوری بیان کردند، بر این اساس بوده که پزشکی قانون مرجع اعلام علت مرگ و صدور جواز دفن است. ولی ما معطل نمی‌مانیم چراکه این آمار باید به‌صورت شفاف بیان شود.» او یک‌بار دیگر وعده داد: «ظرف چند روز آینده این آمار از سوی یکی از دستگاه‌های مسئول اعلام خواهد شد.»

وعده اعلام آمار اما کماکان محقق نشد.

۵ آذر «عبدالرضا رحمانی‌فضلی»، وزیر کشور ادعا کرد که: «در بین کسانی که جان باختند افرادی را داریم که با قمه، سنگ و یا تفنگ شکاری و یا آتش کشته شدند»، یا صحبت‌های ۲۱ آذر دادستان کل کشور که: «از یک ماشین پژو ۸۴ اسلحه شکاری با گلوله‌های خاص آن در بحبوحه همین حوادث کشف کردیم، تعدادی از کشته‌شده‌هایی که ما در سراسر کشور داریم با همین اسلحه‌های شکاری است.»

در ۲۱ آذر، «علی شمخانی» دبیر شورای عالی امنیت ملی، داستان روایت‌های حکومتی را یک گام بزرگ به پیش برد: «بیش از ۸۵ درصد از جان‌باختگان رخدادهای اخیر در شهرستان‌های تهران در هیچ‌یک از تجمع‌های اعتراضی حضور نداشته‌اند.» شمخانی در ادامه ادعا کرد این افراد «به‌صورت مشکوک» با «سلاح‌های سرد و گرم غیرسازمانی کشته

شده‌اند». با توجه به اظهارات او، ظاهراً حکومت به دنبال جا انداختن این ادعا بود که بیشتر جان‌باختگان آبان از معترضان نبوده‌اند، بلکه کسانی بوده‌اند که به‌طور مشکوک و توسط افرادی غیر از نیروهای حکومتی کشته شده‌اند.

در ۲۶ آذر «محمدجواد لاریجانی» دبیر وقت ستاد حقوق بشر قوه قضاییه همین ادعا را به صورتی عجیب‌تر بیان کرد و اساساً وقایع آبان را درگیری «نیروهای تروریستی» و نیروهای امنیتی دانست: «۸۵ درصد کشته‌ها مربوط به نیروهای امنیتی یا افرادی بوده است که در حال دفاع از منازل خود در برابر تهاجم آشوبگران بوده‌اند و ۱۵ درصد کشته‌ها مربوط به نیروهای تروریستی است.»

در ۱۱ دی «حسین رحیمی» رییس پلیس پایتخت، کار را به جایی رساند که مدعی شد: «در اغتشاشات اخیر حتی یک نفر هم در تهران کشته نداشتیم، درحالی‌که بیش از ۲۲۰ نفر از فرزندان نیروی انتظامی مصدوم شدند. در ۱۶۵ نقطه که درگیر شدیم حتی یک نفر از اغتشاشگران را مصدوم نکردیم.»

به دنبال اعتراض‌های سراسری آبان ۱۳۹۸، عفو بین‌الملل اعلام کرد تا ۲۵ آذر، می‌تواند کشته شدن ۳۰۴ نفر را تایید می‌کند. خبرگزاری رویترز

هم در ۲ دی، به نقل از منابعی در حکومت شمار کشته‌شدگان را ۱۵۰۰ نفر گزارش کرد.

نیوزویک فتوشاپی با خبر کشته شدن ۲۷۰ آمریکایی

در ۱۳ دی‌ماه ۱۳۹۸، یک پهپاد ارتش آمریکا در حمله به محوطه فرودگاه بغداد، «قاسم سلیمانی»، فرمانده سپاه قدس و چند نفر از همراهانش را به قتل رساند. در واکنش به این حمله، سپاه در ۱۸ دی پایگاه نظامی عین‌الاسد آمریکا را در عراق هدف حمله موشکی قرار داد.

دولت ایران در آستانه حمله، دولت عراق را در جریان قرار داده بود و ارتش آمریکا، اندکی قبل از اصابت موشک‌ها از حمله اطلاع داشت. در نتیجه، نیروهای مستقر در عین‌الاسد پیش از موشک‌باران به پناهگاه رفته بودند و این حمله تلفات جانی بر جای نگذاشت، اگرچه تعدادی از نیروهای آمریکایی دچار موج‌گرفتگی ناشی از انفجار شدند. تعداد این نیروها، در ابتدا ۱۱ نفر اعلام شد اما این تعداد به تدریج افزایش یافت و در ۲۱ بهمن، پنتاگون مجموع آن‌ها را ۱۰۹ نفر اعلام کرد.

رسانه‌های رسمی ایران اما مدعی «کشته شدن» ده‌ها نیروی آمریکایی در جریان حمله موشکی سپاه شدند. تبلیغات رسانه‌های جمهوری اسلامی بر

این ادعا استوار بود که گویی تعداد زیادی از سربازان آمریکایی کشته شده‌اند ولی خانواده‌هایشان در مورد آن‌ها با رسانه‌ها صحبت نمی‌کنند. در همان روز انجام حمله، خبرگزاری فارس، به نقل از «یک مقام آگاه در سازمان اطلاعات سپاه» نوشت: «مطابق گزارش‌های دقیق منابع ما در منطقه تا این لحظه دست‌کم ۸۰ نظامی آمریکایی کشته و حدود ۲۰۰ نفر زخمی شده‌اند که زخمی‌ها بلافاصله با بالگرد از این پایگاه بیرون برده شده‌اند.» این ادعا، بعدها به‌طور گسترده در دیگر رسانه‌های رسمی ایران نیز منتشر شد.

در ۲۱ دی، «علی فدوی»، جانشین فرمانده کل سپاه گفت تلفات آمریکایی‌ها را می‌داند ولی نمی‌گوید: «اطلاعات فراوانی در مورد حمله ایران به پایگاه عین‌الاسد داریم، اما ترجیح می‌دهیم آمریکایی‌ها خود، به میزان خسارات وارده ناشی از حمله ایران به عین‌الاسد اعتراف کنند.» در ۳۰ دی نیز، «محمد تولایی»، معاون راهبردی فرمانده سپاه بدون توضیح بیشتر مدعی شد در جریان حمله موشکی، «حداقل ۱۳۴ نفر کشته» و «۲۴۵ نفر زخمی» شده‌اند. او تنها فرماندهی بود که با ذکر نامش رقمی را به‌عنوان آمار تلفات نیروهای آمریکایی اعلام کرد. آماری که سپس، در تمام خبرگزاری‌های ایران به نقل از او ذکر شد.

مقام‌ها یا رسانه‌های رسمی ایران، برای اثبات ادعاهای خود در مورد تلفات نیروهای آمریکایی هیچ فیلم، عکس یا سند مکتوبی ارائه نکردند. ولی در عوض، فعالان حامی حکومت حجم قابل‌توجهی از مستندات جعلی (از جمله اسناد فتوشاپی) را منتشر کردند که تمام آن‌ها، در رسانه‌های حکومتی نیز بازنشر شدند.

اما حتی پس از آن‌که عده‌ای از کاربران فضای مجازی نسخه واقعی نیوزویک را به اشتراک گذاشتند تا فتوشاپ صورت گرفته را نشان دهند، حامیان سپاه کوتاه نیامدند و اصرار کردند که نیوزویک لابد اول خبر کشته شدن ۲۷۰ سرباز آمریکایی را منتشر کرده، ولی بعد جمله مربوط به کشته شدن آن‌ها را حذف کرده است؛ همچنین در ۲۱ دی، خبرگزاری نسیم وابسته به سپاه در گزارشی آورد: «نیوزویک در ساعات ابتدایی حمله، تعداد سربازان به هلاکت رسیده آمریکایی را حداقل ۲۷۰ نفر برآورد می‌کند، اما پس از دقایقی این قسمت از خبر حذف می‌شود.» در همان روز، روزنامه کیهان هم با ادعای حذف خبر نوشت: «نیوزویک هنوز توضیحی درباره علت حذف این خبر نداده، اما احتمالاً تحت فشار مقامات سیاسی آمریکا، تن به سانسور خبر درباره تعداد تلفات آمریکایی‌ها در عین‌الاسد داده است.»

تقریباً همزمان با انتشار صفحه دستکاری شده فتوشاپ نیوزویک، مدافعان سپاه در فضای مجازی و رسانه‌های رسمی، به نقل از «توییت‌ر یک خبرنگار اسرائیلی» مدعی شدند «یک هواپیمای ایالات متحده که آمریکایی‌های مجروح بر اثر حمله موشکی ایران به پایگاه هوایی عین‌الاسد را حمل می‌کرده، در تل‌آویو فرود آمده» و این هواپیما حامل «۲۲۴ سرباز زخمی» بوده است.

اشاره این رسانه‌ها، به توییت ساختگی منتشرشده در حساب کاربری منسوب به «جک خوری»، خبرنگار اسرائیلی بود. این در حالی بود که جک خوری بیش از یک ماه قبل از حمله موشکی به عین‌الاسد، یعنی در اوایل آذر ۱۳۹۸، به‌صراحت اعلام کرده بود که «این اکانت ساختگی است و او هیچ‌گاه از آن استفاده نکرده.»

۱۸ دی، پرواز شماره ۷۵۲ هواپیمایی بین‌المللی اوکراین که از تهران راهی کیف بود، اندکی پس از برخاستن از «فرودگاه بین‌المللی امام خمینی»، سقوط کرد و همه ۱۷۶ سرنشین آن جان باختند. به دنبال این واقعه، مقام‌های آمریکا و سپس بریتانیا، استرالیا و کانادا اعلام کردند که «بویینگ ۷۳۷» اوکراینی با شلیک موشکی ایرانی سرنگون شده است.

روزنامه «نیویورکتایمز» نیز با بررسی فیلم منتشر شده در شبکه‌های مجازی از لحظه هدف قرار گرفتن هواپیما، اصالت فیلم و اصابت موشک به هواپیمای اوکراینی را مورد تاکید قرار داد.

اما روایت رسانه‌های رسمی ایران و حامیان حکومت در شبکه‌های مجازی، چیز دیگری بود. آن‌ها مجموعه گسترده‌ای از توجیحات در اثبات غیرممکن بودن اصابت موشک به هواپیمای اوکراینی را مطرح کردند و روزنامه‌نگارانی که عقیده متفاوتی داشتند را «خائن» به کشور دانستند. موضع‌گیری‌های آن‌ها، مبتنی بر ادعاهای متعدد مقامات رسمی جمهوری اسلامی بود.

ساعاتی پس از سقوط پرواز شماره ۷۵۲، «ابوالفضل شکارچی»، سخن‌گوی ارشد نیروهای مسلح گفت: «در حوزه جنگ روانی، امروز آمریکایی‌ها تبلیغ کردند که هواپیمای اوکراینی مورد اصابت قرار گرفته است که حرف مضحکی است.»

او نظرات در مورد اصابت موشک به هواپیمای اوکراینی را «شایعه» دانست و آن‌ها را «کاملاً دروغ محض» عنوان کرد و افزود: «قطعا این موضوع توسط خط نفاق به‌نفع آمریکایی‌ها دنبال می‌شود.»

روز بعد، «علی ربیعی»، سخن‌گوی دولت خبر ساقط شدن هواپیما با موشک را یک «روش کاملاً حساب شده و شناخته شده در عملیات روانی»

دانست و پیش‌بینی کرد: «در آینده که مشخص شد این ادعای دروغ‌کاری از حقیقت است، هیچ‌کس مسوولیت این دروغ بزرگ را برعهده نخواهد گرفت.»

ربیعی ادامه داد: «متاسفم که سیستم عملیات روانی دولت آمریکا و همراهان آگاه و ناآگاه آن‌ها با این دروغ پردازی‌ها، بر زخم‌های جانکاه خانواده‌های داغ‌دار نمک می‌پاشند.»

قابل توجه بود که حتی در روز ۲۱ دی، یعنی همان روزی که حکومت ایران در نهایت قبول کرد هواپیمای اوکراینی با شلیک موشک سپاه سرنگون شده است، بعضی از روزنامه‌های ایران همچنان در حال انتشار نظریه‌های توطئه در مورد ماجرا بودند؛ مثلاً تحلیل روزنامه «قدس» از این قرار بود: «یک روز پس از سقوط هواپیمای ۷۳۷ اوکراین در تهران، ارزش سهام شرکت هواپیماسازی بویینگ در وال‌استریت آمریکا بیش از چهار میلیارد دلار سقوط کرد تا دلیل برجسته‌سازی نقش موشک در سقوط از سوی رسانه‌های غربی آشکارتر شود.»

ارگان آستان قدس رضوی نوشت: «آن‌طور که تحلیل‌گران معتقدند، با شعبده دروغ سقوط هواپیمای اوکراینی به دلیل اصابت موشک ایران، هم رسوایی ترامپ در عراق برای چند روزی تحت‌الشعاع قرار گرفت و هم بویینگ از ورشکستگی نجات یافت.»

دروغ‌های ابراهیم رئیسی و وزیرایش

معاون وزیر امور خارجه دولت رئیسی گفته: در یکی از کشورها مردم به علت تزریق واکسن آمریکایی فایزر سرطان خون گرفتند؛ جمهوری اسلامی هم برای آن‌ها داروی سرطان خون صادر کرد!

مهدی صفری معاون اقتصادی وزیر امور خارجه در ویدئویی گفت: در یکی از کشورهای آمریکای لاتین تعداد زیادی از مردم به علت تزریق زیاد واکسن فایزر سرطان خون گرفتن و عجیب سرطان خون آن‌جا رشد کرده؛ ما هم چون داروهای سرطانی خوبی داریم قراره به اندازه ۱۰۰ میلیون دلار به این کشور داروی سرطان خون صادر کنیم. البته من آینده خودمون را در آفریقا می‌بینم...

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در تازه‌ترین گزارش خود به تاریخ ۱۲ شهریور ۱۴۰۲، از رشد ۶۱ درصدی بدهی‌های دولت و شرکت‌های دولتی در سال ۱۴۰۱ نسبت به شهریور ۱۴۰۰ خبر داده است. بر اساس این گزارش که روز یکشنبه ۱۲ شهریور منتشر شد، بدهی‌های دولت در بازه زمانی یاد شده با رشدی ۳۰ درصدی به یک‌هزار و ۲۴۸ تریلیون تومان و بدهی شرکت‌های دولتی با رشدی ۹۰ درصدی به یک‌هزار و ۸۹۱ تریلیون تومان اوج گرفته است.

مجموع بدهی‌های دولت و شرکت‌های دولتی تا پایان پارسال حدود سه هزار و ۱۳۸ تریلیون تومان برآورد شده که معادل حدود ۲۹ درصد از تولید ناخالص داخلی ایران است.

البته این گزارش تصریح کرده است که درباره برخی اقلام مورد ادعای طلبکاران اختلافاتی وجود دارد و این موارد در خزانه‌داری کل کشور ثبت نشده است. چنانچه این ارقام در نظر گرفته شوند، نسبت بدهی به تولید ناخالص داخلی افزایش می‌یابد.

اما گزارش تازه مرکز پژوهش‌های مجلس از رشد بدهی‌های دولت پس از آن منتشر می‌شود که علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، روز هشتم شهریورماه ضمن «تمجید» از عملکرد دولت ابراهیم رئیسی ادعا کرده بود که «تعداد قابل توجهی از شاخص‌های اقتصاد کلان، رشد و پیشرفت را نشان می‌دهد.»

صندوق بین‌المللی پول نسبت بدهی دولت ایران به تولید ناخالص داخلی را برای سال ۱۴۰۱ حدود ۳۴ درصد، یا ۱۲۰ میلیارد دلار، ارزیابی کرده است.

این گزارش که اردیبهشت امسال منتشر شد، می‌افزاید بدهی دولت ایران طی دو سال گذشته از ۴۹ میلیارد دلار به ۱۲۰ میلیارد دلار اوج گرفته

است؛ به عبارتی از سال ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۱ بدهی دولت بیش از دو برابر شده است.

ثبت چنین جهشی در بدهی‌های دولت در شرایطی است که ابراهیم رئیسی، در زمان انتخابات ریاست جمهوری وعده داده بود که جلو استقراض دولت را بگیرد تا با کنترل نقدینگی، تورم را مهار کند.

او همچنین به‌تازگی مدعی شده بود: «همه شاخص‌های اقتصادی کشور در مسیر رشد است»، در حالی که آمار اخیراً منتشر شده نشان می‌دهد میزان بدهی‌های دولت به بیش از ۳/۱ هزار تریلیون تومان رسیده است.

طی سال‌های گذشته، دولت‌های مختلف جمهوری اسلامی با بیش‌برآورد درآمدهای نفتی در لایحه بودجه و عدم تحقق آن، مجبور به استقراض گسترده از نهادهای مالی، از جمله بانک مرکزی و دیگر بانک‌های کشور، صندوق توسعه ملی و غیره شده‌اند.

مهدی غضنفری، رئیس صندوق توسعه ملی ایران، اردیبهشت امسال گفته بود که ۶۷ درصد از منابع ۱۵۰ میلیارد دلاری صندوق توسعه ملی توسط دولت‌ها برداشت شده است.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، همچنین مرداد امسال گزارش داده بود که متوسط برداشت ماهانه دولت‌ها از صندوق توسعه ملی در

دوران ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد حدود ۴۵۳ میلیون دلار، در دوران حسن روحانی ۷۰۰ میلیون دلار و در دوران ریاست جمهوری ابراهیم رئیسی ۱/۱ میلیارد دلار بوده است.

نتیجه چنین استقراض گسترده و فزاینده‌ای، وادار شدن بانک مرکزی از طرف دولت برای چاپ اسکناس بدون پشتوانه شده که آن نیز به جهش نقدینگی و به تبع آن، تورم افسارگسیخته در کشور دامن زده است. بر اساس برآورد بانک جهانی تورم پارسال ایران ۴۹ درصد بوده و رشد قیمت اقلام خوراکی در ایران بعد از ونزوئلا، لبنان، زیمبابوه و آرژانتین، بیشترین میزان در جهان است.

اما ابراهیم رئیسی، مدعی است از زمانی که او رئیس‌جمهور شده، کسری بودجه ۴۸۰ هزار میلیارد تومانی کشور بدون چاپ پول یا استقراض از بانک مرکزی برطرف شده است؛ این در حالی است که مرکز پژوهش‌های مجلس در جدیدترین گزارش از وضعیت بدهی‌های دولت اعلام کرده حجم این بدهی‌ها طی یک سال ۶۱ درصد رشد کرده است. در گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، همچنین صراحتاً اعلام شده که نسبت بدهی‌های دولت و شرکت‌های دولتی به تولید ناخالص داخلی در انتهای پاییز ۱۴۰۱ به ۳۰/۰۶ درصد رسیده است.

رسانه‌های داخل کشور گزارش می‌دهند که دلیل افزایش بدهی شرکت‌های دولتی به بانک‌ها به‌خصوص در یک سال مورد اشاره^۵ ابراهیم رئیسی که مدعی شده استقراضی صورت نگرفته این است که شرکت‌های دولتی به‌عنوان یک واسطه بین دولت و شبکه^۶ بانکی عمل کرده‌اند، به‌طوری که شرکت‌ها وجوه نقد را از بانک‌ها قرض گرفته و به دولت قرض داده‌اند. (منبع: تجارت نیوز)

این فرآیند بانک‌ها را هم دچار کمبود منابع کرده است، به‌طوری که میزان ذخایر قانونی برخی بانک‌ها به خط قرمز سقوط کرده است. استقراض دولت از بانک‌ها باعث اضافه برداشت بانک‌ها از ذخایر قانونی خود نزد بانک مرکزی شده و بدهی آن‌ها را به بانک مرکزی به‌شدت افزایش داده است.

بانک مرکزی تیرماه امسال در گزارشی اعلام کرد که میزان بدهی بانک‌های تخصصی به بانک مرکزی طی یک سال گذشته به ۵۱/۴ هزار میلیارد تومان رسیده که ۱۰/۷ درصد نسبت سال گذشته بیشتر است. همزمان کمیسیون اقتصادی مجلس هم اعلام کرد که میزان بدهی دولت به بانک‌ها در مدت یادشده با رشد ۶۲/۴ درصدی به بیش از ۶۵ هزار میلیارد تومان رسیده است.

استقراض دولت از بانک‌ها و فشار به آن‌ها برای پوشش کسری بودجه دولت میزان «چاپ پول» را در اقتصاد ایران تشدید کرده است. چاپ پول که با شاخص پایه پولی سنجیده می‌شود، در سال‌های اخیر به دلیل کسری بودجه دولت‌ها با شتاب بیشتری انجام شده است.

همزمان با افزایش بدهی‌های دولت، چاپ پول بدون پشتوانه که اصطلاحاً «پول داغ» نامیده می‌شود نیز افزایش یافته که ماحصل آن تورم بیش از ۶۰ درصدی در ماه‌های اخیر است.

محاسبات نشان می‌دهد که بیش از ۴۰ درصد از پایه پولی سال‌های اخیر ناشی از بدهی دولت به بانک‌هاست. پایه پولی منشا اصلی تورم‌های دورقمی در ایران است.

با وجود این‌که در سال‌های اخیر اوراق قرضه دولتی با هدف کاهش بدهی‌های دولت انتشار یافته، اما این اوراق به دلیل کم‌رونق بودن بورس چندان مورد استقبال قرار نگرفته است.

کسری بودجه شاید مهم‌ترین بخش از بدهی‌های دولت باشد. به‌گفته رحیم ممبینی، میزان کسری بودجه امسال دولت ۷۹۴ هزار میلیارد تومان است. کسری بودجه سال گذشته رقمی در حدود ۳۰۴ هزار میلیارد تومان گزارش شده بود. دخل و خرج دولت امسال رقمی در حدود پنج میلیون

میلیارد تومان برآورد شده است؛ عددی که خواندن آن هم دیگر کار هر کسی نیست.

در حالی که بانک مرکزی و مرکز آمار ایران برای دومین ماه متوالی از انتشار آمارهای مربوط به تورم خودداری می‌کنند، یک منبع آگاه در بانک مرکزی می‌گوید افزایش قیمت کالاها و خدمات در فروردین امسال نسبت به ماه مشابه پارسال نزدیک به ۷۰ درصد است.

سایت «اگو ایران» روز چهارشنبه ۲۷ اردیبهشت از قول این منبع بانک مرکزی خبر داد که نرخ تورم فروردین‌ماه «۶۸/۷ درصد است؛ نرخ که تنها یک قدم تا تورم ۷۰ درصدی فاصله دارد و بیشترین نرخ تورم در ۳۰ سال اخیر است.»

بانک مرکزی ایران نیز از بهمن‌ماه سال گذشته، انتشار آمارهای تورم را متوقف کرده و مرکز آمار ایران برخلاف رویه سابق، تنها آمارهای نرخ رشد قیمت کالاها و خدمات نسبت به ماه قبل از آن را منتشر می‌کند و هیچ آماری درباره تورم هر ماه نسبت به ماه مشابه پارسال ارائه نمی‌دهد. ایران تنها پس از چند کشور انگشت‌شمار مانند ونزوئلا، سودان، آرژانتین، سورینام و زیمبابوه بالاترین نرخ تورم در جهان را دارد.

دروغ‌های وزیر اطلاعات دولت ابراهیم رئیسی

اسماعیل خطیب، وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی در یک گفت‌وگوی تلویزیونی مدعی خنثی‌سازی «۴۰۰ عملیات بمب‌گذاری» شد. او گفته: «بیش از ۴۰ بمب قرار بود در هیات‌های مذهبی در محرم منفجر شود.» او در اظهارات خود به «۲۰۰ رسانه» و «۵۰ سرویس اطلاعاتی» اشاره کرده است و مدعی شده: «نزدیک مرز ما کارخانه اسلحه‌سازی ایجاد کردند و سلاح‌های تولید شده به ایران قاچاق می‌شد.»

وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه در آبان ماه پارسال در بیانیه‌ای مشترک، بدون ارائه مستندات، اعتراض‌های سراسری را به سازمان‌های اطلاعاتی خارجی نسبت دادند و ادعاهایی درباره توییتر، اینستاگرام و همچنین اینترنت ماهواره‌ای استارلینک مطرح کردند.

در این بیانیه، روزنامه‌نگاران ایرانی که برای تهیه گزارش درباره کشته شدن مهسا امینی یا تشییع جنازه او مطالبی منتشر کرده بودند، «وابسته» و «آموزش‌دیده سرویس‌های اطلاعاتی» معرفی شده بودند.

هدف جنبش «زن، زندگی، آزادی»، برهنگی زنان است!

جنبش انقلابی «زن، زندگی، آزادی»، قدرت و توانایی زیر و رو کننده خود را نشان داده است و در اولین گام‌های خود، پایه‌ها و ستون‌های

جمهوری اسلامی را سست‌تر کرده است. طرح عفاف و حجاب را در مجلس شورای اسلامی ارائه کردند ولی عجز خود را در مقابل جنبش انقلابی به رهبری زنان و جوانان در جامعه به نمایش گذاشتند. ورود جانبانی مانند لاریجانی، به موضوع حجاب تنها حاکی از گستردگی این اعتراض اجتماعی نیست بلکه نشان‌دهنده وحشت حکومت این انقلاب است. محمدجواد لاریجانی، «رییس پژوهشگاه دانش‌های بنیادی»، در واکنش به حضور چشم‌گیر زنان بی‌حجاب در اماکن عمومی گفت: «همه در معرض تهاجم هستیم.» او افزود: «حتی اگر خانمی برهنه پشت پنجره خانه‌اش باشد، کسی که در خیابان دیده می‌تواند به پلیس زنگ بزند و اطلاع بدهد.» خسرو پناه رییس شورای عالی انقلاب فرهنگی، گفت: «فردی که کشف حجاب کرده مجرم است و باید او را دستگیر کنند ولی با توجه به‌شمار بالای مجرمین اجرای آن امکان‌پذیر نیست.»

دهن‌کجی زنان و جوانان و مردم آزاده سراسر ایران، به تمامی سیاست‌ها و اهداف و ایدئولوژی و قوانین اسلامی، در تمامی سطوح جامعه است. همبستگی تمامی اعتراضات اجتماعی، چه در عرصه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، محیط زیستی، دانشگاهی و چه در زمینه اعتراضات کارگران، معلمان و بازنشستگان در جهت پیروزی انقلاب است.

همزمان با شدت گرفتن اعتراض‌ها، امامان جمعه منصوب علی‌خامنه‌ای نیز بخش مهمی از خطبه‌های نماز جمعه روز ۱۷ تیر ۱۴۰۱ خود را به ضرورت برخورد شدیدتر با «بدحجابان» اختصاص دادند.

سیدنصیرحسینی، امام جمعه یاسوج در خطبه‌های امروز گفت: «زن‌های بد پوشش همه را تحریک می‌کنند و یکی از دلایل طلاق‌ها در جامعه همین پوشش‌ها هستند.»

این روحانی منصوب علی‌خامنه‌ای تاکید کرد که زنان «بدحجاب» باید «هزینه سنگینی را بپردازند تا دست از چنین کارهایی بردارند.»

امام جمعه یاسوج، همچنین گفت: «چرا باید زنان پاها و ساق پای خود را برهنه کنند دشمن هم به دنبال همین است.»

این روحانی با استفاده از تکنیک دروغ بزرگ هیتلری، بدون ارائه هیچ مستندی مدعی شد: «دشمن جنگ نظامی و موشکی را کنار گذاشته و به دنبال رواج فساد و فحشا در کشور است.»

همان روز، احمد خاتمی، امام جمعه تهران نیز در اظهاراتی توهین‌آمیز مدعی شد که بسیاری از بی‌حجاب‌ها، زن‌ها و بچه‌های دزدها هستند.

او با استناد به سخنان روح‌الله خمینی، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، افزود: «مقام زن این نیست که بزک کرده و با سر باز به خیابان بیاید، این مقام

زن نیست بلکه عروسک‌بازی است.»

شدت گرفتن اظهارات و فعالیت‌های مقامات جمهوری اسلامی ایران در آستانه روز ۲۱ تیر انجام می‌شود که از سوی جمهوری اسلامی با عنوان روز «حجاب و عفاف» نام‌گذاری شده است. در مقابل این فشارها، گروهی از زنان نیز با هشتگ «#حجاب_بی_حجاب» اعلام کرده‌اند روز ۲۱ تیر بدون حجاب به خیابان خواهند آمد.

شبکه حکومتی رویداد ۲۴، ۱ آبان ۱۴۰۱ نوشت: نماینده تهران معتقد است اعتراضات مردم برنامه دشمن بوده است. او می‌گوید: نظام و صدا و سیما باید افشاگری کنند و اعترافات دستگیرشدگان را عمومی کنند تا همه با حقایق آشنا شوند.

سیدمصطفی میرسلیم، چهره مطرح جریان اصول‌گرایی درباره شرایط موجود و لزوم پایبندی به قوانینی مثل حجاب اجباری می‌گوید: نظام جمهوری اسلامی ایران، دارای قانون اساسی و احکام شرعی است که باید به آن عمل کرد. باید قانون را محترم شمرد، وگرنه زیرآب نظام زده می‌شود. نباید چیزی که جزو احکام اسلام است را زیر پا گذاشت، پس ضرورت دارد که هم در این راستا، مراعات لازم صورت بگیرد و هم در اجرا، دقت نظر داشت. دستگاه‌های مختلف کشور در موضوع حجاب،

وظایف مختلف دارند. برخی کارشان فرهنگی و بعضی از آن‌ها، ارشادی و انتظامی است و وجود گشت ارشاد هم، مبنای قانونی داشت. این نماینده تهران، مدعی شد: «بنده در چند ماه پیش و در چند مورد، آن هم پیش از شکل‌گیری ناآرامی‌ها، افرادی را در خیابان دیدم که لخت مادرزاد بودند. این اتفاقات نشان می‌داد که دشمنان نظام برای ضربه‌زدن به حاکمیت، برنامه داشتند، زیرا ریشه انقلاب اسلامی، فرهنگی و معنوی است.»

این عضو حزب مؤتلفه اسلامی، در ادامه دروغ‌های بزرگ و ادعاهایش می‌گوید: «دشمنان نظام دریافته‌اند که با پافشاری بر مسائل اقتصادی، کارشان خوب پیش نمی‌رود. از طرفی، تاکید بر مسائل نظامی هم برای آن‌ها جواب مطلوب نداد، چون سابقه هشت سال جنگ تحمیلی را دیدند. از این‌رو، رفتند و فکر کردند و براساس مطالعات دقیق به این رسیدند که به مسائل فرهنگی و معنوی ما ورود پیدا کنند. بالغ بر صدها موسسه تحقیقاتی درباره شناخت اسلام، ایران و جمهوری اسلامی تاسیس کردند.» او تاکید کرد: «نظام و صدا و سیما باید افشاگری کنند. باید اعترافات دستگیرشدگان را عمومی کرد تا همه با حقایق آشنا شوند، هرچند افراد مشغول چنین کاری هستند، اما این‌جا هم یک رودست از دشمنان خوردیم و حال باید مسیر خنثی‌سازی را دنبال کنیم. به این معنا که در فهماندن

چگونگی ظهور انقلاب اسلامی و مبنای آن، تلاش شود و بگوییم چه باید کرد تا این نظام، پابرجا بماند. این کار نباید با اقدامات زورکی صورت بگیرد، بلکه باید جنبه تفهیمی داشته باشد. بگوییم پاکی و طهارت به نفع همه است و حال اگر کسی خواست به صورت ناپاک و ناسالم زندگی کند، خود به خود از جامعه طرد می‌شود. این مسئله به ویژه برای نسل جوان ما که الان پا در عرصه گذاشته و جریان‌ات قبل از انقلاب را ندیده، ضرورت دارد.»

ایسنا، ۲۹ مهر ۱۴۰۱ نوشت: «حجت‌الاسلام و المسلمین موسوی‌فرد گفت: «کل شرکت‌کنندگان در اغتشاشات در سراسر کشور فقط ۹۰ هزار نفر هستند که می‌گوییم مقداری بیشتر است که نسبت به جمعیت ۹۰ میلیون نفری ایران، دو دهم درصد است. یکی از مسائل موجود مغالطه دشمن است. در خصوص تحلیل آماری دستگیرشدگان؛ ۹۵ درصد این افراد مجرد بودند، ۸۰ درصد فرزندان طلاق یا مطلقه بودند، ۵۰ درصد سابقه اعتیاد به مواد مخدر و الکل داشتند و انگیزه این‌ها ۶۵ درصد هیجانی است. همچنین ۸۰ درصد از این افراد دیپلمه و ۲۰ درصد بالای دیپلم بودند. ۶۰ درصد این افراد، ۱۵ تا ۲۰ ساله، ۲۰ درصد ۲۰ تا ۳۰ ساله و ۲۰ درصد بالاتر از ۳۰ سال. همچنین جنسیت آن‌ها ۸۵ درصد مرد و

۱۵ درصد زن هستند. فقط ۱۵ درصد زن بودند چه می‌شود که این‌قدر مرد دنبال برهنگی زن است. جالب این است که برداشت دستگیرشدگان از ایران این است که کشوری مخروبه است. من چندین بار گفتم اقداماتی که اخیراً حداقل در خوزستان انجام شده مرتباً این‌ها را بگویید تا نسل جدید ببیند. ۲۵ درصد آن‌ها به‌خاطر اشتغال و بیکاری و ۱۰ درصد به‌خاطر حجاب آمده بودند. ۸۰ تا ۸۵ درصد مردم قائل به حجاب هستند اما حجاب که می‌گوییم شال هم حجاب است. مجدداً آمار گرفته شده بود و اخیراً هم نظرسنجی شد حدود ۸۰ و خرده‌ای درصد از مردم قائل به حجاب هستند؛ برخی از این‌ها نه تنها همت و باکری حتی اسم حاج قاسم را نمی‌شناسند.

در حالی که به گفته رییس قوه قضاییه جمهوری اسلامی، بیش از هشتاد هزار نفر در اعتراض‌های سال گذشته دستگیر شده بودند با این وجود، امام جمعه اهواز مدعی است که در این اعتراض‌ها در سراسر ایران، فقط ۹۰ هزار شرکت کرده بودند. کدام یکی از این آیت‌الله‌های حکومتی، راست و کدام یک دروغ می‌گوید؟!

خبرگزاری «فرارو»، ۱۵ اسفند ۱۴۰۱، نوشت:

«هم‌زمان با فرا رسیدن ایام دهه فجر و چهل‌وچهارمین سالروز پیروزی انقلاب اسلامی و اعیاد ماه رجب، رهبر انقلاب اسلامی در پی درخواست

رئیس قوه قضاییه، با بخشودگی و عفو تعدادی از متهمان و محکومان اغتشاشات پاییز ۱۴۰۱ موافقت کردند...»

«رسانه KHAMENEI.IR» برای بررسی دقیق‌تر زمینه‌ها، پیامدها، جزئیات و فرایندهای منجر به این عفو و بخشودگی، به گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین غلامحسین محسنی اژه‌ای، رئیس قوه قضاییه پرداخته است.

گزارشی که تا الان دادند، تعداد کسانی که مشمول عفو شدند، اعم از دستگیرشدگان اغتشاشات و غیر اغتشاشات، اعم از آن‌هایی که حکمشان تقلیل پیدا کرده و تخفیف گرفتند از مرز هشتاد هزار نفر گذشته است؛ یعنی تا الان بیش از هشتاد هزار مشمول این عفو واقعا به‌نظر بنده پرخیر و برکت رهبر انقلاب قرار گرفته‌اند. پیش‌بینی این است که با آن قسمتی که رضایت شاکی را می‌گیرند تا نود هزار نفر هم شامل عفو بشوند؛ حتی ممکن است به بالاتر از نود هزار هم برسد.»

خبرگزاری تسنیم، وابسته به سپاه پاسداران، ۱۵ مهر ۱۴۰۱، نوشت، آیت‌الله دولابی تصریح کرد: «در انگلستان بیش از ۱۰ هزار نفر هستند که قبول کرده‌اند حیوان هستند و به گردن آن‌ها قلاده آویزان می‌کنند.»

به غیر از این موارد بسیاری از نفرات در دنیا ظاهراً انسان هستند ولی خوی حیوانی و وحشی‌گری دارند.»

نماینده مردم زنجان در مجلس خبرگان رهبری، خواستار بررسی عوامل پنهان موضوع اغتشاشات اخیر در کشور شد.

آیت‌الله محمد حاجی ابوالقاسم دولابی شامگاه پنج‌شنبه در جلسه تفسیر قرآن در مسجد امام حسین (ع) سعدی شمالی کتاب قرآن را یک منبعی برای هدایت و مختص تمام زمان‌ها دانست و اظهار داشت: «پیامبر گرامی (ص) می‌فرمایند اگر فتنه‌ها به سمت شما روی آورد به قرآن و دستورات الهی پناه ببرید.»

او با اشاره به تفسیر آیه ۵ سوره قصص «و تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» گفت: «خداوند در قرآن کریم وعده داده است که روزی مستضعفان در زمین حاکم خواهند شد؛ به عبارتی پابرهنگان و نیازمندان و کسانی که از نظر اقتصادی رده پایین‌تری دارند بر زمین حاکم خواهند شد و در مقابل مستکبرین، ظالمان و زورگویان به زیر کشیده خواهند شد.»

دولابی، در ادامه ادعاهایش به دوران غیبت امام زمان اشاره کرد و گفت: «ائمه اطهار وعده داده بودند که دوره غیبت امام زمان (عج) به قدری طولانی خواهد شد که حتی کسانی که به غیبت اعتقاد داشتند دچار تردید

شوند. روایت دیگری از امام حسن عسگری (ع) داریم که تا ظهور آقا امام زمان (عج) همه گروه‌ها به‌جز یک گروه به هلاکت خواهند رسید. در این جا مراد از هلاکت، هلاکت معنوی و باطنی است یعنی این‌که ظاهرش ظاهر انسان است ولی از داخل تُهی شده است.»

او ادعا کرد: «قدرت شیعه امروزه به حدی رسیده است که رئیس جمهور آمریکا برای ملاقات با رئیس جمهور یک کشور شیعه خالصانه درخواست ملاقات دارد؛ این‌ها تماماً الطاف الهی است چرا که راه ما راه حق است.» عضو مجلس خبرگان رهبری، با گفتن این‌که دشمنان برای این‌که ایران را مثل خودشان حیوان کند به‌دنبال تغییر سبک زندگی ایرانیان هستند و خواهان ترویج برهنگی در جامعه هستند، گفت: «بر همگان روشن شد که هدف دشمنان در روزهای اخیر به خطر مسئله فوت خانم مهسا امینی نبود؛ در افغانستان ده‌ها خانم کشته شدند چرا برای آمریکایی‌ها مهم نبود؟»

او در ادامه ادعاهایش افزود: «مشخص است که مطالبه این نوجوانان چیست. مطالبه این نفرات حیوانی است. مطالبه برهنگی زن و شهوت‌رانی در جامعه که مطالبه انسانی نیست. باید بررسی کنیم که چه شده است که این نفرات به این مطالبه دست پیدا می‌کنند. مسئولان کشور باید به موازین حجاب و عفاف و ازدواج اهمیت بدهند.»

او در پایان یک دورغ بزرگ را نیز مطرح کرد و گفت: «ولی مشاهده کردیم که ۳ میلیون نفر در تهران اقدامات اغتشاشگران را محکوم کردند و اکثر ملت طرفدار نظام هستند. کسانی هم که در اغتشاشات اخیر به شهادت رسیدند قطعاً از یاران واقعی امام زمان (عج) هستند و آرزو دارم که این شهدا با ائمه اظهار (ع) همنشین شوند.»

رحیم پورازغدی عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۲۲ اسفند ۱۴۰۱، گفت: «خداوند از بدن زن انسان دیگری را خلق می کند و به همین دلیل حرمت بدن زن از بدن مرد بیش تر است، افزود: کسانی که می خواهند زن را برهنه کنند، انسانیت را نشانه گرفته اند.»

رحیم پور ازغدی گفت: «محال است امام زمان (عج) جامعه ای بسازد که هیچ کس در آن خلافت نکند و همه انسان ها معصوم شوند. امام زمان می خواهد با قدرت عدالت را در برقرار کند؛ اما قدرت های فاسد به جنگ امام می آیند و حتی امام را هم شهید می کنند.»

رحیم پور ازغدی با گفتن این که در منابع شیعی و اهل سنت ۶ هزار حدیث در مورد امام زمان وجود دارد و آینده جهان از آن عدالت است و قدرت های فاسد سرنگون می شوند، ادعا کرد: «برخی ها می گویند بگذارید جمهوری اسلامی از بین برود چون اشکالاتی دارد اما سؤال این است که حکومتی

بعدی اگر بیاید آیا این اشکالات را برطرف می‌کند یا وضع برطرف می‌شود؟ امام خمینی می‌گوید باید مراقب باشیم که جمهوری اسلامی فاسد نشود چون اگر اجازه دهیم جمهوری اسلامی از بین برود شاید تا ظهور امام زمان اسلام نتواند سرش را بلند کند.

خاتمی، امام جمعه تهران، بی‌شرمانه گفته بود: «خیلی از این بی‌حجاب‌ها زن و بچه همین دزدها و اختلاس‌گرها هستند!»
آیت‌الله سید احمد خاتمی، عضو فقهای شورای نگهبان و امام جمعه تهران، در خطبه‌های ۱۷ تیر ۱۴۰۱، تعبیر و توصیف زشت و زننده‌ای در باره زنان شل حجاب یا بی‌حجاب داشت که تنها زینده خود و حکومت‌شان بود.



روایت تکان‌دهنده زنان زندانی سیاسی از اجبار به برهنه‌شدن
 شماری از زنان زندانی محبوس شده در زندان‌های جمهوری اسلامی،
 روایت‌های تکان‌دهنده‌ای را از اجبار به برهنه شدن در زمان بازداشت یا
 بازجویی در زندان و در مقابل دوربین‌های امنیتی منتشر کرده‌اند.
 مژگان کشاورز، نسیمه شمسایی، زینب زمان، مهناز افشار و شاپرک
 شجری‌زاده از جمله زنان زندانی شده در ایران هستند که تاکنون
 روایت‌های خود را در شبکه‌های اجتماعی بیان کرده‌اند.

مژگان کشاورز، فعال حقوق زنان، روز یکشنبه ۷ خرداد روایت خود را در صفحه توئیتر «می‌تو ایران» منتشر و فاش کرد مقامات زندان او را مجبور کرده‌اند کاملاً برهنه شود و با «پای باز»، «بنشین و پا شو» کند تا از او عکس بگیرند.

به نوشته خانم کشاورز: «گفتند باید لخت بشوی تا از تمام بدنت عکس بگیریم که اگر از این جا خارج شدی نگویی من را شکنجه کردند.» بر اساس این روایت، خانم کشاورز گفته «خجالت می‌کشیدم» و «دستانم را جلو اندام خصوصی‌ام می‌گذاشتم» اما «مأمور فریاد می‌زد: رو به من بایست و دست‌هایت را بردار؛ حالا بشین و پا شو کن با پاهای باز.» مژگان کشاورز با بیان این که ماموران پس از بازداشت او را به «وزرا» یعنی «همان جایی که مهسا امینی کشته شد» برده‌اند، گفته که در آن جا «عریان مقابل دوربین‌های امنیتی حس تجاوز و ترس» به او دست داده است.

زینب زمان، دیگر فعال مدنی که چندی پیش بازداشت شده بود، ضمن بیان روایت مشابهی گفته است که پس از دستگیری، یک بار در ساختمان بازداشتگاه و بار دیگر در دادسرا، ماموران او را مجبور کرده‌اند که کاملاً لخت شود.

او گفته است: «مزخرف‌ترین، بی‌منطق‌ترین و احمقانه‌ترین دلیل برای عادی‌سازی رنج دیگران، اینه که بگی همه جا همینه! هر جا رنجی به انسانی تحمیل می‌شه، غلطه، غیر انسانیه، کثافته، جنایته.»

مهناز افشار، بازیگر ایرانی هم در توییت‌ش گفته زمانی که در ایران بود بعد از انتشار یک ویدیو از دختری که «بدون لباس» با شوخی وانمود می‌کرده مهناز افشار است، او را برای «تطبیق بدن» با آن زن به اداره آگاهی فرستادند و در آنجا یک مامور زن به او گفت «لخت شو» و از او عکس گرفته است.

نسیبه شمسایی، زندانی سیاسی سابق هم با اشاره به دوران بازداشت خود نوشته که او را هم در بند دو-الف سپاه در زندان اوین و هم در زندان قرچک مجبور کردند در مقابل دوربین به صورت کامل برهنه شده و «بنشین و پاشو برود.»

شاپرک شجری‌زاده، از دختران خیابان انقلاب نیز روایت مشابهی را بیان کرده و گفته او هم «این تجربه وحشتناک» را داشته و وقتی سعی کرده «اندام جنسی و سینه‌های» خود را بپوشاند، «مامور با لحن تندی گفت دستت را بردار و حالا بنشین و پا شو.»

روز چهارشنبه ۱۵ شهریور ۱۴۰۲، یک فایل صوتی از نازیلا معروفیان در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد که او در آن از «تعرض جنسی»

ماموران در جریان بازداشت اخیرش خبر داده است. ظاهراً این فایل صوتی بخشی از یک تماس تلفنی با نازیلا معروفیان در داخل زندان بوده است.

او در این فایل صوتی می‌گوید در حالی که حالش بد بوده به او «تعرض جنسی» شده است. انتشار این فایل صوتی واکنش‌های بسیاری را در شبکه‌های اجتماعی برانگیخت.

پیش از این هم گزارش‌هایی درباره آزار جنسی، تعرض و تجاوز به شماری از معترضان بازداشت‌شده در جریان خیزش انقلابی ایرانیان و دیگر مخالفان جمهوری اسلامی منتشر شده بود.

روزنامه گاردین ۱۷ بهمن سال گذشته گزارشی در این زمینه منتشر کرد و به نقل از ۱۱ معترض زن و مرد نوشت که آن‌ها در زمان بازداشت از سوی نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی مورد «تجاوز جنسی، خشونت جنسی، ضرب و شتم و شکنجه» قرار گرفته‌اند.

پیش از آن و در آذر ماه هم روزنامه نیویورک‌تایمز با انتشار گزارشی خبر داده بود ماموران امنیتی حکومت به صورت «سازماندهی شده» از «تجاوز» برای ساکت کردن زنان معترض استفاده می‌کنند.

مسلم‌ها زنان و مردان حق طبیعی‌شان است که هر لباسی با هر مدلی و رنگی دوست دارند بپوشند و یا نپوشند. البته گروه‌های بسیار کوچک و چند نفره مانند «فمن»‌ها، که به‌عنوان اعتراض لخت می‌شوند بحث دیگری است. زنان ایران در طول مبارزه خود، همواره آزادی می‌خواهند: آزادی بیان و اندیشه، آزادی سیاسی و تشکلیابی، آزادی سفر، آزادی کار و... می‌خواهند در حالی که خامنه‌ای، امام جمعه‌ها، مجلس خبرگان، مجلس شورای اسلامی، قوه مقننه، قوه قضاییه، قوه مجریه، فرماندهان سپاه و بسیج، نیروهای امنیتی، همه و همه یک صدا و طوطی‌واری تکرار می‌کنند که زنان می‌خواهند لخب بشوند و این هم توطئه آمریکا و اسرائیل و غرب علیه جمهوری اسلامی ایران است.

اقرار احمد توکلی به دروغ‌گویی در جمهوری اسلامی

احمد توکلی پس از به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی، سمت‌های مختلفی داشت: او رئیس شهربانی، رئیس کمیته انقلاب اسلامی و دادیار و دادستان انقلاب بهشهر بود. در آن زمان بهشهر به جهت اجرای دقیق حکم قصاص و قطع دست دزد شهرت داشت. در اولین دوره مجلس شورای اسلامی او

نماینده مردم بهشهر و عضو هیات رئیسه بود، در سال ۱۳۵۹ وزیر پیشنهادی رجایی به بنی‌صدر بود.

توکلی در کابینه میرحسین موسوی وزیر کار و سخن‌گو بود، و بعد از استعفا از سمتش، روزنامه رسالت را بنا نهاد.

در سال ۱۳۸۰ توکلی نماینده تهران بود و در مجلس هفتم، هشتم و نهم شورای اسلامی رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس نیز بود.

او در دو دوره در انتخابات ریاست جمهوری نامزد شد، و هر دو بار پس از هاشمی رفسنجانی و سیدمحمد خاتمی نفر دوم انتخابات شد.

او در انتخابات نهم ریاست جمهوری نیز از کاندیداها بود، اما به نفع محمدباقر قالیباف کنارگیری کرد.

توکلی موسس و اولین مدیرمسئول وب‌گاه الف است و موسس و رئیس هیئت مدیره دیده‌بان شفافیت و عدالت است. او همچنین رئیس هیئت امنای مجتمع فرهنگی و آموزشی پسرانه معلم است که در ۱۷ شهریور ماه سال ۱۳۶۹ تاسیس شده است.

احمد توکلی که خود یکی از مقامات دروغگو، ویژه‌خوار، فاسد و رانت‌خوار در جمهوری اسلامی ایران است (از اعلام نادرست تعداد فرزندان همراه در تحصیل رانتی در بریتانیا برای گرفتن ارز بیشتر و گرفتن ارز برای تاسیس چاپخانه در دوران خاتمی، تا گرفتن سه هزار

متر زمین در سعادت‌آباد برای تاسیس مدرسه) به یک واقعیت در جمهوری اسلامی ایران اشاره کرده است: «چنان شده که هرچه بگوییم، مردم می‌گویند که «دروغ است»! باید بپذیریم که ما به مردم دروغ گفتیم که حالا مردم به این نتیجه رسیده و به ما می‌گویند «دروغگو». حالا عده‌ای بیایند و به درستی بگویند که همه به مردم دروغ نگفتند. ولی باید توجه داشته باشیم وقتی که جمع کثیری از مسئولان یک نظام سیاسی درباره مسائل و معضلات به مردم دروغ می‌گویند و حقیقت را پنهان می‌کنند، مردم این اقدام را به کل مسئولان آن نظام سیاسی تعمیم می‌دهند و نمی‌گویند که مثلاً فقط فلان فرد دروغ گفت و بقیه نگفتند. ما شده‌ایم چوپان دروغگو و باید بپذیریم که اعتماد مردم به ما مسئولان در قیاس با گذشته بسیار کمتر شده است.» (در گفت‌وگو با روزنامه اعتماد ۲۶ مرداد ۱۳۹۹)

او این سخنان را بعد از مصاحبه تلویزیونی پرویز فتحاح، رئیس بنیاد مستضعفان، و ذکر بازنگرداندن اموال بنیاد از سوی اشخاص حقیقی و حقوقی (در مقیاس ده‌ها هزار میلیارد تومان) مطرح می‌کند، در حالی که رئیس بنیاد بعد از آن که همه نهادها و افرادی که ذکر آن‌ها رفته بود، در اختیار داشتن اموال را پذیرفتند و آن را به مجوز رهبر نسبت دادند، از آن سخنان معذرت‌خواهی کرد.

«دو سانتی کردن آلت تناسلی مردان مسلمان ایرانی»

حسین روازاده، متولد ۲۶ مرداد ۱۳۳۵ در تهران است، برابر اطلاعات تارنمای سازمان نظام پزشکی، یک پزشک عمومی است. او می‌گوید که دانش آموخته از دانشگاه تهران است و بیماران خود را با استفاده از «طب سنتی» و «طب اسلام» درمان می‌کند. حسین روازاده مدعی است احیاگر حجامت در ایران است و هر پزشکی که در ایران حجامت انجام می‌دهد، مستقیم یا با واسطه شاگرد وی بوده‌است. او که مطالعاتی در زمینه طب سنتی و گیاهان دارویی دارد. بازگشت به تغذیه سنتی و اسلامی را راه رسیدن به سلامت می‌داند و وضعیت نامناسب تغذیه در ایران را به عوامل خارجی نسبت می‌دهد. او که مدتی عقاید خود را در برنامه‌های صدا و سیما ابراز می‌کرد، اکنون در تارنمای خود دیدگاه‌هایش را بیان می‌کند. این دیدگاه‌ها، مورد چالش و نقد نشریات علمی طب جدید قرار گرفته‌است. روازاده که استفاده از خمیردندان پیش از خواب را باعث پوسیدگی دندان می‌داند و...

حسین روازاده در سخنرانی‌های متعدد گفته است: «دو سانتی کردن آلت تناسلی مردان مسلمان ایرانی» توطئه یهودی‌هاست و در مبارزه‌ای ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی برای حل مشکل دو سانتی «روغن

زالو»ی تولیدی بساط خودش را به بازار عرضه کرد تا بازار داروئی «صهیونیستی و امپریالیستی» را کساد کند
به گفته این طبیب طب قرانی- اسلامی واکسن‌هایی که «انگلیسی‌ها و یهودی‌ها» به‌منظور کاهش اندازه آلت تناسلی مردان مسلمان به کار برده‌اند، عامل کوچک شدن آلت تناسلی مردان مسلمان تا حد نابودی و از بین رفتن آن است.

دکتر روازاده سخنانش درباب اندازه آلت تناسلی را برابر شنوندگانی که اکثراً خواهران محجبه و کودکان‌اند، بیان می‌کند. او گفته است:
«... اینا به مرغ ۱۷ نوع واکسن می‌زنن، هیچ‌کدوم برای مرغ نیس، هدف شمائین و بچه‌هاتونن ... بچه‌هاتون وقتی سن‌شون رسید به ۱۸ سالگی همشون بدون استئنا آلت تناسلی شون می‌شه دو سانت، می‌شه این‌قدر(و جناب دکتر با دست اندازه را نشان می‌دهد که مبادا کسی در میزان اشتباه کند) ... انگلیس همه عقده هاشو می‌خواد سر ما خالی کنه ... همه شم یهودی‌ها دارن اینکارو می‌کنن، متأسفانه جوان‌های ما همه شون اینقدری هستن، دو سانتی هستن ... هیچ‌کدوم نمی‌تونن زن بگیرن، روشونم نمی‌شه به خانواده شون بگن، مشکل پیدا می‌کنن، نسل بعدی که ۲۰ سالش بشه دیگه هیچی نداره ... زن و مرد یکی می‌شن ... توطئه می‌کنن علیه ما، هی بگین مرغ نخوریم چی بخوریم ... برین سرتونو بزنین به دیوار»

گرمی تهیه و تولید شده است «... آقا این واکسن کزاز توش موادی هست که بچه تورو نازا می‌کنه، به زن و شوهری که قبل از ازدواج می‌گن واکسن کزاز بگیرین، آقا مگه چند نفرتو کشور می‌خوان کزاز بگیرن، اگه ده نفر از بیماری کزاز بمیرن بهتره تا این‌که کل کشور نازا بشود ... کتاباشونو که می‌خونین می‌گن ما در سوئد توانستیم به بهانه کزاز سه دهه واکسن کزاز به سوئدی‌ها بزنین و نسل شونو منقرض کنیم... واکسن سه گانه زدین جوونای امروز مارو دیدین چه بدبختی دارن با مردونگی شون... الان هم واکسن پنج‌گانه می‌زنن به این بچه‌ها... وقتی اینا ۱۵ سال یا ۱۷ سال شون بشه، این بچه، آقایون آلت تناسلی جوان ۲۰ ساله ما یک بند انگشت خواهد شد، به فریاد جوونا برسین، برین ببینین نوزاد تازه تولد شده یهودی‌ها آلت تناسلی شون ۸ سانته...»



مزار مجید کاظمی، قبل و بعد از به آتش کشیده شدن

موخره

در نخستین سالگرد جان باختن مهسا، فضای جامعه ایران به شدت امنیتی شده است و این مسئله نشان می‌دهد که شکاف بین حاکمیت و بخش آگاهان و انقلابی جامعه و در پیشاپیش همه زنان و جوانان، عمیق‌تر از گذشته شده است. شکافی که تنها سرنگونی جمهوری اسلامی می‌تواند آن را پر کند و جامعه ایران وارد یک دوران نوینی از زندگی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی خویش شود.

جمهوری اسلامی در ماه‌های گذشته همه وحشی‌گری‌های خود را به کار بسته بود تا از خیزش مجدد جنبش انقلاب «زن، زندگی، آزادی»، جلوگیری نمایند. در هیم اواخر ده‌ها تن را اعدام و صدها تن دیگر را دستگیر و زندانی کرده است و سانسور و خفقان شدید بر جامعه اعمال کرده است اما با این وجود، در نخست سالگرد جان‌باختن مهسا (ژینا) امینی در شهرهای مختلف ایران تجمعات اعتراضی بر علیه جمهوری اسلامی برگزار شده و اخبار و گزارشات ضد و نقیضی منتشر شده است.

پس از به آتش کشیده شدن مزار مجید کاظمی، معترض اعدام شده در اصفهان، در صبح پنج‌شنبه ۱۸ خرداد ۱۴۰۲، پسرخاله او با انتشار توییتی گفت که این کار «ماموران» حکومت بوده است.

محمد هاشمی، پسرخاله مجید کاظمی، روز پنج‌شنبه ۱۸ خرداد اعلام کرد که آتش‌زدن مزار پس از آن رخ داد که شب قبل مقامات امنیتی جمهوری اسلامی در تماسی با خانواده مجید کاظمی، به آن‌ها گفتند که حق ندارند در سالروز تولدش به مزار او بروند.

مجید کاظمی یکی از سه معترض اعدام شده در ارتباط با پرونده «خانه اصفهان» است. پسرخاله او در ادامه خطاب به مقامات جمهوری اسلامی نوشت: «این آتش، گریبانگیر عبای خودشان خواهد شد و برای ما ملت ایران، آنچه باقی می‌ماند نوری است که از مزار قهرمانانمان می‌تابد.»

هاشمی تاکید کرد که از این آتش «هزاران مجید»، «آوازخوان و «مرگ بر جمهوری اسلامی» گویان، به سان ققنوس، متولد خواهند شد.» او اضافه کرد: «جنایت را به بی‌نهایت برسانید، آتش بزنید، مزار عزیزان مان را بسوزانید، نور راهمان، مشعل پیروزی مان خواهد شد.»

تخریب مزار کشته‌شدگان اعتراضات و معترضان اعدام شده پیش از این نیز سابقه داشته؛ از جمله نیروهای حکومتی تاکنون دو بار شیشه‌های مزار مهسا امینی را شکسته‌اند و سنگ قبر محسن شکاری را نیز دو بار در یک هفته تخریب کرده‌اند.

علاوه بر این، مقامات جمهوری اسلامی پیکر برخی زندانیان اعدام‌شده را به خانواده‌ها و نزدیکان آن‌ها تحویل نمی‌دهند.

اکثر مواردی که در بالا ذکر شد مربوط به چند ماه گذشته است؛ اما دروغ و دروغ‌گویی در جمهوری اسلامی از زمانی آغاز شد که از «عکس امام در ماه» سخن به میان آمد.

این دروغ‌سرایی و بنا نهادن حکومت بر دروغ تا امروز پیش آمده و منحصر به فرد و جناح خاص یا مواردی معین نیست. کم‌وبیش هر مقام، با هر جناح سیاسی، در هر زمان، در مورد هر موضوعی دروغ می‌گوید و رهگیری دروغ‌ها به هر نهاد و مسئولی می‌رسد.

علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، گفته است: هرکس ادعا کند به دلیل انتقاد به حکومت تحت فشار قرار گرفته دروغ می‌گوید. می‌توان از جرم‌انگاری همین دروغ او آغاز کرد.

دروغ‌هایی که در تمامی مثال‌های بالا ذکر شد از نوع برخی دروغ‌ها که گاه در عرصه سیاسی کشورهای مختلف گفته می‌شود نیست؛ ممکن است حکومتی مدعی شود برای حفظ اسرار نظامی-امنیتی خود گاهی ناچار است حقیقت را پنهان کند. اما در مثال‌های بالا به این نوع دروغ‌های جمهوری اسلامی اشاره‌ای نشد.

ضمناً اینکه جامعه ایران چگونه به دروغ نگاه می‌کند و دروغ چقدر در بین مردم رایج یا غیررایج است نیز موضوع این یادداشت نیست. مردم یک کشور، فارغ از این‌که به دروغ‌گویی گرایش بیشتری داشته باشند یا به راست‌گویی، سنجش نسبت‌شان با حقیقت اساساً متفاوت از دروغ‌گویی مقام‌های حکومتی است.

مهم‌ترین و نخستین دلیل این است که دروغ گفتن در سپهر سیاسی ایران عمدتاً جرم نیست و نهایتاً رذالتی اخلاقی است که ممکن است جناح رقیب از آن بهره‌برداری کند. این مهم‌ترین تفاوت دروغ‌گویی در بین سیاست‌مداران ایران و دیگر کشورهاست؛ بر ملا شدن دروغ یک مسئول

در کشورهای مختلف دنیا معمولاً پیامدی جدی به دنبال می‌آورد و گاه حتی به سقوط مجموعه دولت می‌انجامد.

به هر روی تا زمانی که دروغ و دروغ‌گویی صرفاً مذمتی اخلاقی دارد و در رفتار حقوقی با آن به عنوان جرم برخورد نشود، دروغ و تقلب سکه رایج است و ادبیات سیاسی به مواردی از قبیل دروغ ۶۳ درصدی پیوند می‌خورد.

مقامات جمهوری اسلامی ایران، نقش‌های متفاوتی بر عهده دارند. آن‌ها فرمان شکنجه و اعدام می‌دهند، اما خود را معصوم‌تر از هر کش نشان می‌دهند. دستور قتل و ترور می‌دهند، اما امام جماعت هم هستند. اموال عمومی را غارت می‌کنند، اما در نقش معلم اخلاق در تلویزیون هم ظاهر می‌شوند. همه وقایع منفی و معضلات و کمبودهای کشور را به دشمنان خارجی نسبت می‌دهند. تنها با دروغ می‌توانند این نقش‌ها را با هم جمع کنند.

مقامات جمهوری اسلامی ایران، با وجود این همه وحشی‌گر و جنایات و فسادها و تقلبات خود، خواهان محبوبیت و احترام در جامعه نیز هستند. آن‌ها بعد از چهل و چهار سال جنایت و فساد، هنوز خود را حق می‌پندارند و برای این حق‌پنداری، طلب احترام دارند. بدون دروغ، این احترام از سوی برخی اقشار ممکن نمی‌شود.

در این جاست که باید دروغ بگویند و ادعا کنند که همه زنان ایرانی «غیر از گروهی فریب‌خورده و فاسد»، به حجاب باور دارند، یا حجاب، سنت جامعه ایران است. یا وقتی زنان را از رفتن به ورزشگاه‌ها برای تماشای مسابقات منع می‌کنند، مدعی می‌شوند که خود زنان تمایل ندارند به مسابقات بروند.

مسئله مهم در این‌جا، این است که چرا مقامات جمهوری اسلامی ایران تا این حد آگاهانه، اطلاعات نادرست در اختیار عموم می‌گذارند. مقامات جمهوری اسلامی ایران دلایل گوناگونی برای دروغ‌گویی دارند. مهم‌ترین دلایل دروغ‌گویی مسئولان ریز و درشت سیاسی، نظامی، قضایی و امنیتی جمهوری اسلامی، گرفتن پست و مقام بالاتر در حکومت است. مقامات پایین‌تر دروغ می‌گویند تا از مقامات بالاتر پاداش بگیرند. کسب قدرت بیشتر، یکی از این پاداش‌هاست. همچنین، مقامات پایین‌تر بدون دروغ‌گویی نمی‌توانند مقام خود را حفظ کنند و از امکانات بی‌حساب و کتاب آن برخوردار شوند.

مقامات پایین‌تر آگاهند که دستگاه‌های امنیتی آن‌ها را تحت نظر دارند و اگر حقیقت را بگویند، تنبیه می‌شوند. جمهوری اسلامی ایران، با تیم‌های تروری که دارد و با پرونده‌سازی مدام برای همگان، این ترس را در میان مدیران ایجاد کرده است که در صورت تخلف از روال‌های جاری،

مجازات می‌شوند. یک روال جاری، کتمان حقایق یا بیان برخی از حقایق و وارونه کردن حقایق است.

مقامات بالاتر دروغ بزرگ می‌گویند تا برتری خود را حفظ کنند. دروغ برای فریب مردم است. دروغ‌گویی در نظامی که اساسش بر فریب گذاشته شده است (آب و برق و خانه مجانی برای همگان) به خودفریبی دیگران کمک می‌کند. نخست خمینی و سپس علی خامنه‌ای، رسماً مهندسی اجتماعی و فرهنگی را تبلیغ کردند و این فریب جامعه را برای بقای حاکمیت‌شان مفید و موثر و کاری می‌دانند.

